

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسئول: علی فرخنده

مدیر داخلی: محمود رضائی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب‌الله احمدی
 ۲. دکتر محمد بهنام‌فر
 ۳. دکتر هادی پورشافی
 ۴. دکتر الکساندر چولوخادزه
 ۵. دکتر محمد تقی راشد محصل
 ۶. دکتر مفید شاطری
 ۷. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۸. دکتر ویلم فلور
 ۹. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۰. دکتر محمدرضا مجیدی
 ۱۱. دکتر جواد میکانیکی
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان
استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند)
استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار: سمیه پورسلطانی

امور فنی: فائزه دستگردی

ویرایش انگلیسی: دکتر سعید عامری

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی-هنری ذره‌بین رسانه نوین

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۳۹۳-۰۵۶ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: Farhangekhorasan@gmail.com

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آرا و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسئول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | | |
|------------------------|---|---|
| فریبا افکاری | - | استادیار و مدیر گروه نسخ خطی بنیاد ایرانشناسی |
| هادی پورشافعی | - | دانشیار دانشگاه بیرجند |
| علیرضا تشکریان جهرمی | - | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ابراهیم تقوی | - | استادیار دانشگاه فرهنگیان بیرجند |
| سلیمان حیدری | - | دانشیار دانشگاه شیراز |
| مژگان خیراللهی ازناوله | - | استادیار دانشگاه بیرجند |
| زهرا شیرزور علی آبادی | - | استادیار دانشگاه بیرجند |
| طاهره صادقلو | - | دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد |
| مریم عظیمی نژاد | - | مربی دانشگاه بیرجند |
| مرتضی عطایی | - | استادیار دانشگاه مازندران |
| زهرا علیزاده بیرجندی | - | دانشیار دانشگاه بیرجند |
| فاطمه نصیری | - | استادیار دانشگاه مازندران |



پیشینه: مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان حائز درجه علمی ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۲۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی در ارزیابی سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com؛ پرتال جامع علوم انسانی آدرس <http://ensani.ir/fa/article/journal/1831/> گوگل اسکالر https://scholar.google.com/citations?viewop=list_works&hl=en&user=hUhxDv4AAAAJ پایگاه سیوبلیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>؛ پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی www.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش با تمرکز در دو حوزه فرهنگی و اجتماعی در گستره خراسان را که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱- ساختار مقاله دارای عنوان، چکیده، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بیان مسئله، روش‌شناسی، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، منابع و ارجاعات دقیق و در صورت لزوم، پیوست‌ها باشد.
۲- مقاله در محیط Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۳ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود.

۳- صفحات مقاله اگر در قالب A4 باشد حداکثر ۱۸ صفحه و اگر در قالب ۱۶/۵ * ۲۳/۵ (وزیری) باشد (طبق قالب بارگذاری شده در سامانه template) حداکثر ۲۵ صفحه باشد. مجله از پذیرش مقاله‌های طولانی (بیش از ۸۰۰۰ واژه) معذور است.

۴- چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و واژه‌های کلیدی (سه تا هفت کلمه) است.
۵- ارسال چکیده مبسوط به فارسی و لاتین توسط نویسنده الزامی و پس از داوری مقاله توسط نویسنده ارائه می‌گردد. جهت تنظیم چکیده مبسوط به راهنمای نویسندگان در سامانه مراجعه نمایید.

۶- معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی، اصطلاحات غیررایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۷- جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300px)، با شماره و عنوان گویا (B Nazanin 12 Regular) و همچنین ذکر مأخذ در ذیل هر کدام (B Nazanin 12 Regular) آورده شود.

۸- ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۹- فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۹-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاژ*. تهران: نشر علم.

۹-۲- مقاله

شاطری، مفید. (۱۳۸۵). گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان. *فرهنگ خراسان جنوبی*، ۱ (۱)، ۴۹-۶۶.

۹-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد. (۱۳۸۹). اثرات مهاجرت های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی. *مجموعه مقالات اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت*، جلد ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۹-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا. (۱۳۷۰). *رویاری اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی*. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۹-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا. (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۹-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت. (۱۳۸۶). *شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی*. بازیابی شده در:

از: <http://www.Farhanghenasi.com/article/s/9/5/html>، ۱۳۸۸/۸/۲

۱۰- نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه نویسنده بر روی صفحه جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده دارد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسئول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۱۱- مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب نظر مرتبط با موضوع مقاله ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

۱۲- جهت اطلاعات بیشتر و تنظیم مقاله، نحوه نگارش ارجاعات درون متنی و منابع به راهنمای نویسندگان در سامانه فصلنامه مراجعه نمایید.

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی. تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴
دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

آدرس وبگاه: <http://farhangekhorasan.ir>

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: farhangekhorasan@gmail.com

فهرست مطالب

- ارائه‌ی الگوی مدیریت عملکرد سازمانی در بخش دولتی ایران با رویکرد حکمرانی الکترونیک

علی بهدانی، زهرا رجائی، نورمحمد یعقوبی، منیره صالح‌نیا ۹

- گونه‌شناختی و گاه‌نگاری سفالینه‌های پیش از تاریخ محوطه‌ی «قشه‌توت» در شمال شرق ایران

محبوبه رحمت‌زاده، مریم ظهوریان، میثم نیکزاد، حسین کوهستانی، بهرام عنانی ۵۳

- شناسایی و تحلیل رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده‌ی کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند

مهدی رشیدی، امیررضا رحیمی، فرشته اسدزاده ۸۷

- معرفی نسخه‌ی «وسيله‌السائلین»: اجوبه‌ای از ابوطالب قائنی

حمیدرضا رویایی، مریم حسینیایی ۱۲۹

- تحلیل و امکان‌سنجی عناصر قومی و بومی در تدوین الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی

شهربانو دهرویه، مریم حافظیان، زهرا حسنی ۱۴۹

- گردشگری رویدادهای آیینی و پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی با زادگاه اجدادی خود (منطقه‌ی مورد مطالعه: روستاهای شهرستان نیشابور و زبرخان)

زهرا قربانعلی مزرگی، حمدالله سجاسی قیداری، خدیجه بوذرجمهری ۱۸۷



Presenting a Model for Organizational Performance Management in Iran's Public Sector with an Electronic Governance Approach

Ali Behdani¹
Nour-Mohammad Yaghoubi³

Zahra Rajaei²
Nour-Mohammad Yaghoubi⁴

Received: 25/2/2025

Accepted: 9/3/2025

Introduction

In recent years, increasing environmental complexities, rising citizen expectations, and resource constraints have intensified pressure on public sector organizations to enhance their performance through modern approaches such as e-governance. This study aims to design an organizational performance management model for the public sector with an e-governance approach.

Method

This research is fundamental in nature and applied in purpose. It employs a qualitative methodology using grounded theory, specifically the systematic approach of Strauss and Corbin, to develop and identify key themes for the proposed model. The research population consisted of two groups: academic experts and practitioners specializing in organizational performance management. Participants in the qualitative phase included university scholars with expertise in management, specialists in human resource management and organizational behavior, and key officials involved in organizational performance within the Management and

1. Ph.D. Student, Department of Public Administration, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran. Email: alibehdani8689@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-3515-2817>

2. Assistant Professor, Department of Public Administration, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: zahrarajaei@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-2355-3471>

3. Professor, Department of Management, Faculty of Management, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-6808-0594>

4. Assistant Professor, Department of Public Administration, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran. Email: salehnamonir@iaubir.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-9322-4112>



COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

Planning Organization. A purposive and theoretical sampling method was employed, reaching theoretical saturation after 24 interviews. The data were analyzed using MAXQDA (version 21) through open, axial, and selective coding. Model validity was assessed based on Guba and Lincoln's (1985) criteria, while reliability was confirmed using MAXQDA software, yielding a reliability coefficient of 0.74, indicating strong model consistency.

Findings

The results identified six key components influencing organizational performance management:

1. Core Phenomenon – Includes organizational networking, transparency and accountability, sustainability, resource optimization, leadership, and intelligent management.
2. Contextual Factors – Encompasses policies and laws, research and study support, cultural development, and e-governance infrastructure.
3. Causal Factors – Includes knowledge management and change management.
4. Intervening Factors – Comprises economic dynamics, human resource utilization, governmental and political interventions, and financial resource attraction.
5. Strategies – Includes competitiveness, strategic document development, interactive participation, cultural development, and employee empowerment.
6. Consequences – Encompasses socio-cultural, organizational, and economic impacts.

Conclusion

Implementing an effective organizational performance management system based on e-governance requires leveraging civil society capacity, revising cyberspace policies and regulations, updating knowledge management systems, ensuring continuous performance monitoring, promoting justice and the rule of law, optimizing resource management, and empowering employees and decision-makers. Additionally, recognizing outstanding performance through awards and incentives, developing long-term strategic and operational plans, and fostering a culture of innovation and accountability are essential for successful implementation in public sector organizations.

Keywords: Organizational Performance Management, Public Sector, E-Governance, South Khorasan, North Khorasan

References

- Abdarzadeh, P., Roshandel Arbatani, T., Keimasi, M., & Aghili, S. V. (2021). Modelsāzī vaz'iyat ḥokūmrani-ye khūb-e elektronik dar fazā-ye kasb-o-kār-e majāzī dar ṣan'at-e bīmeh [Modeling the status of good electronic governance in the virtual business space of the insurance industry]. *Business Management*, 13(4), 864-885. [In Persian]
- Abulma'ali, F. S., Daneshfard, K., & Pourezat, A. A. (2020). Tarāḥī-ye olgū-ye eṣlāḥāt-e edārī bā rüykarde ḥukūmatdārī-ye dijītāl [Designing an administrative reform model with a digital governance approach]. *Public Organizations Management*, 8(3), 11-32. [In Persian]
- Aguinis, H. (2013). *Performance management* (3rd ed.). Pearson Prentice Hall.
- Al-Aiban, K. M. (2024). Sustainable growth in expanded BRICS: Linking institutional performance, digital governance, and green finance to environmental impact. *The Asian Bulletin of Contemporary Issues in Economics and Finance*, 4(1), 81-102.
- Alkhodary, D. A., Jreissat, E. R., Saidat, Z., Ali, H., & Hasan, E. F. (2023). Examining the impact of e-governance on the performance of corporations: A case study of companies in Jordan. *Information Science Letters*, 12(6), 2599-2617.
- Andersen, L. B., Pedersen, L. H., & Petersen, O. H. (2018). Motivational foundations of public service provision: Towards a theoretical synthesis. *Perspectives on Public Management and Governance*, 1(4), 283-298.
- Atobishi, T., Abu Bakir, S. M., & Nosratabadi, S. (2024). How do digital capabilities affect organizational performance in the public sector? The mediating role of organizational agility. *Administrative Sciences*, 14(2), 37.
- Azadian, Y. (2023). Barrāsi-ye naqsh-e āmadagī-ye elektronikī va taḥaqquq-e daulat-e elektronikī bar 'amal-kard-e 'amalīyātī-ye sāzmān-hā-ye dowlatī: Moṭāle'e-ye morīdī: Sāzmān-e qalleh ostān-e Māzandarān [Investigating the role of electronic readiness and the realization of e-government on the operational performance of government organizations: A case study of the Grain Organization of Mazandaran Province]. *New Research Approaches in Management and Accounting*, 7(24), 1782-1764. [In Persian]
- Bianchi, C., & Caperchione, E. (2022). Performance management and governance in public universities: Challenges and opportunities. In *Governance and performance management in public universities: Current research and practice* (pp. 1-14).
- Cascio, W. F. (2006). Global performance management systems. In *Handbook of research in international human resource management* (pp. 176-196).
- Chua, C. (2014). Digital governance implementation and institutional performance of state universities and colleges (SUCs) in the Philippines. *Computer Engineering and Intelligent Systems*, 5(2), 53-61.
- Cordery, C. J., Goncharenko, G., Polzer, T., McConville, D., & Belal, A. (2023). NGOs' performance, governance, and accountability in the era of digital transformation. *The British Accounting Review*, 55(5), 1-11.

- Creswell, J. (2002). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (3rd ed.). SAGE Publications.
- Danaeifard, H., & Emami, M. (2007). Estrātijī-hā-ye pažūhesh-e kīfī: Ta'ammolī bar nazārīyeh-pardāzī-ye dādah bonyād [Qualitative research strategies: A reflection on grounded theory]. *Management Thought*, 1(2), 69-97. [In Persian]
- Deqati, A., & Yaqoubi, N. (2021). Shenāsā'ī-ye 'avāmel-e mo'athar bar estqār va tosa'eh-ye ḥukūmatdārī-ye elektronīk dar sāzmān-hā-ye dowlatī [Identifying the factors affecting the establishment and development of e-governance in government organizations]. *Governance and Development*, 2(2), 1-25. [In Persian]
- Deqati, A., Yaqoubi, N., Kamalian, A. R., & Dehghani, M. (2020). Tarāhī-ye olgū-ye estqār va tosa'eh-ye ḥukūmatdārī-ye khūb-e elektronīk bā estefāde az rūykard-e farā-tarkīb [Designing a model for the establishment and development of good e-governance using a meta-synthesis approach]. *Management Research in Iran*, 24(2), 1-34. [In Persian]
- Donahue, J. D., & Nye, J. S. (Eds.). (2004). *Market-based governance: Supply side, demand side, upside, and downside*. Rowman & Littlefield.
- Drobayzko, S., Barwińska-Małajowicz, A., Ślusarczyk, B., Zavidna, L., & Danylovykh-Kropyvnytska, M. (2019). Innovative entrepreneurship models in the management system of enterprise. *Journal of Entrepreneurship Education*, 22(4), 1-6.
- Engidaw, A. E. (2022). Small businesses and their challenges during COVID-19 pandemic in developing countries: The case of Ethiopia. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 11(1), 1-14.
- Estarki, S. L. (2023). Tarāhī-ye model-e ḥukūmatdārī-ye elektronīk dar nezām-e salāmat (moṭāle'eh-ye morīdī: vezārat-e behdāsht, darmān va āmūzesh-e pezeshkī-ye Irān) [Designing an e-governance model in the health system: A case study of the Ministry of Health, Treatment, and Medical Education of Iran]. *Science and Technology Policy Letter*, 13(2), 5-21. [In Persian]
- Freidson, E. (2001). *Professionalism, the third logic: On the practice of knowledge*. University of Chicago Press.
- Frinaldi, A., Putri, N. E., Embi, M. A., & Afdalisma. (2023). Public sector performance and digital governance effectiveness predicted by community happiness as a representation of culture. *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, 10(2), 90-108.
- Gautam, A., & Jain, S. (2016). Implementing performance management systems: A strategic tool for human resource management. In *Emerging trends in HR* (pp. 1-13). Meerut Conference.
- Gerrish, E. (2016). The impact of performance management on performance in public organizations: A meta-analysis. *Public Administration Review*, 76(1), 48-66.
- Grand, J. L. (2011). Quasi-market versus state provision of public services: Some ethical considerations. *Public Reason*, 3(2), 80-90.

- Hasangholipour, H., Amiri, M., & Pourezat, A. A. (2017). Tosa'eh-ye model-e arzeshyābī-ye khaṭ-mashy-e negāhdāsht-e asar-bakhsh-e a'zā-ye hey'at-e 'elmī dar āmūzesh-e 'ālī [Development of an evaluation model for the effective retention of faculty members in higher education]. *Public Administration*, 9(3), 516-489. [In Persian]
- Heinrich, C. J. (2015). The role of performance management in good governance and its application in public education. *Employment Research Newsletter*, 22(3), 2.
- Jakobsen, M. L., Baekgaard, M., Moynihan, D. P., & van Loon, N. (2018). Making sense of performance regimes: Rebalancing external accountability and internal learning. *Perspectives on Public Management and Governance*, 1(2), 127-141.
- Joulaei, H., Salavati, A., Ahmadi, K., & Mohammadi, A. (2019). Tabyīn-e 'anāṣer-e mohtavā'ī-ye olgū-ye modīrīyat-e 'amal-kard-e mobtanī bar ḥukūmatdārī-ye khūb dar bakhsh-e dowlatī [Explaining the content elements of a performance management model based on good governance in the public sector]. *Public Management Research*, 12(45), 187-210. [In Persian]
- Kompella, L. (2017). E-Governance systems as socio-technical transitions using multi-level perspective with case studies. *Journal of Technological Forecasting and Social Change*, 123, 80-94.
- Leoni, G., Maione, G., & Mazzara, L. (2023). Digital governance for addressing performance challenges within inter-municipalities. In *Big data and decision-making: Applications and uses in the public and private sector* (pp. 27-42). Emerald Publishing Limited.
- Leoni, G., Maione, G., & Mazzara, L. (2023). Digital governance for addressing performance challenges within inter-municipalities. In *Big data and decision-making: Applications and uses in the public and private sector* (pp. 27-42). Emerald Publishing Limited.
- Lu, L. (2023). Enhancing organizational performance: Unveiling the dynamics of performance management and employee engagement. *Academic Journal of Business & Management*, 5(19), 46-50.
- Manoharan, A. P., Melitski, J., & Holzer, M. (2023). Digital governance: An assessment of performance and best practices. *Public Organization Review*, 23(1), 265-283.
- Mirfakhraldini, F. S. (2022). Tarāḥī-ye chārchūb-e sath-bandī-ye me'yār-hā-ye modīrīyat-e 'amal-kard dar ṣan'at-e hotel-dārī dar zamān-e sheyū'-e vīrūs-e korūnā [Designing a framework for ranking performance management criteria in the hotel industry during the COVID-19 pandemic]. *Tourism Management Studies*, 17(59), 195-244. [In Persian]
- Mitra, R. K., & Gupta, M. P. (2008). A contextual perspective of performance assessment in e-Government: A study of Indian Police Administration. *Government Information Quarterly*, 25(2), 278-302.
- Mone, E. M., London, M., & Mone, E. M. (2018). *Employee engagement through effective performance management: A practical guide for managers*. Routledge.

- Moynihan, D. P. (2006). Managing for results in state government: Evaluating a decade of reform. *Public Administration Review*, 66(1), 77-89.
- Moynihan, D. P., Fernandez, S., Kim, S., LeRoux, K. M., Piotrowski, S. J., Wright, B. E., & Yang, K. (2011). Performance regimes amidst governance complexity. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 21(suppl_1), i141-i155.
- OECD. (2004). *Policy brief: The OECD principles of corporate governance*. Organization for Economic Co-operation and Development.
- Pang, M. S., Lee, G., & DeLone, W. H. (2014). IT resources, organizational capabilities, and value creation in public-sector organizations: A public-value management perspective. *Journal of Information Technology*, 29(3), 187-205.
- Perry, J. L., Hondeghem, A., & Wise, L. R. (2010). Revisiting the motivational bases of public service: Twenty years of research and an agenda for the future. *Public Administration Review*, 70(5), 681-690.
- Peyghan, s., & Agha Davood, R. (2020). *Barrsi asarate modūriyat-e keifiat jāme bar amalkarde sazmani* [Investigating the effects of total quality management on organizational performance]. National Conference on Improvement and Rebuilding of Organizations and Businesses. Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian]
- Rajaie, Z., & Shabani, M. (2023). Vākāvī-ye ba'zī bāyesteh-hā-ye modūriyat va ḥukūmatdārī-ye eslāmī dar sīmā-ye nāneh-ye 53-ye Nahj al-Balāghah [An analysis of some requirements of Islamic management and governance in the light of Letter 53 of Nahj al-Balagha]. *Governance and Development*, 4(1), 115-136. [In Persian]
- Razak, R. C. (2011). Amalan sistem penyampaian perkhidmatan dan prestasi pihak berkuasa tempatan. *Conference Master Resources*.
- Reid, G. J. (2008). Actionable governance indicators—concepts and measurement. *Administrative and Civil Service Reform (ACSR) Thematic Group, The World Bank, Washington DC*, February, mimeo.
- Ritter, J. A., & Taylor, L. J. (1997). Economic models of employee motivation. *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, 79(5), 3–21.
- Rogge, K. S., & Reichardt, K. (2016). Policy mixes for sustainability transitions: An extended concept and framework for analysis. *Research Policy*, 45(8), 1620-1635.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology*, 61, 101860.
- Saunila, M., Ukko, J., Nasiri, M., & Garengo, P. (2024). The role of digital governance in the integration of performance measurement systems uses and Industry 4.0 maturity. *International Journal of Computer Integrated Manufacturing*, 37(7), 809-822.
- Saunila, M., Ukko, J., Nasiri, M., & Garengo, P. (2024). The role of digital governance in the integration of performance measurement systems uses and Industry 4.0 maturity. *International Journal of Computer Integrated Manufacturing*, 37(7), 809-822.

- Savedoff, W. D. (2011). Governance in the health sector: A strategy for measuring determinants and performance. *World Bank Policy Research Working Paper*, (5655).
- Schneider, A., & Ingram, H. (1990). Behavioral assumptions of policy tools. *The Journal of Politics*, 52(2), 510-529.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research* (Vol. 15). SAGE Publications.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. SAGE Publications.
- Sukmana, H. T., Wibowo, V., & Kurniawan, H. (2022). The influence of IT governance and digital technology adoption on institutional performance mediated by instructional leadership. In *2022 10th International Conference on Cyber and IT Service Management (CITSM)* (pp. 01-06). IEEE.
- Talbot, C. (2008). Performance regimes—the institutional context of performance policies. *International Journal of Public Administration*, 31(14), 1569-1591.
- Virani, A., & van der Wal, Z. (2023). Enhancing the effectiveness of public sector performance regimes: A proposed causal model for aligning governance design with performance logics. *Perspectives on Public Management and Governance*, 6(1), 54-65.
- Vogt, M., & Hales, K. (2010, January). Strategic alignment of ICT projects with community values in local government. In *2010 43rd Hawaii International Conference on System Sciences* (pp. 1-10). IEEE.
- Wright, B. E., & Pandey, S. K. (2008). Public service motivation and the assumption of person—organization fit: Testing the mediating effect of value congruence. *Administration & Society*, 40(5), 502-521.
- Wu, X., & Ramesh, M. (2014). Market imperfections, government imperfections, and policy mixes: Policy innovations in Singapore. *Policy Sciences*, 47, 305-320.
- Ziaee-Pour, E., Mohammadian, A., Khosh-Alhan, F., & Taghizadeh, A. (2011). Chārchūb-e ab'ād-e āmadagī-ye elektronīkī-ye mellī bar asās-e rūykarde-ye sīstemī [A framework for national electronic readiness dimensions based on a systemic approach]. *Information Technology Management*, 3(8), 97-114. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

ارائه‌ی الگوی مدیریت عملکرد سازمانی در بخش دولتی ایران با رویکرد حکمرانی الکترونیک

علی بهدانی^۱ زهرا رجائی^۲ نورمحمد یعقوبی^۳ منیره صالح‌نیا^۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_216932.html

چکیده

در سال‌های اخیر، پیچیدگی‌های محیطی، افزایش انتظارات شهروندان و محدودیت منابع از یک سو و پیشرفت‌های فناورانه از سوی دیگر فشار مضاعفی بر سازمان‌های دولتی برای بهبود عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک ایجاد کرده است؛ لذا هدف اصلی این پژوهش طراحی الگوی مدیریت عملکرد سازمانی در بخش دولتی با رویکرد حکمرانی الکترونیک است. پژوهش حاضر، از نظر هدف، بنیادی و از نوع تحقیقات پیمایشی است و در آن از نظریه‌ی داده‌بنیاد استفاده شده است. برای نظریه‌پردازی و شناسایی مضامین مدل از تئوری زمینه‌ای مبنی بر

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

alibehdani8689@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-3515-2817>

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

zahrarajaei@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-2355-3471>

۳. استاد، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-6808-0594>

۴. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

salehniamonir@iaubir.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-9322-4112>

COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین (1997) استفاده شده است. جامعه‌ی آماری راه، در این بخش از پژوهش، خبرگان دانشگاهی دارای تحصیلات مدیریتی و متخصصان حوزه‌ی مدیریت و فناوری اطلاعات، به‌خصوص مدیریت منابع انسانی و مدیریت رفتار سازمانی، و کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تشکیل می‌دهند. در مجموع مصاحبه‌شوندگان ۵۷٪ شاغل استان خراسان جنوبی و ۷٪ شاغل استان خراسان شمالی بوده‌اند. برای تعیین این گروه از افراد از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است که با ۲۴ مصاحبه، اشباع نظری و کفایت محتوایی حاصل شد. پس از استخراج مفاهیم اولیه و کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مفاهیم با نسخه‌ی ۲۱ نرم‌افزار مکس کیودا استخراج شدند. روایی مدل با استفاده از معیارهای گوبا و لینکلن (1985) مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد. پایایی مدل با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام گرفت و مقدار ضریب کاپا برابر ۰/۷۴ بوده که بیشتر بودن از ۰/۶۱ نشان دهنده‌ی پایایی مناسب مدل است؛ براساس نتایج حاصل از تحلیل کیفی، عوامل موثر بر مدیریت عملکرد سازمانی در قالب شش مؤلفه‌ی پدیده‌محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها تقسیم گردید. شبکه‌سازی سازمان‌ها، شفافیت و پاسخگویی، پایداری و بهینه‌سازی مدیریت منابع، رهبری و مدیریت هوشمند از مهم‌ترین اجزای مولفه محوری بوده است. عوامل زمینه‌ای شامل سیاست‌گذاری و قوانین، پشتیبانی از مطالعات و تحقیقات، فرهنگ‌سازی و زیرساخت حکمرانی الکترونیک بوده است. عوامل علی شامل مدیریت دانش و مدیریت تغییرات؛ و عوامل مداخله‌گر شامل پویایی‌های اقتصادی، به‌کارگیری منابع انسانی، مداخلات دولتی و سیاسی، جذب منابع مالی بوده است. رقابت‌پذیری، تدوین سند راهبردی، اتخاذ رویکرد فعالانه‌ی تعامل و مشارکت، فرهنگ‌سازی و توانمندسازی کارکنان از مهم‌ترین راهبردها بوده است و پیامدها شامل پیامدهای اجتماعی - فرهنگی، سازمانی و اقتصادی بوده است. با توجه به اهمیت حکمرانی الکترونیک در بهبود مدیریت عملکرد، این موضوع باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه مدیران دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد. در اجرای بهینه‌ی الگوی مدیریت عملکرد در سازمان‌های دولتی لازم است نسبت به بازنگری در سیاست‌ها و قوانین فضای مجازی، به‌روزرسانی سیستم مدیریت دانش، پایش مستمر عملکرد، رعایت قوانین و عدالت‌محوری در انجام امور، بهینه‌سازی مدیریت

منابع، آموزش و توانمندسازی کارکنان و مدیران، برقراری نظام مشوقها، تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های بلندمدت و عملیاتی، فرهنگ‌سازی و استفاده از ظرفیت جامعه‌ی مدنی اقدام نمایند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت عملکرد سازمانی، بخش دولت، حکمرانی الکترونیک، خراسان جنوبی، خراسان شمالی.

مقدمه

در عصری که مزیت رقابتی^۱ برای هر سازمانی حیاتی شده است سازمان‌ها وادار به بازنگری و تجدیدنظر رویه‌های قدیمی با راه‌ها و ابزارهای جدید و منحصر به فرد برای ارتقای عملکرد شده‌اند (Gautam & Jain, 2016: 5). مدیریت عملکرد به‌عنوان یک ابزار مهم برای کمک به شرکت‌ها در دستیابی به اهداف استراتژیک (Lu, 2023: 49) و هدایت انرژی کارکنان به سمت دستیابی به این اهداف است (Gerrish, 2016:50). مدیریت مؤثر عملکرد سازمان یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است تا دولت‌ها به هدفی که برای آن تأسیس شده‌اند، دست یابند (Aguinis, 2013:57). مدیریت عملکرد فرایندی است که بر مشارکت مدیران و کارکنانی که برای دستیابی به اهداف سازمانی کار می‌کنند، متمرکز است (Mone & et al., 2018:40). سازمان‌ها از مزایای پیاده‌سازی یک نظام مدیریت عملکرد خوب آگاه هستند و به‌کارگیری مدیریت عملکرد در سرتاسر جهان در حال گسترش است. برای نمونه، تحقیقی بر روی ۲۷۸ سازمان که دو سوم آن‌ها شرکت‌های چندملیتی از ۱۵ کشور متفاوت بودند، نشان داد در حدود ۹۰ درصد از این سازمان‌ها از نظام مدیریت عملکرد رسمی برخوردارند (Cascio, 2006:100). سازمان‌ها به منظور نیل به اهداف خاص به وجود آمده‌اند و رسیدن به اهداف (اثربخشی سازمان) و استفاده بهینه از منابع (کارایی) در گرو عملکرد کارکنان است (پیغان و آقداوود، ۱۳۹۹: ۲). هدف غایی تمام سازمان‌های امروزی بقاست و مدیریت عملکرد سازمانی یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها برای بقای یک سازمان است. بقای سازمان‌ها در گرو درآمدزایی، رضایت مشتریان و... است. هدف اصلی از پیاده‌سازی مدیریت عملکرد سازمانی، ارائه‌ی اطلاعات صحیح و دقیق در ارتباط با عملکرد شغلی افراد درون سازمان

است. عملکرد سازمانی در واقع نشان‌دهنده‌ی حدی از اهداف از پیش تعریف شده است که تاکنون توسط سازمان محقق شده است؛ همچنین می‌توان عملکرد سازمانی را به عنوان یک ارزیابی بر روی اثربخشی افراد و گروه‌های موجود در سازمان و خود سازمان دانست. امروزه رشد اتصال به اینترنت و رایانش ابری^۱ به شهروندان کمک می‌کند تا اقدامات خود را به گونه‌ای اصلاح کنند که برای این توسعه‌ی فناوری مناسب باشد و به بالاترین سطح امکانات ارائه شده توسط محیط دیجیتال دست یابند. پذیرش محیط دیجیتال توسط دولت برای ارائه‌ی خدمات، به ظهور حکمرانی الکترونیکی به منظور القای اعتماد در معاملات الکترونیکی، تعمیق وابستگی متقابل بین شهروندان و سازمان‌های دولتی و مشارکت در تصمیم‌گیری منجر گردیده است (Thabit & Jasim, 2019: 35). چالش سازمان‌های دولتی این است که باید تدابیر لازم را برای بهبود عملکرد خود اتخاذ کنند. این تدابیر باید با شرایط خاص هر سازمانی سازگار باشند؛ به عبارتی دیگر، باید در چارچوب "سیستم‌های عملکردی" هر سازمان شکل بگیرند. این سیستم‌ها مجموعه‌ای از قوانین، فرهنگ‌ها و رویه‌هایی هستند که بر عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارند. هدف از این مداخلات، استفاده حداکثری از پتانسیل‌های موجود در سازمان است؛ پتانسیل‌هایی که از مأموریت‌های خدماتی و اهداف رفاهی این سازمان‌ها نشئت می‌گیرند. با این حال، این تدابیر باید محدودیت‌هایی را نیز در نظر بگیرند؛ محدودیت‌هایی که از ساختار حکومتی هر سازمان ناشی می‌شوند و ممکن است مانع از دستیابی به اهداف شوند (Virani & van der Wal, 2023: 57)؛ لذا سازمان‌ها سعی می‌کنند، با استفاده از مکانیسم‌های مختلف حکمرانی، عملکرد خود را بهبود بخشند و بر این محدودیت‌ها فائق آیند (Engidaw, 2022: 9). در این راستا، فناوری اطلاعات و سیستم‌های مرتبط با آن ابتکار عمل جدیدی است که با قدرت شگرفش نقش عمده‌ای را در مدیریت عملکرد (آزادیان، ۱۴۰۲: ۱۷۸۴)، کاهش کاغذبازی، مهندسی مجدد، تغییر نهادهای دولتی و سیاست ایفا می‌نماید (ضیایی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

استفاده از فناوری اطلاعات باعث افزایش دانش و آگاهی کارکنان، غنای محتوای مشاغل و همچنین عملکرد سازمان می‌شود (Drobyazko & et al., 2019: 3) و هنگامی که ساختارهای حکومتی از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند، آن را حکمرانی الکترونیک می‌نامند

(Kompella, 2017: 85). حکمرانی الکترونیکی مفهومی است که با هدف افزایش باز بودن، کارایی و مسئولیت‌پذیری در بخش دولتی ایجاد شده است و همه‌ی این موارد در عین حال امکان دسترسی شهروندان به خدمات و اطلاعات دولتی از طریق کانال‌های دیجیتال و بهبود عملکرد بخش دولتی را فراهم می‌کند (Alkhodary & et al., 2023: 2605). حکمرانی الکترونیکی، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات با هدف ارتقای شیوه‌ای است که دولت در آن عملیات خود را انجام داده و خدمات خود را به مردم ارائه می‌دهد. حکمرانی الکترونیکی مفهومی است که با هدف افزایش باز بودن، کارایی و مسئولیت‌پذیری در بخش دولتی ایجاد شده است و در عین حال امکان دسترسی شهروندان به خدمات و اطلاعات دولتی از طریق کانال‌های دیجیتال را فراهم نموده است (Alkhodary & et al, 2023: 20608)

امروزه با توجه به حرکت جهان به سمت هوشمند شدن، توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت داشتن شهرها و سازمان‌های هوشمند امری ضروری است. عدم توجه به این امر در دراز مدت می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری داشته باشد و توجه به این موضوع در تمامی حوزه‌ها از جمله مدیریت عملکرد اهمیت دارد. استفاده بهینه از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت عملکرد در سازمان‌های دولتی می‌تواند منجر به ارتقا و بهبود عملکرد سازمان‌ها گردد. با توجه به اینکه ضعف عملکرد یکی از مسائل اصلی بخش خدمات دولتی است، جامعه از بخش دولتی می‌خواهد که عملکرد کلی سیستم ارائه‌ی خدمات و مسئولیت خود نسبت به ذی‌نفعان مختلف را بهبود بخشد (Razak, 2011: 5)؛ لذا مطالعاتی در این زمینه در سطح جهانی صورت گرفته است اما با وجود پیشرفت‌های جهانی در مدیریت عملکرد سازمانی با رویکرد حکمرانی الکترونیک، این حوزه در ایران همچنان با چالش‌های متعددی روبه‌روست.

در دیگر کشورها مطالعاتی در این حوزه انجام گرفته است، ولی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و ملی و تفاوت در سبک مدیریتی غالب در کشورها، این نتایج به‌طور کامل قابل تعمیم به سایر کشورها نیست؛ لذا نیاز به تحقیق جامع در سازمان‌های دولتی ایران در زمینه‌ی مدیریت عملکرد سازمانی با رویکرد حکمرانی الکترونیک وجود دارد. هرچند مطالعات و تحقیقات زیادی در حوزه‌ی مدیریت عملکرد توسط اندیشمندان صورت گرفته اما در این پژوهش موضوع مدیریت عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این

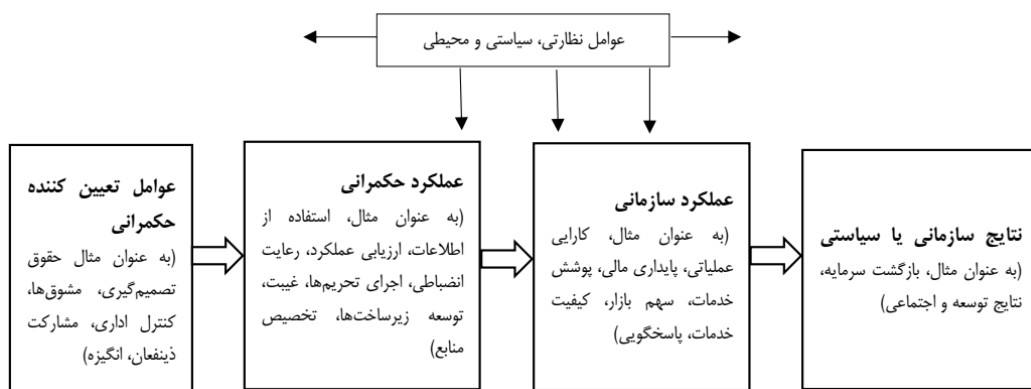
مسئله می‌باشد که مدل مناسب برای مدیریت عملکرد سازمانی با رویکرد حکمرانی الکترونیک در بخش دولتی کدام است؟ به عبارتی، چه عواملی بر مدیریت عملکرد سازمانی در بخش دولتی با رویکرد حکمرانی الکترونیک مؤثر است؟

پیشینه‌ی نظری پژوهش

سازمان‌های دولتی به‌طور فزاینده‌ای نگران بهبود عملکرد خود در میان فشارهای هم‌زمان از سوی گروه‌های فشار، گروه‌های سیاسی و رسانه‌های انتقادی هستند. اصلاحات به سبک مدیریت دولتی نوین نشان داده است که چنین مداخلاتی می‌تواند بالقوه شهروندان را توانمند کند و منجر به افزایش کارایی شود، و به بهبود عملکرد سازمان‌ها کمک کند. سیستم‌های عملکرد را نه تنها شامل شیوه‌های اندازه‌گیری و مدیریت عملکرد، بلکه به‌عنوان جزء جدانشدنی محیط‌های حاکمیتی مفهوم‌سازی کردند (Talbot, 2008: 1575). سیستم‌های عملکرد را به‌عنوان سیستم‌های حکمرانی می‌توان تعریف کرد که ترکیبی متمایز از ترتیبات سازمانی را اجرا می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که بازیگران به شیوه‌هایی مرتبط با عملکرد و نتایج بهتر رفتار می‌کنند (Savodoff, 2011: 5). هدف سیستم‌های عملکرد ایجاد یک محیط مساعد برای اقدام جمعی و تنظیم تعامل بین زیرسیستم‌های مدیریت عملکرد (به‌عنوان مثال، استقلال مدیریت، سیستم پاسخگویی، سیستم پاداش) برای دستیابی به اهداف عملکرد سیستمی و بلندمدت است. این سیستم‌ها ممکن است شامل بازتعریف انگیزه‌ها، ارزیابی عملکرد و پاداش‌ها، مشارکت ذی‌نفعان در نظارت اداری و تصمیم‌گیری، و ایجاد حمایت‌ها و کنترل‌های نهادی باشند (Donahue & Nye, 2004: 53). هدف اصلی طراحی یک نظام حکمرانی بهینه‌سازی عملکرد سازمان است، به‌گونه‌ای که افراد را به سمت دستیابی به اهداف سازمان و ذی‌نفعان سوق دهد و بر عملکرد آن‌ها نظارت کند. لین و همکاران (2001:7) حکمرانی را به‌عنوان «رژیم‌های قوانین، مقررات، تصمیمات قضائی و شیوه‌های اجرائی که ارائه کالاها و خدمات عمومی را محدود، تجویز و امکان‌پذیر می‌سازند» توصیف کرده‌اند که عملکرد دولت را تعیین می‌کند. یکی از برجسته‌ترین

مدل‌های عملکرد شاخص‌های حکمرانی عملی^۱ بانک جهانی (AGI) است که تلاش می‌کند اجزای اصلی اصلاحات حکمرانی و نحوه تأثیر آن‌ها بر نتایج رفتاری و عملکردی را توصیف کند (Reid, 2008: 20). شکل ۱ یک سازگاری ساده از این مدل علی را نشان می‌دهد که "ارتباط حکمرانی - عملکرد" را براساس تفسیر ساودوف (2011) از چارچوب ابتکار AGI نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی چهار عنصر این مدل پرداخته می‌شود.

شکل ۱. مدل علی پیوند عملکرد - حکمرانی



(Virani & van der Wal, 2023:55)

در این مدل، عوامل تعیین‌کننده حکمرانی مواردی هستند که رفتار افراد داخل سازمان را شکل می‌دهند یا تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ این عوامل به‌عنوان اهرم‌ها شناخته می‌شوند و معمولاً قانون اصلاحات سازمانی هستند. در این مدل، عملکرد حکمرانی نشان‌دهنده اثربخشی اجرای سیستم‌های حکمرانی و رعایت قوانین است. در این مدل، عملکرد سازمانی به خروجی‌های ملموسی که تولید می‌شوند یا نتایج حاصل شده نسبت به اهداف فنی تعیین شده اشاره دارد. نتایج سازمانی یا سیاستی، اثرات کلان عملکرد سازمانی برای مشتریان، شهروندان و جامعه به طور کلی است.

الگوی جاکوبسن^۱ و همکاران (2018) نیز به‌عنوان یک چارچوب تشخیصی برای تجزیه و تحلیل ریشه‌ی علتی چالش‌های عملکرد و گلوگاه‌های طراحی حکمرانی بسیار مفید است. این مدل‌ها را می‌توان در مقابل مدل‌های انگیزشی اندرسون^۲ و همکاران (2018) و دسته‌بندی‌های ابزارهای سیاستی شناسایی‌شده توسط اسچنیدر و اینگرام^۳ (1990) قرار داد تا تسهیل‌کننده‌ای برای بیان ارتباط حکمرانی - عملکرد باشد.

از طرفی، اصول حکمرانی در مدیریت دولتی بر نقش مدیران دولتی در فراهم آوردن و ارائه‌ی خدمات با کیفیت بالا اشاره دارد که شهروندان و گروه‌های مختلف از آن بهره‌مند هستند (رجائی و شبانی، ۱۴۰۲: ۱۳۷) و در این بین حکمرانی الکترونیک به‌عنوان یکی از انواع حکمرانی و نوآورانه‌ترین ابزارها برای بهبود عملکرد سازمان‌ها مطرح شده است (Atobishi & et al., 2024: 6). حکمرانی الکترونیک از طریق فراهم کردن بسترهای دیجیتالی برای شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندان و ارتقای کیفیت خدمات، نقش مهمی در بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی دارد. با این حال، پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز این رویکرد در مدیریت عملکرد سازمانی، مستلزم طراحی الگویی است که ضمن پاسخ به چالش‌های بومی، ظرفیت‌های لازم را برای ارتقای بهره‌وری و اثرگذاری فراهم کند. هر چند تحقیقاتی در خصوص مدیریت عملکرد انجام شده اما بررسی‌ها نشان می‌دهد تلاش‌های تحقیقاتی متمرکز بر تأثیر فناوری اطلاعات بر بخش دولتی کم بوده است. پژوهش‌هایی مانند ویرانی و واندروال (2023) و بیانچی و کاپرچیون^۴ (2022) بر ضرورت هم‌راستایی ساختارهای حکمرانی با شیوه‌های مدیریت عملکرد تأکید کرده‌اند تا تصمیم‌گیری بهتر و دستیابی به نتایج پایدار تسهیل شود. بحث عملکرد سازمان‌های دولتی در مطالعات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما بررسی این موضوع در بطن حکمرانی الکترونیک موضوعی است که در پژوهش‌های پیشین، به‌ویژه در داخل کشور، مغفول مانده است. به‌عنوان مثال سائولینا^۵ و همکاران (2024) به بررسی نقش حکمرانی دیجیتالی در ادغام سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد صنعت پرداختند. نتایج این مقاله نشان داد برای سازمان‌هایی که به دنبال

-
1. Jakobsen
 2. Andersen
 3. Schneider & Ingram
 4. Bianchi & Caperchione
 5. Saunila

بهبود عملکرد و رسیدن به سطح بالاتری از بلوغ در صنعت هستند، توسعه‌ی حکمرانی دیجیتال و استفاده‌ی بهینه از سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد بسیار مهم است و باید استراتژی‌های دیجیتال خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که توانایی ادغام و بهره‌برداری از فناوری‌های نوظهور را داشته باشند. مطالعات مختلفی در خصوص مدیریت عملکرد صورت گرفته است و هر کدام از زاویه‌ای به بررسی موضوع پرداخته‌اند:

مانوهاران^۱ و همکاران (2023) پژوهشی با عنوان «بررسی و ارزیابی عملکرد و بهترین شیوه‌ها در حکمرانی دیجیتال» انجام دادند. نتایج به دست‌آمده نشان می‌دهد که شفافیت، پاسخگویی و کارایی از جمله مؤلفه‌های کلیدی برای موفقیت در این زمینه هستند. متقابلاً، بهترین شیوه‌های حکمرانی دیجیتال شامل استفاده از فناوری‌های نوین، تعامل مؤثر با ذی‌نفعان و بهبود مستمر فرآیندها می‌باشد. کوردری^۲ و همکاران (2023) به بررسی نحوه‌ی تأثیر تحول دیجیتال بر عملکرد، حکمرانی و پاسخگویی سازمان‌های غیردولتی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده‌ی پتانسیل بالای تحول دیجیتال برای بهبود عملکرد از جنبه‌های افزایش کارایی در جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و گزارش‌دهی، تسهیل در ارتباطات و هماهنگی بین واحدها و تیم‌ها است. همچنین بر حکمرانی و پاسخگویی در سازمان‌های غیردولتی مؤثر است. با این حال، سازمان‌ها باید به‌دقت چالش‌ها و ریسک‌های مرتبط با این تحول را مدیریت کنند تا بتوانند به‌طور کامل از مزایای آن بهره‌مند شوند. سائولینا^۳ و همکاران (2024) به بررسی نقش حکمرانی دیجیتال در ادغام سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد و بلوغ صنعت در فنلاند پرداختند. طبق یافته‌های این پژوهش، برای سازمان‌هایی که به‌دنبال بهبود عملکرد و رسیدن به سطح بالاتری از بلوغ در صنعت هستند، توسعه‌ی حکمرانی دیجیتال و استفاده‌ی بهینه از سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد بسیار مهم است؛ شرکت‌ها باید توانایی ادغام و بهره‌برداری از فناوری‌های نوظهور را نیز داشته باشند.

نتایج مطالعه‌ی خودداری و همکاران (2023) با عنوان «بررسی تأثیر حکمرانی الکترونیک بر عملکرد شرکت‌های اردن» نشان می‌دهد پیاده‌سازی ابزارهای حاکمیت خودکار در یک شرکت مانند برنامه‌ریزی منابع انسانی، مدیریت ارتباط با مشتری و ابزارهای همکاری آنلاین، می‌تواند

-
1. Manoharan, Melitski & Holzer
 2. Cordery
 3. Saunila

عملکرد کلی یک کسب و کار را به‌طور قابل توجهی بهبود بخشد. نتایج مطالعه لیونی^۱ و همکاران (2023) در خصوص بررسی چگونگی استفاده از حکمرانی دیجیتال برای مقابله با چالش‌های عملکردی در سازمان‌های بین‌شهری حاکی از آن است که حکمرانی دیجیتال می‌تواند ابزاری مؤثر برای مقابله با چالش‌های عملکردی در سازمان‌های بین‌شهری باشد. مانوهاران و همکاران (2023) در پژوهشی عملکرد و بهترین شیوه‌ها در حکمرانی دیجیتال را در ۱۰۰ کشور برتر براساس داده‌های اتحادیه‌ی بین‌المللی مخابرات ارزیابی کردند و نشان دادند شفافیت، پاسخگویی و کارایی از جمله مؤلفه‌های کلیدی برای موفقیت در پیاده‌سازی حکمرانی دیجیتال هستند. همچنین، بهترین شیوه‌های حکمرانی دیجیتال شامل استفاده از فناوری‌های نوین، تعامل مؤثر با ذی‌نفعان، و بهبود مستمر فرایندها است.

جولایی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «تبیین عناصر محتوایی الگوی مدیریت عملکرد مبتنی بر حکمرانی خوب در بخش دولتی» به این نتیجه رسیدند تحمیل حکمرانی خوب به‌عنوان پارادایم جدید در اداره‌ی بخش عمومی ضرورت وجود یک نظام ارزیابی و پایش در قالب مدیریت عملکرد در سازمان‌های دولتی را به‌گونه‌ای که تبلوری از حکمرانی خوب باشد، نمایان می‌سازد؛ و با اتکا به مؤلفه‌هایی که مفهوم "حکمرانی خوب" مطرح می‌کند، باید درصدد شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت عملکرد مبتنی بر مفهوم حکمرانی خوب بود.

ابوالعالی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی اصلاحات اداری با رویکرد حکمرانی دیجیتال» انجام دادند. براساس نتایج این پژوهش اولویت مضامین از منظر خبرگان برای اصلاح خط‌مشی‌های نظام اداری به‌واسطه‌ی کاربرست حکومت باز، به‌ترتیب نیازمند بازمهندسی نظام فرهنگی، فناوری، نظام اقتصادی به‌منزله‌ی مهم‌ترین عوامل اصلاح نظام اداری است.

دقتی و یعقوبی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار و توسعه حکمرانی الکترونیک در سازمان‌های دولتی» انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سه دسته عوامل زمینه‌ای، محتوایی و ساختاری بر استقرار و توسعه‌ی حکمرانی الکترونیک در سازمان‌های

دولتی مؤثر می‌باشند که از این میان، عوامل محتوایی، با ضریب تأثیر ۸/۵۶، بیشترین اثرگذاری را بر استقرار و توسعه‌ی حکمرانی الکترونیک در سازمان‌های دولتی دارند.

نتایج پژوهش آبدارزاده و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «مدل‌سازی وضعیت حکمرانی خوب الکترونیک در فضای کسب و کار مجازی در صنعت بیمه» نشان‌دهنده‌ی اثربخشی عواملی از قبیل افزایش ضریب نفوذ اینترنت، توسعه‌ی کاربرد فناوری اطلاعات، سیاست‌گذاری‌های بیمه مرکزی، ملاحظات حقوقی و قانونی، نگرش سیستماتیک و بلندمدت مدیران، سطح دانش و مهارت دیجیتال، فرهنگ دیجیتال، حکمرانی خوب الکترونیک در فضای کسب و کار، بهبود تعامل بین نهادهای بیمه، توسعه بیمه‌ی الکترونیک، تعامل کارا و اثربخش نهادهای بیمه، تحول دیجیتال در بیمه، گسترش عدالت و رفاه اجتماعی بر حکمرانی خوب الکترونیک در فضای کسب و کار مجازی در صنعت بیمه است.

نتایج پژوهش لقمان استرکی (۱۴۰۲) با عنوان «طراحی مدل حکمرانی الکترونیک در نظام سلامت» زمینه‌های اصلی حکمرانی الکترونیک در نظام سلامت را در مشارکت اجتماعی، آگاهی‌بخشی، زیرساخت‌های قانونی، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف، اعتماد اجتماعی و طراحی راهبردی فراگیر نشان می‌دهد. نتایج تحلیل عامل اکتشافی منجر به شناسایی سطح نهادینگی ارزش‌ها با شش مؤلفه و ۴۱ شاخص با عناوین ثبات رهبری و مدیریتی، حساب‌دهی و پاسخگویی، اثربخشی، تنقیح قوانین، حاکمیت قانون و فسادگریزی گردید که بیانگر این است که توجه مدیریت عملکرد منجر به حرکت سازمان‌های دولتی در مسیر حکمرانی و بهبود مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خواهد شد.

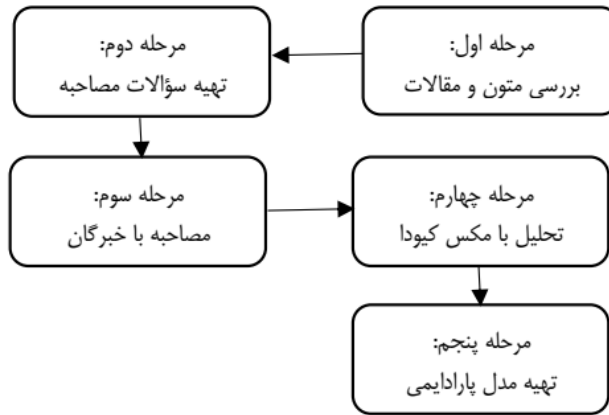
این پژوهش‌ها ضرورت انجام این پژوهش را پررنگ‌تر می‌کنند اما نتوانسته‌اند نیاز به دیدگاه چندبعدی و متفاوت به این موضوع را برطرف کنند؛ لذا در این پژوهش شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها مورد بحث قرار گرفته و سعی شده است دیدگاه جامع‌تری از عملکرد سازمانی بخش دولتی ارائه شود. از این‌رو، توسعه و پیاده‌سازی الگوی مدیریت عملکرد سازمانی با رویکرد حکمرانی الکترونیک به‌عنوان رویکردی نوآورانه محسوب می‌شود که با بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌ها و از فناوری‌های پیشرفته به‌عنوان یک ضرورت علمی و عملی،

می‌تواند مسیر تحول در بخش دولتی را هموار سازد و زمینه‌ساز ارائه‌ی خدمات عمومی با کیفیت و عدالت‌محوری و ارتقای شفافیت و پاسخگویی باشد.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر، از نظر هدف، بنیادی و، از نظر روش، از نوع تحقیقات پیمایشی است. مراحل انجام این تحقیق در شکل ۲ نمایش داده شده است:

شکل ۲. مراحل انجام پژوهش



پژوهش حاضر از نوع کیفی است و راهبرد به‌کار گرفته شده در این پژوهش نظریه‌ی مفهوم‌سازی داده‌بنیاد است که روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی وسیع، به بررسی فرایند کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد (Creswell, 2002: 35). در این پژوهش، روش نمونه‌گیری هدفمند بوده که براساس موضوع، مسئله و موقعیت تحقیق، گروه‌های هدف انتخاب شده‌اند و نمونه‌گیری نظری که کفایت لازم برای رساندن ما به سطح انتزاع نظری را داشته باشد و ما را به سطح انتزاع نظری و اکتشاف نظریه (یا گزاره‌های فرضیه‌ای معتبر) برساند (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۳۵). از این‌رو، در پژوهش‌های کیفی، حجم نمونه را مترادف با کامل شدن داده‌ها یا اشباع داده‌ها در نظر می‌گیرند (Strauss & Corbin, 1990: 56). نمونه‌گیری به روش هدفمند بوده است. نمونه‌ی مورد مصاحبه، براساس اصل اشباع نظری در حجم نمونه در نظر گرفته شد؛ یعنی نمونه‌گیری تا زمانی که دیگر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها تکراری بوده و مقوله‌ی جدیدی در خصوص مدیریت عملکرد به‌دست نیاید، ادامه یافت؛

بر طبق این اصل، اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که نمونه‌ی جدید نتواند اطلاعات جدیدی درباره‌ی مفاهیم، مقولات و ارتباط آن‌ها ارائه دهند. حجم نمونه در این پژوهش ۲۴ نفر بوده و اشباع نظری در این حجم نمونه حاصل گردید. ملاک انتخاب افراد برای مصاحبه داشتن تجربه‌ی کاری و اطلاعات تخصصی در حوزه‌ی مدیریت عملکرد در بخش دولتی بوده است. این افراد شامل معاونین توسعه‌ی مدیریت و منابع انسانی، رؤسا و کارشناسان گروه نوسازی اداری و مدیریت عملکرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، اعضای هیئت علمی دانشگاه، مدیران اداره‌ی کل فناوری اطلاعات و فعالان بخش خصوصی حوزه‌ی فناوری اطلاعات بوده‌اند. بخش عمده‌ای از نمونه‌ی تحقیق شاغل و ساکن استان خراسان جنوبی بوده‌اند؛ به گونه‌ای که از نظر محل فعالیت و سکونت، در مجموع مصاحبه‌شوندگان، ۵۷٪ شاغل استان خراسان جنوبی و ۷٪ شاغل استان خراسان شمالی بوده‌اند و ۳۶٪ هم معاونین توسعه‌ی مدیریت و منابع انسانی و کارشناسان مدیریت عملکرد استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، همدان، قزوین، گلستان، مرکزی بوده‌اند. با توجه به آنکه موضوع مدیریت عملکرد تقریباً در تمام استان‌ها عمومیت دارد و از طرفی ارتباط کاری زیادی بین کارشناسان فعال در حوزه‌ی مدیریت عملکرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی و سایر استان‌ها وجود دارد، به منظور دستیابی به نتایج بهتر از نظرات چند نفر دیگر از سایر استان‌ها نیز استفاده گردید. از نظر نوع شغل مصاحبه‌شوندگان، ۷٪ مدیران دولتی شاغل در حوزه‌ی فناوری اطلاعات در استان خراسان جنوبی، ۱۴٪ فعالان بخش خصوصی حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات استان خراسان جنوبی، ۲۱٪ عضو هیئت علمی و مدرسین دانشگاهی استان خراسان جنوبی، و ۲۱٪ معاون و کارشناسان حوزه‌ی مدیریت عملکرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی بوده‌اند.

گوبا و لینکلن^۱ (1994) به منظور ارتقای دقت علمی و روایی در پژوهش‌های کیفی، قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت تأیید را معرفی نموده‌اند؛ که در این پژوهش برای اخذ قابلیت اعتبار در بخش کیفی پژوهش از درگیری و مشاهده‌ی مداوم و بازنگری توسط مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، از تکنیک مثلث‌سازی (ترکیب و تلفیق) استفاده شده و مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، اهتمام بر این بوده قابلیت اعتبار و تعمیم‌پذیری با توصیف ضخیم و غنی جزئیات به

نحو شایسته ارائه گردد. برای محاسبه‌ی ضریب توافق دو کدگذار از ضریب کاپای کوهن^۱ استفاده شده است. بدین منظور حدود ۱۵٪ از اسناد یا همان مصاحبه‌های پژوهش که پژوهشگر کدگذاری کرده به منظور کدگذاری مجدد و ارزیابی در اختیار یکی از همکاران پژوهشی قرار گرفته و نتایج حاصل از کدگذاری دو محقق در محیط نرم‌افزار مکس کیودا^۲ نسخه‌ی ۲۱ (شکل ۳) نشان داد که ضریب کاپا مقدار ۰/۷۴ بوده است؛ براساس این ضریب در صورتی که ضریب بین ۰/۸۱ تا ۱ باشد، عملکرد عالی و ضریب بین ۰/۶۱ تا ۰/۸ عملکرد خوب و ۰/۴۱ تا ۰/۶ عملکرد متوسط دارد (حسنقلی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰۴). با توجه به رقم حاصله برای این ضریب، مدل از نظر پایایی در وضعیت مناسبی قرار دارد.

شکل ۳. خروجی نرم‌افزار در خصوص ضریب پایایی

		Coder 1		
		1	0	
Coder 2	1	a = 88	b = 15	103
	0	c = 15	0	15
		103	15	118

$$P(\text{observed}) = P_o = a / (a + b + c) = 0.75$$

$$P(\text{chance}) = P_c = 1 / \text{Number of codes} = 1 / 74 = 0.01$$

$$\text{Kappa} = (P_o - P_c) / (1 - P_c) = 0.74$$

if there is an unequal number of codes per segment or if only one code is to be evaluated:

$$P(\text{chance}) = P_c = \text{Number of codes} / (\text{Number of codes} + 1)^2 = 0.01$$

$$\text{Kappa} = (P_o - P_c) / (1 - P_c) = 0.74$$

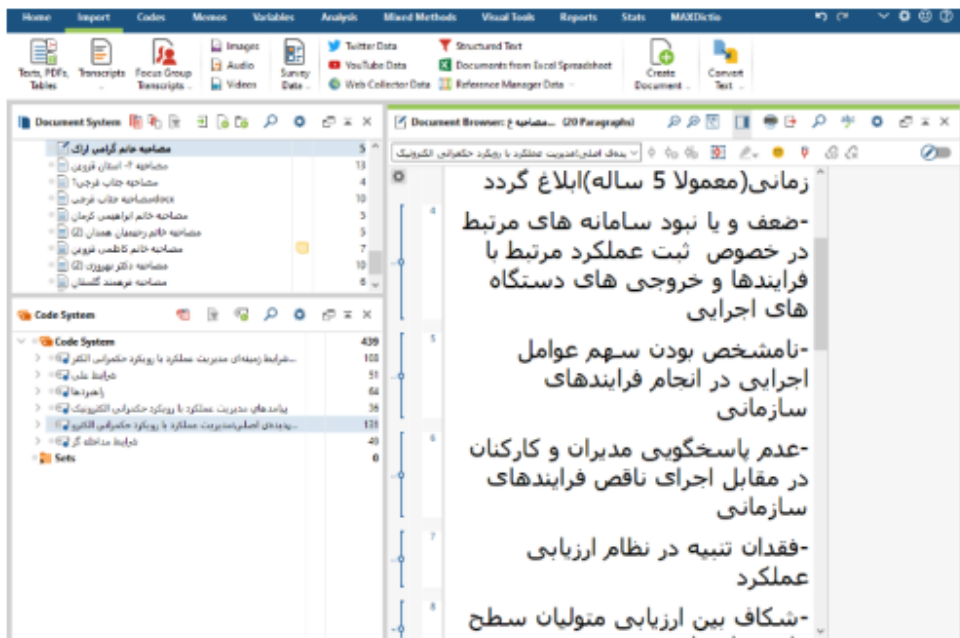
(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

1. Cohen's Kappa Index
2. MAXQDA

یافته‌های پژوهش

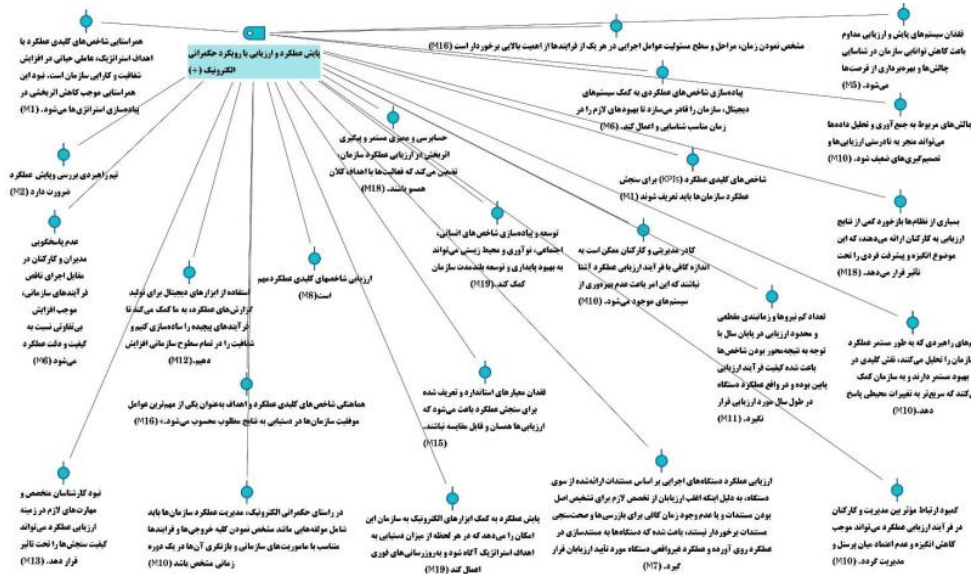
در این تحقیق، به‌منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و دستیابی به مدل مفهومی تحقیق، از تئوری داده‌بنیاد و کدگذاری‌های سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی با به‌کارگیری نرم‌افزار مکس کیودا استفاده گردید. در شکل ۴ فرآیند کدگذاری در نرم‌افزار نشان داده شده است.

شکل ۴. فرآیند کدگذاری در نرم‌افزار



الف) کدگذاری باز: کدگذاری باز اولین قدم در تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدگذاری است. در طول مرحله‌ی کدگذاری باز، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها بررسی دقیق شد که شکل ۵ نمونه‌ی فرایند کدگذاری در بستر مکس کیودی ای برای مضمون پایش عملکرد را نشان می‌دهد.

شکل ۵. خروجی نرم‌افزار MAXQDA از نمونه فرآیند کدگذاری باز در بستر مکس کیودی ای

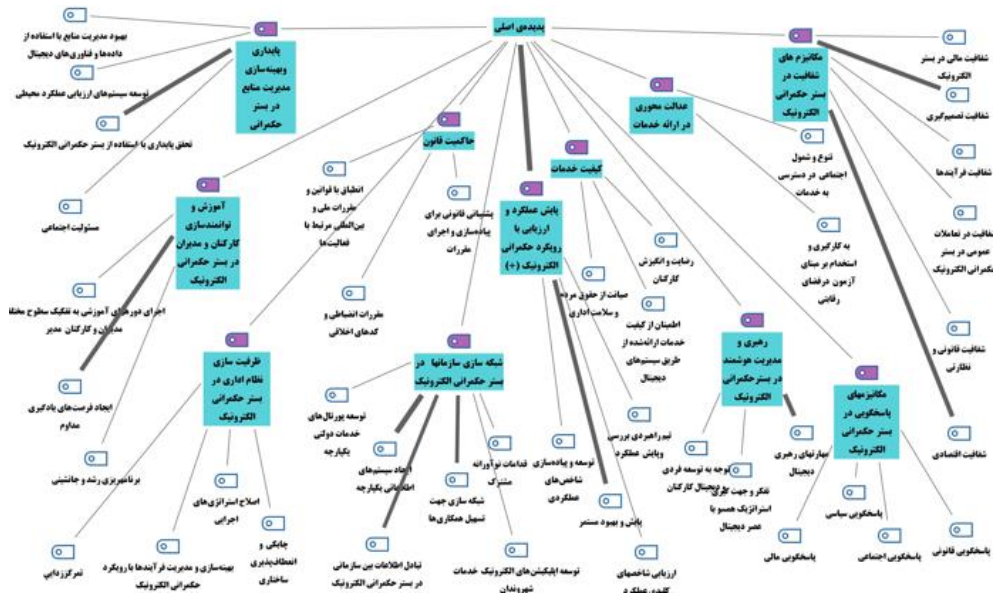


(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ب) کدگذاری محوری: کدگذاری محوری فرایند تبدیل مفاهیم به مؤلفه‌ها است. برای این کار، نظریه‌پرداز مجموعه‌ی مفاهیم مرحله‌ی کدگذاری باز را به‌عنوان مقوله انتخاب می‌کند و طی فرایندی دیگر مفاهیم هم‌معنا را به آن مرتبط می‌سازد (Strauss & Corbin, 1990: 65). شکل ۶ نمونه‌ی فرایند کدگذاری در بستر مکس کیودی ای برای کد محوری زیرساخت حکمرانی را نشان می‌دهد.

شکل ۶. خروجی نرم افزار MAXQDA از نمونه فرآیند اختصاص کدهای باز به کد محوری

زیرساخت حکمرانی الکترونیک از مقوله محوری



(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ج) کدگذاری گزینشی یا انتخابی: پس از آن که اکثر داده‌ها یا همه‌ی آن‌ها جمع‌آوری گردید، کدگذاری انتخابی پژوهشگر به دنبال مواردی است که موضوعات را روشن ساخته و مورد مقایسه قرار می‌دهد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۳).

شکل ۸. ابر کدهای اصلی تحقیق بخش کیفی



(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

در این پژوهش اطلاعات به دست آمده از فرآیند مصاحبه‌ها به‌دقت مورد کنکاش و بازبینی قرار گرفت و سپس از متن مصاحبه‌ها، مفاهیم استخراج و ثبت گردید که نمونه کدهای باز و محوری پیش عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک مطابق جدول ۱ است.

پس از کدگذاری، مجموعه‌ای از مضامین اصلی مرتبط با مدیریت عملکرد در بستر حکمرانی الکترونیک به دست آمد که در قالب مدل نهایی تدوین شدند و در ادامه، به تفکیک و تشریح این مضامین کلیدی پرداخته می‌شود تا فرآیند استخراج و کدهای باز هر کدام و تبیین هر یک از آن‌ها به‌طور کامل روشن گردد. همچنین، چند نمونه از مصاحبه‌های کدگذاری شده عبارت‌اند از: «سامانه‌ها برای اجرای فرایندهای سازمانی ایجاد شده و به‌کار گرفته شوند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱)؛ «استفاده از اپلیکیشن‌ها برای سهولت در دسترسی به خدمات نیز باید مدنظر قرار گیرد.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱)؛ «این نظام فاقد بستر مناسب برای اعمال نظر مردم به عنوان ذی‌نفعان گیرنده‌ی خدمت از بخش دولتی و خبرنگاران در برنامه‌های نظام اداری است.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۴)؛ «عدم انعطاف‌پذیری: نظام‌های ثابت و غیرقابل تغییر ناتوانی در واکنش به تغییرات سریع محیطی را موجب می‌شوند و نمی‌توانند نیازهای روزآمد سازمان را

برآورده کنند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۰)؛ «سازمان‌ها باید آمادگی لازم را برای پذیرش تغییرات تکنولوژیک در راستای بهبود عملکرد داشته باشند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۸)؛ «نبود سیستم‌های کارآمد برای تحلیل داده‌ها و دانش‌های موجود در سازمان، بهره‌وری را به شدت کاهش می‌دهد.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۸)؛ «دانش سازمانی تنها در صورتی قابل بهره‌برداری است که سیستم‌های تحلیلی توانمند و داده‌های قابل اعتماد در اختیار باشند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۱)؛ «ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی براساس مستندات ارائه‌شده از سوی دستگاه، به دلیل اینکه اغلب ارزیابان از تخصص لازم برای تشخیص اصل بودن مستندات و یا عدم وجود زمان کافی برای بازرسی‌ها و صحت‌سنجی مستندات برخوردار نیستند، باعث شده که دستگاه‌ها به مستندسازی در عملکرد روی آورده و عملکرد غیرواقعی دستگاه مورد تأیید ارزیابان قرار گیرد.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۷)؛ «تعداد کم نیروها و زمان‌بندی مقطعی و محدود ارزیابی در پایان سال با توجه به نتیجه‌محور بودن شاخص‌ها باعث شده کیفیت فرآیند ارزیابی پایین بوده و در واقع عملکرد دستگاه در طول سال مورد ارزیابی قرار نگیرد.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۱)؛ «استقلال نهادهای خدمات عمومی از فشارهای سیاسی و تأمین منابع مالی مستقل به آن‌ها امکان می‌دهد تصمیمات بی‌طرفانه و مؤثر بگیرند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۲)؛ «وجود ثبات سیاسی و کاهش مداخلات دولتی و سیاسی در امور خدمات عمومی می‌تواند به بهبود عملکرد و تصمیم‌گیری مستقل این نهادها کمک کند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۶)؛ «حمایت از نوآوری‌های دیجیتال در همه سطوح سازمانی، زمینه‌ساز بهبود کارایی سازمان‌ها خواهد بود.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۸)؛ «همکاری با سازمان‌های نوآور و بهره‌گیری از تجارب موفق دیگران، به عنوان یک عامل کلیدی در بهبود مستمر و ارتقای عملکرد سازمان‌ها عمل می‌کند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۱)؛ «مشارکت با سازمان‌های پیشرو و بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با به‌کارگیری بهترین شیوه‌ها، فرآیندهای خود را ارتقا دهند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۰)؛ «حکمرانی الکترونیک باعث افزایش ارزش افزوده برای سازمان‌ها می‌شود، زیرا فرآیندها بهینه‌تر و کارآمدتر می‌گردند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۸)؛ «استفاده بهینه و پایدار از منابع با کمک فناوری‌های الکترونیکی می‌تواند هدر رفت را به حداقل رسانده و کارایی را به حداکثر برساند.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۲)؛ «با شفافیت بیشتر با

حکمرانی الکترونیک، امکان بروز فساد به شدت کاهش می‌یابد و فضای اخلاقی سالم‌تری در سازمان‌ها و بهبود عملکرد منجر می‌شود.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱۰)؛ «شفافیت در عملکرد دستگاه‌ها از طریق سیستم‌های دیجیتال، به کاهش فساد و ارتقای اخلاقیات منجر می‌شود.» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۲۰).

بعد از کدگذاری مصاحبه‌ها مثل نمونه کدهای باز استخراج شد. نمونه کدهای باز استخراج شده در جدول زیر است:

جدول ۱. نمونه کدهای باز استخراج شده برای کد‌گزینی پایش عملکرد و ارزیابی با رویکرد حکمرانی الکترونیک

کدهای گزینی یا انتخابی	کدهای محوری	کد باز
پایش عملکرد و ارزیابی با رویکرد حکمرانی الکترونیک	پایش و بهبود مستمر با رویکرد حکمرانی الکترونیک	شناسایی چالش‌ها و نقاط قوت و ضعف عملکردی، ارزیابی مداوم و اصلاح و بهینه‌سازی عملکرد سازمان، بکارگیری سیستم‌های مدیریت عملکرد کارکنان-سازمان، استفاده از ابزارهای دیجیتال برای تولید گزارش‌های عملکرد، ابزارهای خودکارسازی ارزیابی عملکرد، ایجاد داشبوردهای مدیریتی، پلتفرم‌های مدیریت عملکرد الکترونیک، توسعه و استقرار سیستم پشتیبان ارزشیابی عملکرد، بررسی سیستماتیک عملکرد سازمان و کارکنان، سیستم‌های ارزیابی خودکار منظم و مستمر، استفاده از ابزارهای دیجیتال برای تولید گزارش‌های عملکرد، پلتفرم‌های بازخورد و نظرسنجی آنلاین، سیستم‌های MIS برای پایش عملکرد، پلتفرم‌های ارزیابی ۳۶۰ درجه، سیستم‌های نظرسنجی و بازخورد
	تیم راهبردی بررسی و پایش عملکرد	هم‌راستاسازی شاخص‌های کلیدی عملکرد و اهداف استراتژیک، تدوین شاخص‌های کلیدی عملکرد و اهداف استراتژیک، حسابرسی و ممیزی و پیگیری اثربخش
	توسعه و پیاده‌سازی شاخص‌های عملکردی	توسعه و پیاده‌سازی شاخص‌های انسانی، توسعه و پیاده‌سازی شاخص‌های اجتماعی - محیط زیستی، توسعه و پیاده‌سازی شاخص‌های نوآوری و توسعه، توسعه و پیاده‌سازی شاخص‌های مالی - عملیاتی
	ارزیابی شاخص‌های کلیدی عملکرد	ارزیابی پایبندی به شاخص‌های اجتماعی، ارزیابی شاخص‌های محیط زیستی، ارزیابی شاخص‌های انسانی، ارزیابی شاخص‌های نوآوری، ارزیابی شاخص‌های کیفیت، ارزیابی مدیریت و بودجه‌بندی صحیح و پایش مالی، ارزیابی میزان دستیابی به نتایج و تأثیرات مثبت بر جامعه، ارزیابی میزان تحقق اهداف و برنامه‌های تعیین‌شده

مفاهیم مرتبط شناسایی شده در قالب ۹۴ مقوله‌ی فرعی و ۲۹ مقوله‌ی اصلی و بیش از ۱۰۰ کد باز دسته‌بندی گردیدند؛ که نتایج کدهای محوری و کدهای گزینشی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. کدهای گزینشی، محوری

اجزای مدل پارادایمی	کدهای گزینشی	کدهای محوری	فراوانی کدهای باز
پدیده محوری مدیریت عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک	پایش عملکرد و ارزیابی با رویکرد حکمرانی الکترونیک	پایش و بهبود مستمر؛ تیم راهبردی بررسی و پایش عملکرد؛ توسعه و پیاده‌سازی شاخص‌های عملکردی؛ ارزیابی شاخص‌های کلیدی عملکرد؛ به‌کارگیری سیستم‌های مدیریت عملکرد کارکنان-سازمان	۲۹
	مکانیزم‌های شفافیت در بستر حکمرانی الکترونیک	شفافیت مالی در بستر الکترونیک؛ شفافیت فرآیندها؛ شفافیت تصمیم‌گیری؛ شفافیت در تعاملات عمومی در بستر حکمرانی الکترونیک؛ شفافیت قانونی و نظارتی؛ شفافیت اقتصادی	۲۴
	مکانیزم‌های پاسخگویی در بستر حکمرانی الکترونیک	پاسخگویی اجتماعی؛ پاسخگویی سیاسی؛ پاسخگویی قانونی؛ پاسخگویی مالی	۲۰
	کیفیت خدمات	صیانت از حقوق مردم و سلامت اداری؛ اطمینان از کیفیت خدمات ارائه‌شده از طریق سیستم‌های دیجیتال؛ رضایت و انگیزش کارکنان	۱۷
	پایداری و بهینه‌سازی مدیریت منابع در بستر حکمرانی الکترونیک	تحقق پایداری با استفاده از بستر حکمرانی الکترونیک؛ بهبود مدیریت منابع با استفاده از داده‌ها و فناوری‌های دیجیتال؛ توسعه سیستم‌های ارزیابی عملکرد محیطی/مسئولیت اجتماعی	۱۶
	حاکمیت قانون	انطباق با قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی مرتبط با فعالیت‌ها؛ پشتیبانی قانونی برای پیاده‌سازی و اجرای مقررات؛ مقررات انضباطی و کدهای اخلاقی	۹
	آموزش و توانمندسازی کارکنان و مدیران در بستر حکمرانی الکترونیک	اجرای دوره‌های آموزشی به تفکیک سطوح مختلف مدیران و کارکنان؛ برنامه‌ریزی رشد و جانشینی؛ ایجاد فرصت‌های یادگیری مداوم	۱۳
	ظرفیت‌سازی نظام اداری در بستر حکمرانی الکترونیک	تمرکززدایی؛ بهینه‌سازی و مدیریت فرآیندها با رویکرد حکمرانی الکترونیک؛ چابکی و انعطاف‌پذیری ساختاری؛ اصلاح استراتژی‌های اجرایی	۱۸

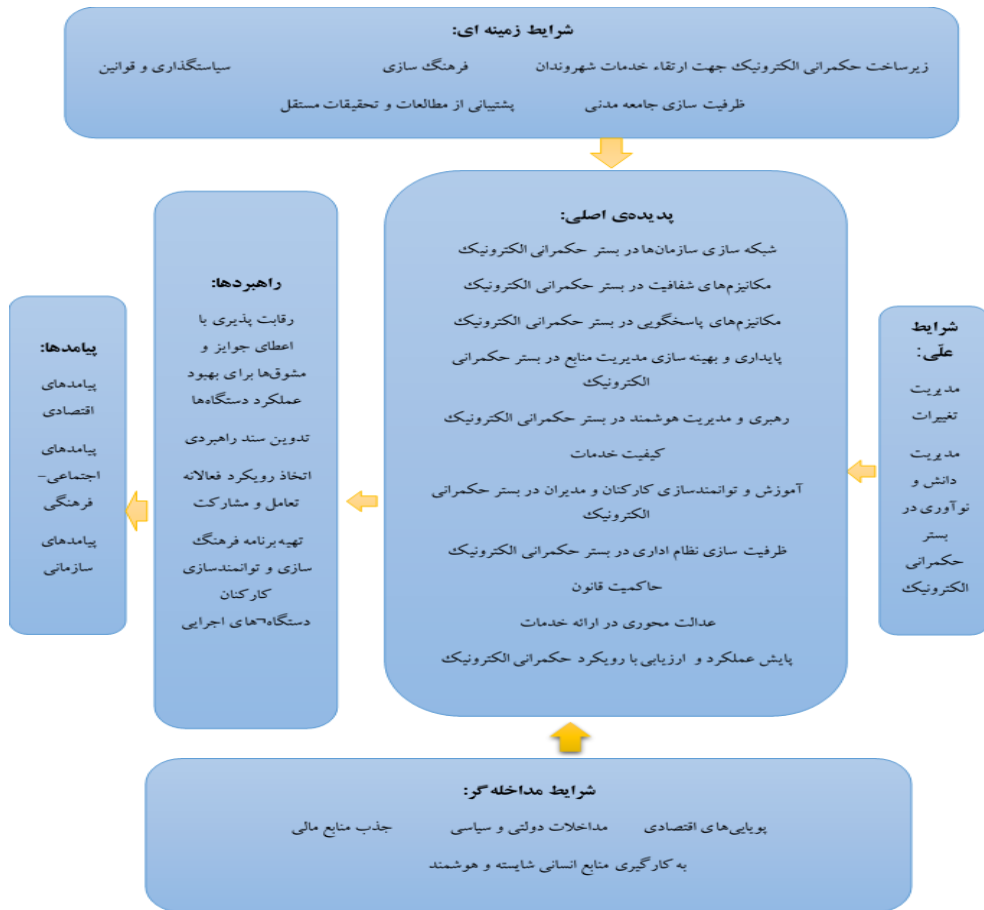
جدول ۳. کدهای گزینشی، محوری

فرآوانی کدهای باز	کدهای محوری	کدهای گزینشی	اجزای مدل پارادایمی
۶	تنوع و شمول اجتماعی در دسترسی به خدمات؛ به‌کارگیری و استخدام بر مبنای آزمون در فضای رقابتی	عدالت محوری در ارائه خدمات با رویکرد حکمرانی الکترونیک	پدیده محوری مدیریت عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک
۲۲	مهارت‌های رهبری دیجیتال؛ تفکر و جهت‌گیری استراتژیک همسو با عصر دیجیتال؛ توجه به توسعه فردی و دیجیتال کارکنان	رهبری و مدیریت هوشمند با رویکرد حکمرانی الکترونیک	
۲۹	اقدامات نوآورانه مشترک؛ ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه؛ توسعه پورتال‌های خدمات دولتی یکپارچه؛ توسعه اپلیکیشن‌های الکترونیک خدمات شهروندان؛ تبادل اطلاعات بین سازمانی در بستر حکمرانی الکترونیک؛ شبکه‌سازی جهت تسهیل همکاری‌ها	شبکه‌سازی سازمان‌ها در بستر حکمرانی الکترونیک	
۹	تغییرات محیطی و فناوری‌های جدید؛ آمادگی سازمان برای پذیرش تغییرات و نوآوری‌های تکنولوژیک؛ پشتیبانی از فرآیندهای نوآوری	مدیریت تغییرات	شرایط علی
۹	تحلیل و بهره‌برداری سیستماتیک از دانش؛ تسهیل تبادل و به اشتراک‌گذاری سیستماتیک دانش؛ جمع‌آوری و سازماندهی سیستماتیک دانش	مدیریت دانش و نوآوری در بستر حکمرانی الکترونیک	
۱۸	اقتناع افکار عمومی؛ پشتیبانی مالی و فنی از نهادهای مدنی؛ تقویت احزاب و انجمن‌های سیاسی و مردم‌نهاد؛ ارتقای آگاهی عمومی در بستر دیجیتال	ظرفیت‌سازی جامعه مدنی	شرایط زمینه‌ای
۴۵	ایجاد نهادهای جدید حکمرانی الکترونیک جهت ارتقاء خدمات شهروندان؛ مدیریت مؤثر پایگاه‌های داده و منابع دیجیتال؛ شبکه‌های ارتباطی؛ زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری؛ سیستم‌های حفاظتی برای محافظت از داده‌ها و اطلاعات سازمان و افراد؛ تأمین مالی پروژه‌های دولت الکترونیک جهت ارتقاء خدمات الکترونیک شهروند	زیرساخت حکمرانی الکترونیک جهت ارتقاء خدمات شهروندان	
۶	تقویت فرهنگ دیجیتال در سازمان‌ها و جامعه؛ توسعه فرهنگ اعتماد و همکاری بین دولت و جامعه مدنی؛ ترویج کار تیمی	فرهنگ‌سازی	

۹	الگوگیری و مطالعه اقدامات سایر کشورها؛ حمایت از فعالیت‌های مبتنی بر شواهد و داده‌محور؛ دسترسی و به‌کارگیری نتایج تحقیقات	پشتیبانی از مطالعات و تحقیقات مستقل	
۱۹	بازنگری و برطرف کردن خلأهای قانونی؛ زیرساخت‌های لازم نظام حقوقی ملی در فضای مجازی؛ تعیین قوانین و استانداردهای تعامل‌پذیری دیجیتال	سیاست‌گذاری و قوانین	
۱۶	اعطای جوایز و تشویق‌ها بر اساس ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها؛ اعمال نتایج نظام ارزیابی در توزیع و تخصیص منابع و امکانات؛ شناسایی دستگاه‌ها با عملکرد برتر	رقابت‌پذیری با اعطا جوایز و مشوق‌ها برای بهبود عملکرد دستگاه‌ها	راهبردها
۲۱	تدوین سند راهبردی؛ کاوش مستمر بر چالش‌های مدیریت عملکرد؛ شناخت مستمر سطح بلوغ سازمانی	تدوین سند راهبردی	
۱۷	مشارکت در نظارت عمومی-خصوصی بر عملکرد سازمان‌ها؛ مشارکت با سازمان‌های نوآور؛ مردمی‌سازی و مشارکت‌جویی جوامع مدنی و بخش غیردولتی؛ بهره‌گیری از تجارب سازمان‌های دیگر	اتخاذ رویکرد فعالانه تعامل و مشارکت	
۱۸	حمایت از ابتکارات دیجیتال در تمامی سطوح سازمانی؛ برنامه‌های فرهنگی در تمامی سطوح سازمانی؛ طراحی و اجرای برنامه توانمندسازی کارکنان دستگاه‌های اجرایی	تهیه برنامه فرهنگ‌سازی و توانمندسازی کارکنان دستگاه‌های اجرایی	
۱۳	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه فناوری اطلاعات؛ منابع مالی دولتی؛ رشد اقتصادی	پویایی‌های اقتصادی	
۱۹	ثبات سیاسی و تغییرات حکومتی؛ حمایت سیاسی از حکمرانی الکترونیک	مداخلات دولتی و سیاسی	شرایط مداخله‌گر
۱۵	جذب سرمایه‌گذاری؛ سیستم‌های حسابرسی؛ هوشمندی مالی؛ اصلاح بودجه‌ریزی	جذب منابع مالی	
۲۰	مدیریت استعدادهای انسانی؛ به‌کارگیری و پیاده‌سازی فناوری‌های جدید در زمینه مدیریت منابع انسانی؛ شایسته‌سالاری	به‌کارگیری منابع انسانی شایسته و هوشمند	
۱۰	پایداری در استفاده از منابع (طبیعی-انسانی-مالی)؛ ارزش‌افزوده‌ای برای سازمان‌ها و اقتصاد ملی	پیامدهای اقتصادی	پیامدها
۱۶	مشروعیت و مقبولیت دولت؛ بهبود اخلاقیات و کاهش فساد؛ ارتقای سرمایه اجتماعی؛ ارتقای مشارکت و وفای عمومی	پیامدهای اجتماعی-فرهنگی	
۱۵	خدمت‌رسانی الکترونیک و به‌هنگام و مفید به شهروندان؛ بهبود هماهنگی و یکپارچگی سازمان؛ بهبود کارایی و بهره‌وری سازمان	پیامدهای سازمانی	

پس از انجام دسته‌بندی فوق، مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده به صورت نظام‌مند به یکدیگر مرتبط و در قالب یک مدل پارادایمی در قالب شکل ۹ ارائه گردید.

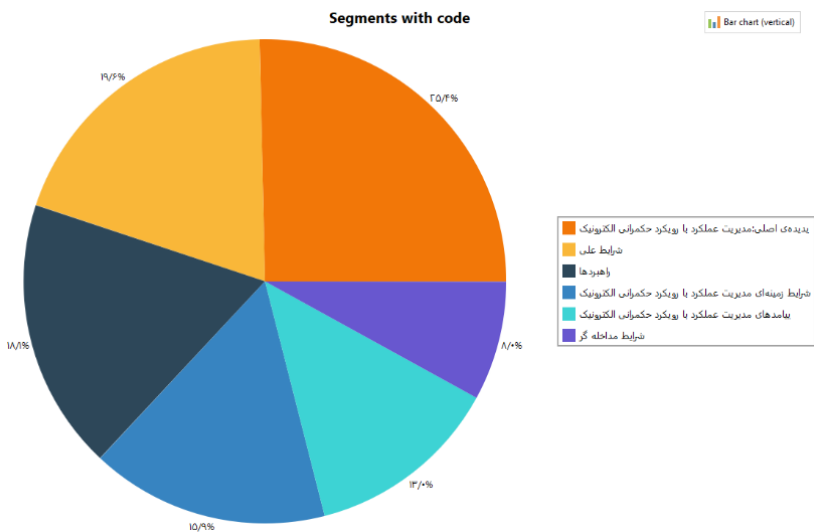
شکل ۹. مدل پارادایمی پژوهش



(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

همچنین خروجی نهایی نرم‌افزار مکس کیودا ۲۱ در قالب شکل ۱۰ ارائه شده است.

شکل ۱۱. خروجی نرم‌افزار مکس کیو دی ای از فراوانی نقل قول‌های تحقیق



(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

فراوانی نظرات در مقوله‌ی پدیده‌محوری مدیریت عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک مجموعاً تعداد ۲۰۳ مورد بوده که بیشترین فراوانی تعداد کدها مربوط به عامل‌های پایش عملکرد و ارزیابی با رویکرد حکمرانی الکترونیک و شبکه‌سازی سازمان‌ها در بستر حکمرانی الکترونیک با ۲۹ کد باز بوده است. شرایط وسیع و عامی همچون فضا است که به‌عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده‌ی راهبردها عمل می‌کند. فراوانی نظرات شرایط مداخله‌گر مدیریت عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک مجموعاً تعداد ۶۷ مورد بوده که بیشترین فراوانی تعداد کدها مربوط به عامل به‌کارگیری منابع انسانی شایسته و هوشمند و مداخلات دولتی و سیاسی با ۲۰ و ۱۹ کد باز است. فراوانی نظرات در طبقه‌ی راهبردها مجموعاً تعداد ۷۲ مورد بوده که بیشترین فراوانی مربوط به راهبردهای تهیه‌ی برنامه فرهنگ‌سازی و توانمندسازی کارکنان دستگاه‌های اجرایی با ۱۸ کد باز می‌باشد. فراوانی نظرات پیامدهای مدیریت عملکرد با رویکرد حکمرانی الکترونیک مجموعاً تعداد ۴۱ مورد بوده که بیشترین فراوانی تعداد کدها مربوط به عوامل پیامدهای اجتماعی - فرهنگی و پیامدهای سازمانی با فراوانی ۱۶ و ۱۵ کد باز است. فراوانی نظرات در مقوله‌ی شرایط علی مدیریت عملکرد سازمان‌های دولتی با رویکرد حکمرانی الکترونیک مجموعاً تعداد ۱۸ مورد

بوده که در هر دو عامل مدیریت تغییرات و مدیریت دانش و نوآوری در بستر حکمرانی الکترونیک به صورت مساوی بوده است.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سازمان‌های دولتی به طور فزاینده‌ای به دنبال بهبود عملکرد خود در مواجهه با فشارهای متعدد از سوی ذی‌نفعان مقتدر، سیاستمداران و رسانه‌ها هستند. هم‌راستاسازی طراحی مدل عملکرد با حکمرانی و تطابق بین ساختارهای حکمرانی و مدل‌های مدیریت عملکرد برای دستیابی به نتایج مطلوب در بخش عمومی ضروری است. مدیریت عملکرد طی چند دهه‌ی اخیر نشان داده است که چنین مداخلاتی می‌توانند به تقویت مشارکت شهروندان و ارتقای روحیه خدمت عمومی کمک کنند؛ از این‌رو مدیریت عملکرد نیازمند یک رویکرد جامع و سیستماتیک است که به مدیران اجازه دهد تعادل میان منافع بلندمدت و کوتاه‌مدت در حوزه‌های مختلف سازمانی را برقرار کنند و رویکرد حکمرانی الکترونیک با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات منجر به کارایی دولت؛ کاهش هزینه‌ها؛ افزایش بهره‌وری؛ شفافیت؛ تضمین انجام وظایف دولت به شیوه‌ای منصفانه و عادلانه می‌گردد و به عنوان یک عامل حیاتی در بهبود عملکرد پیشبرد کارایی، بهره‌وری و نوآوری در بخش دولتی شناخته می‌شود و به کارگیری آن مستلزم هم‌راستایی ساختارهای حکمرانی با شیوه‌های مدیریت عملکرد است تا دستیابی به نتایج پایدار تسهیل و تضمین گردد. از این‌رو پژوهش حاضر، با هدف ارائه‌ی الگوی مدیریت عملکرد در بخش دولتی با رویکرد حکمرانی الکترونیک انجام گرفته است که می‌تواند برای سازمان‌های بخش دولتی جهت تقویت عملکردشان کاربردی باشد؛ بنابراین، با توجه به مطالعات صورت گرفته در این زمینه و همچنین با در نظر گرفتن نظر خبرگان و کارشناسان فعال در این حوزه که حدود دو سوم آن‌ها در استان خراسان جنوبی مشغول به فعالیت هستند، در نهایت مدل مدیریت عملکرد سازمانی با رویکرد حکمرانی الکترونیک در قالب شش مضمون عوامل زمینه‌ای (سیاست‌گذاری و قوانین، پشتیبانی از مطالعات و تحقیقات مستقل، فرهنگ‌سازی، زیرساخت حکمرانی الکترونیک جهت ارتقای خدمات شهروندان، ظرفیت‌سازی جامعه‌ی مدنی)؛ عوامل علی (مدیریت تغییرات، مدیریت دانش و نوآوری در بستر حکمرانی الکترونیک)؛ پدیده‌محوری (پایداری و بهینه‌سازی مدیریت منابع، آموزش و

توانمندسازی کارکنان و مدیران، ظرفیت‌سازی نظام اداری، حاکمیت قانون، شبکه‌سازی سازمان‌ها، پایش عملکرد و ارزیابی، کیفیت خدمات، عدالت محوری در ارائه خدمات، رهبری و مدیریت هوشمند، مکانیزم‌های شفافیت، مکانیزم‌های پاسخگویی در بستر حکمرانی الکترونیک؛ عوامل مداخله‌گر (پویایی‌های اقتصادی، جذب منابع مالی، مداخلات دولتی و سیاسی، به‌کارگیری منابع انسانی شایسته و هوشمند)؛ راهبردها (اتخاذ رویکرد فعالانه تعامل و مشارکت، تهیه برنامه فرهنگ‌سازی و توانمندسازی کارکنان دستگاه‌های اجرایی، تدوین سند راهبردی، رقابت‌پذیری با اعطای جوایز و مشوق‌ها برای بهبود عملکرد دستگاه‌ها)؛ و پیامدها (پیامدهای اجتماعی - فرهنگی، پیامدهای سازمانی، پیامدهای اقتصادی) طراحی گردید.

در مقایسه با تحقیقات گذشته در زمینه‌ی مورد مطالعه، نتایج حاصل از پژوهش، در بُعد عوامل زمینه‌ای با نتایج پژوهش ابوالمعالی و همکاران (۱۳۹۹)، توکلی‌راد و میری (۱۴۰۰) و دقتی و یعقوبی (۱۴۰۰) مطابقت دارد. نتایج پژوهش دقتی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد منابع انسانی دارای دانش و مهارت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، محرمانه بودن اطلاعات، امنیت شبکه، اعتبار و اطمینان از اطلاعات، میزان واقعی بودن قوانین امنیتی، اعتبار اطلاعات ارائه شده، ورود رویه‌های قانونی و نظارت جامعه مدنی بر عملکرد دولت الکترونیک، راحتی و سهولت بیشتر شهروندان در استفاده از خدمات و دسترسی به اطلاعات دولتی و کاهش هزینه‌های دولت در استقرار و توسعه حکمرانی خوب الکترونیک مؤثر است. ابوالمعالی و همکاران (۱۳۹۹) بازمهندسی نظام فرهنگی، فناوری و نظام اقتصادی را به منزله‌ی مهم‌ترین عوامل اصلاح نظام اداری مطرح کردند. در پژوهش فرینالدی و همکاران (2023) و نوری و همکاران (۱۳۹۸) نیز به نقش این عوامل اشاره شده است.

در بُعد عوامل علی، نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های نوری و همکاران (۱۳۹۸)، در خصوص شناسایی نقشه‌ی راه دیجیتال (شامل چشم‌انداز دیجیتال، استراتژی دیجیتال، طرح‌گذار دیجیتال)؛ حکمرانی دیجیتال (شامل برنامه‌ریزی و هماهنگی و نظارت و کنترل)؛ سازماندهی دیجیتال (شامل رهبران دیجیتال، ساختار سازمانی، شرکای دیجیتال، فرهنگ دیجیتال و محیط کار دیجیتال) و منابع دیجیتال (شامل زیرساخت دیجیتال، استعداد دیجیتال و سرمایه‌گذاری دیجیتال) در ایجاد تحول دیجیتال در سازمان‌های دولتی هم‌راستا است. در بُعد

پدیده‌محوری، نتایج پژوهش با یافته‌های شجاعان و همکاران (۱۳۹۸) که بر مؤلفه‌ی تدوین چارچوب تعامل‌پذیری و پیاده‌سازی خدمات و ارتباطات مورد نیاز در حاکمیت الکترونیک، توسعه‌ی مشارکت الکترونیک، توسعه‌ی سرمایه انسانی، آموزش و فرهنگ سازی، پژوهش و توسعه‌ی کارآفرینی در حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحقق اقتصاد فناوری اطلاعات، گسترش فضای امنیت تبادل اطلاعات و شکل‌دهی عناصر کلیدی احراز هویت در فضای مجازی، توسعه‌ی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدل نظام نوآوری فناورانه در حوزه‌ی حاکمیت الکترونیک ایران اشاره نموده، هم‌راستاست. همچنین در مطالعات دیگری از جمله چاو (2014)، دقتی و همکاران (۱۳۹۹)، ابوالمعالی و همکاران (۱۳۹۹)، لایبان (2024) بر نقش این عوامل تأکید شده است.

درخصوص مؤلفه‌ی پیامدها، نتایج حاصل از این بخش با نتایج پژوهش آبدارزاده و همکاران (۱۴۰۰)، توکلی‌راد و میری (۱۴۰۰) هم‌سو است. به‌عنوان مثال، نتایج تحقیق آبدارزاده و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «مدل‌سازی وضعیت حکمرانی خوب الکترونیک در فضای کسب و کار مجازی در صنعت بیمه» نشان می‌دهد مقوله‌های پیامدی (تعامل کارا و اثربخش نهادهای بیمه، تحول دیجیتال در بیمه، افزایش رضایت بیمه‌گذاران، گسترش عدالت و رفاه اجتماعی) بر حکمرانی خوب الکترونیک تأثیرگذار است. توکلی‌راد و میری (۱۴۰۰) نیز بر نقش مشارکت شهروندان، شفافیت دولت و پاسخگویی، تغییرات فرهنگی و ایجاد اعتماد در استراتژی‌ها به نحوی تأکید نموده‌اند که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت توسعه پیاده‌سازی الگوی مدیریت عملکرد سازمانی با رویکرد حکمرانی الکترونیک به عنوان یک ضرورت علمی و عملی زمینه‌ساز وفاق عمومی، پایداری در استفاده از منابع، بهبود بهره‌وری و یکپارچگی سازمان‌های دولتی است.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
در رابطه با عوامل زمینه‌ای، استفاده از ظرفیت جامعه‌ی مدنی، ایجاد و توسعه‌ی زیرساخت حکمرانی الکترونیک جهت ارتقای خدمات شهروندان در سازمان‌ها از قبیل ارائه‌ی خدمات الکترونیکی به شهروندان و برقراری سیستم بازخورد برون‌سازمانی، تدوین قوانین و مقررات مرتبط

با فضای مجازی و حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، انجام مطالعات علمی در حوزه‌ی مدیریت عملکرد در سازمان‌ها صورت پذیرد.

در رابطه با عوامل علی، اجرای سیستم مدیریت دانش و ارتقای سیستم‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در سازمان‌ها مورد توجه قرار گیرد. در رابطه با پدیده‌محوری، به پیش مستمر عملکرد و ارزیابی، قانون‌گرایی در انجام فعالیت‌ها، شفافیت و پاسخگویی به جامعه، عدالت‌محوری در انجام فعالیت‌ها، بهینه‌سازی مدیریت منابع و آموزش و توانمندسازی کارکنان و مدیران مورد توجه شود. در رابطه با راهبردها، استفاده از ابزار اعطای جوایز و مشوق‌ها برای بهبود عملکرد دستگاه‌ها، تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های بلندمدت و عملیاتی استفاده گردد.

در رابطه با پیامدها، سازمان‌ها با استقرار مدیریت عملکرد سازمانی با رویکرد حکمرانی الکترونیک، ضمن بهبود هماهنگی و یکپارچگی، شرایط بهبود کیفیت زندگی شهروندان، ارتقای سطح شفافیت، پایداری در استفاده از منابع، ارتقای سرمایه اجتماعی و وفاق عمومی را فراهم آورند. نتایج این پژوهش می‌تواند در بهبود فرایند مدیریت عملکرد در دستگاه‌های دولتی در استان خراسان جنوبی مثمر ثمر باشد. از جمله محدودیت‌های پژوهش، علاوه بر محدودیت زمانی و عدم تمایل به مشارکت برخی از افراد در مصاحبه، محدودیت در تعمیم نتایج است. در تعمیم نتایج و یافته‌های پژوهش به همه‌ی موسسات به دلیل تفاوت‌های مدیریتی، ساختاری و اهداف هر یک از سازمان‌ها باید جانب احتیاط رعایت گردد.

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند بدین‌وسیله از مسئولین و کارکنان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی که ایشان را در انجام مطالعه یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی نمایند. همچنین از تمامی مدیران، اعضای هیئت علمی و کارشناسان استان خراسان جنوبی و سایر افرادی که در تکمیل مصاحبه و ارائه‌ی اطلاعات با نویسندگان همکاری نموده‌اند، سپاسگزاری می‌نمایند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- آبدارزاده، پدram، روشندل اربطانی، طاهر، کیماسی، مسعود، و عقیلی، سیدوحید (۱۴۰۰). مدلسازی وضعیت حکمرانی خوب الکترونیک در فضای کسب و کار مجازی در صنعت بیمه. *مدیریت بازرگانی*، ۱۳(۴)، ۸۶۴-۸۸۵.
- آزادیان، یوسف (۱۴۰۲). بررسی نقش آمادگی الکترونیکی و تحقق دولت الکترونیکی بر عملکرد عملیاتی سازمان‌های دولتی مطالعه موردی: سازمان غله استان مازندران. *رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۷(۲۴)، ۱۷۸۲-۱۷۶۴.
- ابوالمعالی، فاطمه‌السادات، دانش‌فرد، کرم‌الله، و پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۹). طراحی الگوی اصلاحات اداری با رویکرد حکمرانی دیجیتال. *مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۸(۳)، ۱۱-۳۲.
- استرکی، سمیرا لقمان (۱۴۰۲). طراحی مدل حکمرانی الکترونیک در نظام سلامت (مطالعه موردی: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ایران). *سیاست‌نامه علم و فناوری*، ۱۳(۲)، ۵-۲۱.
- پیغان، سعید، و آقاداود، سیدرسول (۱۳۹۹). بررسی اثرات مدیریت کیفیت جامع بر عملکرد سازمانی. *همایش ملی بهبود و بازسازی سازمان‌ها و کسب و کارها*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حسنقلی‌پور، حکیمه، امیری، مجتبی، و پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۶). توسعه مدل ارزشیابی خطمشی نگهداشت اثربخش اعضای هیئت علمی در آموزش عالی. *مدیریت دولتی*، ۹(۳)، ۴۸۹-۵۱۶.
- جولایی، حمید، صلواتی، عادل، احمدی، کیومرث، و محمدی، عطاءالله (۱۳۹۸). تبیین عناصر محتوایی الگوی مدیریت عملکرد مبتنی بر حکمرانی خوب در بخش دولتی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۲(۴۵)، ۱۸۷-۲۱۰.
- دانایی فرد، حسن، و امامی، مجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد. *اندیشه مدیریت*، ۱۱(۲)، ۶۹-۹۷.
- دقتی، عادل، و یعقوبی، نورمحمد (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار و توسعه حکمرانی الکترونیک در سازمان‌های دولتی. *حکمرانی و توسعه*، ۲(۲)، ۱-۲۵.

دقتی، عادلہ، یعقوبی، نورمحمد، کمالیان، امین‌رضا، و دهبانی، مسعود (۱۳۹۹). طراحی الگوی استقرار و توسعه حکمرانی خوب الکترونیک با استفاده از رویکرد فراترکیب. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۲۴(۲)، ۱-۳۴.

رجائی، زهرا، و شبانی، محمد (۱۴۰۲). واکاوی برخی بایسته‌های مدیریت و حکمرانی اسلامی در سیمای نامه ۵۳ نهج‌البلاغه. حکمرانی و توسعه، ۴(۱)، ۱۱۵-۱۳۶.

ضیایی‌پور، الهام، محمدیان، ایوب، خوش‌الحان، فرید، و تقی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۰). چارچوب ابعاد آمادگی الکترونیکی ملی براساس رویکرد سیستمی. مدیریت فناوری اطلاعات، ۳(۸)، ۹۷-۱۱۴.

Alkhodary, D. A., Jreissat, E. R., Saidat, Z., Ali, H., & Hasan, E. F. (2023). Examining the impact of e-governance on the performance of corporations: a case study of companies in Jordan. *Information Sciences Letters*, 12(6), 2599-2617.

Atobishi, T., Abu Bakir, S. M., & Nosratabadi, S. (2024). How do digital capabilities affect organizational performance in the public sector? The mediating role of organizational agility. *Administrative Sciences*, 14(2), 37.

Aguinis, H. (2013). *Performance management* (3rd ed.). NJ: Pearson Prentice Hall.

Al-Aiban, K. M. (2024). Sustainable Growth in expanded BRICS: Linking Institutional performance, digital governance, and Green Finance to Environmental Impact. *The Asian Bulletin of Contemporary Issues in Economics and Finance*, 4(1), 81-102.

Andersen, L. B., Pedersen, L. H., & Petersen, O. H. (2018). Motivational foundations of public service provision: Towards a theoretical synthesis. *Perspectives on Public Management and Governance*, 1(4), 283-298.

Bianchi, C., & Caperchione, E. (2022). Performance management and governance in public universities: Challenges and opportunities. *Governance and Performance Management in Public Universities*. Springer.

Cascio, W. F. (2006). 10 global performance management systems. *Handbook of research in international human resource management*, 176-96.

- Chua, C. (2014). Digital governance implementation and institutional performance of state universities and colleges (SUCs) in the Philippines. *Computer Engineering and Intelligent Systems*, 5(2), 53-61.
- Cordery, C. J., Goncharenko, G., Polzer, T., McConville, D., & Belal, A. (2023). NGOs' performance, governance, and accountability in the era of digital transformation. *The British Accounting Review*, 55(5), 1-11.
- Creswell, J. (2002). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (3rd ed). North America: SAGE Publication.
- Drobyszko, S., Barwińska-Małajowicz, A., Ślusarczyk, B., Zavidna, L., Danylovyh-Kropyvnytska, M. (2019). Innovative entrepreneurship models in the management system of enterprise. *Journal of Entrepreneurship Education*, 22(4), 1-6.
- Donahue, J. D., & Nye, J. S. (Eds.). (2004). *Market-based governance: Supply side, demand side, upside, and downside*. Brookings Institution Press.
- Engidaw, A. E. (2022). Small businesses and their challenges during COVID-19 pandemic in developing countries: in the case of Ethiopia. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 11(1), 1-14.
- Gautam, A., & Jain, S. (2016). Implementing Performance Management Systems: A Strategic Tool for Human Resource Management, *Conference Emerging Trends in HRAt: Meerut*, 1, 1-13.
- Gerrish, E. (2016). The impact of performance management on performance in public organizations: A meta-analysis. *Public Administration Review*, 76(1), 48-66.
- Heinrich, C. J. (2015). The role of performance management in good governance and its application in public education. *Employment Research Newsletter*, 22(3), 2.
- Jakobsen, M. L., Baekgaard, M., Moynihan, D. P., & van Loon, N. (2018). Making sense of performance regimes: Rebalancing external accountability and internal learning. *Perspectives on Public Management and Governance*, 1(2), 127-141.
- Kompella, L. (2017). E-Governance systems as socio-technical transitions using multi-level perspective with case studies. *Journal of Technological Forecasting and Social Change*, No.123, 80-94.
- Leoni, G., Maione, G., & Mazzara, L. (2023). Digital Governance for Addressing Performance Challenges within Inter-municipalities. In *Big Data and Decision-Making: Applications and Uses in the Public and Private Sector*. Emerald Publishing Limited.

- Lu, L. (2023). Enhancing Organizational Performance: Unveiling the Dynamics of Performance Management and Employee Engagement. *Academic Journal of Business & Management*, 5(19), 46-50.
- Leoni, G., Maione, G., & Mazzara, L. (2023). Digital Governance for Addressing Performance Challenges within Inter-municipalities. In *Big Data and Decision-Making: Applications and Uses in the Public and Private Sector*. Emerald Publishing Limited.
- Manoharan, A. P., Melitski, J., & Holzer, M. (2023). Digital governance: An assessment of performance and best practices. *Public Organization Review*, 23(1), 265-283.
- Moynihan, D. P. (2006). Managing for results in state government: Evaluating a decade of reform. *Public Administration Review*, 66(1), 77-89.
- Moynihan, D. P., Fernandez, S., Kim, S., LeRoux, K. M., Piotrowski, S. J., Wright, B. E., & Yang, K. (2011). Performance regimes amidst governance complexity. *Journal of public administration research and theory*, 21(suppl_1), i141-i155.
- Mone, E. M., London, M., & Mone, E. M. (2018). *Employee engagement through effective performance management: A practical guide for managers*. Routledge.
- Pang, M. S., Lee, G., & DeLone, W. H. (2014). IT resources, organizational capabilities, and value creation in public-sector organizations: a public-value management perspective. *Journal of Information Technology*, 29(3), 187-205.
- Razak, R. C. (2011). Amalan sistem penyampaian perkhidmatan dan prestasi pihak berkuasa tempatan. Conference Master Resources.
- Reid, G. J. (2008). *Actionable governance indicators—concepts and measurement*. *Administrative and Civil Service Reform (ACSR) Thematic Group*, Washington DC :The World Bank.
- Rogge, K. S., & Reichardt, K. (2016). Policy mixes for sustainability transitions: An extended concept and framework for analysis. *Research policy*, 45(8), 1620-1635.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary educational psychology*, 61, 101860.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. CA: Sage.
- Saunila, M., Ukko, J., Nasiri, M., & Garengo, P. (2024). The role of digital governance in the integration of performance measurement systems uses

- and Industry 4.0 maturity. *International Journal of Computer Integrated Manufacturing*, 37(7), 809-822.
- Sukmana, H. T., Wibowo, V., & Kurniawan, H. (2022). The Influence of IT Governance and Digital Technology Adoption to Institutional Performance Mediated by Instructional Leadership. In *2022 10th International Conference on Cyber and IT Service Management (CITSM)* (pp. 1-6).
- Savedoff, W. D. (2011). Governance in the health sector: a strategy for measuring determinants and performance. *World Bank policy research working paper*.
- Schneider, A., & Ingram, H. (1990). Behavioral assumptions of policy tools. *The journal of politics*, 52(2), 510-529.
- Talbot, C. (2008). Performance regimes—the institutional context of performance policies. *Intl Journal of Public Administration*, 31(14), 1569-1591.
- Vogt, M., & Hales, K. (2010). Strategic alignment of ICT projects with community values in local government. *43rd Hawaii International Conference on System Sciences* (pp. 1-10).
- Virani, A., & van der Wal, Z. (2023). Enhancing the Effectiveness of Public Sector Performance Regimes: A Proposed Causal Model for Aligning Governance Design with Performance Logics. *Perspectives on Public Management and Governance*, 6(1), 54-65.
- Wright, B. E., & Pandey, S. K. (2008). Public service motivation and the assumption of person—Organization fit: Testing the mediating effect of value congruence. *Administration & society*, 40(5), 502-521.
- Wu, X., & Ramesh, M. (2014). Market imperfections, government imperfections, and policy mixes: Policy innovations in Singapore. *Policy sciences*, No. 47, 305-320.

A Chronological Investigation of Prehistoric Pottery in the Qosheh Tut Region in Northeastern Iran

Mahboubeh Rahmatzadeh¹ Maryam Zohouriyani² Meisam Nikzad³
Hossein Koohestani⁴ Bahram Anani⁵

Received: 9/1/2025

Accepted: 10/3/2025

Introduction

Qosheh Tut Hill, located in Saleh Abad, North Khorasan, is one of the region's significant archaeological sites. It lies 12 km from Saleh Abad and 77 km northeast of Torbat-e-Jam, along the road connecting two major cities of Khorasan Razavi. This site was officially registered as a national monument of Iran by the Khorasan Razavi Cultural Heritage Office on July 15, 2003. Notwithstanding this, previous studies have been limited to only preliminary identifications, a comprehensive examination of this topic is lacking. To reconstruct the settlement history of Qosheh Tut Hill, a systematic study of its surface data was deemed necessary. This research employed a structured and statistically grounded methodology covering all areas of

1. Master's Student in Archaeology, Faculty of Arts, University of Birjand, Birjand, Iran.
Email: mahbobeh.rahmatzade1376@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Arts, University of Birjand, Birjand, Iran. (Corresponding author) Email: zohouriyani@birjand.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-9466-7639>

3. Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Archaeology and Restoration, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: Meisam.nikzad@shirazartu.ac.ir
<https://orcid.org/0009-0000-5967-0584>

4. Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Arts, University of Birjand, Birjand, Iran. Email: hkoohestani@birjand.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-8262-3487>

5. Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Conservation and Restoration, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: b.anani@aui.ac.ir
<https://orcid.org/0009-0007-6364-0687>



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

the site. A sampling strategy focusing on index samples was adopted, and the study was conducted in three stages: grid mapping, sampling, and documentation of findings. Initially, a preliminary site map was created, dividing the hill into 25×25-meter grids. Selected squares were then sampled, and all available cultural materials were systematically collected, analyzed, photographed, and subjected to typological comparison. The significance of this research lies in its examination of Khorasan's cultural influences on neighboring regions and its exploration of the area's role as a hub for cultural interactions. Furthermore, such studies contribute to understanding the continuity of prehistoric and historical cultures in this strategically located and ecologically rich region.

Methodology

This research adopts a historical and comparative approach to analyze the Qosheh Tut site. Data collection involved both fieldwork and library research. During the field study, surface samples, particularly pottery, were systematically collected and analyzed. The collected specimens were then classified typologically and chronologically to provide a clearer understanding of the region's historical and cultural characteristics. As a foundational study, this research not only enhances our understanding of the past but also serves as a basis for future archaeological investigations.

Findings and Conclusion

Analysis of the pottery typology and its comparison with neighboring regions indicate that Qosheh Tut Hill was first settled during the Chalcolithic period as a small village. However, typological evidence from this period is relatively scarce. The site saw extensive habitation during the Bronze Age, when it developed into a larger settlement. Pottery from this period corresponds to various phases of the Bronze Age and shares significant similarities with the Bronze Age cultures of Turkmenistan, particularly Namazgah III and IV. Additionally, evidence of pottery linked to the Balkhi-Marvi culture was identified. During the Iron Age, Qosheh Tut Hill exhibited a continuous sequence of settlement, reaching its peak in terms of population and cultural activity. The Iron Age pottery from the site is the most abundant among all periods and closely resembles cultural artifacts from regions beyond present-day Iran, particularly the Yaz I culture of Turkmenistan. Comparative mapping and typological studies suggest that the prehistoric pottery of this region was significantly influenced by the Yaz culture and the prayer areas of Turkmenistan, followed by the Balkhi pottery tradition of Afghanistan. Furthermore, important cultural connections are evident with interior Iranian sites, including Shahr-e-Sokhteh in the southeast, Gorgan, Bojnourd, and Dargaz in the northeast, Neyshabur in the

east, and Tepe Hesar in central Iran. These findings underscore the extensive transcultural interactions that shaped the prehistoric cultural landscape of the region.

Keywords: Khorasan, Qosheh Tut, Cultural Studies, Namazgah, Yaz

References

- Ariai, A., & Thibault, C. (1975). Nouvelles précisions à propos de l'outillage paléolithique ancien sur galets du Khorassan (Iran). *Paléorient*, 3, 101-108.
- Askarov, A. A., & Al'baum, L. I. (1979). *Poselenije Kuchuktepa*. Tachkent: Fan.
- Azizi Kharanaghi, M. H., Niknami, K. O. D., & Moradi, N. (2010). Asr-e mofragh-e jadid dar tapeh-ye Sagz Abad bar mabnaye yaafteh-haye sofali [The late bronze age in Sagz Abad Tepe based on pottery findings]. *The Message of Archaeology Journal*, 7(14), 21-34. [In Persian]
- Basafa, H. (2017). Tabin-e farhangha-ye doreh-ye ahan-e dasht-e neyshabur bar asas-e mavad-e farhangi-ye tepe-ye tigh-e mehre [Explaining the iron age cultures of Nishapur plain based on the cultural materials of Tigh-e Mehre tepe]. *Historical Sociology Journal*, 9(1), 1-18. [In Persian]
- Davari, M. S., Hassan, B., & Mahmoud, T. (2020). Tabin-e gahnegari-ye nesbi-ye esteqrarha va arzyabi-ye nezam-haye farhangi-ye pish az tarik-e hozeye Kashf Rud-e Dasht Mashhad az doreh-ye Nosangi ta Mofragh-e Miani [Establishing the relative chronology of settlements and evaluating prehistoric cultural systems in the Kashaf Rud Basin, Mashhad Plain, from the Neolithic to the Middle Bronze Age]. *Archaeological Studies*, 12(3), 41-63. [In Persian]
- Duke, K. I. (1982). Chirakchinskoe poselenie. *Istorija Material'noj Kul'tury Uzbekistana*, 17, 19-29.
- Gubaev, A., Koshelenko, G. A., & Tosi, M. (1998). *The archaeological map of the Murghab Delta: Preliminary reports 1990-95* (Reports and Memoirs, Series Minor Volume III). Rome: IsIAO.
- Gutlye, G. Z. (1985). Yashildepe reference monument of the Early Iron Age in the territory of the Northern Parthia. *Proceedings of the Academy of Sciences of the Turkmen SSR*, 4, 44-50.
- Gutlyev, G. (1970). Raboty na poselenii rannezheleznogo veka Yasi-depe i i Baba-Durmaza. *K. D.*, 3, 64-71.
- Hiebert, F., Robert, H., & Dyson, J. R. (2002). Prehistoric Nishapur and the frontier between Central Asia and Iran. *Iranica Antiqua*, 37. <https://doi.org/10.2143/IA.37.0.120>
- Jami Al-Ahmadi, M. (2008). Baznegari motale'at-e parineh sanghi dar hozeh-ye rudkhaneh-ye kashf rud va mo'arrefi mohavateh-haye jadid-e parineh sanghi [A review of paleolithic studies in the Kashafrud river basin and introduction of new paleolithic sites]. (Unpublished master's thesis). University of Tehran, Iran.
- Kohl, P. (2015). *Bastan-shenasi-ye Asiyaye markazi az dore-ye parine sanggi ta asr-e ahan* [Central Asian archaeology from the paleolithic to the iron age] (H. Ramezani-pour & M. Moradian, Trans.). Tehran: Samira Publications. [In Persian]
- Kohl, P. L., Biscione, R., & Ingraham, M. L. (1982). Implications of recent evidence for the prehistory of Northeastern Iran and Southwestern Turkmenistan. *Iranica Antiqua*, 16, 185-204.
- Korbel, G. (1983). Archäologische Ergebnisse einer Glandebegung im Gebiet von Torbat-e Djam und Tayyebat (Khorasan). *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 16, 18-57.

- Lecomte, O., Francfort, H. P., Boucharlat, R., & Mamedow, M. (2002). Recherches archéologiques récentes à Ulug Depe (Turkménistan). *Paléorient*, 28(2), 123-133.
- Mirzaei, A., & Dana, M. (2016). Jashn nameh mirabedin kaboli, baznegari asr-e mafragh dar darreh atrak balayi: Barresi-haye jadid bastanshenasi dar shomal khorasan [Festschrift for Mirabedin Kaboli, a review of the bronze age in the Upper Atrak Valley: new archaeological investigations in Northern Khorasan]. *Iranian Cultural Heritage Luminaries Journal*, 2, 215-235. [In Persian]
- Nami, H. (2021). Gahnegari-ye nasbi, tahlil-e mohiti va bastan-shenakhti-ye mohavate-ye mokhartapeh (Torbat-e Jam, Shomal-e Shargh-e Iran) [Chronology, environmental analysis, and archaeology of the Mokhar tTpe site, Torbat-e Jam, Northeastern Iran]. *Parse Archaeological Studies Journal*, 6(21), 7-40. [In Persian]
- Pumpelly, R. (1908). *Explorations in Turkestan: Prehistoric civilizations of Anau*. Washington, DC: Carnegie Institution.
- Rezaeinia, A. A., Vahdati, A. A., & Mostafa, S. (2021). Yaaftah-haye farhang-e asr-e ahan tapeh-ye Pari Jaye Mazandaran [Findings of the iron age culture at Pari Jay Tepe, Mazandaran]. *Iranian Archaeological Studies Journal*, 5(16), 51-68. [In Persian]
- Ricciardi, R. V. (1980). Archaeological survey in the Upper Atrek Valley (Khorasan, Iran): Preliminary report. *Mesopotamia*, 15, 51-72.
- Sarianidi, V. I. (1972). Excavations of Tillya-Tepe in Northern Afghanistan. *The Science. Tillya-Tepe v severnom Afghanistane*. New York: Harry N. Abrams.
- Sarianidi, V. I. (1983). The pottery of Shahr-i Sokhta I and its southern Turkmenian connections. In M. Tosi (Ed.), *Prehistoric Sistan I* (IsMEO Rep. Mem. XIX, 1) (pp. 183-200). Rome.
- Sarianidi, V. I., & Koshelenko, G. A. (1985). Merv Oasis, Northern Parthia, Serakh Oasis, Northern Bactria. In G. A. Koshelenko (Ed.), *Ancient states of the Caucasus and Central Asia* (pp. 181-192). Moscow: Nauka.
- Schmidt, V. (1937). *Excavations at Tape Hissar: Damghan*. Philadelphia: The University Museum Press.
- Sheikh, M. (2014). Barrasi-ye sistematik-e Yarim Tapeh-ye Daregaz, barrasi va shenasaei-ye esteqrar-e pish az tarik-e Yarim Tapeh va tadvin-e gahnegari ba estenad be yaaftah-haye sofali [A systematic study of Yarim Tepe, Dargaz: Examination and identification of prehistoric settlement at Yarim Tepe and the development of chronology based on pottery findings]. (Unpublished master's thesis). University of Sistan and Baluchestan, Iran. [In Persian]
- Sheikh, M., Jafari Khan Babin, M., & Shirazi, R. (2022). Shenasaei farhang Yaz I (Ahan Aghazin) [Identification of Yaz I culture (Early Iron Age) in Yarim Tepe, Dargaz, Khorasan]. *Bastan Pajouh Journal*, 22(27), 4-22. [In Persian]
- Vahdati, A. A. (2014). A BMAC grave from Bojnord, northeastern Iran. *Iran*, 52, 19-27.
- Vahdati, A. A. (2014). Kavosh dar Jeyran Tapeh [Excavation at Jeyran Tepe]. *RICHT Journal Publication Athar*, 61, 123-134. [In Persian]

- Vahdati, A. A. (2015). *Asr-e Mefragh va Ahan Khorasan (3000 ta 500 Gham), gozari bar bastan shenasi Khorasan* [The bronze and iron ages in Khorasan (3000 to 500 BC): An overview of Khorasan archaeology]. *Tehran: Cultural Heritage Organization Publications*, 37-47. [In Persian]
- Vahdati, A. A. (2020). *Asr-e ahan dar sharq Iran, 1500 ta 550 BC* [The iron age in Eastern Iran (1500 to 550 BC)]. First Biennial International Conference of the Iranian Archaeological Association. Tehran: Arya Ramna Publications. [In Persian]
- Vahdati, A. A., & Zhang, L. (2017). *Gozarash-e mokhtasar fasl-e dovom heyat-e moshtarak Iran va Chin dar tapeh-ye nadari* [A brief report on the second season of the Iran-China joint expedition at Nadri Tepe, Shirvan, Northern Khorasan]. Sixteenth Annual Meeting of Iranian Archaeology Tehran: Research Institute of Archaeology. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

گونه‌شناختی و گاه‌نگاری سفالینه‌های پیش از تاریخ محوطه‌ی «قشه‌توت» در شمال شرق ایران

محبوبه رحمت‌زاده^۱ مریم ظهوریان^۲ میثم نیکزاد^۳
حسین کوهستانی^۴ بهرام عنانی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_217019.html

چکیده

خراسان بزرگ یکی از مناطق پراهمیت در شناخت دوره‌های فرهنگی از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی به شمار می‌رود. با این حال، نبود انسجام در حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، همراه با پراکندگی و ناهمگونی در بررسی‌ها، موجب ضعف در شناسایی فرهنگ‌های پیش از تاریخ در شرق ایران شده است. تپه‌ی قشه‌توت، که در فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری صالح‌آباد و ۷۷ کیلومتری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند

mahbobeh.rahmatzade1376@gmail.com

zohourian@birjand.ac.ir

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند. نویسنده مسؤول

<https://orcid.org/0000-0001-9466-7639>

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده باستان‌شناسی و مرمت، دانشگاه شیراز

Meisam.nikzad@shirazartu.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0000-5967-0584>

۴. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند

Meisam.nikzad@shirazartu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-8262-3487>

b.anani@au.ac.ir

۵. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه اصفهان

<https://orcid.org/0009-0007-6364-0687>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

شمال شرق شهرستان تربت جام در خراسان رضوی واقع شده و بر مسیر راه‌های ارتباطی این دو شهر قرار دارد، یکی از محوطه‌های غنی از آثار پیش از تاریخ محسوب می‌شود. این محوطه به دلیل گنجایش گسترده‌اش، امکان بررسی فرهنگ‌های این دوره را فراهم می‌آورد. در این پژوهش، پس از انجام بررسی‌های پیمایشی و برداشت ۱۱۴ نمونه به روش نمونه‌برداری سفال‌های شاخص از شبکه‌های تعیین شده، تنها ۵۲ قطعه‌ی شاخص براساس، مطالعات تطبیقی - تحلیلی، مورد گونه‌شناسی و گاه‌نگاری قرار گرفته است. افزون بر این، تأثیر فرهنگ‌های "نمازگاه" و "یاز" که از فرهنگ‌های فرامنطقه‌ای به شمار می‌آیند، نیز تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توالی استقرار این تپه از دوره‌ی مس - سنگ و مفرغ آغاز شده و تا دوره‌ی آهن به صورت مستمر ادامه یافته است، به طوری که در دوره‌ی آهن به بیشترین وسعت خود رسیده است. همچنین، گونه‌شناسی سفالینه‌ها نشان‌دهنده‌ی شباهت زیاد سفال‌های عصر مفرغ این تپه به دوره‌های نمازگاه III و IV است و سفال‌های عصر آهن آن نیز بیشترین شباهت را با دوره‌ی یاز I در ترکمنستان نشان می‌دهد. این موضوع بیانگر ارتباطات فرافرهنگی میان مناطق مختلف است.

واژه‌های کلیدی: خراسان، تپه‌ی قشه‌توت، مطالعات فرهنگی، نمازگاه، یاز.

مقدمه

مطالعات فرهنگی یکی از پایه‌های مهم در بررسی و تقویت هویت تاریخی ایران باستان محسوب می‌شود. در این میان، منطقه‌ی خراسان بزرگ، با پیشینه‌ای کهن، دوره‌های متنوع و گسترده‌ای از فرهنگ‌های باستانی را در خود جای داده است. با این حال، متأسفانه پژوهش‌های مرتبط با فرهنگ‌های پیش از تاریخ در این منطقه همچنان مورد غفلت قرار گرفته و کمتر به آن توجه شده است؛ در حالی که در تپه‌ی کپه‌داغ ترکمنستان، توالی فرهنگی پیش از تاریخ به شکلی منسجم و کامل ارائه شده است. با توجه به ارتباطات گسترده خراسان بزرگ با مناطق ترکمنستان، افغانستان و ازبکستان در دوران باستان و وجود محوطه‌های باستانی متعدد در این منطقه، ضرورت کاوش‌ها و مطالعات عمیق‌تر و گسترده‌تر در زمینه‌ی فرهنگ‌های پیش از تاریخ خراسان بیش از پیش احساس می‌شود. خراسان در دوران پیش از تاریخ، دارای فرهنگی غنی و یک‌جانشینی

متوالی و گسترده بوده است. یکی از محوطه‌های باستانی ارزشمند این منطقه، تپه‌ی قشه‌توت در صالح‌آباد است. این تپه که در فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری صالح‌آباد و ۷۷ کیلومتری شمال شرق شهرستان تربت جام واقع شده، بر سر راه‌های ارتباطی دو شهر مهم خراسان رضوی قرار دارد. این محوطه در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۸۲ توسط اداره‌ی میراث فرهنگی خراسان رضوی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است؛ اما، مطالعات انجام‌شده بر روی این محوطه فراتر از شناسایی اولیه نرفته و هیچ پژوهش علمی جامع و دقیقی روی آن صورت نگرفته است.

برای بازسازی تاریخ استقرار این تپه، مطالعه‌ی داده‌های سطحی آن ضروری است. این مطالعه نیازمند روشی جامع و نظام‌مند است که تمامی بخش‌های مختلف تپه را پوشش دهد و بر اصول آماری مبتنی باشد. به همین منظور، روش نمونه‌برداری از نمونه‌های شاخص برای جمع‌آوری نمونه‌ها از سطح تپه انتخاب شد. بررسی این محوطه در سه مرحله شامل شبکه‌بندی، نمونه‌برداری و مستندسازی یافته‌ها انجام گرفت. بدین منظور، نقشه‌ای اولیه تهیه و شبکه‌بندی تپه به مربع‌هایی به ابعاد ۲۵×۲۵ متر تقسیم شد. سپس نمونه‌برداری از نمونه‌های شاخص از مربع‌های انتخابی صورت گرفت و تمامی مواد فرهنگی موجود جمع‌آوری شد. نمونه‌های جمع‌آوری‌شده برای طراحی، عکاسی و مقایسه‌ی گونه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفتند. اهمیت این پژوهش در مطالعه‌ی تأثیرات فرهنگی منطقه‌ی خراسان بر مناطق همجوار و همچنین تحلیل نقش ارتباطی این منطقه براساس داده‌های فرهنگی و باستان‌شناسی نهفته است. علاوه بر این، چنین مطالعاتی می‌تواند پیوستگی و تسلسل فرهنگ‌های پیش از تاریخ و تاریخی را که نتیجه‌ی موقعیت استراتژیک، شرایط خاص اقلیمی و حاصلخیزی منطقه است، آشکار سازد.

پیشینه‌ی پژوهش

در این حوزه‌ی مطالعاتی فعالیت‌های پراکنده‌ای در ارتباط با باستان‌شناسی صورت گرفته و مطالعات این منطقه بسیار اندک و منحصر به شناسایی‌های محدودی است که در دهه‌های گذشته انجام شده است. نخستین گام در زمینه‌ی بررسی این منطقه توسط گونتر کوربل، باستان‌شناس آلمانی، و هیئت همراهش در سال ۱۹۷۴م برداشته شد. وی در جریان سفر به افغانستان از طریق جاده‌ی سنتو به جام و تایباد رسید و به همین دلیل یک بررسی بسیار کوچک و محدود به

محوطه‌های نزدیک به جاده داشت. وی در طول این بررسی ۱۴ محوطه را گزارش کرد که شاخص‌ترین آن‌ها تپه‌ی مخاب در کرانه‌ی جام‌رود بود که توالی نسبتاً کاملی از پنج هزار سال پیش تا دوران اشکانی را دربرداشت. وی در جریان این بررسی اذعان نمود که منطقه‌ی جام و تایباد از منظر مطالعات باستان‌شناسی دوران تاریخی ایران (اشکانی و ساسانی) از اهمیت بسیاری برخوردار است و باید بررسی‌های بیشتری در آن انجام گیرد (Korbel, 1983:26). پس از آن، مفصل‌ترین بررسی‌های باستان‌شناختی از سوی پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی کشور و توسط هیئتی به سرپرستی رجبعلی لباف خانیکی در سال ۱۳۶۴ش انجام شده است که حاصل کار آنان شناسایی محوطه‌های مهمی از دوران پیش از تاریخ به ویژه مفرغ و دوران اسلامی بود. سپس دو زمین‌شناس، علی آریایی و تیبالت، بررسی‌ای را انجام دادند که در نتیجه‌ی آن محوطه‌های مهمی از دوران پارینه‌سنگی در بخش شمالی این شهرستان و در نزدیکی کشف‌رود شناسایی شد. این یافته‌ها تا کنون نیز به عنوان قدیمی‌ترین شواهد فرهنگی انسان پارینه‌سنگی در ایران شناخته می‌شوند. این یافته‌ها شامل ادوات سنگی و ساتورهای سنگی دوران پارینه‌سنگی است که در بستر خشکیده‌ی رودخانه کشف‌رود پیدا شدند (Araia & Thibault, 1975 : 105). به دنبال آن، مانا جامی‌الاحمدی در راستای موضوع پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشدش به بازنگری این بررسی پرداخت و توانست محوطه‌ها و آثار بیشتری را از این دوران در دره‌ی صالح‌آباد شناسایی کند و براساس شواهد موجود و یافته‌های حاصل از بررسی یک گاه‌نگاری کلی از دوره‌ی پارینه‌سنگی تا دوران اسلامی را برای منطقه ارائه کند (جامی‌الاحمدی، ۱۳۸۷: ۵۰). یکی از آخرین پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام‌شده در این منطقه تعیین عرصه و حریم مخابراتیه در حاشیه‌ی شهر تربت جام بوده است که توسط حسن نامی انجام گرفته و در آن مواد فرهنگی قابل توجهی از عصر مفرغ تا دوران تاریخی به دست آمده است. در این پژوهش که با هدف تعیین عرصه و حریم مخابراتیه‌ی شهرستان تربت جام انجام شده، گمانه‌های متعددی به دور این تپه ایجاد و کاوش شدند. از شاخص‌ترین یافته‌های این پژوهش سفال‌های دوره‌های مختلف پیش از تاریخ تا دوران تاریخی و همچنین سرپیکان‌های سنگی عصر مفرغ است (نامی، ۱۳۹۶: ۱۴).

روش پژوهش

این پژوهش به صورت تطبیقی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی به بررسی و مطالعه‌ی محوطه‌ی قشه‌توت پرداخته است. در این راستا، پژوهشگران با بهره‌گیری از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته است. در بخش میدانی، نمونه‌برداری‌هایی از سطح محوطه انجام شده و سفال‌های شاخص به دقت جمع‌آوری گردیده است. سپس، تمامی این نمونه‌ها مورد گونه‌شناسی و گاه‌نگاری قرار گرفته تا بتوان تصویری روشن‌تر از ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی این منطقه ارائه داد. این پژوهش که در زمره‌ی تحقیقات بنیادی قرار می‌گیرد، نه تنها به شناخت گذشته کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راهگشای مطالعات مشابه در آینده باشد.

موقعیت جغرافیایی تپه‌ی قشه‌توت

تپه‌ی قشه‌توت در فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری صالح‌آباد و ۷۷ کیلومتری شمال شرق شهرستان تربت جام بر سر راه‌های ارتباطی دو شهر در خراسان رضوی واقع شده است. این تپه در غرب روستای قشه‌توت با مساحت حدود ۲۲/۵۷۲ هزار متر مربع و با ارتفاع پنجاه متر واقع شده است (تصویر ۱). در حدود ۳۰۰ متری غرب قشه‌توت تپه‌های کوچک و بزرگی وجود دارد که محوطه‌ای باستانی را تشکیل می‌دهند. آثار و بقایای تاریخی در تمامی سطح محوطه پراکنده است، به طوری که تعجب بیننده را از آن همه غنای فرهنگی و کثرت آثار تاریخی برمی‌انگیزد. تپه‌ی قشه‌توت به شکل یک تپه بزرگ و مرتفع و مجموعه تپه‌های کوچکتر در ابعاد ۱۸۰ متر شرقی غربی و ۱۵۰ متر شمالی جنوبی است. این برجستگی بخش اصلی تپه است و به سمت شرق و غرب و شمال تپه‌های کوچک دیگری به شکل پستی و بلندی‌های ممتد تپه ماهوری به آن متصل است. تپه‌های شرقی که با کشیدگی به سمت روستا، ۹۰ متر طول شرقی غربی و حدود ۶۰ متر عرض شمالی جنوبی دارند و ارتفاع آن‌ها بسیار کمتر از تپه‌ی اصلی است؛ متمایل به غرب تپه‌ی مرتفع اصلی یک تپه‌ی کوچک و کم ارتفاع دیگر به طول ۶۰ متر شرقی غربی و حدود ۵۰ متر شمالی جنوبی وجود دارد؛ در شمال تپه‌ی مرتفع اصلی و به فاصله‌ی حدود ۱۵ متری از آن یک تپه‌ی هلالی‌شکل دیگر که در جهت شرقی غربی ۱۸۰ متر طول و حدود ۶۰ متر عرض دارد، قرار گرفته است. در تمام فضاها بین این تپه‌ها و فضاها، مسطح اطراف آن‌ها پراکندگی مواد فرهنگی

دیده می‌شود. با احتساب تمام بخش‌های اقماری، ابعاد نهایی تپه‌ی قوشه‌توت را می‌توان ۳۲۰ متر شرقی غربی و حدود ۳۰۰ متر شمالی جنوبی در نظر گرفت. براساس وضعیت فعلی می‌توان احتمال داد این بخش‌های جدا افتاده از تپه‌ی اصلی در نتیجه‌ی خاک‌برداری‌ها و دخل و تصرفات در دوره‌ی معاصر انجام گرفته باشد.

تصویر ۱. وضعیت قرارگیری تپه‌های اقماری قشه توت نسبت به تپه مرکزی و آسیب‌ها



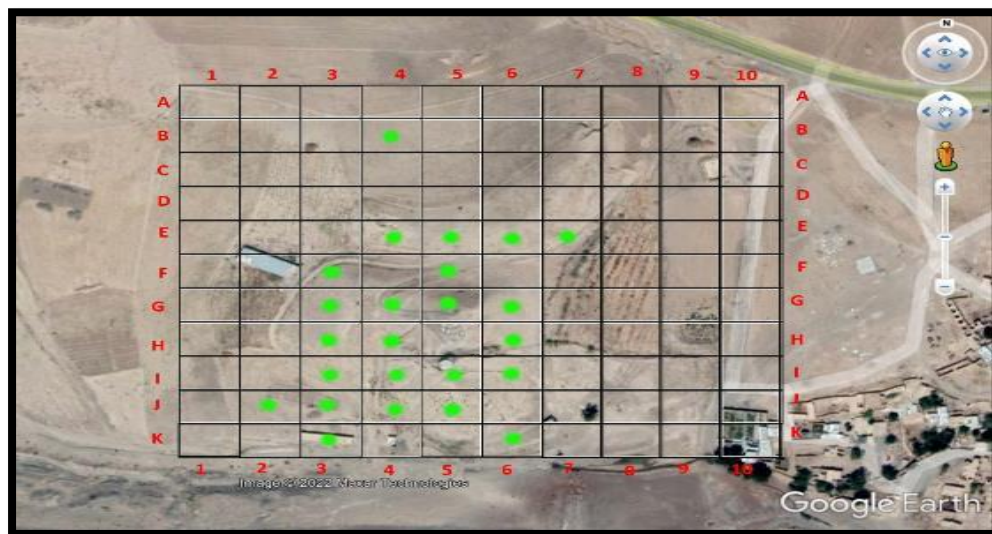
(نگارندگان: ۱۴۰۳)

شبکه‌بندی محوطه و نام‌گذاری واحدها

برای بررسی روشمند و هدفمند یک تپه یا محوطه‌ی باستانی قبل از هر کاری نیاز به شبکه‌بندی آن تپه یا محوطه است. اندازه d شبکه‌ها و خطوط و فاصله‌ی آن‌ها از همدیگر، به عوامل مختلفی از جمله زمان موجود، تعداد افراد، ماهیت تپه یا محوطه و اهداف بررسی بستگی دارد. در نام‌گذاری شبکه‌ها نیز با توجه به ردیف و ستون قرارگیری هر شبکه و با استفاده از حروف لاتین و اعداد به نام‌گذاری آن‌ها اقدام می‌شود. با توجه به وسعت و گستردگی تپه و محوطه‌ی اطراف قشه‌توت، به منظور دقت هرچه بیشتر در ثبت و ضبط داده‌ها و همچنین برای جانمایی هر چه بهتر و راحت‌تر شبکه‌ها، ابعاد هر شبکه 25 × 25 متر در نظر گرفته شد (تصویر ۲). در ابتدا

شبکه‌ها بر روی نقشه‌ی محوطه در نرم‌افزار "Google Earth" جانمایی و چهار گوشه‌ی مربع اصلی با دستگاه ثبت موقعیت جغرافیایی Gps ثبت شد و شبکه‌بندی داخلی بر سطح محوطه پیاده گردید. برای نام‌گذاری شبکه‌ها از ترکیب عدد (۱ تا ۱۰) و حروف الفبای انگلیسی (A تا K) استفاده شد. ردیف‌های عمودی حروف و ردیف‌های افقی اعداد هستند. به عنوان مثال شبکه‌ی (K9, K8, D3 یا A2). را برای هر مجموعه می‌یابد، ابتدا پیش شماره‌ی هر شبکه آورده می‌شود و یافته‌ها (بیشتر قطعات سفال) از ۱ الی آخر شماره‌گذاری می‌شوند. پس از شبکه‌بندی بر روی تصویر هوایی در نهایت نقشه‌ی محوطه به روش فتوگرامتری برداشت می‌شود و شبکه‌ها بر روی نقشه ترسیم می‌شوند.

تصویر ۲. شبکه‌های پراکنش آثار و برداشت نمونه‌ها



(نگارندگان: ۱۴۰۳)

طبقه‌بندی و گونه‌شناختی سفالینه‌ها

در فرآیند گونه‌شناسی سفال، روش ترکیبی ایده‌آل است. این روش باید از تمام ویژگی‌های سفال، شامل فرم، رنگ بدنه، نقش و کیفیت ساخت، به طور جامع استفاده کند. کمبود نمونه‌های شاخص برای گونه‌شناسی دقیق، محدودیت ایجاد کرده است. این کمبود احتمالاً به دلیل فقدان توالی فرهنگی طولانی‌مدت در تپه‌ی قشه‌توت است. در بررسی انجام‌شده، تنها ۵۲ قطعه سفال

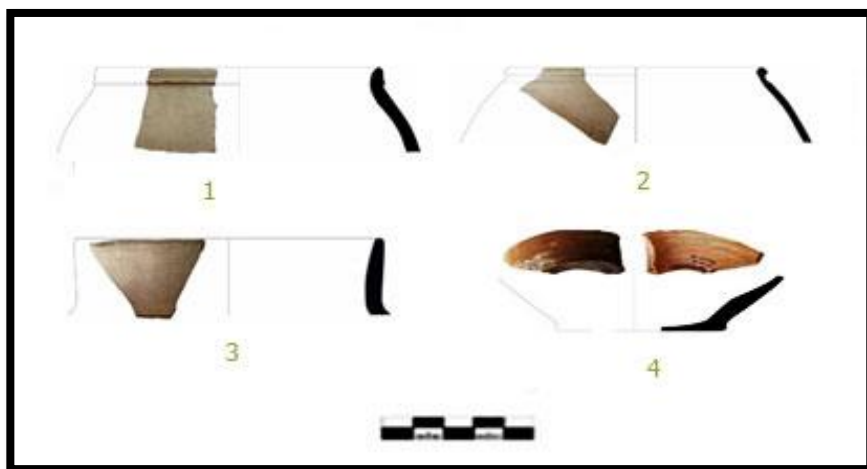
شاخص برای گونه‌شناسی یافت شد. این تعداد اندک شامل لبه‌های ساده، بدنه‌های منقوش و کف برخی ظروف است؛ به همین دلیل، تعریف گونه‌های متعدد به راحتی امکان‌پذیر نیست. در ابتدا، تمامی سفال‌های جمع‌آوری‌شده به صورت تصادفی از شبکه‌های مختلف (مجموعاً ۱۱۴ قطعه) به طور کلی براساس مشخصات فنی، گونه‌شناسی و دسته‌بندی می‌شوند. پس از انجام این گونه‌شناسی کلی، تمامی ۵۲ قطعه سفال شاخص طراحی‌شده توصیف می‌شوند و براساس تشابهات و تفاوت‌ها، سعی می‌شود آن‌ها را در دسته‌های مختلف طبقه‌بندی و گونه‌شناسی کرد. در این راستا، لبه‌ها به‌طور مجزا و براساس شاخصه‌ی فرم و بدنه‌های منقوش به‌صورت جداگانه و براساس شاخصه‌های نقشی، گونه‌شناسی می‌شوند. در نهایت، یک گاه‌نگاری برای تمام نمونه‌ها ارائه می‌شود. با توجه به گونه‌شناسی انجام‌شده، دو گونه‌ی ساده و منقوش (منقوش تکرنگ و منقوش چندرنگ) شناسایی شدند.

گونه‌شناختی سفالینه‌های ساده

گونه‌ی سفال در رنگ‌های کرمی، نخودی، و قهوه‌ای روشن تنوع دارند. در بین ۱۱۴ نمونه‌ی برداشت‌شده از شبکه‌های بررسی شده ۸۳ قطعه مربوط به سفال ساده است. از نظر نوع قطعه، قطعات این گونه به شکل لبه، بدنه و کف هستند. بیش از ۹۰٪ قطعات این گونه از نظر کیفیت در دسته سفال‌های متوسط قرار دارند و در بین آن‌ها تعدادی نمونه سفال ظریف نیز وجود دارد. سفال‌های این گونه را می‌توان در بازه‌ی زمانی عصر مفرغ و عصر آهن گاه‌نگاری نسبی کرد. از آنجا که ذکر تمامی نمونه‌ها در یک مقاله نمی‌گنجد؛ براین‌اساس، شاخص‌ترین نمونه‌ها در این پژوهش آورده شده است. سفال شماره‌ی ۱ از شبکه‌ی G3، که متمایل به دامنه‌ی شمال غربی تپه قرار گرفته، برداشت شده است (لوح ۱ شماره‌ی ۱). براساس فرم ایستایی و ویژگی‌های فنی این ظروف قطعه‌ای که دارای لبه‌ی عمودی و پوشش کرم روشن‌تر است، در بازه‌ی زمانی عصر آهن و فرهنگ یاز ۱ تاریخ‌گذاری می‌شود و با تپه‌پری مازندران (رضایی نیا و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۷) و محوطه‌های شرق ایران (وحدتی، ۱۳۹۹: ۱۷۹) و دره‌ی اترک (Ricardi, 1980:61) و انواع ظروف سفالی یاز (واحه‌ی مرو) (Gubaev et al, 1998: 82-85) قابل مقایسه است. سفال شماره‌ی ۲ از شبکه‌ی H4 متمایل به بخش مرکزی راس تپه، برداشت شده است (لوح ۱ شماره‌ی

۲). لبه چرخ ساز و دارای پخت کافی است. براساس فرم لبه (خمیره‌ی دهانه بزرگ) می‌توان این قطعه را مربوط به عصر آهن دانست. لبه‌ی به دست آمده از این شبکه با سفال‌های تپه‌پری مازندران (رضایی نیا و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۷)، یاریم‌تپه‌ی درگز و فرهنگ یاز ۲ در یاز تپه (شیخ و دیگران، ۱۴۰۱: ۸) قابل مقایسه هستند. سفال شماره‌ی ۳ از شبکه‌ی K6 متمایل به بخش غربی راس تپه برداشت شده است (لوح ۱ شماره‌ی ۳). این قطعه به شکل دست‌ساز ساخته شده و پوشش گلی رقیق کرم رنگ دارد. همچنین این قطعه مربوط به یک خمیره‌ی بزرگ دهانه باز است و در بازه‌ی زمانی عصر مفرغ و فرهنگ بلخی - مروی گاه‌نگاری می‌شود. بنابراین سفال مورد مطالعه را می‌توان با نمونه سفال‌های مشابه به دست آمده از منطقه‌ی بجنورد همچون تپه‌ی عشق‌آباد (Vahdati, 2014: 23) و نمونه سفال مشابه از تپه‌حصار دامغان (Schmidt, 1937:215) مقایسه کرد. آخرین نمونه، سفال شماره‌ی ۴ است که از شبکه‌ی H3 متمایل به بخش شرقی راس تپه برداشت شده است (لوح ۱ شماره ۴). کف به دست آمده از این شبکه احتمالاً مربوط به یک کاسه با بدنه‌ی صاف هفتی شکل است و براساس ویژگی‌های فنی می‌توان آن را در بازه‌ی زمانی عصر مفرغ و فرهنگ بلخی - مروی (BMAC) گاه‌نگاری نمود. این قطعه را می‌توان با جیران‌تپه (وحدتی، ۱۳۹۲: ۱۳۳) و محوطه‌های بجنورد و شمال شرق ایران (Vahdati, 2014: 23) مقایسه کرد.

لوح ۱. سفال‌های ساده - تپه قشه‌توت

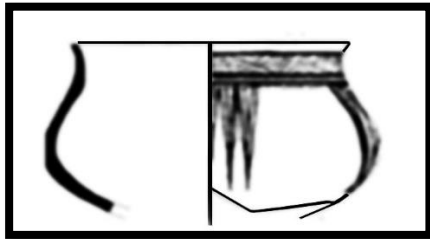


گون شناختی سفالینه‌های منقوش (نقش شیاری با نقش سیاه رنگ)

سفال شماره‌ی ۵ از شبکه‌ی G5 متمایل به بخش شمالی راس تپه برداشت شده است. این قطعه مربوط به لبه‌ی ظرف است. دور لبه شواهد ترسیم یک باند پهن احتمالاً سیاه رنگ دیده می‌شود و در زیر آن و روی گردن ظرف شواهد یک باند نازک‌تر و بسیار کم‌رنگ و سه شیاری‌کننده دیده می‌شود. این قطعه مربوط به یک کوزه‌ی کوچک شکم‌گرد با لبه‌ی برگشته به بیرون است و براساس ویژگی‌های فنی و فرم ایستایی می‌توان آن را در بازه‌ی زمانی عصر آهن و احتمالاً فرهنگ یاز ۳ گاه‌نگاری کرد. فرهنگ سفال دست‌ساز منقوش، در مراحل بعدی توسعه‌ی خود در نیمه‌ی هزاره‌ی اول قبل از میلاد دستخوش تغییرات زیادی شد. در بیشتر نقاط خراسان بزرگ، به‌ویژه در مناطق مرو - مرغیانه، بلخ - باختر و کوهپایه‌های شمال و جنوب کپه‌داغ، ظروف چرخ‌ساز و منقوش نوع یاز ۱ و فرهنگ‌های مرتبط به آن (۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م) به کلی از بین رفت و دوباره جای خود را به ظروف چرخ‌ساز ساده، مشابه سنت عصر مفرغ پایانی داد. این ظروف چرخ‌ساز که به نحوی سنت‌های سفالگری در عصر مفرغ پایانی را احیا کرده بود، با شکل‌های سفالی جدید ظهور یافت که به عنوان سفال نوع یاز ۲ و ۳ شناخته می‌شوند. با وجودی که بیشتر پژوهشگران معتقدند تفکیک سفال‌های مرحله‌ی ۲ و ۳ فرهنگ یاز از هم به سادگی امکان‌پذیر نیست، پژوهش‌های جدیدتر حاکی از وجود برخی گونه‌های سفالی جدید در دوره‌ی یاز ۳ است که بر آن اساس می‌توان بین این مراحل تمایز قائل شد. از جمله سفال‌های شاخص مرحله‌ی سوم فرهنگ یاز می‌توان به لیوان‌های استوانه‌ای با کف مخروطی شکل اشاره کرد که در محل اتصال بدنه و کف آن‌ها زاویه‌ی تندی وجود دارد. با وجود این تردیدها، اکنون به طور قطعی مشخص شده است که مرحله‌ی یاز ۳ با دوره‌ی هخامنشی هم‌زمان بوده و به نیمه‌ی سده‌ی ۶ تا پایان سده‌ی ۴ پیش از میلاد تعلق دارد (یعنی از زمان فتح آسیای میانه به دست کوروش بزرگ تا تسلط اسکندر مقدونی بر این منطقه) (وحدتی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). در نتیجه، می‌توان مرحله‌ی یاز ۲ را که از نظر لایه‌نگاری بین آخرین لایه‌های دارای سفال دست‌ساز منقوش نوع یاز ۱ و روی لایه‌های دارای سفال شاخص هخامنشی، از جمله لیوان‌های استوانه‌ای - مخروطی قرار گرفته، بین ۵۵۰ - ۱۰۰۰ ق.م تاریخ‌گذاری کرد. بنابراین قطعه سفال به دست آمده از این شبکه را می‌توان با دوره‌ی عصر آهن و فرهنگ یاز ۳ گاه‌نگاری کرد. این قطعه از نظر فرم با نمونه

سفال عصر آهن از جنوب افغانستان و شمال غرب پاکستان، نادعلی سیستان، مندیک (وحدتی، ۱۳۹۹: ۲۰۸) قابل مقایسه است (تصویر ۳).

تصویر ۴. سفال عصر آهن - مندیک



(وحدتی، ۱۳۹۹: ۲۰۸)

تصویر ۳. طرح سفال سفال شاخص شبکه G5



(نگارندگان: ۱۴۰۳)

گونه‌شناختی سفالینه‌های منقوش تک‌رنگ

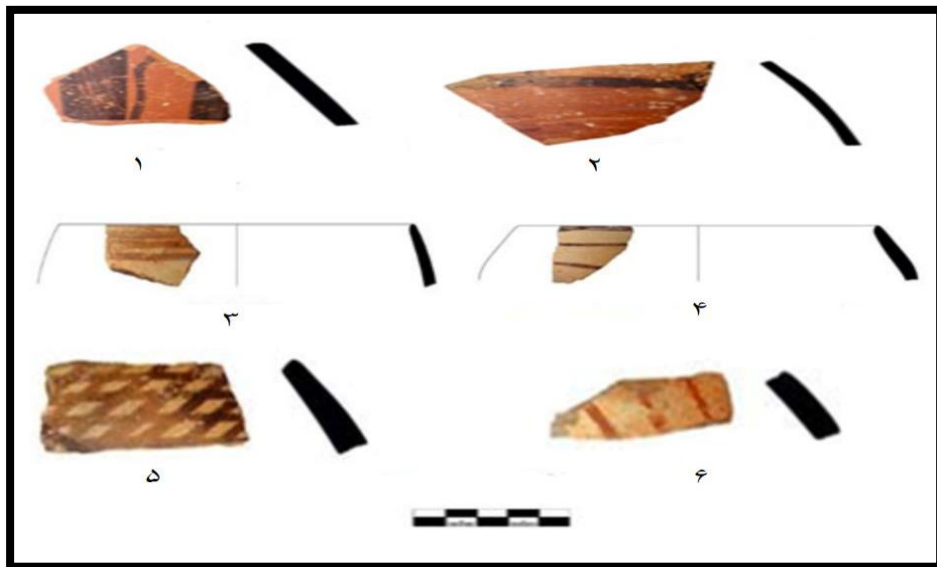
شبکه‌ی H6 متمایل به دامن‌هی شرقی تپه قرار گرفته است. از نه قطعه سفال این شبکه، چهار قطعه مربوط به لبه و بقیه مربوط به بدنه‌ی سفال هستند. دو قطعه مورد مطالعه، بدنه با پوشش گلی قرمز رنگ هستند (لوح ۲ شماره ۱ و ۲)، که بر سطح آن‌ها با استفاده از رنگ سیاه نوارهای باندی ترسیم شده است. این دو نمونه براساس مطالعات گونه‌شناختی مربوط به دوران مس و سنگ هستند و با مخابراتیه (نامی، ۱۴۰۱: ۲۹) و فرهنگ نمازگاه ۳ از محوطه‌های نیشابور (Hiebert & Dyson, 2002: 139) و الغ تپه (Lecomte et al, 2002: 125) قابل مقایسه هستند.

قطعه سفال شماره‌ی ۳ از شبکه‌ی J2 متمایل به بخش غربی رأس تپه برداشت شده است. لبه (لوح ۲ شماره‌ی ۳) مربوط به یک ظرف کوچک و احتمالاً کاسه‌ای با دهانه بسته باشد. این قطعه دست‌ساز است و پخت تقریباً ناکافی دارد. در خمیره‌ی آن از شن ریز استفاده شده و پوشش گلی رقیق در بدنه‌ی بیرونی دارد. به دور لبه از نوارهای افقی قهوه‌ای رنگ به عنوان تزیین استفاده شده است. این قطعه با بسیاری از محوطه‌های عصر آهن منطقه‌ی خراسان (وحدتی، ۱۳۹۴: ۴۳) و نمونه‌های به دست آمده از تپه‌ی تیغ مهره (باصفا، ۱۳۹۶: ۱۲) و سفالینه‌های منقوش یاز I در یاریم‌تپه (شیخ، ۱۳۹۳: ۹۲) و سفالینه‌های یاز I، قلعه کهنه‌ی میرقلعه‌ی درگز (Kohl & et al, 1982: 190)، دره‌ی اترک (Ricciardi, 1980: 64)، قوچان (Sarianidi, 1972: 155)

و دشت اسفراین و جاركوتان شمال بلخ باستانی، جنوب ازبکستان (Askarov & Albaum, 1979: 33)، تویابوگای، چاچ باستانی، تاشکند، ازبکستان (Duke, 1982: 22)، سنگیرتپه، جنوب سغد، کشکادریا، ازبکستان (شیخ و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۴) و محوطه‌های حاشیه‌ی شرقی کپت‌داغ ترکمنستان قابل مقایسه هستند. از شبکه‌ی J4 متمایل به بخش غربی راس تپه سفال‌های شماره‌ی ۴، ۵ و ۶ برداشت شده است. سفال شماره‌ی ۴ (لوح ۲ شماره‌ی ۴) دست‌ساز با پخت کافی است. بر روی آن پوشش گلی رقیق دیده می‌شود و روی آن با استفاده از نوارهای بان‌دی افقی تزیین کرده‌اند. این قطعه ویژگی کلی سفال‌های عصر آهن را دارا است. سفال‌های (لوح ۲ شماره‌ی ۵ و ۶) دارای نوارهای عمودی قرمز و قرمز تیره بر روی بدنه‌ی نخودی با پوشش صیقلی هستند و در بازه‌ی زمانی عصر آهن و فرهنگ یاز گاه‌نگاری می‌شوند. این سفال‌ها براساس شاخصه‌های فرمی و نقشی با نمونه سفال‌های عصر آهن یاریم‌تپه (شیخ و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲) و یاسی‌تپه، حاشیه‌ی شرقی کپت‌داغ^۱، ترکمنستان (Gutlyev, 1970: 66) و افراسیاب، شمال سغد باستانی^۲ (شیخ و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۷) یوزونکر^۳، جنوب سغد باستان، کشکا دریا، ازبکستان (Gutlyev, 1970: 68) قابل مقایسه است.

-
1. Kapt Dagh
 2. Soghd Bastani
 3. Youzonker

لوح ۲. سفال‌های تک‌رنگ منقوش، تپه‌ی قشه توت



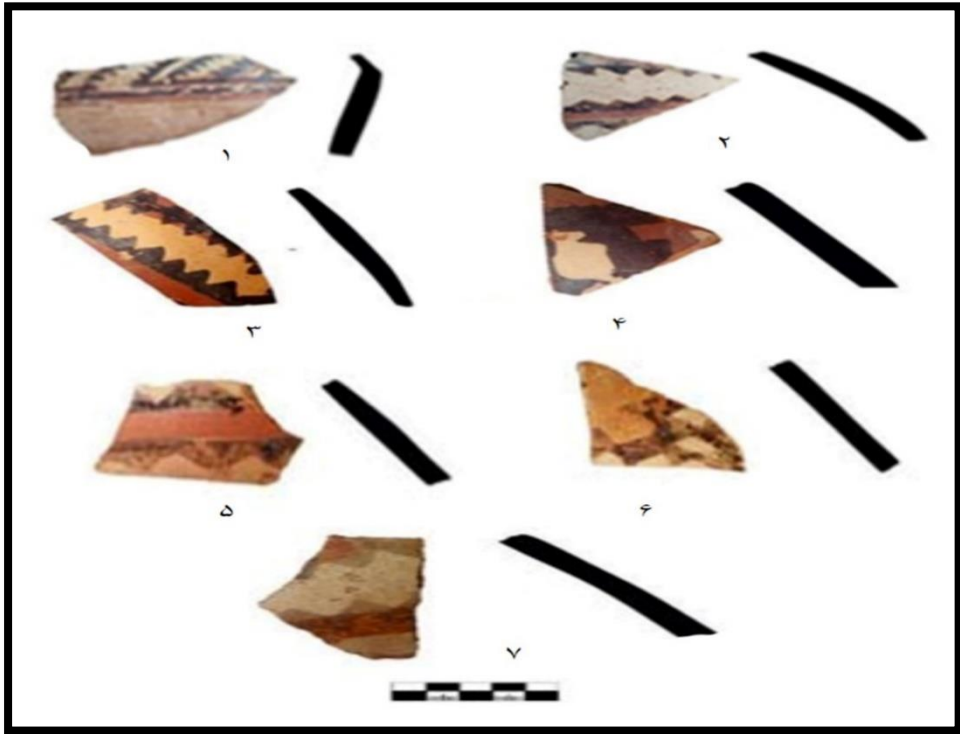
(نگارندگان: ۱۴۰۳)

گونه‌شناختی سفالینه‌های چندرنگ (پلی کروم)

قطعات ۱ و ۲ از شبکه‌ی I3 متمایل به دامنه‌ی غربی تپه برداشت شده است. هر دو این قطعات دست‌ساز هستند و در خمیره‌ی آن‌ها از شن ریز و نرم استفاده شده است (لوح ۳ شماره‌ی ۱ و ۲). در بیرون بدنه پوشش گلی رقیق متمایل به آجری رنگ و صیقلی شده به کار رفته است. این قطعات به روش چندرنگ و با نقوش باندی و دندان‌دندانه و مثلثی تزیین شده‌اند. این قطعات نیز در عصر مفرغ گاه‌نگاری شده و بسیار مشابه سفال‌های شهر سوخته و نمازگاه هستند و با سفال‌های یاریم‌تپه‌ی درگز در دوره‌ی نمازگاه IV و III (Kohl & et al, 1982: 190) مقایسه می‌شوند. سفال (لوح ۳ شماره‌ی ۳) از شبکه‌ی I4 متمایل به بخش غربی راس تپه است. این قطعه یک بدنه‌ی منقوش با کیفیت بالا و از سفال‌های شبیه فرهنگ نمازگاه است. نقوش این قطعه سفال به صورت باندی و زیگزاگی با رنگ‌های سیاه، نخودی و قرمز است و با سفال‌های عصر مفرغ الغ تپه (Sarianidi, 1983: 188) و با نمازگاه IV (Lecomte & et al, 2002:) قابل مقایسه است. شبکه I5 متمایل به بخش غربی راس تپه قرار گرفته است و سفال

(لوح ۳ شماره ۴) از این شبکه، از نوع سفال دست‌ساز با پخت کافی و آمیزه‌ی شن ریز است. برای بیرون آن پوشش گلی رقیق استفاده شده و روی آن به صورت چندرنگ با طرح‌های هندسی منقوش شده است که با بسیاری از سفال‌های عصر مفرغ مخابراتیه، تربت جام (نامی، ۱۴۰۱: ۲۸)، محوطه‌های نیشابور (Hiebert & Dyson, 2002:139) و الغ تپه (Lecomte et al, 2002:125) قابل مقایسه است. شبکه‌ی J4 متمایل به بخش غربی راس تپه قرار گرفته که از آن سفال‌های (لوح ۳ شماره ۵ و ۶) برداشت شده است. این سفال‌های منقوش اکثراً دست‌ساز و دارای پخت کافی هستند و بر روی آن‌ها با استفاده از چند رنگ تزیین صورت گرفته است. این قطعات در دسته سفال‌های پلی کرم قرار دارند و احتمالاً از نوع سفال نمازگاه و مربوط به عصر مفرغ هستند که از نظر ویژگی‌های کلی تکرار قطعات به دست آمده از دیگر شبکه‌ها هستند. بدنه‌های منقوش به دست آمده از این شبکه با خمیره‌ی قهوه‌ای و نخودی و پوشش گلی نخودی تیره با نقوش هندسی مثلث‌های توپر و خطوط هاشور با رنگ سیاه در سطح آن‌ها تزیین شده است. این سفال‌های منقوش با نمونه‌های به دست آمده از تپه نادری (وحدتی و ژانگ، ۱۳۹۶: ۴) و الغ تپه (Lecomte et al, 2002:125) و سفال عصر مفرغ منطقه‌ی خراسان (Hiebert & Dyson, 2002: 139) و سفال عصر مفرغ حوزه‌ی اترک (میرزایی و دانا، ۱۳۹۵: ۲۲۷) قابل مقایسه هستند. سفال (لوح ۳ شماره ۷) از شبکه‌ی K3 متمایل به بخش غربی به دست آمده است. این سفال دست‌ساز با پخت کافی است. در بدنه‌ی بیرونی این سفال پوشش گلی رقیق استفاده شده و بر روی این پوشش با استفاده از دو رنگ سیاه و قهوه‌ای نقوش باندی و زیگزاگی و هندسی ایجاد شده است. این سفال‌ها مربوط به عصر آهن هستند. این قطعه با نمونه سفال‌های منقوش یاز I - یاریم تپه (شیخ، ۱۳۹۳: ۹۲) و سفالینه‌های یاز I قلعه کهنه‌ی میرقلعه‌ی درگز قابل مقایسه است و همچنین در خارج از مرزهای ایران و در محوطه‌های حاشیه‌ی شرقی کپت‌داغ ترکمنستان همچون الغ تپه (Sarianidi & Koshlenko, 1985: 356) و ادوان تپه (شیخ و دیگران، ۱۴۰۱: ۶) و یاس تپه (Gutlyev, 1970: 66) و داشلی (Gutlyev & zadneprovskij, 1985: 48) هم‌سانی فراوانی دارد.

لوح ۳. سفال‌های چندرنگ منقوش، تپه‌ی قشه توت



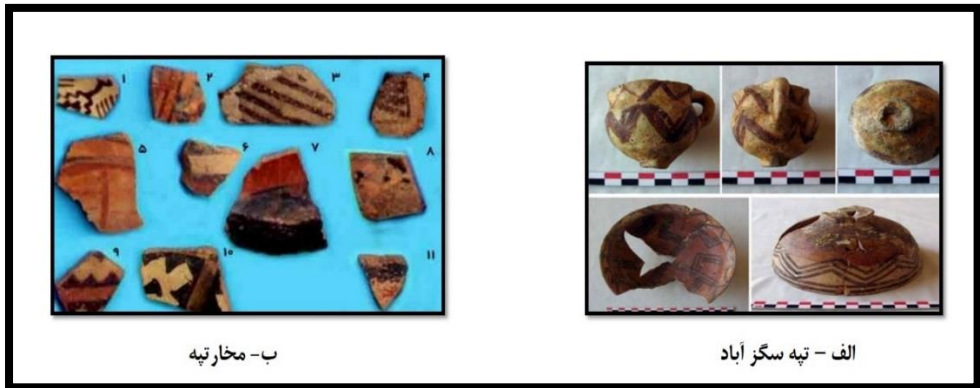
(نگارندگان: ۱۴۰۳)

معرفی فرهنگ نمازگاه

برای دوره‌ی مس و سنگ براساس مطالعات باستان‌شناختی در تپه‌ی نمازگاه آسیای مرکزی که در سال ۱۹۵۲م توسط کوفتین انجام شد، تاریخ ۴۸۰۰ تا ۲۹۰۰ق.م پیشنهاد شد (کوهل، ۱۳۹۴: ۴۰۵). نمازگاه I طبق یافته‌های به دست آمده از داشجیلی تپه به ۴۸۰۰ تا ۴۰۰۰ ق.م باز می‌گردد. سفال این دوره منقوش به رنگ سیاه و و قهوه‌ای تیره با نقوش مثلثی، زیگزاگ، خطوط موج و حیوانات است. نمازگاه II در منطقه‌ی کوهپایه‌ی کپه‌داغ شناخته شده است. این دوره دارای دوگونه سفال است: سفال با پوشش نخودی و منقوش به رنگ قرمز و قهوه‌ای؛ و سفال قرمز منقوش به رنگ سیاه. محدوده‌ی زمانی این دوره بین ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ ق.م است. نمازگاه

III بین ۳۵۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م است که سفال‌ها چرخ‌ساز بوده است که دارای سه سنت سفالی همچون سفال خاکستری، سفال نخودی منقوش با رنگ سیاه و سفال چندرنگ بر زمینه‌ی قرمز است و نمازگاه IV از ۲۹۰۰ تا ۲۵۰۰ ق.م و نمازگاه V از ۲۵۰۰ تا ۲۱۰۰ ق.م است که سفال آن قرمز با نقش سیاه بوده است (تصویر ۴) (داوری و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۴).

تصویر ۴. نمونه سفال عصر مفرغ: الف - تپه سگز آباد؛ ب - مخارتپه



(الف - عزیزی خرائقی و دیگران ۱۳۸۹: ۲۹)؛ (ب - نامی، ۱۴۰۱: ۲۸)

معرفی فرهنگ یاز

فرهنگ یاز که متعلق به عصر آهن است، با سه دوره شناخته می‌شود؛ یاز I و II از ۱۵۰۰ تا آغاز پادشاهی هخامنشی، یاز III که به موازات با این دوره و برابر دوره‌ی IV عصر آهن فلات در نظر گرفته می‌شود. این دوره در ایران در دره‌ی اترک، دشت اسفراین، شیروان، تربت جام، نیشابور، سبزوار، درگز، یاریم‌تپه، میرقلعه شناسایی شده است. در خارج از ایران برای نمونه در کپت‌داغ، آتاک، یازتپه، آلکن‌تپه، جنوب ازبکستان، قزل‌تپه، جارکوتان، کوچوک‌تپه‌ی تاجیکستان، بلخ باستانی، شمال افغانستان، تیلیاتپه، افراسیاب یافت شده است. سفال‌های این دوره دارای خمیره‌ی دانه‌ریز، درشت‌شن و ماسه است. نقوش آنان هندسی مثل لوزی، مثلث و هاشور با رنگ‌های قهوه‌ای، نارنجی، شرابی و سیاه روی سطح نخودی و با دقت پایین بوده و به صورت دست‌ساز ساخته می‌شدند (تصویر ۵) (شیخ و دیگران، ۱۴۰۱: ۷).

تصویر ۵. نمونه سفال‌های فرهنگ یاز در خراسان و ازبکستان



(شیخ و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۷)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی‌های باستان‌شناسی در شناسایی محوطه‌های باستانی و درک روابط درون یا برون منطقه‌ای بسیار مهم و کاربردی است. از شهرستان صالح‌آباد در متون تاریخی به عنوان زورآباد یاد شده است. ولایت یا بخش زورآباد دشتی است نسبتاً کم‌ارتفاع در مجاورت دو رودخانه‌ی هریرود و کشف‌رود واقع میان دو رشته کوه در شمال و جنوب، که اولی زورآباد را از سرخس و نواحی قدیمی گنج‌رستان و بادغیس جدا می‌کند و دومی میان زورآباد و ولایت جام است. قرار داشتن زورآباد در کنار رشته کوه کم‌معبور و مرزی ایران و ترکمنستان، یا خراسان کنونی و دشت خاوران پیشین هم اهمیتی تاریخی به آن داده است. با توجه به این که حواشی رودهای بزرگ جهان اولین مرکز یک‌جانیشینی و کشت و زرع و تمدن بوده‌اند، می‌توان پذیرفت که حاشیه‌ی رودهای کشف‌رود و هریرود باید از مناطق اولیه‌ی تمدن در ایران بوده باشد؛ و قرار گرفتن زورآباد در میان بستر دو رود، اهمیت بیشتری به آن منطقه بخشیده است. محوطه‌های باستانی زیادی در این منطقه دیده می‌شود که نشان از مدنیت قرون اولیه‌ی اسلامی و پیش از اسلام و حتی

ماقبل تاریخ دارند. در بررسی روشمند تپه‌ی قشه‌توت جمعا ۱۱۴ قطعه سفال نمونه‌برداری شد که در ابتدا تمام آن‌ها به صورت کلی‌نگر و در قالب ویژگی‌های فنی دسته‌بندی شدند، سپس، ۵۲ قطعه سفال شاخص به منظور انجام مطالعات دقیق گونه‌شناسی و ارائه‌ی گاه‌نگاری نسبی، طراحی، عکاسی و مقایسه شدند. در نهایت، براساس گونه‌شناسی و مقایسه‌ی موردی تمام گونه‌های شاخص جمع‌آوری‌شده از بررسی روشمند تپه قشه‌توت می‌توان یک توالی فرهنگی نسبتاً طولانی مدت از دوره‌ی مس سنگی تا عصر مفرغ برای این تپه در نظر گرفت. تپه‌ی قشه‌توت به دلیل قرار گرفتن در حوزه‌ی فرهنگی شمال شرق ایران همواره در ارتباط با فرهنگ‌های مختلف بومی و تأثیرپذیرفته از آن‌ها و فرهنگ‌های خارج از مرزهای کنونی ایران بوده است. بیشترین تأثیر در این زمینه از فرهنگ‌های عصر مفرغ و عصر آهن حوزه‌ی ترکمنستان گرفته شده است؛ چرا که بیشتر قطعات سفالی برداشت‌شده از این تپه مربوط به عصر مفرغ و عصر آهن هستند و با فرهنگ‌های نمازگاه و یاز که مربوط به عصر مفرغ و عصر آهن ترکمنستان و کشورهای واقع در شرق ایران مشابه هستند. در این میان ویژگی‌های بومی و محلی نیز در سفال‌های مطالعه‌شده دیده می‌شود. در نهایت براساس تمام اطلاعات تفکیک شده می‌توان گفت تپه‌ی قشه‌توت یک توالی فرهنگی قوی از دوره‌ی مس و سنگ تا عصر مفرغ قدیم و عصر مفرغ میانی و فرهنگ بلخی - مروی^۱ BMAC و فرهنگ عصر مفرغ جدید و فرهنگ‌های عصر آهن شامل یاز ۱ و ۲ و ۳ در خود جای داده است.

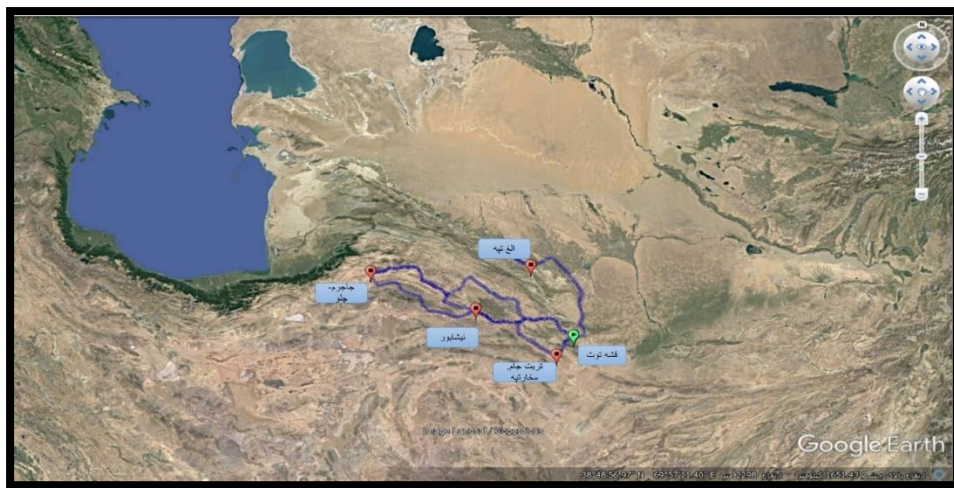
تحلیل سفال دوره‌ی مس و سنگ قشه‌توت

سفال‌های مس سنگی قشه‌توت از نظر فراوانی کمترین تعداد را در بین کل جامعه آماری مطالعه‌شده دارند. دو قطعه سفال دوره‌ی مس و سنگ تپه‌ی قشه‌توت نیز از شبکه H6 به دست آمده‌اند که این شبکه متمایل به بخش شرقی تپه است. سخت است براساس این دو قطعه محل استقرار دوره‌ی مس و سنگ را جانمایی کرد، اما چون همین دو قطعه تنها نمونه‌های دوره‌ی مس و سنگ هستند و از این شبکه به دست آمده‌اند، شاید بتوان این بخش را برای محدوده‌ی

۱. مخفف فرهنگ بلخی مروی Bactria Margiana Archaeological Complex

استقرار مس و سنگ تپه‌ی قشه‌توت در نظر گرفت. هر دوی این قطعات همان‌طور که بیان شد دارای پخت نسبتاً کافی با آمیزه‌ی گاه هستند. در بیرون و درون پوشش گلی غلیظ دارند و به روش دست‌ساز ساخته شده‌اند. رنگ پوشش درون و بیرون قهوه‌ای مایل به قرمز است. سفال دوره‌ی مس و سنگ قشه‌توت با مخابراتیه (نامی، ۱۴۰۱: ۲۸-۲۵) و محوطه‌های نیشابور (Hiebert & Dyson, 2002: 139) و الغ تپه (Lecomte et al, 2002: 125) قابل مقایسه هستند (تصویر ۶).

تصویر ۶. نقشه‌ی ارتباطی قشه‌توت، دوره‌ی مس و سنگ



(نگارنده: ۱۴۰۳)

سفال عصر مفرغ قشه‌توت

پس از سفال عصر آهن، گونه سفالی عصر مفرغ مربوط به فرهنگ‌های نمازگاه، بلخی مروی و عصر مفرغ جدید در رتبه‌ی دوم فراوانی قرار دارند. سفال‌های عصر مفرغ و فرهنگ‌های نمازگاه و بلخی - مروی و مفرغ جدید نیز از شبکه‌های K6, J4, I6, I5, I4, I3, H3, G6, E7, E4 به دست آمده‌اند. هرچند براین‌اساس پراکنش این گونه سفال در بیشتر بخش‌های تپه دیده می‌شود، اما به نظر می‌رسد با توجه به تراکم شبکه‌ها مرکزیت استقرار عصر مفرغ قشه‌توت متمایل به نیمه‌ی جنوبی تپه باشد؛ بنابراین وسعت استقرار عصر مفرغ تپه‌ی قشه‌توت کوچکتر از وسعت

استقرار عصر آهن است. براساس محدوده، پراکنش سفال‌های عصر مفرغ و عصر آهن تا حدودی همپوشانی استقراری (احتمالا به صورت عمودی) دارند. سفال‌های مشابه فرهنگ نمازگاه همه دارای کیفیت خوب، پخت کافی و ظرافت متوسط هستند و بدنه‌ی بیرونی آن‌ها اکثرا دارای پوشش گلی رقیق و صیقل‌شده است. بر روی اکثر آن‌ها به روش چندرنگ نقوش هندسی متنوع ایجاد شده است. این گونه سفال‌ها با محوطه‌های شاخص این فرهنگ در بیرون از مرزهای فعلی ایران مقایسه می‌شوند و سفال نمازگاه قشه توت نشان از تأثیرپذیری و نفوذ این فرهنگ‌ها به مناطق غربی‌تر است. سفال‌های گونه بلخی - مروی نیز وضعیت مشابهی دارند و با محوطه‌های خارج از مرزهای کنونی ایران مقایسه می‌شوند. سفال گونه عصر مفرغ جدید قشه توت، که سفال ساده‌تر با کیفیت متوسط و معمولا بدون نقش هستند، با فراوانی کمتر نسبت به نمونه‌های پیش گفته، بیشتر با محوطه‌های عصر مفرغ جدید ایران مقایسه می‌شوند. سفال گونه نمازگاه^۱ قشه توت با سفال‌های یاریم‌تپه درگز در دوره‌ی نمازگاه IV و III (Kohl & et al, 1982: 195) و الغ تپه (Sarianidi, 1983: 194) در دوره‌ی نمازگاه IV قابل مقایسه هستند. سفال گونه فرهنگ بلخی - مروی قشه توت را می‌توان با نمونه‌ی مشابه به دست آمده از منطقه‌ی بجنورد همچون تپه‌ی عشق‌آباد (vahdati, 2014: 23) و نمونه سفال مشابه از تپه‌حصار دامغان (Schmidt, 1937: 215) مقایسه کرد. فرهنگ دوره‌ی مفرغ در تپه آنو از دوره آنوی III شناسایی شده و در تپه نمازگاه آثار دوره‌های سه‌گانه III و IV و V معرف فرهنگ مفرغ بوده است. جایگاه این فرهنگ، علاوه بر آنو و نمازگاه در خاپوز تپه، اطراف تجن و ده محل در حاشیه‌ی جنوبی ترکمنستان و نیز دشت درگز، شیروان، اطراف گرگان و تپه‌حصار دامغان بوده است (تصویر ۷).

۱. نمازگاه تپه یا تپه نمازگاه، تپه‌ای پیش‌تاریخی از هزاره پنجم پیش از میلاد در نزدیکی شهر عشق‌آباد در ترکمنستان امروزی و در نزدیکی مرز ایران است. در این تپه‌نگاره‌های روی سفال متنوعی و از جمله بزهایی که در برابر گیاهان و درختان ایستاده‌اند، به دست آمده است.

تصویر ۷. نقشه ارتباطی قشه‌توت، عصر مفرغ



(نگارنده: ۱۴۰۳)

سفال عصر آهن قشه‌توت

براساس گونه شناسی به عمل آمده بر روی نمونه‌های شاخص و با توجه به فراوانی گونه‌های سفالی مربوط به فرهنگ‌های عصر آهن، بیشترین تعداد قطعات گونه‌شناسی شده‌ی تپه‌ی قشه‌توت مربوط به این دوران است. سفال‌های عصر آهن قشه‌توت از شبکه‌های متعددی نظیر E5, B4, F5, G3, G4, G5, G6, H3, H4, H6, I5, J2, J3, J4, K3, K6 به دست آمده‌اند. با توجه به این وسعت پراکنش مشخص است که استقرار دوره‌ی آهن تپه‌ی قشه‌توت بسیار وسیع‌تر از دیگر دوره‌ها بوده است. فراوانی قطعات سفال این دوره نیز شاهده‌ی بر این ماجراست. سفال عصر آهن قشه‌توت با سفال‌های عصر آهن فرهنگ باز به وضوح قابل مقایسه هستند. سفال‌های این گونه دارای کیفیت مناسب، پخت کافی و ظرافت متوسط هستند و معمولاً پوشش بیرونی آن‌ها از نوع گلی رقیق در طیف‌های نخودی تا قرمز مایل به قهوه‌ای است. در نمونه‌های منقوش معمولاً با رنگ سیاه یا قرمز بر بدنه‌ی سفال نقوش خطی به شکل باند یا نقوش هندسی ایجاد شده است. سفال عصر آهن قشه‌توت با سفالینه‌های منقوش یاز I - یاریم‌تپه (شیخ، ۱۳۹۳: ۹۲) و سفالینه‌های یاز I قلعه کهنه‌ی میرقلعه‌ی درگز، تپه‌پری مازندران (رضایی نیا و دیگران، ۱۴۰۰:

(۵۷) و محوطه‌های شرق ایران (وحدتی، ۱۳۹۹: ۱۹۷) و دره‌ی اترک (Ricardi, 1980: 61) قابل مقایسه هستند و همچنین در خارج از مرزهای ایران با محوطه‌های حاشیه‌ی شرقی کپت‌داغ ترکمنستان همچون الغ‌تپه (Sarianidi & Koshlenko, 1985: 196)، یاس‌تپه (Gutlyev, 1970: 66)، داشلی (Gutlyev & zadneprovskij, 1985: 48) و انواع ظروف سفالی یاز (واحه‌ی مرو) (Gubaev, Koshelenko & Tosi, 1998: 82-85) که مربوط به فرهنگ یاز I است، هم‌سانی فراوانی دارد (تصویر ۸).

تصویر ۸. نقشه‌ی ارتباطی قشه‌توت، عصر آهن



(نگارنده: ۱۴۰۳)

نتیجه

براساس تجزیه و تحلیل داده‌های سفالین تپه قشه توت، می‌توان بیان داشت که این تپه، به دلیل قرارگرفتن در کریدور ارتباطی و نزدیکی به دو کشور افغانستان و ترکمنستان، تأثیرات فرهنگی قابل توجهی را تجربه کرده است. موقعیت جغرافیایی این محوطه موجب شده است تا در طول تاریخ، تبادل فرهنگی و تجاری میان این مناطق به سهولت انجام شود و نتایج آن در مصنوعات فرهنگی و سفالینه‌های کشف‌شده مشاهده گردد. این تأثیرات فرهنگی نشان‌دهنده‌ی تعاملات پیچیده و متنوع میان فرهنگ‌های مختلف در این بازه‌ی زمانی است. براین‌اساس در این پژوهش در ابتدا برای گونه‌شناسی سفالینه‌ها که بیشترین اطلاعات از نوع استقرار و گاه‌نگاری تپه را به ما ارائه می‌دهد، به روش بررسی روشمند، سفال‌های شاخص انتخاب گردید. با توجه به وسعت و گستردگی تپه و محوطه‌ی اطراف قشه‌توت، به منظور دقت هرچه بیشتر در ثبت و ضبط داده‌ها و همچنین برای جانمایی هرچه بهتر و راحت‌تر شبکه‌ها، ابعاد هر شبکه 25×25 متر در نظر گرفته شد. در ابتدا شبکه‌ها بر روی نقشه‌ی محوطه در نرم افزار "Google Earth" جانمایی شد و چهار گوشه‌ی مربع اصلی با دستگاه ثبت موقعیت جغرافیایی GPS ثبت شد و شبکه‌بندی داخلی بر سطح محوطه پیاده شد. سپس جمع‌آوری نمونه سفال‌ها براساس انتخاب نمونه‌های شاخص در شبکه‌ها انجام گرفت. مطالعه‌ی داده‌های سطحی این تپه، با هدف اولیه‌ی بازسازی تاریخ استقرار آن، نیازمند روشی بود که تمامی بخش‌های مختلف تپه را دربرگرفته و در عین کارآمدی، بر اصول آماری نیز مبتنی باشد. بدین منظور، پس از تهیه‌ی نقشه‌ی توپوگرافی تپه و شبکه‌بندی نقشه به مربع‌های 25×25 متر، با روش نمونه‌برداری تصادفی ساده، از بیشتر شبکه‌های دارای پراکنش مواد فرهنگی، نمونه انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از مواد فرهنگی جمع‌آوری شده در مربع‌های ترسیم شده، شیوه‌ی نمونه‌برداری انتخابی به کار بسته شد که در آن تمامی مواد فرهنگی موجود در هر شبکه جمع‌آوری می‌شوند و از میان نمونه‌ها، آن‌هایی که حاوی بیشترین اطلاعات بودند، کدگذاری و برداشت شدند و بقیه‌ی یافته‌ها در همان شبکه‌ی خود مجدد پراکنده شد. طی این شیوه، شمار ۱۱۴ قطعه سفال به دست آمد که از میان آن‌ها ۵۲ قطعه سفال شاخص برای مطالعات تکمیلی گونه‌شناسی انتخاب شدند. در نهایت و براساس تمام اطلاعات به دست آمده از این پژوهش مشخص شد نمونه‌های مطالعه‌شده مربوط به دوره‌های

مختلف فرهنگی از پیش از تاریخ هستند. تنوع گونه‌های سفالی و مطالعه‌ی گونه‌شناسی قطعات سفالی و مقایسه آن‌ها با مناطق همجوار نشان داد تپه‌ی قشه‌توت برای اولین بار در دوره‌ی مس و سنگ به شکل یک روستای کوچک مورد سکونت قرار گرفته است. تعداد نمونه‌های قابل گونه‌شناسی این دوره بسیار کم است. پس از دوره‌ی مس و سنگ، تپه‌ی قشه‌توت در دوره‌ی مفرغ و فازهای مختلف آن به شکل یک استقرار بزرگ مورد سکونت قرار گرفته است. سفال‌های عصر مفرغ قشه‌توت مربوط به فازهای مختلف این دوره هستند. بیشترین قطعات سفال دوره‌ی مفرغ این تپه با فرهنگ‌های عصر مفرغی منطقه‌ی ترکمنستان همچون نمازگاه III و IV مقایسه می‌شوند؛ همچنین در بین نمونه‌ها شواهدی از سفال فرهنگ بلخی - مروی نیز قابل مشاهده است. پس از عصر مفرغ، تپه‌ی قشه‌توت در بازه‌ی زمانی عصر آهن به شکل متوالی و مداوم توالی استقرار را نشان می‌دهد. سفال‌های عصر آهنی قشه‌توت از نظر فراوانی بیشترین تعداد را به خود نسبت می‌دهند. براین اساس استقرار در عصر آهن این تپه به بزرگترین حد خود می‌رسد. سفال‌های عصر آهنی قشه‌توت نیز همچون دوره‌ی قبل با فرهنگ‌های خارج از مرزهای فعلی ایران همچون یاز بیشترین هم‌سانی را دارند. همچنین سفال عصر آهن قشه‌توت بیشترین مشابهت را با فرهنگ عصر آهن I در ترکمنستان دارد. در پایان با توجه به نقشه‌ها و مطالعات تطبیقی، فرهنگ یاز و نمازگاه منطقه‌ی ترکمنستان و پس از آن فرهنگ سفالی بلخی افغانستان بیشترین تأثیرات فرهنگی بر سفالینه‌های پیش از تاریخی این منطقه داشته است که نشان‌دهنده‌ی ارتباطات فرافرهنگی این منطقه است. پس از آن، در محوطه‌های داخلی ایران همچون شهرسوخته در جنوب شرق، گرگان، بجنورد و درگز در شمال شرق، نیشابور در شرق، تپه‌حصار در مرکز می‌توان بیشترین ارتباط و تاثیرگذاری فرهنگی را برای این دوره مطرح نمود.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- باصفا، حسن (۱۳۹۶). تبیین فرهنگ‌های دوره آهن دشت نیشابور بر اساس مواد فرهنگی تپه تیغ مهره. *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، ۹(۱)، ۱-۱۸.
- جامی‌الاحمدی، مانا (۱۳۸۷). *بازنگری مطالعات پارینه‌سنگی در حوضه رودخانه کشف رود و معرفی محوطه‌های جدید پارینه‌سنگی* (پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- داوری، محمد صادق، حسن باصفا، طغرابی، محمود (۱۳۹۹). تبیین گاه‌نگاری نسبی استقرارها و ارزیابی نظام‌های فرهنگی پیش از تاریخ حوضه کشف رود دشت مشهد از دوره نوسنگی تا مفرغ‌میانی. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۱۲(۳)، ۴۱-۶۳.
- رضایی نیا، عباس‌عی، وحدتی، علی اکبر و شریفی، مصطفی (۱۴۰۰). یافته‌های فرهنگ عصر آهن تپه پری جای مازندران. *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۵(۱۶)، ۵۱-۶۸.
- شیخ، محمد (۱۳۹۳). *بررسی سیستماتیک یاریم‌تپه درگز، بررسی و شناسایی استقرار پیش از تاریخ یاریم‌تپه و تدوین گاه‌نگاری با استناد به یافته‌های سفالی* (پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
- شیخ، محمد، جعفری خان ببین، مینا و شیرازی، روح‌الله (۱۴۰۱). شناسایی فرهنگ یاز I (آهن آغازین)، در *یاریم‌تپه درگز، خراسان. باستان‌پژوه*، ۲۲(۲۷)، ۲۲-۴.
- عزیزی خرائقی، محمدحسین، نیکنامی، کمال‌الدین، و مرادی، نسترن. (۱۳۸۹). عصر مفرغ جدید در تپه سگزآباد بر مبنای یافته‌های سفالی. *مجله پیام باستان‌شناسی*، ۷(۱۴)، ۲۱-۳۴.
- کوهل، فیلیپ الف (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی آسیای مرکزی از دوره پارینه‌سنگی تا عصر آهن* (ترجمه حسین رمضانپور و معصومه مرادیان)، تهران: انتشارات سمیرا.
- میرزایی، آریتا و دانا، محسن (۱۳۹۵). جشن نامه میرعبدین کابلی، بازنگری عصر مفرغ در دره اترک بالای: بررسی‌های جدید باستان‌شناختی در شمال خراسان. *مفاخر میراث فرهنگی ایران*، شماره ۲، ۲۳۵-۲۱۵.

- نامی، حسن (۱۴۰۱). گاهنگاری نسبی، تحلیل محیطی و باستان‌شناختی محوطه مخارتپه (تربت جام، شمال شرق ایران). *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۶ (۲۱)، ۴۰-۷.
- وحدتی، علی اکبر (۱۳۹۳). کاوش در جیران تپه. *فصلنامه علمی فنی هنری اثر*، ش ۶۱، ۱۲۹-۱۳۴.
- وحدتی، علی اکبر (۱۳۹۴). *عصر مفرغ و آهن خراسان (۳۰۰۰ تا ۵۰۰ ق.م)*، گذری بر باستان‌شناسی خراسان. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- وحدتی، علی اکبر (۱۳۹۹). *عصر آهن در شرق ایران، ۱۵۰۰ تا ۵۵۰ ق.م. نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران*. تهران: آریارمنا.
- وحدتی، علی اکبر و ژانگ، لیانگرن (۱۳۹۶). گزارش مختصر فصل دوم هیأت مشترک ایران و چین در تپه نادری، شیروان، خراسان شمالی. *شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران*. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

- Ariai, A. & Thibault, C. (1975). Nouvelles précisions a propos de l'outillage paléolithique ancien sur galets du Khorassan (Iran)". *Paléorient*, No. 3, 101-108.
- Askarov, A.A., & Al'baum, L.I., (1979). Poselenije Kuchuktepa. *Tachkent: Fan*.
- Duke, Kh.I. (1982b). Chirakchinskoe poselenie. *Istorija Material'noj Kul'tury Uzbekistana*. vol 17, 19-29
- Gubaev, A, Koshelenko, G. A., & Tosi, M., (1998). The Archaeological Map of the Murghab Delta. Preliminary Reports 1990-95, (Reports and Memoirs, vol. Series Minor Volume III), Rome, IsIAO, XXXVII", ia 37: 111-47. Centro Scavie Ricerche Archeologic he.
- Gutlye, G. Z. (1985). *Yashildepe reference monument of the Early Iron Age in the territory of the Northern Parthia*. Proceedings of the Academy of Sciences of the Turkmen SSR 4, 44-50
- Gutlyev, G. (1970). *Raboty na poselenii rannezheleznoego veka Yasi-depe i i Baba-Durmaza*. K.D., III , 64-71.
- Hiebert, F., Robert, H., & Dyson , J.r. (2002). Prehistoric Nishapur and the frontier between Central Asia and Iran; *Iranica Antiqua*, Vol. XXXVII. Doi: 10.2143/IA.37.0.120
- Kohl, P. L., Biscione, R. & Ingraham, M. L. (1982). "Implications of Recent Evidence for the prehistory of Northeastern Iran and Southwestern Turkmenistan", *Iranica Antiqua*, Vol. XVI, 185-204.

- Korbel, G. (1983). *Archäologische ergebnisse einer glandebegung im gebiet von Torbat-e Djam und Tayyebat (Khorasan)*. AMI. Band 16, 18- 57.
- Lecomte, O., Francfort, H.P., boucharlate, R., & mamedow., M .(2002). *Recherches Archaeologiques Recent a Ulug Depte (Turkmenistan). Paleorient and CNRS Editions*. Vol.28/2, 123-133.
- Pumpelly, R. (1908). *Explorations in Turkestan. Prehistoric Civilizations of Anau*, Washington, *Carnegie Institue*.
- Ricardi, R.V. (1980). *Archaeological survey in the upper Atrek Valley (khorassan,iran): preliminary report . Mesopotamia*, 15, P :51-72
- Ricciardi, R. V. (1980). *Archaeological Survey in The upper atrek valley (Khorassan, Iran).Preliminary Report; XVII*.
- Sarianidi, V.I., (1972). *EXcavations of Tillya-Tepe in Northern Afghanistan. THE SCIENCE. Tillja-Tepe v severnom Afghanistanane , New York : Harry N. Abrams*,
- Sarianidi, V.I.,(1983). *The Pottery of Shahr-i Sokhta I and its Southern Turkmenian Connections*, in M. Tosi, (ed.), *Prehistoric Sistan 1 (IsMEO Rep. Mem. XIX, 1)*, Rome, 183-200.
- Sarianidi,V.I., & Koshelenko G.A. (1985). *Merv oasis, northern Parthia, Serakh oasis, northern Bactria*, in: G.A. Koshelenko (ed.), *Ancient States of the Caucasus and Central Asia, Moscow, Nauka*. 181-192.
- Schmidt, v, (1937). *Excavations at Tape Hissar: Damhan*, The University Museum, Philadelphia
- Vahdati , A.A., (2014). *A BMAC Grave from Bojnord, Northeastern Iran*, Iran, Vol. 52 , 19-27. <http://irdoi.ir/127-629-767-949>

Identifying and Analyzing Strategies for Enhancing Work-Family Balance Among Employees in Public Organizations in Birjand

Mehdi Rashidi¹

Amirreza Rahimi²

Fareshte Asadzadeh³

Received: 27/1/2025

Accepted: 10/3/2025

Introduction

Work-family balance has become a critical issue over the past two decades, driven by economic challenges, organizational restructuring, and increasing competition in the business environment. The relationship between work and family life has changed significantly over time, creating new challenges for both men and women in the workforce. Employees today face constant pressures that often lead to conflicts between their professional responsibilities and personal lives. As a result, work-family balance is an essential aspect that human resource management must address in organizations (Hussein Isse Hassan, 2018: 13).

Work-life balance programs have existed since the 1930s, providing policies and regulations that enable employees to perform their jobs effectively and efficiently while maintaining flexibility to manage personal matters (Wiradendi, 2020: 1103). Various definitions of work-life balance have been proposed. Granhaus and Allen (2011) define it as "the degree to which an individual's effectiveness and satisfaction in their work and family roles align with their life priorities." From a managerial perspective, work-life balance refers to the ability to fulfill professional and personal responsibilities satisfactorily while minimizing role conflicts.

1. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: mehdirashidi@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-8131-7445>

2. Master of Public Administration, Faculty of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: amirrezarahimi98@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-3898-7983>

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: asadzadeh.f@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0006-3598-7804>



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

This study aims to address two fundamental research questions:

- What are the key strategies for improving work-life balance in government organizations in Birjand?
- How can these strategies be ranked in terms of effectiveness?

Method

This study employs a mixed-method approach (qualitative and quantitative). Based on its nature, it is an applied study, and based on its methodology, it follows a descriptive survey design. The statistical population is divided into two parts:

- **Qualitative Component:** The population includes faculty members from the management, psychology, and social sciences departments of Payam Noor University in Birjand, as well as managers of government organizations in Birjand in the year 1403 (Persian calendar).
- **Quantitative Component:** The population comprises all employees of government organizations in Birjand in 1403, estimated at approximately 6,000 individuals.

For the qualitative phase, 10 faculty members from the mentioned university departments and 10 expert managers from government organizations were selected using snowball sampling.

For the quantitative phase, the sample size was determined to be 361 individuals based on the Morgan table. A stratified random sampling method was employed, categorizing government organizations into five sectors: technical and civil, industrial and mining, cultural and educational affairs, political and defense affairs, and social and economic affairs. From each category, participants were selected using a simple random sampling method. A total of 370 questionnaires were distributed, and 360 fully completed responses were collected. Data was gathered using a researcher-designed questionnaire.

Findings

After reviewing existing research, consulting professors, managers, and experts, and conducting the Delphi process, 25 key factors were identified to improve work-family balance. These include receiving fair and timely salaries, ensuring job security, fostering organizational trust and loyalty, enhancing employee skills, motivating efficient workers, attracting competent individuals, and reviewing performance-based reward systems. Other critical factors involve promoting an Islamic values-based organizational culture, valuing human capital, reducing job stress, addressing inefficiencies, encouraging social responsibility, avoiding personal biases in decision-making, strengthening workplace relationships, and improving managerial

perspectives on work-family balance. Additionally, factors such as prioritizing productivity over mere physical presence, implementing flexible work schedules, defining clear job roles, gaining family support, considering employee personality traits, and acknowledging the influence of job type and work location (native vs. non-native employees) were highlighted. To assess the perceived importance of these factors among government employees in Birjand, the Friedman ranking test was conducted. The findings revealed that job security, work location, organizational culture, and employee expertise ranked as the most significant factors, with average scores of 18.10, 16.15, 15.84, and 14.90, respectively. Conversely, focusing on productivity over physical presence (10.07), implementing stress-reduction programs (10.15), and addressing inefficiencies through process improvements (10.52) received the lowest rankings. These results suggest that employees prioritize stability, workplace culture, and expertise over productivity-focused policies and stress management initiatives.

Discussion and Conclusion

This study identified stable employment status and job security as key factors in improving work-family balance. These findings align with the study by Hashemi and Darwish (2014), which emphasized the role of job security in preventing burnout and reducing stress caused by job instability. This suggests that ensuring job security can effectively alleviate work and family pressures. Another significant factor identified was the city of work (native vs. non-native employees). The findings suggest that while organizations should prioritize competence in hiring, they should also consider whether an employee is native to the area when making placement decisions. Additionally, welfare facilities for families were found to enhance work-family balance, consistent with the research of Hunter et al. (2017), which highlighted the role of such facilities in reducing job pressures and fostering a better balance between professional and personal life.

However, this study faced certain limitations, including challenges in accessing experts and the constraints of using a questionnaire as the primary data collection tool. To improve the reliability of these findings, future research could incorporate additional methods such as interviews and document analysis. Another limitation was the restricted statistical population, which may limit the generalizability of the results. To address this, it is recommended that similar studies be conducted in other organizations and cities. For a more comprehensive understanding of the topic, future research could compare work-life balance among employees in service, manufacturing, and educational sectors. Additionally, further studies could explore the

interrelationships between work-family balance and work-family conflict, as well as the broader consequences of work-family balance in government organizations.

Keywords: Work-Family Balance, Public Organizations, Delphi Method, Birjand.

References

- Alimardani, A. (2013). Shensayi va moarrefiye avamele taadole kar va zendegi karkonane farmandehiye entezamiye ostane Mazandaran [Identifying and introducing factors of work-life balance of employees of Mazandaran Provincial Police Command]. *Mazandaran Police Knowledge Scientific Journal*, 53, 47-68. [In Persian].
- Amini-Moghaddam, S., Manzaritavakoli, A., Salajqeh, S., & Shokoh, Z. (2019). Tabyine rabeteye avamele mortabet ba kar va zendegi ba naghsh miyanjie hooshe hayajani, eraeye model [Explaining the relationship between factors related to work-life balance and the mediating role of emotional intelligence and presenting a model: A case study of nurses working in hospitals of universities of medical sciences in Kerman province]. *Quarterly Journal of Research and New Theories of Public Administration*, 1(3), 97-108. [In Persian].
- Anvari, H. (2019). Farhange bozorge sokhan [The great culture of speech]. Vol. 4. Tehran: Sokhan Publications. [In Persian].
- Arghavan, M. R., Amini, A. R., & Ali Mohammadloo, M. (2012). Modelsaziye avamele moasser bar taarze kar khanevede va shakhshe an ba estefade az roykarde modelsazi sakhtari tafsiri jamee fazzi [Modeling factors affecting work-family conflict and its indicators using a comprehensive fuzzy interpretive structural modeling approach]. *Public Management Quarterly*, 14(3), 424-478. [In Persian].
- Asadi, M. R., Najafi, T., Amiri, M., & Malek Makan, S. (2013). Barrsie vazeyate kar va zendegie karkonan [Investigating the work-life balance of university professors]. *Human Resources Studies*, 3(2), 113-138. [In Persian].
- Beighami, M. K., Sarlak, M. A., Kolivand, M. H., & Ahmadi, A. A. (2017). Barresiye amamele kelidiye moasser bar taadole kar va zendegiy parastaran dar Tehran [Investigation of key factors affecting work-life balance of nurses in Tehran]. *Neuroscience of Khatam Healing*, 5(1), 29-39. [In Persian].
- Chang, A., McDonald, P., & Burton, P. (2010). Methodological choices in work-life balance research 1987 to 2006: A critical review. *International Journal of Human Resource Management*, 21(13), 2381-2413.
- Coyle, E. F., Van Leer, E., Schroeder, K. M., & Fulcher, M. (2015). Planning to have it all: Emerging adults' expectations of future work-family conflict. *Sex Roles*, 72, 547-557.
- Davoodi, M., & Shamsi, M. (2018). Shenasiye avamele mooasser bar tavazone beiyne kar va zendegi dar zanane shaghel [Identifying factors affecting work-life balance in working women]. *Scientific Journal of Women and Culture*, 10(38), 43-60. [In Persian].
- Dehkhoda, A. A. (1400). Loghatneme [Dictionary]. Publisher: University of Tehran. [In Persian].
- Eskanderpour, B., Rahimi-Niri, R., & Bagheri, B. (2019). Barresi tasire kar va zendegi bar tamayol be tarke khedmate karkonane banke keshvarzi ostane Ardebil [Investigating the effect of work-life balance on the tendency to leave the service of employees of the Agricultural Bank of Ardabil Province]. *The Fourth*

- National Conference on Management, Accounting, and Economics with Emphasis on Regional and Global Marketing*, Tehran, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Farahmandian, A., & Ghorbani, H. (2013). Barresiye naghsh-e tahavvle dijitaliye mahalle kar va taadole kar va zendegiye karkonan bar amalkarde sazman [Investigating the role of digital transformation of the workplace and employees' work-life balance (quality of work life) on organizational performance]. *6th International Conference on New Developments in Management, Economics and Accounting*, Tehran, Iranian Business Excellence Association. [In Persian].
- Ganjinia, H., Jalal-Jabari, S., Fallah, M. A., & Raufshenas-Yeganeh, A. (2019). Arzyabi va rotbebandiye pishayandhaye taadole kar-zendegi dar yek sazmane dolati [Evaluation and ranking of work-life balance antecedents in a government organization]. *Human Resources Studies*, 9(1), 25-48. [In Persian].
- Greenhaus, J. H., & Allen, T. D. (2011). Work-family balance: A review and extension of the literature. In *Handbook of Occupational Health Psychology* (pp. 189-204). American Psychological Association.
- Greenhaus, J. H., & Beutell, N. J. (1985). Sources of conflict between work and family roles. *The Academy of Management Review*, 10(1), 76-88.
- Greenhaus, J. H., Collins, K. M., & Shaw, J. D. (2003). The relation between work-family balance and quality of life. *Journal of Vocational Behavior*, 63(3), 510-531.
- Hafezi, A. (2013). Vazayef va naghsh-e khanevede dar amoozesh va tarbiyate danesh amouzan [The duties and role of the family in the education and training of students]. *The First International Conference on Sociology, Social Sciences and Education with a Look to the Future Approach*, Bushehr, Multipurpose Institute for Research on the South Flight. [In Persian].
- Hashemi, N., & Darvish, H. (2013). Shenaysayiye abaad va moallefehaye taadole kar-zendegiye karkonan sherkate melliye gaze Iran [Identifying the dimensions and components of work-life balance of National Iranian Gas Company employees]. *Career and Organizational Counseling*, 15(1), 87-118. [In Persian].
- Helmle, J. R., Botero, I. C., & Seibold, D. R. (2014). Factors that influence perceptions of work-life balance in owners of copreneurial firms. *Journal of Family Business Management*, 4(2), 110-132.
- Hirschi, A., Shockley, K. M., & Zacher, H. (2019). Achieving work-family balance: An action regulation model. *Academy of Management Review*, 44(1), 150-171.
- Hunter, E. M., Clark, M. A., & Carlson, D. S. (2017). Violating work-family boundaries: Reactions to interruptions at work and home. *Journal of Management*, 45(3), 1284-1308.
- Hussein Isse Hassan, A., Iliyasa Shiyabade, N., Bello Taofik, A., & Roshidah Binti, A. (2018). The relationship between job satisfaction, work-life balance and organizational commitment on employee performance. *Academic Journal of Economic Studies*, 4(3), 12-17.
- Kamrani-Mahani, M., Amiri, A. N., Akhavan-Alavi, S. H., & Hamidizadeh, A. (2018). Avamele moasser bar taadole kar va zendegi parastarane bimarestanhaye

- vabaste be daneshgahe oloome pezeshkiye jiroft dar sal 1396 [Factors affecting work-life balance of nurses in hospitals affiliated to Jiroft University of Medical Sciences in 2017]. *Nursing Education*, 7(4), 55-63. [In Persian].
- Kaya, B., & Karatepe, O. M. (2020). Attitudinal and behavioral outcomes of work-life balance among hotel employees: The mediating role of psychological contract breach. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 42, 199-209.
- Kelliher, C., Richardson, J., & Boiarintseva, G. (2019). All of work? All of life? Reconceptualising work-life balance for the 21st century. *Human Resource Management Journal*, 29, 97-112.
- Kumari, L. (2012). Employees' perception on work-life balance and its relation with job satisfaction in Indian public sector banks. *International Journal of Engineering Management and Research*, 2(2), 1-13.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.
- Lim, D. H., Song, J. H., & Choi, M. (2012). Work-family interface: Effect of enrichment and conflict on job performance of Korean workers. *Journal of Management & Organization*, 18(3), 383-397.
- Lin, Z., Gu, H., Gillani, K. Z., & Fahlevi, M. (2024). Impact of green work-life balance and green human resource management practices on corporate sustainability performance and employee retention: Mediation of green innovation and organisational culture. *Sustainability*, 16(15), 6621.
- McCarthy, A., Darcy, C., & Grady, G. (2018). Work-life balance policy and practice: Understanding line manager attitudes and behaviors. *Human Resource Management Review*, 20(2), 67-108.
- Michael, A. R., Maria, G. M., George, H. J., Jayacyril, C. M., & Parayitam, S. (2025). Employee commitment and cognitive engagement as moderators in the relationship between quality of work life and work-life balance: A conditional moderated-moderated-mediation model. *Global Business and Organizational Excellence*.
- Moghballi-Mahani, S., Hadi-Peikani, M., Ebrahim-Zadeh, D. R., & Qaytani, A. (2018). Eraeye modelei ejabiye taadol kar va zendegi ba rouykare faratarkib [Presenting a positive work-life balance model with a meta-synthesis approach]. *Journal of Human Capital Empowerment*, 5(2), 159-169. [In Persian].
- Najafi, T., & Asadi, M. R. (2011). Taadole kar va zendegi [Work-life balance]. Tehran: Family Studies Development Center Publication; Bank Mellat Education Department. [In Persian].
- Ozbilgin, M. F., Beauregard, T. A., Tatli, A., & Bell, M. P. (2011). Work-life, diversity and intersectionality: A critical review and research agenda. *International Journal of Management Reviews*, 13, 177-198.
- Paidai, M., Pilehvari, N., & Bagheri, S. (2013). Shenasayee abaade manabee ensaniye motaadel az didgahe eslam ba rouykarde delfiye fazi [Identifying the dimensions of balanced human resources from the perspective of Islam with a fuzzy Delphi approach]. *Cultural Management*, 7(19), 53-69. [In Persian].

- Pakangar, B. (2016). Taasire avamele fizikiye mohit kar bar amalkarde karkonan az didgahe karkonane bank [The effect of physical factors of the workplace (ergonomics) on employee performance from the perspective of bank employees (case study: Tejarat Bank branches in the northwest region of Tehran)] (Master's thesis, Public Administration), Faculty of Management, Islamic Azad University, Firoozkough Branch, Iran. [In Persian].
- Rajabi Farjad, H. (2019). Eraeye olgooye taadole kar va zendegi zanane police Tehrane bozorg [Presenting a model of work-life balance for women in the Greater Tehran Police (FATEB)]. *Social-Police Research on Women and Family*, 8(1), 217-243. [In Persian].
- Rajabi Farjad, H., & Mousavi Fard, L. (2017). Barrsiye rabeteye taadole beyn kar va zendegi va amalkarde sazmani [Investigating the relationship between work-life balance and organizational performance]. *Modern Management Engineering Quarterly*, 6(1), 51-63. [In Persian].
- Sabqro, M., Kalhorian, R., Kamjoo, Z. E. A., & Taleghani, G. R. (2011). Taaroz kar va khnevade: Naghshe edrake hemayathaye sazmani dar ghasde tarke khedmat [Work-family conflict: The role of perceived organizational support in the intention to leave the service (case study of nurses in hospitals in Tehran)]. *Public Management*, 3(6), 111-236. [In Persian].
- Sahibyar, H., & Farid, A. (2019). Naghshe mianjigariye taadole kar-zendegi dar ravabete elliye beyn fazilate sazmani va raftare shahrvandiye sazmaniye moalleman [The mediating role of work-life balance in the causal relationship between organizational virtue and organizational citizenship behavior of teachers]. *Educational Leadership and Management Research*, 5(19), 39-64. [In Persian].
- Sepah Mansour, M., Shahriari Ahmadi, M., & Shahami, N. (2012). Rabeteye beyn keyfiyate zendegi, rezayate shoghli, farsoodegiye shoghliye moalleman [The relationship between quality of life, job satisfaction, and burnout of teachers]. *Educational Management Research*, 3(3 [Issue 11]), 91-110. [In Persian].
- Septiani, D., Jalil, A., Septia, F., & Putri, A. D. (2024, December). Perceptions of Generation Z about work-life balance, managerial support, and workplace stress level: A literature review. In *International Conference on Research and Development (ICORAD)* (Vol. 3, No. 2, pp. 208-217).
- Shakeri Kiasaraei, Z. (2013). Avamele tasire taadole kar zendegi bar shadkamiye zehniye parastaran bimarestane Poor Sina [Factors affecting work-life balance on subjective happiness of nurses in Poursina Hospital] (Master's thesis, Public Administration), Islamic Azad University, Rasht, Iran. [In Persian].
- Sharifi Kahnooji, S., Mesbahi, M., & Tahmoursi, L. (2014). Tasire keyfiyate zendegiye kari bar taadole kar va zendegiye karkonan [The effect of quality of work life on employees' work-life balance]. *17th International Conference on Management Research and Humanities*, Tehran, Modabar Management Research Institute. [In Persian].

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

شناسایی و تحلیل رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده**کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند**مهدی رشیدی^۱امیررضا رحیمی^۲فرشته اسدزاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_217025.html**چکیده**

یکی از مهم‌ترین مسائل در میان کارکنان سازمان‌ها، برقراری تعادل بین کار و خانواده است که به نظر می‌رسد توجه به آن و شناخت راهکارهای بهبود آن، در راستای اعتلای فرهنگ خانواده و جامعه، می‌تواند اثربخش باشد. بنابراین تحقیق حاضر با هدف شناسایی و رتبه‌بندی رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند انجام شده است. این تحقیق بر مبنای ماهیت، از نوع آمیخته (کیفی - کمی)، بر مبنای هدف، از نوع کاربردی و، بر مبنای روش، توصیفی از نوع پیمایشی است. برای شناسایی رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده، از روش دلفی استفاده شد؛ براین اساس، ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی گروه‌های مدیریت، روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز بیرجند و ۱۰ نفر از مدیران سازمان‌های

۱. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول

mehdirashidi@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-8131-7445>

۲. کارشناسی ارشد، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

amirrezarahimi98@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-3898-7983>

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

asadzadeh.f@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0006-3598-7804>

COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

دولتی شهر بیرجند در سال ۱۴۰۳ به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. همچنین برای رتبه‌بندی رهیافت‌های شناسایی شده، از جامعه‌ی آماری کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نامتناسب و بر مبنای جدول مورگان، حجم نمونه مشخص شد. برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون‌های آماری مناسب تجزیه و تحلیل شدند. پس از مطالعه و بررسی در پژوهش‌های انجام شده و همچنین نظرسنجی از اساتید، مدیران و خبرگان و طی کردن مراحل دلفی، ۲۵ عامل شناسایی شدند. تحلیل داده‌ها نشان داد که از بین رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند، «وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی»، «شهر محل کار (بومی و غیربومی)»، «فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی» و «مهارت و تخصص بالای کارکنان» دارای بالاترین میانگین رتبه بودند.

واژه‌های کلیدی: تعادل بین کار و خانواده، سازمان‌های دولتی، روش دلفی، شهر بیرجند.

مقدمه

ایجاد تعادل بین کار و خانواده به عنوان موضوعی مهم در طول دو دهه‌ی گذشته که افزایش معنادار کار به دلیل مسائل اقتصادی، بازسازی سازمانی و افزایش رقابت در کسب و کار رخ داده، پدیدار شده است. رقابت قلمرو کاری و زندگی خانوادگی در طول یک دوره‌ی زمانی تغییر چشمگیری به خود گرفته است. امروزه کار کردن زنان و مردان، روزانه، با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌روست که بین زندگی کاری و زندگی خانوادگی و شخصی، در بسیاری از اوقات، ناهماهنگی ایجاد می‌کند. تعادل بین کار و خانواده موضوعی است که مدیریت منابع انسانی باید در سازمان‌ها به آن توجه کند (Hussein Isse Hassan, 2018: 13).

افراد برای حضور مؤثر در جامعه و ادامه‌ی زندگی نیازمند مشارکت اجتماعی هستند؛ در طول تاریخ، کار به عنوان یکی از راه‌های اساسی مشارکت اجتماعی و بیان شخصیت و عظمت انسان بوده و انسان خود را با کار معنا کرده است (امینی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۸). با وجود تمام اثرات مثبتی که کار و درآمد حاصل از آن روی زندگی شخصی هر انسانی دارد، مفهوم کار به شکل نامحسوسی در طول زمان تغییر کرده و روابط اجتماعی و خانوادگی انسان‌ها را در معرض

تغییرات گسترده‌ای قرار داده و سبب به وجود آمدن مشکلاتی برای افراد شاغل شده است (بیغمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱). یکی از بزرگترین مشکلاتی که به طور تقریبی هر انسان شاغلی از آن شاکی است، نبود تعادل بین فعالیت در محیط کاری و خانوادگی است (صاحب‌یار و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰). در دنیای رقابتی امروز، موضوع تعادل بین کار و زندگی مورد توجه پژوهشگران و دست‌اندرکاران مدیریتی قرار گرفته است (Kaya & et al., 2020: 202). چالش تعادل مناسب کار و نقش‌های خانوادگی یکی از نگرانی‌های اصلی برای افراد است. در واقع مفاهیم کار و خانواده بیشترین و قوی‌ترین پیوند را با فرد و جامعه دارند، به طوری که ایجاد تعادل بین آن‌ها ارزش و اهمیت بالایی دارد و اگر رابطه‌ی بین کار و زندگی مدیریت نشود، تعارض بین آن‌ها زیان‌های جبران‌ناپذیری برای فرد، سازمان و جامعه در پی خواهد داشت (Tomazevic, 2014: 88). در مطالعه‌ای که در اروپا انجام گرفت، نشان داده شده است که برقراری تعادل بین کار و زندگی خانوادگی و شخصی یکی از سه چالش عمده‌ای است که مدیران منابع انسانی با آن روبرو هستند (McCarthy, 2018: 79). تعادل بین کار و خانواده یکی از متغیرهایی است که اخیراً، به لحاظ اهمیت، مورد توجه بسیاری از مدیران که درصدد ارتقای کیفیت منابع انسانی خود هستند، قرار گرفته است؛ اگر رابطه‌ی بین کار و زندگی خانوادگی مدیریت نشود، تداخل بین آن‌ها زیان‌های جبران‌ناپذیری برای فرد، سازمان و جامعه در پی خواهد داشت. تداخل بین کار و زندگی یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که با میزان رضایت شغلی و رضایت از زندگی در ارتباط است. تداخل کار و زندگی زمانی رخ می‌دهد که وظایف شغلی از وقت، انرژی و تعهد فرد می‌کاهد و در نتیجه توانایی فرد برای ایفای نقش‌های خانوادگی کاهش می‌یابد (Wang, 2017: 392).

برنامه‌های تعادل کار و زندگی خانوادگی و شخصی در سال ۱۹۳۰م آغاز شده است و این سیاست‌ها و مقررات به کارمندان اجازه می‌دهد تا کار خود را به‌طور مؤثر و کارآمد و در قالب اشکال انعطاف‌پذیر برای مقابله با مشکلات شخصی انجام دهند (Wiradendi, 2020: 1103). تعاریف متعددی برای تعادل بین کار و زندگی خانوادگی و شخصی ارائه شده است؛ گرنهاس و آلن^۱ (2011) در این باره معتقدند: «میزانی که اثربخشی و رضایت فرد در نقش‌های کاری و

خانوادگی‌اش با اولویت‌های زندگی او سازگاری داشته باشد.» همچنین از دیدگاه رئیس‌نگانی^۱، تعادل بین کار و زندگی خانوادگی و شخصی به عنوان انجام‌دادن رضایت‌بخش و مناسب وظیفه در محل کار و منزل با حداقل تعارض نقش تعریف شده است.

طبق نظر اسکندریپور و همکاران (۱۳۹۸)، فعالیت‌ها و برنامه‌های تعادل کار و زندگی خانوادگی و شخصی به اقدامات داوطلبانه‌ای اشاره دارد که سازمان‌ها، برای تسهیل در امر مصالحه و تلفیق بین زندگی خانوادگی و شخصی و کاری، در اختیار کارکنان قرار می‌دهند. برخی از این اقدامات و حمایت‌های سازمانی عبارت‌اند از: خدمات مشاوره‌ای به کارکنان، برنامه‌های یاری‌رسان به کارکنان، آموزش مدیریت زمان، آموزش مدیریت استرس و تسهیلات نگهداری از فرزندان کارکنان - در داخل و یا در بیرون سازمان - و طرح‌هایی مانند تغییرات موقتی که به کارکنان امکان می‌دهد ساعات کاری خود را کاهش دهند (برای مثال تقسیم شغلی)؛ برنامه‌های کاری انعطاف‌پذیر که به کارکنان این امکان را می‌دهد در حالی که در ساعات اصلی در محل کار حضور دارند، شروع و پایان ساعات کاری خود را منطبق بر نیازهای شخصی خود انتخاب کنند؛ دور کاری، کار در خانه و کار اینترنتی که کارکنان انعطاف مکانی را در انجام کارهایشان تجربه می‌کنند.

مطالعات گذشته نشان می‌دهند که مولفه‌های گوناگون و مداخله‌های نامطلوبی بین این نیمه‌های زندگی وجود دارد. برای مثال، فشارهای زمانی ناشی از کار یا خانواده ممکن است باعث بروز مشکلاتی برای افراد شود. همچنین تنش‌های مربوط به هر یک از این نیمه‌ها بر تجربه‌ی کار و زندگی افراد تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین ساعات کاری طولانی‌مدت و پراسترس و از سویی دیگر، زندگی شخصی با مسئولیت‌های خانوادگی طاقت‌فرسا، موجب بروز تضاد بین کار و زندگی خانوادگی و شخصی فرد و ایجاد اختلالاتی در عملکرد یا رفتار فرد در هر یک از زمینه‌ها می‌شود (تقی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۱۳). در حالی که وقتی کارکنان از برنامه‌های کاری انعطاف‌پذیر، برابری جنسیتی و زمان کافی برای اوقات فراغت برخوردار باشند، توانایی بیشتری برای کنترل و هماهنگی مسئولیت‌های کاری و زندگی خواهند داشت و سلامت جسمی و روانی آن‌ها حفظ خواهد شد (طبرسا و معینی، ۱۴۰۱: ۳۴).

مقدمه‌ی رسیدن به تعادل بین کار و زندگی خانوادگی و شخصی این است که مدیران و سایر افراد جامعه به این نگرش برسند که می‌توان اولویت‌های فرد، سازمان و جامعه را هم‌سو و هماهنگ کرد. این هم‌سویی و هماهنگی نتایجی به همراه دارد که ضمن ایجاد رضایت و خشنودی فردی، افراد جامعه را آماده می‌کند تا در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت جویند و وظایف شغلی خود را به‌خوبی انجام دهند. مدیران سازمان‌ها می‌توانند با مدیریت کردن تعادل بین کار و زندگی، کارکنانی شاد و خشنود داشته باشند که با علاقه‌مندی، وفاداری و تعهد به سازمان، عملکردی مؤثر در شغل خود ارائه کنند (رجبی فرجاد، ۱۳۹۹: ۲۱۷). هنگامی که سازمان کیفیت زندگی کاری^۱ به کارکنان خود ارائه می‌دهد، یک رویکرد عالی در راستای جذب و حفظ کارکنان خود انجام داده است و در واقع باعث شکل‌گیری این ایده می‌شود که سازمان قادر به ارائه‌ی محیط کاری مناسب به کارکنان خود است و رضایت شغلی را برای کارکنان خود به وجود می‌آورد (رجبی فرجاد و موسوی فرد، ۱۳۹۶: ۵۳).

بررسی پژوهش‌های مرتبط با تعادل کار و زندگی خانوادگی و شخصی نشان می‌دهد که عوامل مختلفی به عنوان پیامدهای آن شناسایی شده‌اند. این گستردگی و تنوع به علت اهمیت روزافزون تعادل کار و زندگی برای سازمان‌ها و زاویه دید هر پژوهشگر به این مسئله است و موجب عدم نتیجه‌گیری منطقی در مورد دلایل و پیامدهای آن می‌شود. تنوع و گستردگی پیش‌گفته، نشان از پیچیدگی مسئله‌ی تعادل کار و زندگی و لزوم انجام تحقیقی جامع برای شناخت هر چه بیشتر آن دارد. با توجه به اینکه کار و زندگی خانوادگی و شخصی لازم و ملزوم یکدیگر هستند و همچنین نقش مهم برقراری تعادل بین کار و خانواده در کارکنان سازمان‌های دولتی که بخش بزرگی از جامعه هستند و این امر که توجه به این سرمایه‌های سازمانی و اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز رشد فرهنگ و سلامت اداری و اجتماعی شود، بررسی عوامل زمینه‌ساز بهبود آن ضروری و دارای اهمیت به نظر می‌رسد و در این راستا تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال‌های اساسی است که رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند کدام‌اند؟ (سوال اصلی اول پژوهش) و رتبه‌بندی آن‌ها چگونه است؟ (سوال اصلی دوم پژوهش). بنابراین توجه ویژه به موضوع تعادل در جامعه، سازمان و خانواده، و بررسی و شناسایی راهکارهای بهبود

تبادل بین کار و خانواده از نگاه صاحب‌نظران و مدیران اجرایی و سپس تحلیل رهیافت‌های شناسایی‌شده از نگاه کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند را می‌توان به عنوان جنبه‌ی نوآوری این پژوهش مطرح کرد.

پیشینه‌ی پژوهش

در بررسی پیشینه‌ی تجربی پژوهش باید گفت تحقیقات دارای ارتباط بیشتر با موضوع این بررسی به شرح زیر انتخاب شدند:

گنجی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «ارزیابی و رتبه‌بندی پیشایندهای تعادل کار - زندگی در یک سازمان دولتی» انجام دادند. ۱۵ مانع فردی و خانوادگی و ۱۵ مانع سازمانی شناسایی و پس از تأیید نقش تبیین‌گری آن‌ها در دو طبقه‌ی فردی و سازمانی به بررسی وضعیت موجود آن‌ها در جامعه‌ی آماری پرداختند و موانع موجود در آن را رتبه‌بندی کردند. از میان عوامل شناسایی‌شده، ۵ عامل فردی و ۸ عامل سازمانی در این سازمان مانع تعادل کار و زندگی به شمار می‌روند و درآمد ناکافی و استرس شغلی مهم‌ترین این موانع به شمار می‌آیند. بنابراین ایجاد زمینه‌ی مناسب برای برقراری تعادل در زندگی کاری و شخصی کارکنان می‌تواند دستاوردهای شخصی سازمانی بسیاری داشته باشد.

ارغوان و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «مدل‌سازی عوامل مؤثر بر تعارض کار خانواده و شاخص‌های آن با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جامع‌فازی» انجام دادند. طبق یافته‌های بخش کیفی، عوامل مؤثر بر تعارض کار خانواده، در چهار حوزه‌ی عوامل شغلی، خانوادگی، فردی و محیطی، طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین شاخص‌های تعارض کار خانواده عبارت‌اند از: شک و تردید و احتیاط، اضطراب و پریشان حالی، تهی‌شدگی شخصیتی، مشکلات جسمی، مشکلات شغلی و مشکلات خانوادگی.

هاشمی و درویش (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «شناسایی ابعاد و مولفه‌های تعادل کار - زندگی کارکنان شرکت ملی گاز ایران» انجام دادند. در این پژوهش، عوامل مؤثر بر تعادل کار خانواده بر اساس برنامه‌های نقشه‌ی راه اصلاح نظام اداری کشور کارکنان شرکت ملی گاز ایران، به صورت ۷ مولفه و ۳۷ شاخص (ساختار دولت: شامل ۴ شاخص، توسعه دولت الکترونیک و هوشمندسازی:

شامل ۲ شاخص، مدیریت سرمایه انسانی: شامل ۹ شاخص، عوامل و فناوری‌های مدیریتی: شامل ۶ شاخص، توسعه فرهنگ سازمانی: شامل ۷ شاخص، نظارت و ارزیابی: شامل ۵ شاخص، صیانت از حقوق مردم و سلامت اداری: شامل ۴ شاخص) مورد تأیید قرار گرفت.

فرهمندیان و قربانی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش تحول دیجیتال محل کار و تعادل کار و زندگی کارکنان (کیفیت زندگی کاری) بر عملکرد سازمان» نشان دادند قابلیت پویای سازمان (قابلیت فناوری اطلاعات در محل کار دیجیتال، قابلیت نوآوری پویا در محل کار دیجیتال و قابلیت مدیریتی پویا) بر عملکرد کارکنان در محل کار دیجیتال، تعادل کار و زندگی کارکنان کیفیت زندگی کاری و عملکرد سازمانی تأثیر می‌گذارد. همچنین عملکرد کارکنان در محل کار دیجیتال بر عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارد و تعادل کار و زندگی کارکنان (کیفیت زندگی کاری) بر عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارد همین‌طور قابلیت پویای سازمان (قابلیت فناوری اطلاعات در محل کار دیجیتال، قابلیت نوآوری پویا در محل کار دیجیتال و قابلیت مدیریتی پویا) بر عملکرد سازمانی از طریق تعادل کار و زندگی کارکنان (کیفیت زندگی کاری) تأثیر می‌گذارد و قابلیت پویای سازمان (قابلیت فناوری اطلاعات در محل کار دیجیتال، قابلیت نوآوری پویا در محل کار دیجیتال و قابلیت مدیریتی پویا) بر عملکرد سازمانی از طریق تعادل کار و زندگی کارکنان (کیفیت زندگی کاری) تأثیر می‌گذارد.

علیمردانی (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «شناسایی و معرفی عوامل تعادل کار و زندگی کارکنان فرماندهی انتظامی استان مازندران» انجام داد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عوامل سازمانی، به ترتیب شامل «ویژگی‌های مأموریتی»، «مزایای سازمانی»، «استرس شغلی» و «انعطاف‌پذیری شغلی» می‌شود و در عامل فردی، مولفه‌ها به ترتیب بار عاملی کلی عبارت‌اند از: «احساس پیشرفت»، «رضایت شغلی»، «کیفیت زندگی»، «احساس امنیت» و هم‌چنین در عامل خانوادگی نیز به ترتیب مولفه‌های «انتظارات خانواده»، «پایبندی خانواده به تعادل کار و زندگی» و «رضایت خانواده» قرار دارد.

شریفی کهنوجی و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان «تأثیر کیفیت زندگی کاری بر تعادل کار و زندگی کارکنان» انجام دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کیفیت بالای زندگی کاری، شامل شرایط کاری مناسب، حمایت سازمانی و فرصت‌های رشد حرفه‌ای، تأثیر مثبتی بر

تعادل کار و زندگی کارکنان دارد. این تأثیر مثبت منجر به افزایش رضایت شغلی، کاهش استرس و بهبود سلامت روانی و جسمی کارکنان می‌شود.

هیرچی و همکاران^۱ (2019) در پژوهشی با عنوان «دستیابی به تعادل بین کار و خانواده: یک مدل تنظیم‌گری برای اقدام» با تکیه بر بینش‌های ادبیات کار- خانواده، نظریه تنظیم کنش، و تحقیقات اهداف چندگانه، یک مدل نظری را پیشنهاد کردند که توضیح می‌دهد چگونه افراد می‌توانند به طور مشترک به اهداف کار و خانواده با استفاده از چهار راهبرد کنش دست یابند: تخصیص منابع، تغییر منابع و موانع، توالی اهداف، و بازنگری اهداف.

کایا^۲ (2020) پژوهشی با عنوان «پیامدهای نگرشی و رفتاری تعادل کار و زندگی در بین کارکنان هتل: نقش واسطه‌ای نقض قرارداد روانی» انجام داد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعادل بین کار و زندگی باعث کاهش ادراک کارکنان از نقض قرارداد روان‌شناختی، تمایل به ترک زود هنگام شغل و تأخیر در کار می‌شود. از طرف دیگر، نقض قرارداد روان‌شناختی باعث افزایش تمایل به ترک شغل و تمایل به انجام تأخیر می‌شود و باعث اختلال در عملکرد شغلی و رفتاری کارکنان می‌گردد.

لین و همکاران^۳ (2024) در بررسی خود با عنوان «تأثیر تعادل کار و زندگی سبز و شیوه‌های مدیریت منابع انسانی سبز بر عملکرد پایدار شرکت و حفظ کارکنان: میانجی‌گری نوآوری سبز و فرهنگ سازمانی» به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های مدیریت منابع انسانی سبز و برنامه‌های تعادل کار و زندگی سبز، عملکرد پایدار سازمان و حفظ کارکنان را بهبود می‌بخشد.

سپتیانی و همکاران^۴ (2024) در یک مقاله با عنوان «تصورات نسل Z درباره تعادل کار و زندگی، حمایت مدیریتی و سطح استرس محل کار: مروری بر ادبیات» نشان دادند تعادل خوب کار و زندگی نقش مهمی در کاهش سطح استرس دارد و حمایت مدیریتی پاسخگو می‌تواند احساس راحتی را تقویت کند و فشار کاری را کاهش دهد. یافته‌های این مطالعه، اهمیت درک و

-
1. Hirschi & et al.
 2. Kaya
 3. Lin & et al.
 4. Septiani & et al.

برآورده کردن انتظارات نسل Z را برای سازمان‌ها با توسعه‌ی سیاست‌هایی که از تعادل بین کار و زندگی و رویکردهای مدیریتی حمایتگر و همدلانه پشتیبانی می‌کنند، برجسته می‌کند. میشل و همکاران^۱ (2025) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت زندگی کاری به طور مثبت با رضایت شغلی و رضایت از زندگی مرتبط است، و رضایت شغلی واسطه‌ی ارتباط بین کیفیت زندگی کاری و رضایت از زندگی است؛ رضایت از زندگی یک پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم تعادل کار و زندگی است. همچنین نتایج نشان داد که تعهد کارکنان رابطه‌ی بین کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی را تقویت می‌کند.

مرور کلی پیشینه‌ی پژوهش، نشان می‌دهد پژوهشی که به طور مشخص، رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده را در جامعه‌ی آماری کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند، با توجه به شرایط بومی این منطقه‌ی جغرافیایی، شناسایی و رتبه‌بندی کند، صورت نگرفته است؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و نیاز پژوهشی ادراک شده، این مطالعه با هدف پرداختن به مسئله‌ی یادشده طراحی و اجرا شد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر، بر مبنای ماهیت، از نوع آمیخته (کیفی - کمی)، بر مبنای هدف، از نوع کاربردی و، بر مبنای روش، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه‌ی آماری از دو بخش تشکیل می‌شود: بخش کیفی: جامعه‌ی آماری شامل اعضای هیئت علمی گروه‌های مدیریت، روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز بیرجند و مدیران سازمان‌های دولتی شهر بیرجند در سال ۱۴۰۳ است؛ بخش کمی: جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند در سال ۱۴۰۳ است که، با توجه به آمار تقریبی به دست آمده، حدود ۶۰۰۰ نفر در نظر گرفته شد. برای بخش اول پژوهش، از بین اعضای هیئت علمی گروه‌های مدیریت، روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز بیرجند، ۱۰ نفر و از بین مدیران صاحب‌نظر در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند، ۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند. همچنین برای بخش دوم پژوهش، با توجه به جامعه‌ی آماری و بر مبنای جدول مورگان، حجم نمونه ۳۶۱ نفر تعیین

شد. برای انتخاب کارکنان از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نامتناسب استفاده شد. به این صورت که ابتدا سازمان‌های دولتی شهر بیرجند به پنج طبقه‌ی فنی و عمرانی، صنعتی و معدنی، امور فرهنگی و آموزشی، امور سیاسی و دفاعی و امور اجتماعی و اقتصادی تقسیم شدند. سپس از هر طبقه، افراد به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. براین اساس تعداد ۳۷۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که در نهایت، ۳۶۰ پرسش‌نامه‌ی تکمیل‌شده دریافت شد.

برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شد؛ به این صورت که در مرحله‌ی نخست، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و پس از بررسی دقیق ادبیات موضوع به استخراج رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده پرداخته شد و عوامل جمع‌آوری گردید، سپس از طریق روش دلفی، پرسش‌نامه‌ای به صورت سوال‌های بسته و باز با طیف لیکرت ۵ تایی (خیلی بی‌اهمیت با نمره‌ی ۱ تا خیلی بااهمیت با نمره‌ی ۵) تنظیم و در بین ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی گروه‌های مدیریت، روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز بیرجند و مدیران سازمان‌های دولتی شهر بیرجند توزیع شد و عوامل بر اساس آزمون t بر پایه‌ی میانگین، بررسی و عواملی که میانگین آن کمتر از ۴ بود (با توجه به طیف ۵ درجه‌ای، حد آستانه‌ی ۴ در نظر گرفته شد)، حذف گردید و سپس برای تأیید نهایی عوامل، مجدداً پرسش‌نامه برای افراد ارسال شد. این مراحل تا رسیدن به مجموعه عواملی که نمرات بالای ۴ کسب کرده‌اند، ادامه یافت. در نهایت، رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده شناسایی و با اتفاق نظر خبرگان انتخاب شدند. براساس عوامل شناسایی‌شده، پرسش‌نامه‌ی مرحله‌ی دوم پژوهش تنظیم شد که دارای ۲۵ گویه بود. نمره‌گذاری این مقیاس براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شد. به این صورت که به گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب نمرات ۱ تا ۵ تعلق گرفت.

به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته در تحقیق حاضر از روایی محتوایی استفاده شد. به منظور بررسی روایی محتوایی از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده می‌شود.

برای تعیین CVR از متخصصان درخواست می‌شود تا هر آیتم را براساس طیف سه‌درجه‌ای «ضروری است»، «مفید است ولی ضرورتی ندارد» و «ضرورتی ندارد» بررسی نمایند. سپس پاسخ‌ها مطابق فرمول زیر (Lawshe, 1975: 567) محاسبه می‌گردد:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این رابطه، n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه‌ی «ضروری» پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه‌شده از مقدار جدول بزرگتر باشد، اعتبار محتوای آن مورد پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه تعداد اعضای پنل دلفی که نظرات آن‌ها دریافت شده، ۲۰ نفر است، چنانچه مقدار CVR برابر با ۰/۴۲ یا بیشتر باشد (lawshe, 1975: 567)، مشخصه‌ی مورد نظر تأیید می‌شود.

برای تعیین CVI از متخصصان درخواست می‌شود تا هر آیت‌م را براساس طیف چهارقسمتی «کاملاً مرتبط»، «مرتبط اما نیاز به بازبینی»، «نیاز به بازبینی جدی» و «غیرمرتبط» بررسی نمایند. سپس CVI به صورت تجمیع امتیازات موافق برای هر آیت‌م که امتیاز «کاملاً مرتبط» و «مرتبط اما نیاز به بازبینی» را کسب کرده‌اند، تقسیم بر تعداد کل متخصصان محاسبه می‌شود و چنانچه مقدار حاصل از ۰/۷۹ بیشتر باشد، آیت‌م مورد نظر تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر، دو شاخص CVI و CVR برای ۲۵ عامل زمینه‌ساز بهبود تعادل کار - خانواده بررسی شد. با توجه به جدول ۱، این دو شاخص برای تمامی موارد مورد تأیید قرار گرفتند.

جدول ۱. روایی محتوایی رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده

ردیف	عبارت	CVI	CVR
۱	دریافت حقوق و مزایای کافی، به موقع و عادلانه	۱	۱
۲	وضعیت استخدامی پائبات کارمند و امنیت شغلی	۰/۹۰	۰/۸۰
۳	اعتماد به سازمان و وفاداری کارکنان نسبت به سازمان	۰/۹۰	۰/۸۰
۴	مهارت و تخصص بالای کارکنان	۰/۹۰	۰/۹۰
۵	تشویق و ترغیب کارکنان کارآمد توسط مدیران	۰/۹۰	۰/۸۰
۶	جذب افراد توانمند، شایسته، متعهد	۰/۹۰	۱
۷	بازنگری نظام پرداخت و پاداش‌دهی کارکنان مبتنی بر عملکرد	۱	۰/۷۰
۸	فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی	۰/۸۰	۰/۷۰
۹	ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی	۰/۸۰	۰/۶۰
۱۰	ارائه برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی	۰/۸۰	۰/۶۰

۰/۸۰	۰/۹۰	اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود	۱۱
۰/۶۰	۱	اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱۲
۰/۵۰	۰/۹۰	اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌های سازمان	۱۳
۰/۶۰	۱	تقویت روحیه گذشت و فداکاری	۱۴
۰/۸۰	۰/۹۰	افزایش درک متقابل بین کارمند و سلسله مراتب	۱۵
۰/۸۰	۰/۸۰	افزایش صمیمت در سازمان	۱۶
۰/۹۰	۱	ارائه تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده	۱۷
۰/۹۰	۱	اصلاح بینش مدیران سازمان نسبت به تعادل کار- خانواده	۱۸
۱	۰/۹۰	توجه و تاکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی	۱۹
۰/۸۰	۱	تسهیل برنامه‌های کاری و منقطع نمودن آن‌ها	۲۰
۰/۷۰	۱	وظایف شغلی مشخص و عدم درخواست خارج از چارچوب شغلی مرتبط	۲۱
۰/۸۰	۰/۹۰	حمایت همسر و خانواده	۲۲
۰/۹۰	۰/۹۰	شخصیت کارمند	۲۳
۰/۶۰	۰/۹۰	شهر محل کار (بومی و غیربومی)	۲۴
۰/۵۰	۱	نوع شغل و رده شغلی	۲۵

به منظور سنجش پایایی ابزار پژوهش نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن در جدول زیر آمده است. با توجه به اینکه برای پژوهش‌های علوم انسانی ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷۰ قابل قبول است، می‌توان گفت پرسش‌نامه‌ی مورد بررسی در این پژوهش از پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۲. پایایی پرسش‌نامه‌ی مورد بررسی در پژوهش حاضر

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
ره‌یافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده	۰/۹۸

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. در بخش توصیفی از آمار توصیفی؛ در بخش استنباطی برای شناسایی رهیافت‌های بهبود تعادل کار - خانواده از روش دلفی؛ برای رتبه‌بندی عوامل از آزمون فریدمن؛ و در بخش یافته‌های جانبی از آزمون‌های آماری t مستقل و آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل استنباطی سوال (۱) تحقیق

سوال ۱- رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند کدام‌اند؟

برای شناسایی رهیافت‌های بهبود تعادل کار - خانواده در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند، ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و پس از بررسی دقیق ادبیات موضوع، رهیافت‌های بهبود تعادل کار - خانواده استخراج و عوامل جمع‌آوری گردید. سپس از طریق روش دلفی، پرسش‌نامه‌ای به صورت بسته و باز با طیف لیکرت ۵ تایی (خیلی بی‌اهمیت با نمره ۱ تا خیلی بااهمیت با نمره ۵) تنظیم و در بین ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی گروه‌های مدیریت، روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز بیرجند و مدیران سازمان‌های دولتی شهر بیرجند به عنوان اعضای پنل دلفی توزیع شد.

سپس عوامل بر اساس آزمون t تست بر پایه‌ی میانگین بررسی و عواملی که میانگین آن کمتر از ۴ بود (با توجه به طیف ۵ درجه‌ای، حد آستانه‌ی ۴ در نظر گرفته شد)، حذف گردید و عواملی هم طبق نظر اعضای پنل دلفی به پرسش‌نامه اضافه شدند (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج مربوط به دور اول روش دلفی

نام زیر معیارها	امتیاز دور اول	نتیجه
دریافت حقوق و مزایای کافی، به موقع و عادلانه	۴/۵۵	تایید
وضعیت استخدامی بایات کارمند و امنیت شغلی	۴/۵۵	تایید
استقلال و آزادی عمل	۳/۹۵	حذف
اعتماد به سازمان و وفاداری کارکنان نسبت به سازمان	۴/۲۳	تایید
مهارت و تخصص بالای کارکنان	۴/۰۰	تایید
تشویق و ترغیب کارکنان کارآمد توسط مدیران	۴/۳۲	تایید
جذب افراد توانمند، شایسته، متعهد	۴/۳۲	تایید
وجود امکانات رفاهی	۳/۹۵	حذف
حمایت از مشارکت دادن اعضا در تصمیم‌گیری‌ها و طراحی نظام پیشنهادات	۳/۸۶	حذف
بازنگری نظام پرداخت و پاداش‌دهی کارکنان مبتنی بر عملکرد	۴/۰۵	تایید
تعامل مناسب بین واحدها و با سازمان‌های دیگر	۳/۳۶	حذف

حذف	۳/۴۱	تنظیم روابط و مناسبات اداری بر اساس امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی
تایید	۴/۰۰	فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی
تایید	۴/۴۱	ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی
حذف	۳/۳۶	همسو نمودن اهداف فردی با اهداف سازمانی
حذف	۳/۵۹	مشارکت کارکنان در برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی خانواده
تایید	۴/۳۲	ارائه برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی
حذف	۳/۴۵	اخذ بازخورد و تطبیق عملکرد با معیارها و اهداف سازمان
تایید	۴/۳۲	اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود
حذف	۳/۲۳	تدوین الگو و نظام ارزیابی برنامه‌های ۵ ساله توسعه کشور
تایید	۴/۰۰	اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی
حذف	۳/۶۴	پاسخگویی و تکریم ارباب رجوع
تایید	۴/۳۲	اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌های سازمان
تایید	۴/۰۹	تقویت روحیه گذشت و فداکاری
اضافه	-	افزایش درک متقابل بین کارمند و سلسله مراتب
اضافه	-	افزایش صمیمیت در سازمان
اضافه	-	ارائه تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده
اضافه	-	اصلاح بینش مدیران سازمان نسبت به تعادل کار- خانواده
اضافه	-	توجه و تاکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی
اضافه	-	تسهیل برنامه‌های کاری و منعطف کردن آنها
اضافه	-	وجود وظایف شغلی مشخص و عدم درخواست خارج از چارچوب شغلی مرتبط
اضافه	-	سن کارمند
اضافه	-	سنوات خدمت
اضافه	-	حمایت همسر و خانواده
اضافه	-	شخصیت کارمند
اضافه	-	نوع شغل و رده شغلی

برای تأیید نهایی عوامل، مجدداً پرسش‌نامه برای افراد ارسال شد و این مراحل تا رسیدن به مجموعه عواملی که نمرات بالای ۴ کسب کرده‌اند، ادامه یافت. در نهایت، ۲۵ عامل زمینه‌ساز بهبود تعادل بین کار و خانواده شناسایی و با اتفاق نظر اعضای پنل دلفی انتخاب شدند (جدول ۴).

جدول ۴. شناسایی رهیافت‌های بهبود تعادل کار - خانواده

نام زیر معیارها	ردیف	امتیاز نهایی
دریافت حقوق و مزایای کافی، به موقع و عادلانه	۱	۴/۸۹
وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی	۲	۴/۴۴
اعتماد به سازمان و وفاداری کارکنان نسبت به سازمان	۳	۴/۴۴
مهارت و تخصص بالای کارکنان	۴	۴/۵۶
تشویق و ترغیب کارکنان کارآمد توسط مدیران	۵	۴/۴۴
جذب افراد توانمند، شایسته، متعهد	۶	۴/۶۷
بازنگری نظام پرداخت و پاداش‌دهی کارکنان مبتنی بر عملکرد	۷	۴/۳۳
فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی	۸	۴/۶۷
ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی	۹	۴/۲۲
ارائه برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی	۱۰	۴/۵۶
اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود	۱۱	۴/۵۶
اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱۲	۴/۶۷
اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌های سازمان	۱۳	۴/۵۶
تقویت روحیه گذشت و فداکاری	۱۴	۴/۲۲
افزایش درک متقابل بین کارمند و سلسله مراتب	۱۵	۴/۴۴
افزایش صمیمیت در سازمان	۱۶	۴/۱۱
ارائه تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده	۱۷	۴/۵۶
اصلاح بینش مدیران سازمان نسبت به تعادل کار- خانواده	۱۸	۴/۵۶
توجه و تاکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی	۱۹	۴/۱۱
تسهیل برنامه‌های کاری و منعطف نمودن آن‌ها	۲۰	۴/۲۲
وظایف شغلی مشخص و عدم درخواست خارج از چارچوب شغلی مرتبط	۲۱	۴/۰۰
حمایت همسر و خانواده	۲۲	۴/۴۴
شخصیت کارمند	۲۳	۴/۲۲
شهر محل کار (بومی و غیربومی)	۲۴	۴/۴۴
نوع شغل و رده شغلی	۲۵	۴/۴۴

تحلیل استنباطی سوال (۲) تحقیق

سوال ۲ - رتبه‌بندی رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده در سازمان‌های دولتی شهر

بیرجند چگونه است؟

در این بخش از نظرات ۳۶۰ نفر از کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند استفاده شد که ابتدا تحلیل توصیفی آزمودنی‌ها بر حسب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق آورده شده و سپس نتایج مربوط به سوال (۲) تحقیق ارائه گردیده است: جدول ۵ توزیع فراوانی جنسیت آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود ۱۸۸ نفر (۵۲/۲ درصد) مرد و ۱۷۲ نفر (۴۷/۸ درصد) زن بوده‌اند.

جدول ۵. توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۸۸	۵۲/۲
زن	۱۷۲	۴۷/۸
جمع کل	۳۶۰	۱۰۰

جدول ۶ توزیع فراوانی وضعیت تأهل آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد، همان‌طور که مشاهده می‌شود ۲۴ نفر (۶/۷ درصد) مجرد و ۳۳۶ نفر (۹۳/۳ درصد) متأهل بوده‌اند.

جدول ۶. توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۲۴	۶/۷
متأهل	۳۳۶	۹۳/۳
جمع کل	۳۶۰	۱۰۰

از نظر سن نیز، بیشترین فراوانی (۱۱۴ نفر، ۳۱/۷ درصد) مربوط به رده‌ی سنی ۳۶ - ۴۰ سال و کمترین فراوانی (۴۳ نفر، ۱۱/۹ درصد) مربوط به رده‌ی سنی ۴۱ - ۴۵ سال مشاهده شد؛ براساس سابقه‌ی خدمت بیشترین فراوانی (۱۱۷ نفر، ۳۲/۵ درصد) مربوط به سابقه‌ی خدمت بیشتر از ۱۵ سال و کمترین فراوانی (۵۱ نفر، ۱۴/۲ درصد) مربوط به سابقه‌ی خدمت ۵ سال و کمتر بود، و ۱۴۶ نفر (۴۰/۶ درصد) دارای تحصیلات لیسانس و ۲۱۴ نفر (۵۹/۴ درصد) دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند.

تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

تحلیل توصیفی رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، بیشترین میانگین مولفه‌های بهبود تعادل کار - خانواده مربوط به عامل وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی ($3/83 \pm 1/02$) و کمترین میانگین مربوط به عامل ارائه‌ی برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی ($2/1 \pm 68/34$) است. با توجه به اینکه ضرایب کجی و کشیدگی برای مولفه‌های بهبود تعادل کار - خانواده در بازه‌ی [۲، -۲] می‌باشد، نتیجه گرفته می‌شود که متغیرهای مذکور از توزیع نرمال برخوردار هستند.

جدول ۷. شاخص‌های آماری تحلیل توصیفی مولفه‌های بهبود تعادل کار - خانواده

متغیر	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
دریافت حقوق و مزایای کافی، به موقع و عادلانه	۱	۵	۳/۱۹	۱/۳۳	۰/۰۱	-۱/۰۴
وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی	۱	۵	۳/۸۳	۱/۰۲	-۰/۴۳	-۰/۶۹
اعتماد به سازمان و وفاداری کارکنان نسبت به سازمان	۱	۵	۳/۴۵	۱/۱۶	-۰/۳۲	-۰/۸۸
مهارت و تخصص بالای کارکنان	۱	۵	۳/۳۷	۱/۱۶	-۰/۱۳	-۱/۱۳
تشویق و ترغیب کارکنان کارآمد توسط مدیران	۱	۵	۲/۸۴	۱/۳۳	-۰/۰۳	-۱/۱۴
جذب افراد توانمند، شایسته، متعهد	۱	۵	۳/۰۸	۱/۳۱	-۰/۰۹	-۱/۰۷
بازنگری نظام پرداخت و پاداش‌دهی کارکنان مبتنی بر عملکرد	۱	۵	۲/۷۵	۱/۳۵	۰/۲۴	-۱/۰۲
فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی	۱	۵	۳/۴۷	۱/۱۲	-۰/۳۱	-۰/۸۲
ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی	۱	۵	۲/۸۸	۱/۳۷	۰/۱۹	-۱/۰۵
ارائه برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی	۱	۵	۲/۶۸	۱/۳۴	۰/۳۴	-۱/۰۱
اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود	۱	۵	۲/۷۲	۱/۱۹	۰/۳۵	-۰/۵۷
اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱	۵	۳/۱۲	۱/۱۶	۰/۰۰۳	-۰/۵۹
اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌های سازمان	۱	۵	۳/۰۰	۱/۳۹	۰/۱۱	-۱/۲۲
تقویت روحیه گذشت و فداکاری	۱	۵	۳/۰۵	۱/۲۶	۰/۰۱	-۱/۰۲

-۰/۶۵	۰/۰۷	۱/۱۱	۳/۰۱	۵	۱	افزایش درک متقابل بین کارمند و سلسله مراتب
-۱/۱۹	۰/۱۳	۱/۱۶	۳/۱۸	۵	۱	افزایش صمیمیت در سازمان
-۱/۲۸	۰/۳۲	۱/۴۶	۲/۸۴	۵	۱	ارائه تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده
-۱/۰۸	۰/۲۹	۱/۳۵	۲/۹۹	۵	۱	اصلاح بینش مدیران سازمان نسبت به تعادل کار- خانواده
-۱/۰۱	۰/۴۱	۱/۳۵	۲/۷۲	۵	۱	توجه و تأکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی
-۰/۸۸	۰/۳۴	۱/۲۳	۲/۹۴	۵	۱	تسهیل برنامه‌های کاری و منعطف نمودن آن‌ها
-۰/۵۲	-۰/۰۸	۱/۱۵	۳/۰۶	۵	۱	وظایف شغلی مشخص و عدم درخواست خارج از چارچوب شغلی مرتبط
-۱/۱۳	۰/۰۶	۱/۲۸	۳/۱۴	۵	۱	حمایت همسر و خانواده
-۰/۸۷	۰/۱۳	۱/۲۱	۲/۹۵	۵	۱	شخصیت کارمند
-۰/۴۶	-۰/۴۱	۱/۱۰	۳/۵۱	۵	۱	شهر محل کار (بومی و غیربومی)
-۰/۵۶	۰/۰۱	۱/۰۹	۳/۱۲	۵	۱	نوع شغل و رده شغلی

میزان اهمیت رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده

همانطور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، در بین مولفه‌های بهبود تعادل کار - خانواده، میزان اهمیت وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی از دیدگاه بیشتر کارکنان در حد خیلی زیاد است. بیشتر کارکنان مورد بررسی میزان اهمیت مهارت و تخصص بالای کارکنان، فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و شهر محل کار (بومی و غیربومی) را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین، بیشتر کارکنان میزان اهمیت عواملی از قبیل افزایش صمیمیت در سازمان، ارائه تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده، توجه و تأکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی، تسهیل برنامه‌های کاری و منعطف نمودن آن‌ها و حمایت همسر و خانواده را در بهبود تعادل کار - خانواده از دیدگاه بیشتر کارکنان اهمیت‌ی در حد متوسط داشته‌اند.

جدول ۸. میزان اهمیت رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده

در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند از دیدگاه کارکنان

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	متغیر
تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	
۴۵ (۱۲/۵)	۵۸ (۱۶/۱)	۱۳۶ (۳۷/۸)	۲۴ (۶/۷)	۹۷ (۲۶/۹)	دریافت حقوق و مزایای کافی، به موقع و عادلانه
۴ (۱/۱)	۳۴ (۹/۴)	۹۸ (۲۷/۲)	۱۰۹ (۳۰/۳)	۱۱۵ (۳۱/۹)	وضعیت استخدامی بایات کارمند و امنیت شغلی
۱۶ (۴/۴)	۶۵ (۱۸/۱)	۱۰۲ (۲۸/۳)	۹۵ (۲۶/۴)	۸۲ (۲۲/۸)	اعتماد به سازمان و وفاداری کارکنان نسبت به سازمان
۱۲ (۳/۳)	۹۴ (۲۶/۱)	۷۳ (۲۰/۳)	۱۱۰ (۳۰/۶)	۷۱ (۱۹/۷)	مهارت و تخصص بالای کارکنان
۷۱ (۱۹/۷)	۶۵ (۱۸/۱)	۹۰ (۲۵)	۸۳ (۲۳/۱)	۵۱ (۱۴/۲)	تشویق و ترغیب کارکنان کارآمد توسط مدیران
۵۶ (۱۵/۶)	۶۶ (۱۸/۳)	۹۶ (۲۶/۷)	۷۹ (۲۱/۹)	۶۳ (۱۷/۵)	جذب افراد توانمند، شایسته، متعهد
۸۶ (۲۳/۹)	۶۹ (۱۹/۲)	۱۰۸ (۳۰)	۴۳ (۱۱/۹)	۵۴ (۱۵)	بازنگری نظام پرداخت و پاداش‌دهی کارکنان مبتنی بر عملکرد
۱۴ (۳/۹)	۶۸ (۱۸/۹)	۸۶ (۲۳/۹)	۱۲۰ (۳۳/۳)	۷۲ (۲۰)	فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی
۷۶ (۲۱/۱)	۶۳ (۱۷/۵)	۱۲۱ (۳۳/۶)	۲۹ (۸/۱)	۷۱ (۱۹/۷)	ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی
۸۸ (۲۴/۴)	۸۶ (۲۳/۹)	۹۰ (۲۵)	۴۶ (۱۲/۸)	۵۰ (۱۳/۹)	ارائه برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی
۶۰ (۱۶/۷)	۹۹ (۲۷/۵)	۱۲۳ (۳۴/۲)	۳۹ (۱۰/۸)	۳۹ (۱۰/۸)	اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود
۳۵ (۹/۷)	۶۰ (۱۶/۷)	۱۴۹ (۴۱/۴)	۵۹ (۱۶/۴)	۵۷ (۱۵/۸)	اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۶۳ (۱۷/۵)	۸۰ (۲۲/۲)	۹۱ (۲۵/۳)	۴۶ (۱۲/۸)	۸۰ (۲۲/۲)	اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌های سازمان
۴۵ (۱۲/۵)	۸۴ (۲۳/۳)	۹۶ (۲۶/۷)	۷۷ (۲۱/۴)	۵۸ (۱۶/۱)	تقویت روحیه گذشت و فداکاری
۳۱ (۸/۶)	۸۸ (۲۴/۴)	۱۲۶ (۳۵)	۷۷ (۲۱/۴)	۳۸ (۱۰/۶)	افزایش درک متقابل بین کارمند و سلسله مراتب
۱۲ (۳/۳)	۱۲۲ (۳۳/۹)	۷۲ (۲۰)	۹۷ (۲۶/۹)	۵۷ (۱۵/۸)	افزایش صمیمیت در سازمان
۷۷ (۲۱/۴)	۱۰۱ (۲۸/۱)	۶۸ (۱۸/۹)	۳۰ (۸/۳)	۸۴ (۲۳/۳)	ارائه تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده
۴۸ (۱۳/۳)	۹۸ (۲۷/۲)	۱۱۱ (۳۰/۸)	۱۶ (۴/۴)	۸۷ (۲۴/۲)	اصلاح بینش مدیران سازمان نسبت به تعادل کار- خانواده

۵۹ (۱۶/۴)	۴۰ (۱۱/۱)	۷۷ (۲۱/۴)	۱۰۸ (۳۰)	۷۶ (۲۱/۱)	توجه و تاکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی
۶۱ (۱۶/۹)	۴۴ (۱۲/۲)	۱۰۴ (۲۸/۹)	۱۱۵ (۳۱/۹)	۳۶ (۱۰)	تسهیل برنامه‌های کاری و منعطف نمودن آن‌ها
۴۶ (۱۲/۸)	۶۸ (۱۸/۹)	۱۵۱ (۴۱/۹)	۵۳ (۱۴/۷)	۴۲ (۱۱/۷)	وظایف شغلی مشخص و عدم درخواست خارج از چارچوب شغلی مرتبط
۷۴ (۲۰/۶)	۶۷ (۱۸/۶)	۸۸ (۲۴/۴)	۹۷ (۲۶/۹)	۳۴ (۹/۴)	حمایت همسر و خانواده
۴۷ (۱۳/۱)	۶۹ (۱۹/۲)	۱۰۷ (۲۹/۷)	۹۳ (۲۵/۸)	۴۴ (۱۲/۲)	شخصیت کارمند
۷۴ (۲۰/۶)	۱۱۶ (۳۲/۲)	۱۰۸ (۳۰)	۴۴ (۱۲/۲)	۱۸ (۵)	شهر محل کار (بومی و غیربومی)
۴۵ (۱۲/۲)	۷۸ (۲۱/۷)	۱۳۸ (۳۸/۳)	۷۳ (۲۰/۳)	۲۶ (۷/۲)	نوع شغل و رده شغلی

برای رتبه‌بندی دیدگاه کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند در خصوص اهمیت رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، از بین رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند، «وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی»، «شهر محل کار (بومی و غیربومی)»، «فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی» و «مهارت و تخصص بالای کارکنان» به ترتیب با میانگین رتبه‌ی ۱۸/۱۰، ۱۶/۱۵، ۱۵/۸۴ و ۱۴/۹۰ دارای بالاترین میانگین رتبه بوده و در صدر رهیافت‌های بهبود تعادل کار - خانواده از دیدگاه کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند جای گرفته‌اند. مولفه‌های «توجه و تاکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی»، «ارائه‌ی برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی» و «اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود» به ترتیب با میانگین رتبه‌ی ۱۰/۰۷، ۱۰/۱۵ و ۱۰/۵۲ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۹. میانگین رتبه رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده

از دیدگاه کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند

رتبه میانگین	عوامل	ترتیب اهمیت
۱۸/۱۰	وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی	۱
۱۶/۱۵	شهر محل کار (بومی و غیربومی)	۲
۱۵/۸۴	فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی	۳
۱۴/۹۰	مهارت و تخصص بالای کارکنان	۴
۱۴/۶۷	اعتماد به سازمان و وفاداری کارکنان نسبت به سازمان	۵
۱۳/۹۸	دریافت حقوق و مزایای کافی، به موقع و عادلانه	۶
۱۳/۹۴	افزایش صمیمیت در سازمان	۷
۱۳/۷۰	اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۸
۱۳/۶۵	حمایت همسر و خانواده	۹
۱۳/۵۲	نوع شغل و رده شغلی	۱۰
۱۳/۰۵	جذب افراد توانمند، شایسته، متعهد	۱۱
۱۲/۷۶	تقویت روحیه گذشت و فداکاری	۱۲
۱۲/۷۶	وظایف شغلی مشخص و عدم درخواست خارج از چارچوب شغلی مرتبط	۱۳
۱۲/۵۳	اصلاح بینش مدیران سازمان نسبت به تعادل کار و خانواده	۱۴
۱۲/۳۶	افزایش درک متقابل بین کارمند و سلسله مراتب	۱۵
۱۲/۳۱	اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌های سازمان	۱۶
۱۱/۹۳	شخصیت کارمند	۱۷
۱۱/۸۱	تسهیل برنامه‌های کاری و منعطف نمودن آن‌ها	۱۸
۱۱/۷۶	تشویق و ترغیب کارکنان کارآمد توسط مدیران	۱۹
۱۱/۶۴	ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی	۲۰
۱۱/۱۷	ارائه تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده	۲۱
۱۰/۷۵	بازنگری نظام پرداخت و پاداش‌دهی کارکنان مبتنی بر عملکرد	۲۲
۱۰/۵۲	اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود	۲۳
۱۰/۱۵	ارائه برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی	۲۴
۱۰/۰۷	توجه و تاکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی	۲۵

با توجه به جدول ۱۰ سطح معناداری آزمون فریدمن از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی آن است که تفاوت معناداری بین میانگین رتبه‌ی رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده از دیدگاه کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند وجود دارد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون فریدمن مربوط به مقایسه‌ی میانگین رتبه

رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده از دیدگاه کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند

حجم نمونه	۳۶۰
آماره آزمون	۸۳۶/۳۱
درجه آزادی	۲۴
سطح معناداری	<۰/۰۰۱

تحلیل استنباطی یافته‌های جانبی تحقیق

در این بخش، ارتباط متغیر تحقیق با مشخصات جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته و از آنجایی که متغیر تحقیق از توزیع نرمال برخوردار است، از آزمون‌های آماری t مستقل و آنالیز واریانس یک‌طرفه (ANOVA) برای این منظور استفاده شده است.

همانطور که نتیجه‌ی آزمون t مستقل در جدول ۱۱ نشان می‌دهد، میانگین نمره‌ی دیدگاه در خصوص رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده در کارکنان زن نسبت به مرد به طور معناداری بیشتر می‌باشد (p=۰/۰۰۲).

جدول ۱۱. مقایسه‌ی میانگین نمره دیدگاه کارکنان مورد مطالعه بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
ره‌یافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده	مرد	۲/۹۲	۱/۰۵	۳/۱۸	۰/۰۰۲
	زن	۳/۲۵	۰/۸۸		

نتیجه‌ی آزمون t مستقل در جدول ۱۲ نشان می‌دهد، میانگین نمره دیدگاه کارکنان مورد مطالعه در خصوص رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده بر حسب وضعیت تأهل تفاوت معناداری ندارد ($p=0/09$).

جدول ۱۲. مقایسه‌ی میانگین نمره دیدگاه کارکنان مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
ره‌یافت‌های بهبود تعادل کار- خانواده	مجرد	۲/۷۵	۰/۶۲	۱/۷۲	۰/۰۹
	متاهل	۳/۱۰	۱/۰۱		

همانطور که نتیجه‌ی تحلیل واریانس یکطرفه در جدول ۱۳ نشان می‌دهد، میانگین نمره دیدگاه کارکنان مورد مطالعه در خصوص رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده بر حسب سن تفاوت معناداری ندارد ($p=0/52$).

جدول ۱۳. مقایسه‌ی میانگین نمره دیدگاه کارکنان مورد مطالعه بر حسب سن

متغیر	سن	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
ره‌یافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده	۳۵ سال و کمتر	۳/۱۷	۰/۸۶	۰/۷۶	۰/۵۲
	۳۶-۴۰ سال	۲/۹۷	۱/۱۰		
	۴۱-۴۵ سال	۳/۱۰	۰/۹۹		
	بیشتر از ۴۵ سال	۳/۰۹	۰/۹۸		

همانطور که نتیجه‌ی تحلیل واریانس یکطرفه در جدول ۱۴ نشان می‌دهد، میانگین نمره‌ی دیدگاه کارکنان مورد مطالعه در خصوص رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده بر حسب سابقه‌ی خدمت تفاوت معناداری ندارد ($p=0/88$).

جدول ۱۴. مقایسه‌ی میانگین نمره‌ی دیدگاه کارکنان مورد مطالعه بر حسب سابقه‌ی خدمت

متغیر	سابقه خدمت	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
ره‌یافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده	۵ سال و کمتر	۳/۱۵	۱/۰۲	۰/۲۳	۰/۸۸
	۱۰-۶ سال	۳/۰۲	۰/۹۳		
	۱۱-۱۵ سال	۳/۱۱	۱/۰۱		
	بیشتر از ۱۵ سال	۳/۰۸	۱/۰۱		

نتیجه‌ی آزمون t مستقل در جدول ۱۵ نشان می‌دهد میانگین نمره‌ی دیدگاه در خصوص ره‌یافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده در کارکنان دارای تحصیلات لیسانس نسبت به کارکنان دارای تحصیلات فوق لیسانس به طور معناداری بیشتر می‌باشد ($p=0/002$).

جدول ۱۵. مقایسه‌ی میانگین نمره‌ی دیدگاه کارکنان مورد مطالعه بر حسب سطح تحصیلات

متغیر	سطح تحصیلات	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
ره‌یافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده	لیسانس	۳/۲۸	۱/۰۶	۳/۱۹	۰/۰۰۲
	فوق لیسانس	۲/۹۴	۰/۹۱		

بحث و نتیجه‌گیری

پس از مطالعه و بررسی در پژوهش‌های انجام شده و همچنین نظرسنجی از اساتید، مدیران و خبرگان و طی کردن مراحل دلفی، ۲۵ عامل به عنوان رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده شناسایی شدند که عبارت‌اند از: دریافت حقوق و مزایای کافی، به موقع و عادلانه؛ وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی؛ اعتماد به سازمان و وفاداری کارکنان نسبت به سازمان؛ مهارت و تخصص بالای کارکنان؛ تشویق و ترغیب کارکنان کارآمد توسط مدیران؛ جذب افراد توانمند، شایسته، متعهد؛ بازنگری نظام پرداخت و پاداش‌دهی کارکنان مبتنی بر عملکرد؛ فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی؛ ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی؛ ارائه برنامه‌هایی در جهت کاهش استرس شغلی؛ اصلاح فرایندها پس از بررسی و تعیین مشکلات موجود؛ اشاعه‌ی فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌های سازمان؛ تقویت روحیه‌ی گذشت و فداکاری؛ افزایش درک متقابل بین کارمند و سلسله مراتب؛ افزایش صمیمت در سازمان؛ ارائه‌ی تسهیلات و رفاهیات کاربردی برای خانواده؛ اصلاح بینش مدیران سازمان نسبت به تعادل کار و خانواده؛ توجه و تأکید بر کارایی، اثربخشی و بهره‌وری به جای توجه صرف به حضور فیزیکی؛ تسهیل برنامه‌های کاری و منعطف نمودن آن‌ها؛ وظایف شغلی مشخص و عدم درخواست خارج از چارچوب شغلی مرتبط؛ حمایت همسر و خانواده؛ شخصیت کارمند؛ شهر محل کار (بومی و غیربومی)؛ نوع شغل و رده‌ی شغلی.

مقدمه‌ی رسیدن به تعادل بین کار و خانواده این است که مدیران و سایر افراد جامعه به این نگرش برسند که می‌توان اولویت‌های فرد، سازمان و جامعه را هم‌سو و هماهنگ کرد. این هم‌سویی و هماهنگی نتایجی به همراه دارد که ضمن ایجاد رضایت و خشنودی فردی، افراد جامعه را آماده می‌کند تا در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت جویند و وظایف شغلی خود را به خوبی انجام دهند. مدیران سازمان‌ها می‌توانند با مدیریت کردن تعادل بین کار و خانواده، کارکنانی شاد و خشنود داشته باشند که با علاقه‌مندی، وفاداری و تعهد به سازمان، عملکردی موثر در شغل خود ارائه کنند. رسیدن به این هدف مستلزم آن است که مدیران رویکردی را انتخاب کنند که در آن منافع فرد و سازمان به طور هم‌زمان و هم‌سو با یکدیگر مورد توجه قرار گیرد.

در این تحقیق، «وضعیت استخدامی باثبات» و «امنیت شغلی» به عنوان عوامل کلیدی در بهبود تعادل کار و خانواده شناسایی شدند؛ این یافته با نتایج تحقیق هاشمی و درویش (۱۴۰۲) هم‌راستا است که بر اهمیت امنیت شغلی برای جلوگیری از فرسودگی شغلی و کاهش استرس‌های ناشی از عدم اطمینان شغلی تأکید داشتند؛ این نتایج نشان می‌دهند که اطمینان از امنیت شغلی در کاهش فشارهای کاری و خانوادگی موثر است. یافته‌های پژوهش حاضر تأکید ویژه‌ای بر «مهارت و تخصص بالای کارکنان» دارد که به کاهش خطاها، افزایش دقت و بهره‌وری در کار منجر می‌شود. این نتیجه با پژوهش داوودی و شمسی (۱۳۹۷) هم‌خوانی دارد که بیان کرده‌اند استخدام افراد با مهارت‌های بالا می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری و ایجاد تعادل بهتر میان کار و خانواده شود. همچنین، این نتیجه با تحقیق هانتر و همکاران (2017) که نقش مهارت‌های فنی را در افزایش انعطاف‌پذیری و تعادل کار و زندگی برجسته کرده‌اند، هم‌راستا است. یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق، اهمیت «فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی» است. این موضوع با تحقیقات پیشین همچون پژوهش داوودی و شمسی (۱۳۹۷) که، بر تأثیر فرهنگ سازمانی اسلامی بر تعادل کار و خانواده تأکید کرده‌اند، هم‌خوانی دارد. همچنین، نتایج این تحقیق تأکید دارد بر اهمیت ایجاد بستری که ارزش‌های انسانی و اخلاقی را در سازمان تقویت کند؛ این امر موجب تعهد و وفاداری بیشتر کارکنان و در نهایت بهبود عملکرد شغلی و خانوادگی آن‌ها خواهد شد.

همچنین، رهیافت دیگر این پژوهش، برای دستیابی به تعادل کار و زندگی، «شهر محل کار از نظر بومی و غیربومی بودن» شناسایی شد که در این زمینه پیشنهاد می‌شود تا سازمان‌ها، ضمن توجه جدی به موضوع شایستگی در استخدام افراد، بحث بومی بودن را نیز برای استخدام و جایابی کارکنان لحاظ نمایند. براساس یافته‌ها، «تسهیلات رفاهی برای خانواده‌ها» به منظور ایجاد تعادل بهتر بین کار و خانواده دارای تأثیر شناخته شد. این نتیجه با تحقیق هانتر و همکاران (2017) که تأکید دارند بر تأثیر تسهیلات رفاهی بر کاهش فشارهای شغلی و ایجاد تعادل بهتر میان زندگی شخصی و شغلی، هم‌راستا است. همچنین، در تحقیق کوپل و همکاران^۱ (2015) نیز به این نکته اشاره شده که سازمان‌هایی که از این نوع تسهیلات حمایت می‌کنند، به کارکنان

کمک می‌کنند تا میان تعهدات شغلی و خانوادگی خود تعادل بهتری برقرار کنند. در این تحقیق، یکی از راهکارهای مهم، توسعه‌ی «فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی» در سازمان‌ها بود. این یافته با تحقیق داوودی و شمسی (۱۳۹۷) که بر ضرورت ایجاد فرهنگ اجتماعی و مسئولیت‌پذیری تأکید دارند، هم‌راستا است. آنان بیان کرده‌اند که توسعه‌ی چنین فرهنگی می‌تواند به کارکنان کمک کند تا احساس وابستگی بیشتری به سازمان داشته باشند و در نتیجه، هم‌زمان با موفقیت‌های شغلی، رضایت خانوادگی نیز افزایش یابد. یافته‌های این تحقیق مبنی بر تأثیر «انعطاف‌پذیری در ساعات کاری» و «تسهیل شرایط کار برای انعطاف بیشتر» نیز با یافته‌های با تحقیق هانتر و همکاران (2017) هم‌خوانی دارد که نشان داده‌اند انعطاف‌پذیری بیشتر در ساعات و مکان کار، اگرچه می‌تواند به راحتی در کار کمک کند، ولی اگر به درستی مدیریت نشود، ممکن است منجر به از بین رفتن مرزهای کاری و خانوادگی و در نتیجه فرسودگی شغلی شود.

نتایج تحقیق حاضر همچنین نشان داد که از بین رهیافت‌های بهبود تعادل کار و خانواده در سازمان‌های دولتی شهر بیرجند، «وضعیت استخدامی باثبات کارمند و امنیت شغلی»، «شهر محل کار (بومی و غیربومی)»، «فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی» و «مهارت و تخصص بالای کارکنان» - با بالاترین میانگین رتبه - در صدر رهیافت‌های بهبود تعادل بین کار و خانواده از دیدگاه کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند جای گرفته‌اند. استخدام کارکنان دارای مهارت و تجربه‌ی بالا باعث افزایش سرعت انجام کار، دقت، کاهش خطا و افزایش بهره‌وری می‌شود که در پژوهش حاضر نتایج نشان داد که وضعیت استخدامی باثبات کارمند و مهارت و تخصص بالای کارکنان موجب تعادل کار و خانواده می‌گردد. همچنین امنیت شغلی نیز برای جلوگیری از رکود سازمانی از سویی و درماندگی از سوی دیگر، نیازمند گره خوردن با پیشرفت است. طبق نتیجه پژوهش هاشمی و درویش (۱۴۰۲) می‌توان امنیت شغلی افراد را براساس میزان و کیفیت کار، و نه فقط سنوات خدمت، در نظر گرفت تا شوق ارتقاء، نیروی محرکی برای افزایش عملکرد باشد و افزایش عملکرد فرد را به امنیت شغلی نزدیک‌تر کند.

بسیاری از محققان بر اهمیت تعادل بین کار و زندگی تأکید کرده‌اند، اما تعداد کمی از آن‌ها در مورد اینکه چگونه به دست می‌آید یا اینکه چه چیزی معیار مناسب تعادل کار و زندگی است، بحث کرده‌اند؛ با این حال، بیشتر افراد با عدم تعادل آشنایی دارند و زمان بیشتری را به کار و

غفلت ضمنی از روابط دیگر - به عنوان یک بیماری آسیب‌شناسی که نیاز به اصلاح دارد - در نظر می‌گیرند. اگر نقش دوسوگرایی را در نظر بگیریم، فناوری در دستیابی به تعادل کار و زندگی نقش مهمی دارد. در حالی که فناوری‌ها به کارگران اجازه‌ی انعطاف‌پذیری در زمان و مکان کار را می‌دهند، همچنین به کارگران اجازه می‌دهند مرزهای غیرقابل نفوذ بین کار و زندگی را از بین ببرند. در مورد اینکه این شرایط جدید کاری، برای ایجاد تعادل بین کار و زندگی مناسب است یا به سادگی راهی است به سوی اشکال جدید عدم تعادل، هانتر و همکاران (2017) معتقدند افراد انعطاف‌پذیری بیشتری دارند اما به دلیل کار طولانی‌تر روابط خانوادگی آن‌ها متضرر خواهد شد و با خطر بیشتر فرسودگی شغلی روبه‌رو هستند. بنابراین و با توجه به اینکه در عصر کنونی مباحث کاری مبتنی بر فناوری و دورکاری نیز مطرح شده است، به نظر می‌رسد مدیران سازمان‌ها و سیاست‌گذاران در عرصه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اداری باید برای کارکنان سازمان‌ها تدبیری بیندیشند که ضمن تأکید بر انجام درست و بهینه‌ی کارها و وظایفشان در سازمان‌ها، افراد بتوانند به رشد و تعالی شخصی و خانوادگی خود نیز رسیدگی مناسب داشته باشند.

با توجه به نتایج به دست آمده، در راستای بهبود تعادل کار و خانواده در بین کارکنان سازمان‌های دولتی شهر بیرجند، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- استخدام کارکنان بومی در اولویت مدیران سازمان باشد و تلاش نمایند کارکنانی که استخدام می‌شوند دارای مهارت و تخصص بالایی باشند.

- مدیران به فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی در سازمان توجه ویژه‌ای نمایند.

- مدیران باید افراد توانمند، شایسته و متعهد در سازمان را جذب و استخدام نمایند.

- مدیران سازمان باید حقوق و مزایای کارکنان را به موقع پرداخت نمایند، ضمن اینکه حقوق

و مزایا عادلانه و بر مبنای عملکرد کارکنان در سازمان باشد.

- مدیران سازمان باید تلاش نمایند تا فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سازمان را توسعه دهند و کارکنان را در این زمینه تشویق نمایند.

- مدیران در سازمان شرایطی را فراهم آورند تا جو صمیمی بین کارکنان برقرار باشد.

- مدیران سازمان بایستی امکانات ورزشی، تفریحی برای کارکنان و خانواده‌های آنان فراهم

نمایند.

- مدیران برای تشویق کارکنان، به جای در نظر گرفتن پاداش‌های مادی، به آنان مرخصی اعطا نمایند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، دسترسی دشوار به افراد خبره‌ی مورد نظر بوده و همچنین ابزار پرسش‌نامه که برای گردآوری داده‌ها استفاده شد، دارای محدودیت‌های خاص خودش است که برای اعتبارسنجی پایایی نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود از سایر روش‌ها مانند مصاحبه و مراجعه به اسناد و مدارک استفاده شود. محدودیت دیگر این مطالعه، جامعه‌ی آماری محدود آن بوده که به منظور افزایش قابلیت اعتبار یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه با تحقیق حاضر در سایر سازمان‌ها و شهرها اجرا شود تا قابلیت تعمیم آن آزمون شود. با هدف بررسی کامل‌تر و جامع‌تر موضوع پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقی تعادل بین کار و زندگی کارکنان سازمان‌های خدماتی، تولیدی و آموزشی بررسی و مقایسه گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده روابط متقابل بین تعادل کار و خانواده با تعارض بین کار و خانواده و پیامدهای تعادل کار و خانواده در سازمان‌های دولتی بررسی شود.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- ارغوان، محمدرضا، امینی، علیرضا، و علیمحمدلو، مسلم (۱۴۰۱). مدل سازی عوامل موثر بر تعارض کار خانواده و شاخص‌های آن با استفاده از رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری جامع فازی. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۴ (۳)، ۴۲۴-۴۷۸.
- اسدی، محمودرضا، نجفی، تکتیم، امیری، مجتبی، و ملک مکان، سمیه (۱۳۹۲). بررسی وضعیت تعادل کار و زندگی اساتید دانشگاه. *مطالعات منابع انسانی*، ۳ (۲)، ۱۱۳-۱۳۸.
- اسکندرپور، بهروز، راحیمی‌نیری، رامین، و باقری، بهنام (۱۳۹۸). بررسی تاثیر تعادل کار و زندگی بر تمایل به ترک خدمت کارکنان بانک کشاورزی استان اردبیل. *چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تاکید بر بازاریابی منطقه‌ای و جهانی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- امینی‌مقدم، سعید، منظری توکلی، علیرضا، سلاجقه، سنجر، و شکوه، زهرا (۱۴۰۱). تبیین رابطه عوامل مرتبط با تعادل کار و زندگی با نقش میانجی هوش هیجانی و ارائه مدل (مورد مطالعه: پرستاران شاغل در بیمارستان‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی استان کرمان). *فصلنامه تحقیقات و نظریه‌های نوین مدیریت دولتی*، ۱ (۳)، ۹۷-۱۰۸.
- انوری، حسن (۱۳۹۹). فرهنگ بزرگ سخن. چ ۴، تهران: انتشارات سخن.
- بیغمی، محمدکاظم، سرلک، محمدعلی، کولیوند، میرحسین، و احمدی، علی‌اکبر (۱۳۹۶). بررسی عوامل کلیدی مؤثر بر تعادل کار- زندگی پرستاران در تهران. *علوم اعصاب شفای خاتم*، ۵ (۱)، ۲۹-۳۹.
- تقی‌پور، حسینعلی (۱۳۹۸). رابطه بین تعادل کار و زندگی با سلامت سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه نیروی دریایی امام خمینی نوشهر). *فصلنامه آموزش علوم دریایی*، ۶ (۲)، ۱-۱۲.
- داوودی، مرضیه، و شمسی، مراد (۱۳۹۷). شناسایی عوامل موثر بر توازن بین کار و زندگی در زنان شاغل. *نشریه علمی زن و فرهنگ*، ۱۰ (۳۸)، ۴۳-۶۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۴۰۰). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.

- رجبی فرجاد، حاجیه (۱۳۹۹). ارائه الگوی تعادل کار و زندگی زنان پلیس تهران بزرگ (فاتب). پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۸(۱)، ۲۱۷-۲۴۳.
- رجبی فرجاد، حاجیه، و موسوی فرد، لیلا (۱۳۹۶). بررسی رابطه تعادل بین کار و زندگی و عملکرد سازمانی. فصلنامه مهندسی مدیریت نوین، ۶(۱)، ۵۱-۶۳.
- شریفی کهنوجی، سمیه، مصباحی، مریم، و طهمورسی، لاله (۱۴۰۳). تأثیر کیفیت زندگی کاری بر تعادل کار و زندگی کارکنان. هفدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران، موسسه پژوهشی مدیریت مدبر.
- صاحب‌یار، حافظ، و فرید، ابوالفضل (۱۳۹۸). نقش میانجی‌گری تعادل کار-زندگی در روابط علی بین فضیلت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان. پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، ۵(۱۹)، ۳۹-۶۴.
- طبرسا، غلامعلی، و معینی کربکندی، منصوره (۱۴۰۱). بررسی تأثیر تعادل کار - زندگی بر ایمنی روانی کارکنان با نقش میانجی خوش‌بینی سازمانی. مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۳۱(۱۰۳)، ۳۱-۶۹.
- علیمردانی، اکرم (۱۴۰۲). شناسایی و معرفی عوامل تعادل کار و زندگی کارکنان فرماندهی انتظامی استان مازندران. نشریه علمی دانش انتظامی مازندران، ۵۳(۵)، ۴۷-۶۸.
- فرهمندیان، ارشد، و قربانی، حسین (۱۴۰۲). بررسی نقش تحول دیجیتال محل کار و تعادل کار و زندگی کارکنان (کیفیت زندگی کاری) بر عملکرد سازمان. ششمین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، انجمن تعالی کسب و کار ایران.
- کامرانی‌مهنی، محمدمین، امیری، علی‌نقی، اخوان علوی، سید حسین، و حمیدی زاده، علی (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر تعادل کار و زندگی پرستاران بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی جیرفت در سال ۱۳۹۶. آموزش پرستاری، ۷(۴)، ۵۵-۶۳.
- گنجی‌نیا، حسین؛ جلال جباری، سجاد؛ فلاح، محمدعلی؛ رئوف شناس یگانه، امین (۱۳۹۸). ارزیابی و رتبه‌بندی پیشایندهای تعادل کار - زندگی در یک سازمان دولتی. مطالعات منابع انسانی، ۹(۱)، ۲۵-۴۸.

مقبلی مهنی، صدیقه، هادی پیکانی، مهربان، ابراهیم زاده دستجردی، رضا، و قیتانی، البرز (۱۴۰۱). ارائه مدل ایجابی تعادل کار و زندگی با رویکرد فراترکیب. *مجله توانمندسازی سرمایه انسانی*، ۵(۲)، ۱۵۹-۱۶۹.

نجفی، تکتیم، و اسدی، محمودرضا (۱۳۹۰). *تعادل کار و زندگی*. تهران: نشر مرکز توسعه مطالعات خانواده؛ اداره کل آموزش بانک ملت.

هاشمی، نادیا، و درویش، حسن (۱۴۰۲). شناسایی ابعاد و مولفه های تعادل کار- زندگی کارکنان شرکت ملی گاز ایران. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۱۵(۱)، ۸۷-۱۱۸.

Chang, A., Mcdonald, P., Burton, P. (2010). Methodological choices in work-life balance research 1987 to 2006: A critical review. *Int. J. Hum. Resour. Manag.* 21, 2381-2413.

Coyle, E.F., Van Leer, E., Schroeder, K.M., and Fulcher, M. (2015). Planning to have it all: Emerging adults' expectations of future work-family conflict. *Sex Roles, Volume 72*, 547-557.

Greenhaus, J. H., & Allen, T. D. (2011). Work-family balance: A review and extension of the literature, In book: *Handbook of Occupational Health Psychology*, Publisher: APA.

Hirschi, A., Shockley, K. M., & Zacher, H. (2019). Achieving work-family balance: An action regulation model. *Academy of Management Review*, 44(1), 150-171.

Hussein Isse Hassan, A., Iliyasu Shiyanbade, N., Bello Taofik, A., Roshidah Binti, A. (2018). The Relationship between Job Satisfaction, Work-Life Balance and Organizational Commitment on Employee Performance. *Academic Journal of Economic Studies, Faculty of Finance, Banking and Accountancy Bucharest, "Dimitrie Cantemir" Christian University Bucharest*, 4(3), 12-17.

Hunter, E.M., Clark, M.A., Carlson, D.S. (2017). Violating work-family boundaries: Reactions to interruptions at work and home. *Journal of Management*, (2017), 45(3), 1284-1308.

Kaya, B., Karatepe, O.M. (2020). Attitudinal and behavioral outcomes of work-life balance among hotel employees: the mediating role of psychological contract breach, *Journal of Hospitality and Tourism Management*, (42), 199-209.

Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.

- Lim, D.H., Song, J.H., Choi, M. (2012). Work-family interface: Effect of enrichment and conflict on job performance of Korean workers. *Journal of Management & Organization*, 18(3), 383-397.
- Lin, Z., Gu, H., Gillani, K. Z., & Fahlevi, M. (2024). Impact of Green Work–Life Balance and Green Human Resource Management Practices on Corporate Sustainability Performance and Employee Retention: Mediation of Green Innovation and Organisational Culture. *Sustainability*, 16(15), 6621.
- McCarthy, A., Darcy, C., Grady, G. (2018). Work-life balance policy and practice: Understanding line manager attitudes and behaviors. *Hum Resour Manage Rev*, 20(2), 67-108.
- Michael, A. R., Maria, G. M., George, H. J., Jayacyril, C. M., & Parayitam, S. (2025). Employee Commitment and Cognitive Engagement as Moderators in the Relationship Between Quality of Work Life and Work Life Balance: A Conditional Moderated Moderated-Mediation Model. *Global Business and Organizational Excellence*.
- Septiani, D., Jalil, A., Septia, F., & Putri, A. D. (2024, December). Perceptions of Generation Z About Work Life Balance, Managerial Support and Workplace's Stress Level: A Literature Review. In *International Conference On Research And Development (ICORAD)* (Vol. 3, No. 2, pp. 208-217).
- Tomazevic, N., Kozjek, T., Stare, J. (2014). The Consequences of a Work-Family (Im)balance: From the Point of View of Employers and Employees. *Int Busin Res* , 7(8), 83-100.
- Wang, M., Kwan, H.K., Zhou, A. (2017). Effects of servant leadership on work-family balance in China. *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 55(4), 387–407.
- Wu, L., Binahayati, R., Claiborne, N., McCarthy, M. (2013). Relationships between work–life balance and job-related factors among child welfare workers, *Children and Youth Services Review* 35, 1447–1454.
- Yang, F., Li, X., Zhu, Y., Li, Y., and Wu, C. (2017). Job burnout of construction project managers in China: A cross-sectional analysis. *International Journal of Project Management*, Volume 35, 1272-1287.
- International Journal of Engineering and Management Research (IJEMR)*, 11(1), 1-8.

Presenting *The Seeker's Guide to the Rulings of Religion:* Replies to Inquiries by Abu Taleb Qayeni

Hamidreza Royaei¹

Maryam Hoseinaei²

Received: 30/12/2024

Accepted: 10/3/2025

Introduction

Manuscripts and handwritten documents from past generations hold significant scientific, artistic, and cultural heritage value. These works play a crucial role in transmitting the scientific achievements and experiences of previous civilizations. Therefore, identifying, introducing, and preserving manuscripts is an essential and unavoidable task. The UNESCO Memory of the World Programme, established in 1992, aims to compile a list of archives and libraries that are at risk of damage or destruction. Given this context, conducting case studies on manuscripts from various perspectives, particularly in terms of preserving civilizational heritage, is necessary. This article, emphasizing the importance of such studies, examines the content of the manuscript 'The Seeker's Guide to the Rulings of Religion'.

The manuscript 'The Seeker's Guide to the Rulings of Religion', authored by Abu Taleb Qayeni (1230 AH – 1293 AH), belongs to the category of Ajwibah (collections of legal questions and answers). These Ajwibah consist of a compilation of religious queries and responses, systematically organized under the titles of Questions and Answers or Ajwibat al-Masā'il. Abu Taleb Qayeni was a prominent 13th-century AH jurist with numerous works in the field of Islamic jurisprudence and other religious sciences such as Dirāyah (narration analysis) and Rijāl (biographical evaluation of narrators). Due to his extensive knowledge of Islamic and legal sciences, he employed rational arguments and scriptural evidence from the Qur'an and the sayings of Shi'a Imams to address religious inquiries.

From a content perspective, 'The Seeker's Guide to the Rulings of Religion' falls within the category of Ajwibah manuscripts. Historically, after the demise of the Prophet Muhammad (PBUH), Shi'a Imams were entrusted with the responsibility of

1. Lecturer, Department of Information Science and Knowledge Studies, University of Birjand (Corresponding Author). Email: hamid.royaei@birjand.ac.ir

2. Expert at the Center for Revival and Preservation of Written Heritage, University of Birjand. Email: m.hoseinaei@birjand.ac.ir



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

answering religious inquiries and resolving ambiguities. Following the Imams, this duty was carried out by the deputies of the Hidden Imam (Mahdi). After the passing of the last deputy, Shi'a scholars and jurists assumed this critical role. Over time, the questions and answers posed to scholars in different periods were compiled into treatises, forming the tradition of Ajwibah-writing, which has continued throughout Iranian history.

The primary objective of this research is to analyze the structural and content-related aspects of 'The Seeker's Guide to the Rulings of Religion' and to elucidate its role within Islamic culture and civilization.

Research Methodology

This study employs a descriptive-analytical approach.

Findings

The treatise 'The Seeker's Guide to the Rulings of Religion' shares structural and formal similarities with other Ajwibah compilations authored by scholars, containing numerous religious and social inquiries. The most prominent topics covered in this manuscript include Islamic legal rulings, economic issues, endowments, legal matters, and social affairs. The manuscript provides valuable insights into the religious beliefs, way of life, and socio-economic characteristics of the Qā'ināt region.

The functional significance of this Ajwibah can be summarized as follows:

- Understanding the local history and socio-cultural characteristics of Qaenat and the lifestyle of its inhabitants.
- Recognizing the scholarly position of Abu Taleb Qayeni.
- Preserving and promoting the written heritage of Shi'ism.

Studies on Ajwibah in general, and this particular Ajwibah specifically, reveal that these works served as a means to address topics not extensively covered in the juristic treatises of Mujtahids. Consequently, Ajwibah have contributed to the dynamism of Islamic legal discussions.

Discussion and Conclusion

In terms of objectives and findings, this article aligns with the work of Alizadeh Birjandi and colleagues, titled *The Function of Shi'a Scholars' Ajwibah in the Social History Studies of Iran*, which highlights the importance of Ajwibah and their various roles in historical and civilizational studies. However, Alizadeh Birjandi and colleagues specifically emphasize the significance of Ajwibah in social history studies, particularly in local historical research.

Keywords: Ajwibah (Question-and-Answer Treatises), Religious Sciences, Abu Taleb Qayeni, 'The Seeker's Guide to the Rulings of Religion'

References

- Abazari, A. (2011). *Tabarnamah-ye hozeh va rohaniyat az sadr-e Islam ta Pahlavi-ye avval* [Genealogy of the clergy and religious scholars from the early Islamic period to the first Pahlavi dynasty]. Tehran: Salman Farsi. [In Persian]
- Abbaslou, S. (2013). *Jaygah-e ajwibah -ha-ye olama-ye Qaynat dar tadvin-e tarikh-e ejtemai-ye mantaqeh (Asr-e Qajar)* [The position of the answers of Qainat scholars in the compilation of the social history of the region (Qajar era)] (Unpublished master's thesis), Al-Zahra University, Iran.
- Algar, H. (1990). *Din va dolat dar Iran* [Religion and state in Iran] (translated by A. Sari). Tehran: Toos Publications. [In Persian]
- Alizadeh Birjandi, Z., Abbasloo, S., & Elahizadeh, M. H. (2013). Jaygah-e Ajwibah-ha-ye olama-ye Birjand dar motale'at-e tarikh-e mahalli [The significance of the responses of the scholars of Birjand in local history studies]. *Quarterly Journal of Social and Cultural Studies of Khorasan*, 4(7), 29-52. [In Persian]
- Alizadeh Birjandi, Z., Abbasloo, S., & Elahizadeh, M. H. (2013). Karkard-e ajvabeh-ha-ye olama-ye Shi'i dar motale'at-e tarikh-e ejtemai-ye Iran [The function of the responses of Shiite scholars in social history studies of Iran]. *Journal of Islamic History Research*, 3(11), 75-102. [In Persian]
- Asili, S. (2010). Barnamah-ye hafezeh-ye jahani va naghsh-e an dar hefz-e miras-e mostanad [The role of the World Memory Program in preserving documentary heritage]. *Library and Information Science Research*, 44(2), 143-159. [In Persian]
- Ayati, M. H. (1948). *Baharestan, dar tarikh va tarjomah-ye rjal-e Qaynat va Qahestan* [Baharestan: In the history and biographies of the figures of Qaynat and Qahestan]. Tehran: Sharekat Sahami Chap. [In Persian]
- Azizyian, M. (2019). Bazkhani-ye zistnameh-ye Seyyed Abutaleb Qayeni: ghatl ya vafat? [Revisiting the biography of Seyyed Abu Talib Qayeni: Murder or death?] *Journal of Islamic History*, 80, 173-202. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Loghatnameh-ye Dehkhoda* [Dehkhoda dictionary]. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Esfahani, A. H. (1865). *Zakhire al-ebad le-yawm al-ma'ad dar so'al va javab-e ammeh al-balva* [The treasure of the servants for the day of resurrection in questions and answers of the common people]. Lithographic edition No. 15941 at the library of the Astan Quds Razavi. Najaf: Matba'at Murtazaviyah. [In Persian]
- Fazel Qayeni Najafi, A. (2007). *Setaregan-e foruzan dar shenakht-e olama-ye Qaynat va Qahestan* [Bright stars in recognizing the scholars of Qaynat and Qahestan]. Qom: Al-Fazel Publications. [In Persian]

- Jalili, H., & Ghouth, K. (2020). Tahqiqi bar shenasa'i-ye hakemiyat-haye shar' dar Qohestan (Khorasan-e Jonoubi-ye f'eli) az sal 1284 Qamari ta 1366 Qamari [A study of the identification of religious authorities in Qahestan (present-day South Khorasan) from 1284 AH to 1366 AH]. *Journal of New Achievements in Human Sciences*, 3(26), 16-53. [In Persian]
- Modarres, M. A. (1990). *Reyhaneh al-adab fi tarajom-e ma'roofin bel-konieh va laqab* [The Fragrance of literature in the biographies of those known by their epithets and titles] (Vol. 1). Tehran: Khayyam Publications. [In Persian]
- Qayeni, A. T. (n.d.). *Vasila al-Sa'ilin fi Ahkam al-Din*. Manuscript No. 1979474 at the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
- Sadeqzadeh Veyghani, A., & Najaf Gholi Nejad, A. (2011). Naghsh-e noskhe-ha-ye khatti dar goft-o-gu-ye tamaddon-ha ba mehvariyat-e barnamah-ye Hafezeh-ye Jahani [The role of manuscript versions in intercultural dialogue with a focus on the World Memory Program]. *Library and Information Science*, 14(2), 8-15. [In Persian]
- Saeedzadeh, M. (1990). *Bozorgan-e Qa'en* [The great ones of Qaen]. (Vol. 1). Qom: Ahl al-Bayt Publications. [In Persian]
- Safari Agh Qaleh, A. (2011). *Noskkeh shenakht: Pajooeshnameh-ye noskkeh shenasi-ye noskh-e khatti-ye Farsi* [Manuscript studies: A research journal on Persian manuscript codicology]. Tehran: The Written Heritage Research Center. [In Persian]
- Sharabiani, M. B. F. (1863). *Resaleh-ye so'al va javab* [Treatise of questions and answers]. Lithographic edition No. 17472, at the library of the Astan Quds Razavi. (Location unknown). [In Persian]
- Shariat Esfahani, F. T. M. J. (1920). *Noskhe-ye khatti-ye so'al va javab mosamma be al-vasileh* [Handwritten version of questions and answers entitled 'Al-Waseelah']. Lithographic edition No. 36767 at the library of the Astan Quds Razavi. (Location unknown). [In Persian]

مقاله‌ی علمی - ترویجی

معرفی نسخه‌ی «وسیله‌السائلین»: اجوبه‌ای از ابوطالب قائنی

مریم حسینیایی^۲

حمیدرضا رویایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_217028.html

چکیده

نسخ خطی بخش مهمی از تاریخ کتاب و کتابداری پیش از صنعت چاپ را به خود اختصاص داده‌اند و حامل اطلاعات ارزشمندی از تاریخ علم هستند. این آثار همچون چراغ راهی برای محققان و اندیشمندان علوم مختلف در تولید آثار علمی جدید به شمار می‌آیند. جستار حاضر با هدف معرفی نسخه‌ی خطی «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» نگاشته شده است. «وسیله‌السائلین» یکی از آثار مهم و شناخته شده در تاریخ فقهت و علوم اسلامی است که توسط ابوطالب قائنی نگارش یافته است. ابوطالب قائنی - از علمای قرن ۱۳ق - از نخستین اندیشه‌ورزان شیعی است که در مسائل مختلف فقهی و اصولی صاحب‌نظر و متخصص بوده است. او در «وسیله‌السائلین»، در قالب سوال و جواب، به مسائل مختلف دینی و شرعی پرداخته است؛ بنابراین، این اثر، از نظر ویژگی‌های ساختاری و محتوایی، در حیطه‌ی اجوبه‌های فقها جای می‌گیرد که در آن موضوعات مختلفی مانند عبادات (نماز، روزه، زکات، حج)، معاملات (خرید و فروش، اجاره، وصیت)؛ و مسائل اجتماعی (ازدواج، طلاق، ارث) مطرح شده‌اند. این اثر به دلیل

hamid.royaei@birjand.ac.ir

۱. مربی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤؤل

m.hoseinaei@birjand.ac.ir

۲. کارشناس مرکز احیا و حفظ میراث مکتوب دانشگاه بیرجند



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

جامعیت و دقت در بیان مسائل فقهی و تطابق آن با اصول شیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. براین اساس مقاله‌ی حاضر درصدد تبیین ویژگی‌های صوری و محتوایی و کارکردهای این نسخه به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی است. نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر اهمیت «وسیله‌السائلین» و سهم آن در حفظ و اشاعه‌ی میراث مکتوب شیعه، آشنایی با تاریخ محلی و ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی قاینات در روزگار تدوین این کتاب است.

واژه‌های کلیدی: ابوطالب قاینی، اجوبه‌نویسی، نسخ خطی، وسیله‌السائلین.

مقدمه

نسخ خطی - دست‌نوشته‌های برجای‌مانده از گذشتگان - مجموعه‌های ارزشمند برجای‌مانده از دانشمندان و علمای ایرانی هستند که حفظ و پاسبانی از این میراث مکتوب از یک سو به شناخت فرهنگ، ادب و تاریخ علوم مختلف کمک می‌نماید و از سوی دیگر انتقال این «گنجینه‌ی عظیم بشری» را به نسل‌های بعد ممکن می‌سازد؛ نسخ خطی از دو جنبه ارزشمند هستند: یکی ارزش علمی و دیگری ارزش فرهنگی آن. نسخه‌های خطی به عنوان منابع تحقیقی در تاریخ علم، ادبیات، دین و فرهنگ، از منابع شناخت و آگاهی محسوب می‌شوند که موارث فکری و تمدنی را در خود جای داده‌اند (صادق‌زاده و ایقانی و قلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲-۶)؛ بنابراین گردآوری و حفاظت از نسخ خطی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. برنامه‌ی حافظه‌ی جهانی که سازمان یونسکو در ۱۹۹۲م اقدام به ایجاد آن نمود، درصدد گردآوری فهرستی از آرشیوها و کتابخانه‌هایی است که در معرض خطر و آسیب باشند. برنامه‌ی حافظه‌ی جهانی و اقداماتی ازین دست نشانگر توجه مجامع فرهنگی جهانی به اهمیت میراث مکتوب و حفاظت از آن است (اصیلی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). با توجه به آنچه گفته شد، انجام مطالعات موردی در زمینه‌ی نسخ خطی، به‌ویژه نسخ خطی مربوط به میراث تشیع، از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت است. مقاله‌ی حاضر در راستای اهمیت این‌گونه مطالعات به بررسی محتوای نسخه‌ی خطی «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» پرداخته است.

نسخه‌ی خطی «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» از ابوطالب قاینی، از فقهای سده‌ی سیزدهم، است. وی تألیفات و آثار متعددی در حوزه‌ی اصول فقه و دانش‌های مذهبی نظیر فقه، درایه،

رجال و نسخ دارد و به دلیل تسلطی که بر علوم اسلامی و فقهی داشت، در جواب‌گویی به سوالات همواره از استدلال‌های عقلی و دلایل شرعی مستند به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) بهره می‌برد. قائنی همواره به پیروی از مکتب اهل بیت (ع) سفارش می‌نمود و در آثار خود بر صحت‌سنجی احادیث و روایات تأکید می‌ورزید. نسخه‌هایی از آثار وی در مراکز آرشیوی و برخی مدارس علوم دینی و یا نزد برخی از رجال قاینات موجود است. شرح احوال قائنی در کتب رجالی و برخی منابع تاریخی محلی ذکر شده، اما بررسی آثار وی مورد غفلت قرار گرفته است؛ لذا مقاله‌ی حاضر ضمن بیان اهمیت نسخ خطی و جایگاه آن‌ها در فرهنگ و تمدن اسلامی، به بررسی اجوبه‌ی ابوطالب قائنی پرداخته است. براین اساس، پاسخ به سوالات ذیل مدنظر قرار گرفته است:

- «وسیله‌السائلین» از نظر صوری و محتوایی چه ویژگی‌هایی دارد؟

- جایگاه نسخه‌ی «وسیله‌السائلین» از منظر کارکردی چیست؟

پیشینه‌ی پژوهش

بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات انجام شده در مورد سید ابوطالب قائنی بیشتر معطوف به شرح احوال و ذکر آثار اوست. عزیزیان در «بازخوانی زیست‌نامه سید ابوطالب قائنی: قتل یا وفات؟» چگونگی و چرایی وفات قائنی را بررسی کرده است. کرباسی در «سرگذشت خودنوشت ابوطالب قائنی» زندگی‌نامه‌ی خودنوشت قائنی را براساس نسخه‌ی مدرسه‌ی جعفریه‌ی زهان قاین آورده است. جلیلی و غوث در مقاله‌ی «تحقیقی بر شناسایی حاکمیت‌های شرع در قهستان» به معرفی جایگاه علمای قاینات، مانند ابوطالب قائنی، پرداخته‌اند. علیزاده بیرجندی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «کارکرد اجوبه‌های علمای شیعی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایران» ضمن بررسی اهمیت اجوبه‌ها، از کارکردهای آن در مطالعات تاریخ اجتماعی سخن گفته‌اند؛ از این رو خلاء مطالعاتی در بررسی نسخ و محتوای آثار ابوطالب قائنی ضرورت مطالعات موردی درباره‌ی آثار او را آشکار می‌سازد.

اجوبه‌نویسی، پیشینه و دلایل اهمیت آن

اجوبه‌ها مجموعه‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌های فقهی هستند که با عنوان سوال و جواب یا اجوبه‌المسائل یا جواب‌المسائل گردآوری و تنظیم شده‌اند. پیشینه‌ی این آثار که بخش قابل توجهی از معارف اسلامی و فرهنگ شیعی را در خود جای داده‌اند، به دوران حیات پیامبر (ص) و ائمه (ع) بازمی‌گردد؛ چنانکه بسیاری از روایات صادره از ائمه در پاسخ به پرسش‌هایی بوده است که از جانب شاگردانشان، مردم عادی و یا پیروان سایر ادیان مطرح شده است. در ابتدا، پرسش و پاسخ فقهی به شیوه‌ی شفاهی رواج داشته است؛ با گسترش مرزهای جهان اسلام، مسلمانانی که به ائمه دسترسی نداشتند، به صورت مکتوب سوال خود را بیان و پاسخ آن را دریافت می‌کردند. در دوره‌ی غیبت صغری، نیز نواب اربعه و وکلای آن‌ها پاسخگوی سوالات شرعی بودند. با آغاز غیبت کبری تشیع وارد مرحله‌ی جدیدی شد. از این پس، شیعیان بدون ارتباط مستقیم با امام و نایبان باید به مباحث جدید فقهی رسیدگی می‌کردند؛ بنابراین، فقها و علما این سنت را ادامه دادند که تا امروز نیز بر جای مانده است.

در باب اهمیت اجوبه‌نویسی دلایل بسیاری مطرح شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- پی بردن به مسائل و مباحث جدید در هر دوره‌ی زمانی؛
- آگاهی از وضعیت سیاسی و اجتماعی هر دوره و دست یافتن به اطلاعاتی درباره‌ی شخصیت‌های فکری و سیاسی مطرح‌کننده‌ی سوالات و پاسخ‌ها؛
- بیان آسان اصول فقه که امکان فهم و کاربرد آن را برای عموم مسلمانان فراهم می‌سازد؛
- پرداختن به مسائل مختلف فقهی؛ به گونه‌ای که راهگشای علما در برخی مباحث در دوره‌های بعد باشد (عباسلو، ۱۳۹۲: ۳۹ - ۴۳).

شرح احوال ابوطالب قائنی

سید ابوطالب قائنی، در ۱۲۳۰ ق در قاین به دنیا آمد. مقدمات علوم اسلامی را در قاین فراگرفت؛ سپس برای تکمیل مدارج عالی‌ی علم به مشهد رفت و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمد رحیم بروجردی و آیت‌الله محمد رضوی بهره برد و موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد از سوی آنان شد. مطابق سنت حوزه‌های علمیه شرق کشور، که هر طلبه‌ی مشتاق به تکمیل علوم دینی

از آنجا رهسپار اصفهان و نجف می‌شد، سید ابوطالب به این دو شهر سفر کرد. با توجه به نگارش *الإعتقادات* در مشهد در ۱۲۶۱ق و *الفوائد العرویه* در نجف در ۱۲۶۸ق، قائنی در فاصله‌ی این سال‌ها در دو شهر اصفهان و نجف اقامت داشته است. سید ابوطالب در سال‌های اقامت در نجف اشرف در درس اساتید آن حوزه، به‌ویژه شیخ محسن خنفر (د. ۱۲۷۱ق) شرکت می‌کرد و از وی اجازه‌ی اجتهاد نیز دریافت نمود. پس از بازگشت از عتبات عالیات در مشهد سکنا گزید و به تدریس و تصنیف آثار مختلف پرداخت. پس از مدتی، رهسپار قاین شد و در دوران اقامتش در قاین اوقات خود را صرف نگارش، تصنیف و تدریس نمود (جلیلی و غوث، ۱۳۹۹: ۱۶؛ عزیزیان، ۱۳۹۸: ۱۷۶-۱۷۹؛ فاضل قائنی نجفی، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱).

آیتی در کتاب *بهارستان* به شرح احوال ابوطالب قائنی پرداخته و او را با صفاتی چون اکمل، برهان‌المحققین، سلطان‌المدققین^۱، حامی شیعه و مروج مذهب ستوده است. وی، پس از اشاراتی گذرا، به محیط تربیتی ابوطالب قائنی اشاره کرده و از ریاست مطلقه و عظمت او در نواحی بیرجند و قائنات سخن گفته است. آیتی بیان کرده که اجرای حدود نیز توسط او صورت می‌گرفته است، چنان که به فتوای او چند نفر را امیر علم خان، حاکم وقت، گردن زد (آیتی، ۱۳۲۷: ۳۰۰ - ۳۰۱). صاحب *ریحانه‌الادب*، در شرح زندگی ابوطالب قائنی، از او به عنوان عالم جلیل، فقیه خبیر، رجالی متبحر و نافذالحکم در بلاد خراسان یاد کرده است (مدرس، ۱۳۶۹، ج ۴: ۴۲۸).

بسیاری از علما و مشاهیر ولایت قائنات در سده‌های ۱۳ و ۱۴ق، مانند شیخ محمدباقر گزاری بیرجندی (د. ۱۳۵۲ق)، ملا محمد بن ملا عبدالحسین قائنی، نجف بن علی‌اکبر بیرجندی و محمدحسین قائنی کاخکی از شاگردان او بودند. سرانجام، قائنی در ششم شوال ۱۲۹۳ق در مسیر سفر حج در کراچی درگذشت و در همانجا مدفون گردید (عزیزیان، ۱۳۹۸: ۱۸۰). عزیزیان در بازخوانی زندگی‌نامه‌ی قائنی، مبهم‌ترین فراز زیست‌نامه‌ی او را چگونگی مرگش دانسته و اظهار می‌دارد:

«مولفان منابع متقدم‌تر که بدون واسطه و یا با واسطه با قائنی ارتباط داشته‌اند، ضمن گزارش زندگی او به مرگ طبیعی اشاره می‌کنند. در مقابل، هفت پژوهشگر با کاربری واژه‌ی شهادت به

۱. مدقق به معنای نکته‌سنج و باریک بین است.

قتل قاینی اشاره می‌کنند. البته، تنها چهار پژوهشگر، دیدگاه قتل به وسیله‌ی حاکم وقت منطقه و یا اهل سنت را مطرح و تحلیل می‌کنند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد برخلاف استدلال‌های نه چندان قوی، اقناع‌کننده و مستند آن‌ها، فائنی رابطه‌ی حسنه‌ای با حاکم وقت داشته است. به نظر می‌رسد، طرح آرای قتل ریشه در وفات قاینی در خارج از وطن و استعمال واژه‌ی شهادت در عبارتی ابهام‌آمیز به وسیله‌ی شاگردش، محمدباقر بیرجندی، دارد. تحلیل عبارت محمدباقر در پرتو زمان و آثار قاینی و مقایسه با دیگر منابع نشان می‌دهد این شاگرد قصد داشته، بر این نکته تأکید کند که استادش با وفات در راه حج به ثواب شهادت رسیده است» (همان: ۱۹۹).

ابوطالب قاینی در دوران حیات خویش دست به تألیف آثار متعددی زد که از آن جمله می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

- *دره الباهره*: این کتاب درباره شناخت خدا است، که به سبکی ابتکاری و جالب نوشته شده و مطالب فلسفی و کلامی ارزشمندی دارد؛

- *ینابیع‌الولایه*: کتابی که، با براهین و استدلال‌های شیوا و سبکی نوین، مسئله‌ی ولایت را مورد بررسی قرار داده است؛

- *ماحی الضلاله و الغوایه*: این کتاب ردی است بر نوشته‌ی ملا خان، معروف به ملا شمس و مفتی شهر هرات، که تحت عنوان *شمس‌الهدایه و قایع‌الضلاله* نگاشته و توهینی است به عقاید شیعه که به زعم ملا شمس ردی بر عقاید شیعه می‌باشد؛

- *صفوه‌المقال*: کتابی است فقهی، استدلالی و مفصل درباره‌ی وقف که مولف آن را، در تاریخ سه شنبه سوم جمادی‌الثانی ۱۲۸۲، به انجام رسانیده، و آقای محمد بن ملا عبدالمحسن خراسانی قاینی آن را، در تاریخ شنبه ۱۴ محرم ۱۲۸۷، کتابت نموده است؛

- *عمده‌المقال فی علم‌الدرایه و الرجال*: کتاب ارزشمندی است در دو فن درایه و رجال، که آیت‌الله شیخ محمدباقر گزاری آن را در سه جلد شرح داده است. جلد اول کتاب محمدباقر گزاری به نام *الفوائد القرویه* همراه متن کتاب *عمده‌المقال فی علم‌الدرایه و الرجال* در مجموعه‌ای به شماره‌ی ۳۴۰۷ در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود است.

- *الکواکب‌السبع‌السیاره*: این کتاب پیرامون هفت مسئله‌ی اصولی به شیوه‌ی استدلالی و به زبان عربی نگاشته شده است؛

- *الدروس*: فقه استدلالی و به زبان عربی است که براساس نقل شیخ آقا بزرگ تقریرات درس شیخ محسن خنفر متوفای ۱۲۷۰ق می‌باشد؛

- *اللواء لواء الغالیه فی اسرار الشهاده*: این کتاب شامل فضائل و مناقب امام حسین (ع) و چگونگی شهادت آن بزرگوار می‌باشد؛
- *رساله صلوه‌المسافر*؛

- *اعتقادات*: این کتاب را در مشهد به سال ۱۲۶۱ق به پایان برده است؛ اثریاد شده دارای ده مقام پیرامون اثبات خدا، توحید، عدل، نبوت، امامت و مسائل اعتقادی دیگری به زبان عربی می‌باشد؛

- *التعلیقہ*: این کتاب توضیحی است بر رساله‌ی «برائت و احتیاط» شیخ انصاری که به سبک زیبایی نگارش یافته است؛

- *مرآة الوحده*: پیرامون حکمت به زبان فارسی نگارش یافته و دارای هفت مرحله، یک مقدمه و یک خاتمه است؛

- *تعلیقات فارسی بر رساله علمیه محمدابراهیم کرباسی کاخکی*؛

- مکاسب (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۷۹-۸۹).

معرفی نسخه‌ی «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین»

سعیدزاده، در کتاب خویش، «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» را رساله‌ی عملیه‌ی ابوطالب قائنی دانسته که مقلدین وی براساس آن عمل می‌کرده‌اند. وی همچنین از نسخ متعددی که از این کتاب در قائن وجود داشته به شرح ذیل یاد نموده است:

- نسخه‌ی مدرسه‌ی علمیه‌ی زهان (قاین): دارای ۱۳۳ ورق به ابعاد ۱۶/۵×۲۱ که توسط ولی‌الله بن محمد شفیع در صبح یکشنبه، در جمادی‌الثانی ۱۲۹۱ق به انجام رسیده و نویسنده‌ی این نسخه اظهار داشته که پنجمین یا ششمین نسخه‌ای بوده که وی کتابت کرده است.

- دومین نسخه‌ی مدرسه‌ی علمیه‌ی زهان: بخش سوم از یک مجموعه است و از صفحه‌ی ۱۷۲ تا ۳۴۰ همین رساله می‌باشد. کاتب این نسخه غلامحسین بن ابراهیم رضوی درخش است که در ۱۳۰۱ق آن را کتابت نموده است.

- نسخه‌ی نگارنده: این نسخه، که اوراقی از آن افتاده، ۱۴۲ صفحه‌ی ۱۶ سطری به ابعاد ۱۷/۵×۱۱ است و آن را محمد بن ملا اسماعیل بیهودی، که گویا از شاگردان معظم له بوده، در ۱۲۸۳ق کتابت نموده است.

به رغم ادعای سعیدزاده که «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» را رساله‌ی عملیه‌ی ابوطالب قائنی دانسته، این اثر از نظر ساختاری شباهت چندانی به رساله‌های عملیه نداشته و بیشتر در قالب اجوبه تدوین شده است.

نسخه‌ای از «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» در کتابخانه‌ی ملی با شماره‌ی ۱۹۷۹۴۷۴ موجود است که نوشتار حاضر به بررسی آن اختصاص دارد. اطلاعات فهرست‌نویسی نسخه فقط به زبان اثر که فارسی است و به نام نگارنده یعنی ابوطالب قائنی اشاره کرده است. نسخه‌ی حاضر نسخه‌ای تک‌متنی^۱ است و از نظر ویژگی‌های ظاهری فاقد جلد می‌باشد. صفحه‌ی آغازین این نسخه، قبل از شروع دیباچه، حاوی یادداشت‌های شخصی نگارنده و دربردارنده‌ی مبالغی است که نویسنده به دیگران قرض داده است. این نسخه مشتمل بر ۱۵۴ صفحه است که به جز سه صفحه‌ی پایانی و صفحه‌ی آغازین و دیباچه که در بردارنده‌ی عبارات تحمیدیه و معرفی نسخه است، سایر صفحات چهارده سطری می‌باشد.

از بررسی صفحات پایانی می‌توان دریافت که نسخه فاقد انجامه و دچار افتادگی است. برخی از صفحات این نسخه حاشیه‌نویسی شده است. درحاشیه‌ی دیباچه شعری در رثای حضرت زینب (س) به چشم می‌خورد:

به شام رفتن زینب اگر کنم تقریر
بجان جمله فتد آتش از صغیر و کبیر

در برخی از حواشی صفحات این نسخه صورت‌حساب‌های شخصی نگارنده درج شده است (قائنی، بی‌تا: ۸، ۳۸).

۱. نسخه‌ی تک‌متنی به دست‌نویسی گفته می‌شود که در آن یک اثر درج شده باشد. در این جا مقصود از یک نفر این است که این اثر توسط یک نفر نوشته یا گردآوری شده و نامی بر آن نهاده شده باشد (صفری آق قلعه، ۱۳۹۰: ۷).

براساس اطلاعات مندرج در دیباچه، این اثر مشتمل بر سوالات شرعی و پاسخ آن‌هاست؛ از این رو، می‌توان «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» را در زمره‌ی اجوبه‌های علما قرار داد:

«بدان که این رساله ایست سؤال و جواب که چون هر یک از اولی‌الالباب و ذوی‌الابصار بمرور اهور و توالی اعصار از قری و مزارع و امصار هر وقت بمسئله از مسائل شرعیه محتاج می‌شدند از جهت آنکه براهه ذمه خود را در رجوع بمجتهد حی اعلم می‌دانستند کما هو فی الواقع کذلک مسئله محتاج الیها را استفتاء می‌نمودند» (همان: ۳).

سنت اجوبه‌نویسی از دوران امامان شیعه (ع) آغاز شد و پس از غیبت امام زمان (عج) به علمای شیعه رسیده است. عالمان شیعه از طریق اجوبه‌ها به پرسش‌های گوناگون در زمینه‌ی اعتقادی، اقتصادی، حقوقی و مسائل نوپدید (مستحدثه)، بنا به نیازهای آن روزگار، پاسخ می‌دادند؛ از این رو، اجوبه‌های عالمان شیعه مجموعه‌ای غنی و استنادپذیر در معارف دینی به شمار می‌روند. این اجوبه‌ها افزون بر اهمیت مذهبی‌شان اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی تاریخ اجتماعی نیز دارند. از جمله دلایل اهمیت اجوبه‌ها، از بعد تاریخ اجتماعی، مضامین آن‌هاست که دربردارنده‌ی تعاملات قشرهای گوناگون جامعه با یکدیگر و بازتاب نیازهای فکری، حقوقی و اقتصادی آحاد جامعه است (علیزاده بیرجندی، عباسلو و الهی زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

از محتوای دیباچه به‌ویژه کاربرد و صفات متعدد در شأن علمی ابوطالب قائلی می‌توان دریافت که این اثر توسط یکی از شاگردانش جمع‌آوری و تبویب و کتابت شده است (قائینی، بی‌تا: ۴-۳). در راستای نکاتی که در سطور بالا بدان اشاره شد، عبارات ذیل شاهده‌ی بر مدعای فوق و مبین روش این رساله است:

«... سرکار شریعتمدار آقا سید ابوطالب آلام‌الله ظلّه‌العالی ... جناب شامخ الالقاب استفتائات ناس را جواب می‌نوشته‌اند و بصاحبان آن‌ها می‌داده‌اند و چون ابتلای مردمان بتکالیف مختلفه بوده است هرکس بمطلب سوال می‌کرده است جواب بر طبق سوال نوشته می‌شده است. لهذا چون ضبط مسائل بر نهج سوالات بوده در حین ثبت کردن مختلف نوشته شده بود و چون اختلاط مسائل به یکدیگر باعث مشقه سائلین و طالبین بوده در وقت رجوع بآنها لهذا حسب‌الحکم سرکار

شریعتمدار مولای‌الاعظم و استادی‌الافخم مسائل متفرقه را جمع نموده، مبوب^۱ نمودم و مسائل هر بابی را در همان باب ذکر کردم» (قائینی، بی‌تا: ۵).

نام ابواب «وسيله‌السائلین فی احکام‌الدین» به قرار ذیل است:

باب اول در اجتهاد و تقلید؛ باب دوم در احکام نماز (همان: ۴)؛ باب سیم در احکام زکوه (همان: ۷۴). سایر مباحث این رساله، از جمله احکام وقف (همان: ۹۱)، بیع و معاملات (همان: ۹۸)، نکاح و طلاق (همان: ۱۰۸) و قصاص (همان: ۱۴۵)، بدون اینکه باب خاصی به آن‌ها اختصاص پیدا کند، در این رساله جای گرفته‌اند. در این اثر ابوطالب قائینی در مواردی ملاک تشخیص را عرف و صدق عرفی^۲ قرار داده است. برای نمونه در پاسخ به سوال معیار تشخیص سفر معصیت می‌نویسد:

«مناطق در معیار سفر معصیه، عرف است و صدق عرفی متحقق می‌شود باینکه غایه آن معصیه باشد مثل سفر از جهت اضرار مسلمانان و ایذای شان ...» (قائینی، بی‌تا: ۶۶-۶۷).

«وسيله‌السائلین فی احکام‌الدین»، همانند سایر اجوبه‌های علمای این خطه، مشتمل بر سوالات شرعی، حقوقی، قضایی، اقتصادی و اجتماعی و پاسخی است که قائینی به این پرسش‌ها داده است. علاوه بر اهمیت اجوبه‌ها به عنوان میراث فرهنگ دینی، این آثار در بردارنده‌ی اطلاعات تاریخی - اجتماعی در خور توجهی هستند (علیزاده بیرجندی، عباسلو و الهی زاده، ۱۳۹۹: ۲۹). مضامین سوالاتی را که در «وسيله‌السائلین فی احکام‌الدین» از ابوطالب قائینی پرسیده شده، می‌توان در چند دسته به شرح ذیل طبقه‌بندی نمود:

- مضامین اعتقادی و احکام شرعی شامل نماز (قائینی، بی‌تا: ۴۰)، روزه، غسل، طهارت، حلال و حرام، تقلید؛ در ادامه به دو نمونه اشاره می‌شود:

«س کوشت و پیه متنجس پاک میشود باب قلیل یا نه ج بلی پاک میشود و هم چنین فرقی نیست بین اب قلیل و کثیر و فرقی نیست بین اینکه نجاسته در آن نفوذ نموده باشد یا نه ...» (همان: ۱۷).

۱. مبوب. [م ب و] (ع ص) مَبُوبَةٌ. باب کرده شده. (ناظم‌الاطباء). (تبویب شده: باب شده. باب کرده. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا). و رجوع به ماده بعد شود.

۲. در مورد تکیه بر عرف در علم اصول، شیخ مرتضی انصاری از بنیان این شیوه در استنباط احکام است. وی به عرف به عنوان یک منبع احتمالی احکام تأکید داشت (الگار، ۱۳۶۹: ۲۵۱).

«س حکم ضحک در نماز را بیان فرمایند ج تبسم مبطل نماز نیست و اما قهقهه نماز را باطل میکند اگر بر مجه تعمد باشد و اگر بر وجه سهو باشد مفسد نیست...» (همان: ۵۳).

- مضامین اقتصادی شامل معاملات و مسائل ملکی (همان: ۹۸)، وقفیات (همان: ۹۱)، خمس و زکات (همان: ۷۴)، خیرات، احکام بیع (همان: ۷۸-۹۹)؛ برای مثال در سوالی در باب خمس و زکات آمده است:

«س قول مدعی فقر در زکوه و خمس مسموع است یا نه ج اقوی سماع است و لکن احتیاط امری است مرغوب» (همان: ۷۴).

«دین فقیریکه مرده است چه پدر باشد و چه غیر آن می‌شود از باب زکوه داد یا نه ج بلی جایز است بالاجماع» (همان: ۷۵).

- مضامین حقوقی - اجتماعی شامل وراثت و ارث (همان: ۱۳۴-۱۳۲)، مجازات، احکام قصاص (همان: ۴۵)، احکام نکاح و طلاق (همان: ۱۰۸).

نکته‌ی جالب اینکه در این رساله، تناسب سوالات با ویژگی‌های اقلیمی و پیوند آن‌ها با سیاق معیشتی و ویژگی‌های اقلیمی این خطه است. برای نمونه برخی از سوالات به طهارت و پاکی ظروفی که در آن‌ها شیره‌ی انگور پخت می‌شده، اختصاص دارد. دغدغه‌مندی اهالی قاینات در مورد طهارت و پاکی و حلال بودن کسب و کار آن‌ها در سوالات ذیل بازتاب پیدا کرده است:

«الات و ادوات شیره‌پزی و مزاول^۱ و عامل و شبه این دو به تبعیه پاک می‌شود یا نه، ج: بلی پاک می‌شود. س: عصیر^۲ از غیر انگور و خرما و فواکه^۳ و شمار و بقول و حبوب^۴ و غیر آن‌ها بعد از غلیان و اشتداد^۵ مثل عصیر عنبی^۶ است یا نه ج: خلاف در حلیه و طهارت نیست اگر مسکر

۱. [م و] اشتغال ورزیدن در کاری و رنج کشیدن در آن (دهخدا، ذیل مزاول).

۲. آنچه که به فشردن بیرون آید از آب و مایع و نحو آن. شیره انگور و جز آن (دهخدا، ذیل مزاول).

۳. اجناس میوه‌ها (ج فاکهه) (دهخدا، ذیل واژه).

۴. دانه‌های نبات. دانه‌ها مثل گندم (دهخدا، ذیل واژه).

۵. سختی در هر چیز، سخت و قوی و استوار شدن (دهخدا، ذیل واژه).

۶. منسوب به عنب که میوه و انگور فروش را می‌رساند (دهخدا، ذیل واژه).

نباشند و مثل اشیاء مذکور است ربوبات مثل رب سیب و انار و غیر اینها» (قائنی، بی تا: ۱۲ - ۱۳).

در منطقه‌ی قاینات، برخی از مردم در کنار کشاورزی به دامداری و پرورش احشام نیز اشتغال دارند. پاره‌ای از سوالات در «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین»، با دامداری و مسائل مربوط به آن پیوند دارد. در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

«س^۱ بول کوسفند و کاو [گوسفند و گاو] و مثل این دو اگر [اگر] داخل شیر شود بحیثیتی که مستهلک شود حلال است انچیز یا حرام ج^۲ حلال است و احوط^۳ اجتناب است» (قائنی، بی تا: ۱۳).

«س بچه که در شکم حیوانات است بذبح مادر حلال است یا نه ج اگر تام‌الخلقه باشد و مو و کرک بر آن ظاهر شده باشد ولوج [دمیده شدن] روح در آن نشده باشد حلال است و در صورت ولوج روح خلاف است...» (همان: ۱۲۶).

۱. س: مخفف سوال.

۲. ج: مخفف جواب.

۳. باحتیاط‌تر، باحتیاط نزدیک‌تر (دهخدا، ذیل واژه).

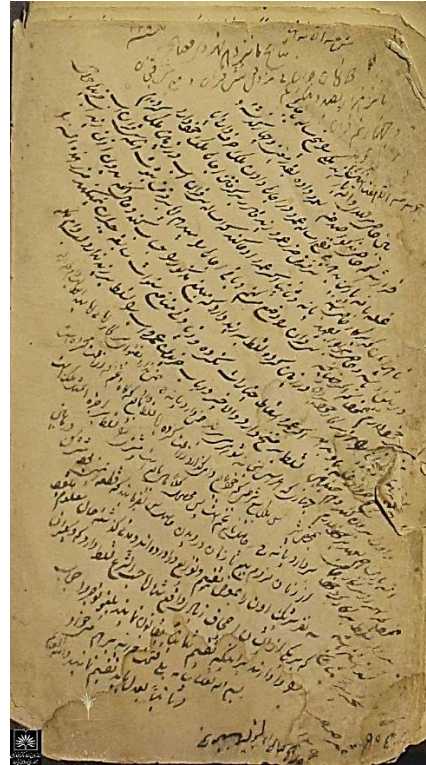
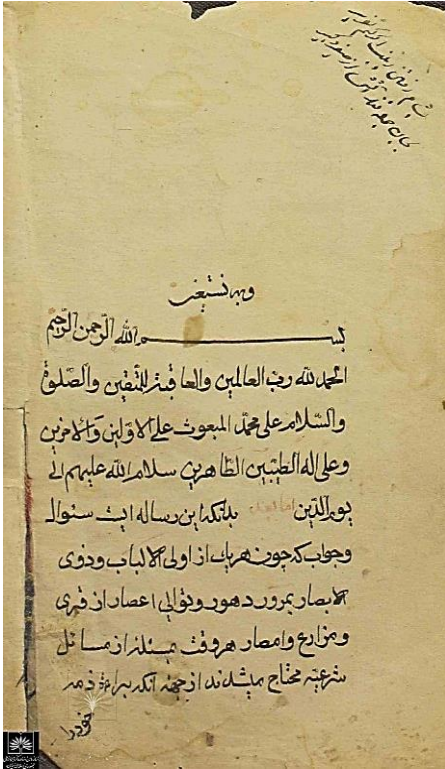
نتیجه

«وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» اجوبه‌ای است که ابوطالب قائنی مجتهد قرن سیزدهم هجری قمری در پاسخ به سوالات مقلدین خویش تدوین نموده است. نسخه‌های متعددی از این کتاب در کتابخانه‌ی ملی، مدرسه‌ی علمیه زهان (از توابع قاین) و در دست برخی از افراد موجود است. نسخه‌ی مورد بررسی در پژوهش حاضر به شماره‌ی ۱۹۷۹۴۷۴ در کتابخانه‌ی ملی موجود است و از محتوای دیباچه‌ی آن چنین برمی‌آید که نسخه موجود توسط یکی از شاگردان قائنی جمع‌آوری و کتابت شده است.

ساختار «وسیله‌السائلین فی احکام‌الدین» همانند سایر اجوبه‌های علما است و دربردارنده‌ی پاره‌ای سوالات شرعی و پاسخ به آن‌ها می‌باشد. مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در این اجوبه مباحث اعتقادی، احکام شرعی، وقفیات، امور حقوقی و اجتماعی و اقتصادی است. از بررسی مضامین و محتوای سوالات طرح شده در این اجوبه می‌توان به دغدغه‌های اهالی قاینات، باورهای اعتقادی، سیاق معیشتی و سایر ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه‌ی قاینات در سده‌ی سیزدهم هجری قمری پی برد. از منظر کارکردی اهمیت این اجوبه را در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

- آشنایی با تاریخ محلی و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی خطه‌ی قاینات و سبک زندگی مردم آن؛
- شناخت شأن علمی ابوطالب قائنی؛
- حفظ و اشاعه‌ی میراث مکتوب شیعی.

صفحات آغاز و پایان نسخه



نسخه خطی «وسیله السائلین فی احکام الدین»، شماره ۱۹۷۴۹۷۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی

(ایران)

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- آیتی، محمدحسین (۱۳۲۷). *بهارستان، در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۴۵ق). «ذخیره العباد لیوم المعاد در سوال و جواب عامه البلوی»، نسخه چاپ سنگی به شماره ۱۵۹۴۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی، نجف: مطبوعه مرتضویه.
- اصیلی، سوسن (۱۳۸۹). *برنامه حافظه جهانی و نقش آن در حفظ میراث مستند. تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی*، ۴۴(۲)، ۱۴۳-۱۵۹.
- الگار، حامد (۱۳۶۹). *دین و دولت در ایران (ترجمه دکتر ابوالقاسم سری)*. تهران: انتشارات توس.
- جلیلی، حمیده، و غوث، کمال (۱۳۹۹). *تحقیقی بر شناسایی حاکمیت‌های شرع در قهستان (خراسان جنوبی فعلی) از سال ۱۲۸۴ قمری تا ۱۳۶۶ قمری*. *نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۳(۲۶)، ۱۶-۵۳؛
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- سعیدزاده، محسن (۱۳۶۹). *بزرگان قائن*. ج ۱. قم: انتشارات اهل بیت.
- شرابیانی، محمد بن فضلعلی (۱۳۲۱ ق). «رساله سوال و جواب»، نسخه چاپ سنگی به شماره ۱۷۴۷۲، کتابخانه آستان قدس رضوی، بی‌جا: بی‌نا.
- شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد (۱۳۳۹ ق). «نسخه خطی سوال و جواب مسمی بالوسیله»، نسخه چاپ سنگی به شماره ۳۶۷۶۷ کتابخانه آستان قدس رضوی، بی‌جا: بی‌نا.
- صادق زاده وایقانی، علی؛ نجف قلی نژاد، اعظم (۱۳۹۰). *نقش نسخه های خطی در گفتگوی تمدن‌ها با محوریت برنامه حافظه جهانی*. *کتابداری و اطلاع رسانی*، ۱۴ (۲) - ۸؛
- صفری آق قلعه، علی (۱۳۹۰). *نسخه شناخت: پژوهش نامه نسخه شناسی نسخ خطی فارسی*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- عزیزیان، مریم (۱۳۹۸). *بازخوانی زیست نامه سید ابوطالب قائنی: قتل یا وفات؟*. *نشریه تاریخ اسلام*، شماره ۸۰. ۱۷۳-۲۰۲؛

عباسلو، سمیرا (۱۳۹۲). جایگاه اجوبه‌های علمای قائنات در تدوین تاریخ اجتماعی منطقه (عصر قاجار) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

علیزاده بیرجندی، زهرا، عباسلو، سمیرا، و الهی زاده، محمدحسن (۱۳۹۲). جایگاه اجوبه‌های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، ۴(۷). ۲۹-۵۲.

_____ (۱۳۹۲). کارکرد اجوبه‌های علمای شیعی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایران. پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۳(۱۱). ۷۵-۱۰۲؛

فاضل قاینی نجفی، علی (۱۳۸۶). ستارگان فروزان در شناخت علمای قاینات و قهستان. قم: انتشارات آل فاضل.

قاینی، ابوطالب (بی تا). «وسيله السائلین فی احکام الدین»، نسخه خطی شماره 1979474 در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مدرس، محمدعلی (۱۳۶۹). ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب. ج ۱. تهران: خیام.

Analysis and Feasibility Study of Ethnic and Indigenous Elements in Designing Appropriate Clothing Patterns for Primary School Students

Shahrbanoo Dehroyeh¹

Maryam Hafezian²

Zahra Hasani³

Received: 16/12/2024

Accepted: 10/3/2025

Introduction

Education plays a crucial role in shaping both individual and societal development. As a result, schools are expected to provide a dynamic and nurturing environment that fosters students' talents. Achieving these educational goals requires school administration to embrace decentralized, participatory, and flexible decision-making approaches that create an engaging learning space for administrators, teachers, and students (Rezaei Kalantari et al., 2011). One aspect of school life that has sparked debate is the use of uniforms. While many schools enforce uniformity in students' attire, opinions differ on its impact. Psychologists argue that uniform colors can have both positive and negative effects on students. Additionally, school administrators often impose dress codes based on cultural traditions and personal preferences, sometimes disregarding the psychological effects of color choices (Rajaei, 2018).

Beyond dress codes, education plays a vital role in shaping national identity. A strong national identity emerges when students internalize societal norms, values, and cultural symbols, leading to social cohesion (Hansenne & Bianchi, 2009). The education system must therefore instill national identity by integrating relevant cultural elements into learning environments (Ansari, 2013). In Iran, recent educational reforms have emphasized the need for transformation, addressing the limitations of the existing system to better align with national, cultural, and societal needs. This led to the approval of the Fundamental Transformation Document in Education in 2011 (Mirmohammadi, 2004). Given this context, this study explores

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Adib Mazandaran Higher Education Institute, Sari, Iran. Email: fateme.dehroye@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Adib Mazandaran Higher Education Institute, Sari, Iran (Corresponding Author). Email: ma.hafez@yahoo.com
3. M.A. Graduate in Educational Management, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran. Email: manage1376@gmail.com



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

the role of ethnic and indigenous elements in shaping school uniform standards for elementary students. It seeks to answer the question:

- What ethnic and indigenous elements should be considered in developing appropriate clothing patterns for elementary school students?

Method

This study employed a mixed-methods approach, combining qualitative and quantitative research techniques. In the first phase, qualitative content analysis was conducted using thematic analysis and semi-structured interviews to explore the research questions. Thematic analysis involved reducing, categorizing, summarizing, and reconstructing interview data to extract key concepts. A total of 23 interviews were conducted with administrators, teachers, parents, and education experts. The findings identified seven main components related to ethnic and indigenous elements in developing clothing standards for elementary school students. In the second phase, a quantitative survey was conducted among elementary school teachers and principals in Bojnourd. From a total population of 260 individuals, 165 participants were selected using non-probability sampling based on the Krejcie and Morgan (1972) table. Data collection was carried out using a researcher-designed questionnaire consisting of 36 questions across seven key dimensions: ethnic and local customs, cultural heritage, education and advertising, manner of dressing, fashion competition and design, laws and regulations and incentive programs. To ensure validity, the questionnaire underwent content validation by field experts. Reliability was assessed by distributing 30 pilot questionnaires, and after achieving a Cronbach's alpha coefficient of 0.86, the questionnaire was deemed reliable and subsequently administered to the full sample. Data analysis was conducted using SPSS 24 software.

Findings and Conclusion

This research identified ethnic and indigenous influences in the development of suitable clothing patterns for elementary school students. The findings from the first question indicated that incorporating ethnic and local customs and traditions is effective in creating appropriate clothing standards and patterns for elementary school students. This conclusion aligns with the research results of Habibzadeh et al. (2015), Mir Taheri and Salehi (2015), Rezaei Kalantari et al. (2011), Talebi (2008), Saffarheidari et al. (2010), Shamshiri (2008), Shiri (2006), Kim (2004), Gelisli & Kazykhankyzy (2019), Parmenter (1999), and Siriwardena (2002). The findings from the second question showed that utilizing cultural heritage plays a significant role in developing appropriate clothing standards and patterns for elementary school students. The results of the third question indicated that education and advertising are effective tools in shaping suitable clothing standards and patterns. The fourth question revealed that the way people dress does not have a significant impact on the development of clothing standards for elementary school students. The fifth question demonstrated that competition and fashion design do not influence the development of appropriate clothing patterns for elementary school students. The findings from

the sixth question revealed that laws and regulations contribute to the development of appropriate clothing standards for elementary school students. Finally, the results of the seventh question indicated that incentive programs are ineffective in developing appropriate clothing standards and patterns for elementary school students.

It is essential for the education system to gain a proper understanding of the characteristics, issues, dimensions, and strengths of ethnic cultures in order to adjust the goals, structure, materials, and content of the educational system accordingly. Therefore, integrating ethnic cultural values into curricula provides students with an opportunity to recognize and appreciate these valuable cultural aspects.

Keywords: Ethnic And Local Elements, Clothing Patterns, School Uniform Standards, Elementary Students

References

- Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A., Sheikhzadeh, M. (2011). Tahlīl-e mazmūn va shabakeh-ye mazmūnhā: Raveshi-e sādeh va kār-mād barā-ye tabeīn-e algūhā-ye mojūd dar dādeh-hā-ye keifī. [Content analysis and thematic networks: A simple and effective method for explaining patterns in qualitative data]. *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198 [In Persian].
- Ansari, M. (2004). Nasīonalizm: nazariyeh, idiolūjī, tārikh. [Nationalism: theory, ideology, history] (Written by D. Smith Anthony, 1939). Iranian Civilization (Affiliated with the National Studies Institute) [In Persian].
- Asgarian, M. (2006). Jāy-gāh-e farhang-e qomī dar tarbiyat-e shahrvandi. [The role of ethnic culture in citizenship education]. *Educational Innovations*, 5(3), 133-162 [In Persian].
- Fadjukoff, P., Pulkkinen, L., & Kokko, K. (2005). Identity processes in adulthood: Diverging domains. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 5(1), 1-20. https://doi.org/10.1207/s1532706xid0501_1
- Faraji, M. (2022). Ranghā va tā'sīrāt-e dārmanīshān (Neveshteh-ye pauline wells, 2006). [Colors and their therapeutic effects (Written by Pauline Wells, 2006)]. Tehran: Leosa Publications [In Persian].
- Gelisli, Y., & Kazykhankyzy, L. (2019). Investigation of students' perceptions of national identity. *New Trends and Issues Proceedings on Humanities and Social Sciences*, 6(1), 451-463.
- Ghasemi Taleb Qashlaghi, M., Metaji, K. (2020). *Tarāhī-ye olgū-ye asar-bakhshī-ye sīstam-e modīrīyat-e keifīat jāme dar tarāhī-ye lebas-e form-e madāres* [Designing an effective model for total quality management system in designing school uniform patterns]. The First International Conference on Challenges and Solutions in Industrial Engineering, Management, and Accounting, Sari. <https://civilica.com/doc/1045927> [In Persian].
- Ghasempour Moghadam, H. (2013). *Chālshhā-ye amūzesh- va parvaresh-e chandfarhangī dar nezām-e barnameh rīzī-ye darsī-ye Irān* [Challenges of multicultural education in Iran's curriculum system]. National Conference on Multicultural Education, Urmia. <https://civilica.com/doc/270660> [In Persian].
- Habibzadeh, A., Ghorbani, S., Mousavi Afzal, S. A., Moradi Najafabadi, Z. (2015). Ta'sīr-e tahsīlāt-e dāneshgāhī dar doreh-ye kārshenāsī bar hovīyat-e melli-ye dāneshjūyān-e dokhtar-e Dāneshgāh-e Qom. [The impact of university education on the national identity of female students at Qom University]. *Culture in Islamic University*, 5(2), 221-242 [In Persian].
- Hansenne, M., Bianchi, J. (2009); Emotional intelligence and personality in major depression: Trait versus state effects. *Psychiatry Res*, 166 (1), 63-68.
- Hegel, G. W. F. (1991). *Elements of the philosophy of right* (H. B. Nisbet, Trans.; A. W. Wood, Ed.). Cambridge University Press.
- Khanifar, H., Zarvandi, N. (2010). Pazhooheshī-ye kīfī: Rahyāfī now dar motāle'āt-e modīrīyat. [Qualitative research: A new approach in management studies]. *Rahbord*, 19(54), 243-256 [In Persian].

- Kim, H. J. (2004). National identity in Korean curriculum. *Canadian Social Studies*, 38(3), 74-89.
- Lewis, H. L. (2003). Differences in ego identity among college students across age, ethnicity, and gender. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 159-189. <https://doi.org/10.1207/S1532706XID030205>
- Lotf Abadi, H. (2006). Āmūzesh-e shahrvandi melli va jāhanī hamrāh ba takhīm-e hovīyat va nezām-e arzeshī dar dāneshjūyān. [National and Global Citizenship Education Along with Strengthening Identity and Value Systems in Students]. *Educational Innovations*, 5(17), 11-44 [In Persian].
- Mir Mohammadi, D. (2004). Seir-e tahavol va takvīn-e hovīyat-e melli dar Irān. [The evolution and formation of national identity in Iran]. *Discourses on National Identity*, Publisher: Iranian Civilization [In Persian].
- Mirtaheeri, Z., Salehi, K. (2015). *Tahlīl-e edrāk va tajrobeh-ye zīsteh-ye dāneshamūzān-e dokhtar dar mored-e pooshāk-e monāsib dar madāres-e motevasete* [Analysis of the perceptions and lived experiences of female students regarding proper attire in secondary schools]. The Second International Conference on Behavioral Sciences and Social Studies. <https://civilica.com/doc/521898> [In Persian].
- Mirzaei, T. (2025). Nashnāshenāsi-ye Poshāk dar She'r-e Ibn Hossām Khousafī ba Takīyeh bar Nazariyy-e Pierre Giro. [Semiotics of clothing in the poetry of Ibn Hossam Khousfi Based on Pierre Giro's theory]. *Cultural Social Studies of Khorasan*, 18(3), 161-192. doi: 10.22034/fakh.2024.474025.1681 [In Persian].
- Nedafi, M. (2016). *Erā'e-ye olgū-ye matlūb-e lebas barā-ye madāres-e dokhtarān-e ebtedā'ī va barrasī-e mīzān-e alāqemandī-ye dānesh-amūzān be rang va form-e lebaseshān va rabt-e an ba mīzān-e yādgīrī va pīshraft-e tāhsīlī-ye anhā* [Providing an ideal clothing model for primary school girls and examining their interest in clothing color and form and its relation to their academic learning and progress]. (Unpublished master's thesis), Science and Culture University, Iran [In Persian].
- Noor al-Khani, A. (2025). Mānaviat dar honar (Neveshteh-ye Wassily Kandinsky, 1912). [Spirituality in art (Written by Wassily Kandinsky, 1912)]. Tehran: Shabahang [In Persian].
- Parmenter, L. (1999). Constructing National Identity in a Changing World: Perspectives in Japanese Education. *British Journal of Sociology of Education*, Vol.20 (4): 453-463.
- Rajaie, F. (2018). Padīdeh-ye jāhānī-shodan, wazīyat-e basharī va tamaddon-e etlā'ātī. [The phenomenon of globalization, human status, and the information civilization]. (Trans., A. Azarang). Tehran: Agah Publications [In Persian].
- Rezaei Kalantari, M., Hassanzadeh, R., Mousavi Jafari Kallaei, S. M. (2011). Tā'sīr-e mo'allemāt-e amūzesh va parvarish dar sheklgīrī-ye hovīyat-e melli-ye dānesh-amūzān. [The impact of educational components on the formation of national identity in students]. *Quarterly Journal of Educational Leadership and Management*, 5(3), 51-66 [In Persian].

- Rezaian, A., Taqizadeh, E. (2007). Barasī-e tā'sīr-e sīstam-e fannāwarī-ye etlā'āt bar erā'e khadamāt-e matlūb dar sāzmān-e kītābhānehā, mūzeh-hā va markaz-e asnād-e astān-e quds-e razavī. [Investigation of the impact of information technology systems on delivering quality services in the library, museum, and document center of the Astan Quds Razavi]. *Quarterly Journal of Librarianship and Information Science*, 40(4), 1-17 [In Persian].
- Safarheydari, H., Salehi Omran, I., Rezaei Farimani, M. (2010). Barasī-ye mīzān-e ashnā'ī va alāqemandī-ye dāneshjūyān-e motavaset-e nesbat be farhang-e būmī dar ostān-e māzandarān. [Investigation of secondary school students' familiarity and interest in indigenous culture in Mazandaran province]. *Cultural Studies and Communications*, 6(20), 199-223 [In Persian].
- Safiyari, N., Davoodi Rokanabadi, A., Zarei Zadeh, F. (2013). Borsī-ye Tatbīqī-ye Rūyānshnāsī-ye Form va Rang ba Ahdaf-e Āmūzeshī dar Tarāhī-ye Lābas-e Dānesh-Āmūzān-e Ebtedā'ī. [A comparative study of psychology of form and color with educational goals in designing primary school students' uniforms]. *Shideman Journal*, (2), 12-19 [In Persian].
- Sajadi, S. M. (2005). Jahānī-shodan va payāmadhā-ye chālsh-barangīz ān barā-ye ta'līm va tarbīyat. [Globalization and its challenging consequences for education]. *Educational and Psychological Sciences*, 10(4-3), 113-128 [In Persian].
- Sarafizadeh, A., Alipour, S. (2009). Barrasī-e tā'sīr-e be kār-gīrī-ye otomāsīyon-e edārī bar bahrevārī-ye manābe' ensani. [Investigating the effect of using administrative automation on human resource productivity]. *Development and Transformation Management*, 1(3), 17-24 [In Persian].
- Sari Al-Qalam, M. (2004). *Metodolojī-ye fahm hovīyat melli* [A methodology of understanding national identity]. Tehran: Iranian Civilization Publications [In Persian].
- Shamshiri, B. (2008). *Daramadī bar hovīyat-e melli* [Introduction to national identity]. Tehran: Navid [In Persian].
- Shiri, B. (2006). Estrātījī-ye fannāvarī-ye etlā'āt va erdebātāt va rows'e-ye eqtesādī. [Information and communication technology strategy and economic development]. *Tadbir Monthly*, 172, Shahrivar [In Persian].
- Siriwardena, R. (2002) *National Identity, Content of Education and Ethnic Perception*, Retrieved 2009/5/2.
- Talebi, S. (2016). *Tahav'ol-e hovīyat-e dānesh-amūzān-e dokhtar-e doreh-ye ebtedā'ī va rāhnamā'ī* [Transformation of identity in female students of primary and middle school levels]. (Unpublished master's thesis), Tarbiat Modares University, Iran [In Persian].
- Yaseri Nasab, H., & Ghasemi, A. R. (2015). *Barrasi-ye ta'sir-e fanavari-ye etelaat bar ruy-e bahrevari-ye sakhtarha va farayandha dar bank-e kosar ostān-e khuzestan* [Examining the impact of information technology on the productivity of structures and processes in Kosar Bank, Khuzestan Province]. Second International Conference on Management in the 21st Century, Tehran. Retrieved from <https://civilica.com/doc/425912>

Abedini Chamgordani, S., & Niknejadi, F. (2022). Barresi naghsh-e mianji moghabele zoji va tafahom va hamahangi fekri dar erbat beine jazebehaye zanashonii va keifiat-e zanashonii. [Examining the mediating role of couple coping and intellectual harmony in the relationship between marital attraction and marital quality]. *Rooyesh*, 10(12), 73-84. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

تحلیل و امکان‌سنجی عناصر قومی و بومی در تدوین الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی

شهربانو دهرویه^۱ مریم حافظیان^۲ زهرا حسنی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۱
http://www.farhangekhorasan.ir/article_217014.html

چکیده

در بسیاری از محیط‌ها، خصوصاً محیط‌های آموزشی و مدارس، توجه به آراستگی‌های ظاهری و نحوه‌ی پوشش از عوامل مهم در نشاط‌آفرینی به شمار می‌آید. با دقت در پوشاک دانش‌آموزان در مناطق مختلف ایران - با توجه به تنوع قومی - می‌توان رد پای فرهنگ بومی هر منطقه را در نوع نقش‌پذیری الگو و رنگ پوشاک دانش‌آموزان مشاهده کرد؛ براین‌اساس در این پژوهش، تأثیر عناصر قومی و بومی در شکل ظاهری پوشاک دانش‌آموزان از نظر الگو و رنگ‌پذیری منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و برای این منظور از محتوای تحلیل مضمون استفاده شده است. روش پژوهش، در بخش اول، تحلیل مضمون است که با مصاحبه از ۲۳ نفر انجام شد و، در بخش دوم، از نوع کمی است. جامعه‌ی آماری، در بخش دوم، شامل کلیه‌ی معلمان و مدیران مقطع ابتدایی شهر بجنورد به تعداد ۲۶۰ نفر است که از این تعداد ۱۶۷ نفر به عنوان حجم نمونه و به روش

۱. استادیار گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران fateme.dehroye@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران (نویسنده مسئول)

ma.hafez@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

manage1376@gmail.com



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده، پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته‌ی ۳۶ سؤالی است. بعد از تأیید روایی محتوایی پرسش‌نامه توسط خبرگان، سنجش اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۶ محاسبه شد. جهت تحلیل سؤالات از نرم افزار SPSS²⁴ استفاده گردید. نتایج در بخش تحلیل مضمون نشان‌دهنده‌ی هفت مؤلفه‌ی اصلی شامل مؤلفه‌های آداب و رسوم قومی و محلی، میراث فرهنگی، آموزش و تبلیغ، نحوه‌ی پوشش مردمی، رقابت و طراحی مد، برنامه‌های تشویقی و قوانین و مقررات بود و نتایج در بخش کمی نشان داد که از بین مؤلفه‌های شناسایی‌شده، آداب و رسوم قومی و محلی، میراث فرهنگی، آموزش و تبلیغ و قوانین و مقررات در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بیشترین تأثیرگذاری را دارا هستند.

واژه‌های کلیدی: عناصر قومی و بومی، استانداردهای الگوهای لباس و پوشش، دانش‌آموزان

مقطع ابتدایی، بجنورد.

مقدمه

اهمیت و نقش آموزش و پرورش در بهسازی و توسعه‌ی زندگی فردی و اجتماعی موجب شده است که جامعه و اولیای دانش‌آموزان انتظار داشته باشند که مدرسه محیطی رشددهنده، پویا و زمینه‌ساز برای پرورش استعدادهای بالقوه فرزندان آنان باشد. تحقق اهداف متعالی آموزش و پرورش و لزوم توجه به روحيات و ویژگی‌های نسل جوان، تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و محیطی و محدودیت منابع و امکانات ایجاب می‌کند که اداره‌ی امور مدارس مبتنی بر افزایش قدرت تصمیم‌گیری، استقلال نسبی، انعطاف‌پذیری و روش‌های غیرمتمرکز و مشارکت‌جویانه باشد تا بتواند فضای عمومی مدرسه را پویا، پرنشاط و فعال نموده و توانمندی‌ها و خلاقیت‌های مدیران، معلمان و دانش‌آموزان را به خوبی شکوفا و متجلی سازد (رضایی کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). چند سالی است که دانش‌آموزان با هر لباسی نمی‌توانند وارد مدرسه شوند و در بسیاری از مدارس لباس‌های فرم با رنگ‌های یکسان استفاده می‌شود؛ در حالی که این موضوع موافقان و مخالفانی دارد. از دیدگاه روان‌شناسان متعدد این یکسانی رنگ می‌تواند برای دانش‌آموزان هم مفید و هم مضر باشد. ضمن اینکه اعمال سلیقه‌ی مسئولان برخی مدارس،

فرهنگ‌ها، سنت‌ها و باورهای خاص در انتخاب رنگ لباس دانش آموزان، بدون توجه به روان‌شناسی رنگ، مشکلاتی را در این زمینه به وجود می‌آورد (رجایی، ۱۳۹۷: ۱۰).

نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای وظایف عدیده‌ای دارد که یکی از آن‌ها تلاش در جهت تحقق و تقویت هویت ملی است. تحقق بخشیدن به چنین هویتی موجب می‌شود که دانش آموزان متناسب و هماهنگ با هنجارهای حاکم بر جامعه تربیت شوند؛ لازمی این امر پذیرفتن اهداف مورد نظر جامعه از سوی یکایک اعضای آن است و این مسئله زمانی محقق می‌شود که انسجام اجتماعی در جامعه مشهود باشد و علاوه بر آن، همگونی اجتماعی بر اعمال و رفتار آحاد جامعه حاکم باشد (Hansenne & Bianchi, 2009). فراگیری آداب، رسوم، باورها، ارزش‌ها و مناسبات اجتماعی حاکم بر یک جامعه که بیانگر فرآیند اجتماعی شدن است، در کنار آشنایی با سمبل‌های فرهنگی و ملی، مجموعاً، هویتی را در فرد پدید می‌آورد که آن را هویت ملی می‌نامند (دی.اسمیت، ۱۳۹۲: ۱۲). با توجه به نقش تعلیم و تربیت در تحقق هویت ملی باید تمهیدات لازم را برای فراهم نمودن مؤلفه‌های مربوط به هویت ملی پدید آورد تا فرد به گونه‌ای پرورش یابد که در آرمان‌خواهی و حرکت به سوی آن با ملت هم‌سو و همگام باشد و ویژگی‌های مربوط به فرهنگ و هویت مربوط به آنان را دارا باشد (رضاییان و تقی زاده، ۱۳۸۶: ۴۴). در دهه‌ی اخیر در ایران نیز تأکید فراوانی بر توجه به مسئله‌ی آموزش و پرورش و ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش شده است و رهنمودهای مقام معظم رهبری زمینه را برای ایجاد تحولی بنیادین در نظام آموزش و پرورش براساس الزامات نهادی، هویتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، معنوی و اقتضانات جامعه‌ی اسلامی ایران فراهم نموده است؛ لذا پس از بررسی‌های فراوان درباره‌ی اهداف، اصول و مبانی نظری آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی ایران، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش در آذرماه ۱۳۹۰ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۰). با توجه به اهمیت مطالعه‌ی نقش عناصر قومی و بومی در تدوین الگوی لباس دانش آموزان ابتدایی، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که کدام یک از عناصر قومی و بومی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره ابتدایی شناسایی تأثیرگذار است؟

مبانی نظری تحقیق

پوشاک و هویت ملی

لباس و پوشش، در کنار کارکرد اولیه‌ی خود یعنی پوشش بدن و محافظت در برابر پدیده‌های طبیعی، کارکردهای اجتماعی، هویتی، سیاسی، اقتصادی هم دارد؛ به گونه‌ای که به عنوان یک نشانه، قابل تأمل و ارزیابی است (Fadjukoff & et al., 2005:3). اهمیت پوشش افراد در هر زمان و مکانی به این دلیل است که اعضای جامعه از راه نشانه‌های نمادین جامعه‌هایی که برتن دارند، میان خود یک نظام ارتباطی فرهنگی برقرار می‌کنند. رمزگشایی از این نشانه‌ها مستلزم درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم آن گروه و شناخت نظام‌های دینی - اعتقادی و اعمال جادویی - تابویی و باورهایی است که پوشاک ارزش‌های نمادین خود را از آن‌ها گرفته است. این ارزش‌ها نقش مهم و برجسته‌ای در نگهداشت هویت اجتماعی و فرهنگی و استمرار و تداوم آن در حیات تاریخی نسل‌ها ایفا می‌کنند (میرزایی، ۱۴۰۳: ۱۶۴). یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگی جامعه‌ی ایران، قومیت‌های فرهنگی هستند که از قضا دارای تنوع و تکثر قابل توجهی بوده و بخش مهمی از مباحث فرهنگی جامعه را به خود اختصاص می‌دهد. بررسی و مطالعه‌ی فرهنگ‌های قومی با هر رویکردی اعم از تعریف، اهمیت، آثار، ابعاد و اجزا، بدون مد نظر قرار دادن فرهنگ ملی، بی‌فایده خواهد بود، چرا که این فرهنگ‌ها در دل فرهنگ ملی و جزئی از آن به حساب می‌آیند. فرهنگ‌های قومی که در دل فرهنگ یک ملت قرار دارند، شیوه‌ی زندگی تبار خاصی است که عامل تمایز زندگی قومی از اقوام دیگر شده است. فرهنگ‌های قومی متعدد شیوه‌هایی است که اقوام ایرانی برای زندگی برگزیده‌اند (عسگریان، ۱۳۸۵: ۱۳۵). تیلور (2009) با الهام از هگل (1991) معتقد است هویت فردی از طریق انعکاس هویت دیگران و بازشناسی متقابل صورت می‌گیرد. همچنین در این راستا الگوی مجادله‌ای مردم‌سالاری می‌تواند کمک‌کننده به درک اهمیت تکثرگرایی و وجود آن باشد (Lewis, 2003: 14). در هر حال تعلیم و تربیت با سیاست اجتماعی، فرهنگ و توسعه‌ی جهانی روبه‌روست؛ همین امر، آموزش و پرورش را نیازمند تغییر و اصلاح می‌کند (سجادی، ۱۳۸۴: ۱۱۷). این اصلاح، همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، باید در ابعاد گوناگون آن از جمله سازماندهی نظام‌های آموزشی، چگونگی آموزش و برنامه‌ی درسی، تدوین محتوای آموزش و محیط آموزشی صورت پذیرد. تأکید محققان در این زمینه دو

دلیل عمده دارد: از یک سو یافته‌های تحقیق لطف‌آبادی (۱۳۸۵) نشان داد که آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم دبیرستان‌ها به نوجوانان در موضوع جهانی شدن موفقیتی نداشته است و به نظر دانش‌آموزان این آموزش‌ها نتوانسته نگرش فعال و معقولی را در مورد جهانی شدن برای آن‌ها ایجاد کند و آموزش مناسبی در قبال آن ارائه نشده است و حتی در نقشی معکوس و در بستر فرهنگی و اجتماعی موجود به پذیرش جهانی شدن منجر نشده است. از سوی دیگر صاحب‌نظران معتقدند که به طور کلی مسائل فرهنگی باید از پایه مد نظر قرار گیرد و روی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از کودکی تأکید گردد و اموری که در آینده قرار است هدف اصلی باشد، از پایه روی آن‌ها کار شود. در حقیقت انعکاس عناصر عمومی فرهنگ بایستی در دوره‌های ابتدایی آموزش عمومی بیشتر باشد و هر چه آموزش ادامه پیدا می‌کند بایستی جنبه‌ی تخصصی و حرفه‌ای آن بارزتر شود. بنابراین در مرحله‌ی اول برنامه‌های درسی بایستی بر تربیت عمومی (یعنی پرورش و گسترش امور و رفتارهایی که در بین تمام مردم یک جامعه عمومیت دارد) در میان فراگیران تأکید نماید (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۳). عسگریان (۱۳۸۵) معتقد است اگر تعلیم و تربیت گذرگاه جامعه‌پذیری باشد، باید این راه را از طریق به کارگیری فرهنگ‌های قومی در برنامه‌های آموزش و پرورش هموار کرد. تربیت عمدی یا آموزش رسمی آغاز حرکت به جامعه‌پذیری است؛ بنابراین اجازه‌ی ورود به جامعه همچون لحاظ کردن فرهنگ قومی و فرهنگ‌های اقوام در برنامه‌های تربیتی پذیرش تقویت ملی را برای فرد ممکن می‌سازد. دستیابی به چنین هویتی نیازمند تقویت ارزش‌های فرهنگ قومی است. بدین‌سان قوم‌مداری تضعیف و اقوام‌مداری جایگزین آن می‌شود. تعلیم و تربیت رسمی رسالت دارد که از طریق کنارگذاشتن تبعیض‌های فرهنگی، یعنی به کارگیری فرهنگ قومی که متضمن ایجاد یکپارچگی ملی است به کودکان و نوجوانان یک ملت هویت ملی بخشد. همه‌ی آنانی که در ایران به دنیا می‌آیند و شهروند ایرانی شناخته می‌شوند، باید از حقوق برابر با سایر هموطنان خود و با اعضای جامعه‌ی انسانی در سطح بین‌المللی برخوردار باشند و به تدریج که رشد می‌کنند از حقوق ویژه‌ی کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان و سالخوردگان برخوردار باشند (واسیلی، ۱۴۰۳: ۶۳). آنچه امروز در بین اندیشمندان مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی از اهمیتی شایان برخوردار است توجه به پیام‌ها و راز و رمزهای موجود در انواع پوشاک در ادوار مختلف و در میان ملل گوناگون است. این پیام‌ها خود

از باورها، آداب و سنن این ملت‌ها برخاسته‌اند. شاید تلاش همین اندیشمندان برای رمزگشایی این پیام‌های نمادین بوده است که میان پژوهشگران این مسئله را رایج ساخته است (صفی یاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳).

روان‌شناسی در فرم و رنگ لباس مدارس ابتدایی

وزارت آموزش و پرورش اهدافی که در طول دوره‌ی ابتدایی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است را در هشت گروه تحت عناوین اهداف اعتقادی، اهداف اخلاقی، اهداف علمی و آموزشی، اهداف فرهنگی و هنری، اهداف اجتماعی و اهداف زیستی، اهداف سیاسی و اهداف اقتصادی تقسیم‌بندی می‌نماید. یکی از نمودهای ظاهری دانش‌آموزان لباس مدرسه است که می‌توان رنگ و عناصر بصری را به زیبایی در آن به کار برد. طراحی لباس‌ها باید به گونه‌ای باشد که کودک یا نوجوان، علاوه بر احساس راحتی، بتواند شور و هیجان‌اتش را بروز داده و خلاقیتش شکوفا گردد. خطوط به کاررفته در لباس به عنوان برش مدل لباس باید چنان با رنگ‌ها تلفیق شوند که ذهن کودک را آماده یادگیری مطالب جدید کرده و در کنار این ویژگی آرامش و امنیت خاطر را حاصل نماید (ندافی، ۱۳۹۵: ۳۳). والدین معتقدند نباید از لباس‌هایی استفاده شود که دانش‌آموزان را چاق‌تر نشان دهد. آن‌ها معتقدند می‌توان دو یا سه نوع پوشش برای دانش‌آموزان انتخاب کرد تا والدین و دانش‌آموزان هر رنگ و مدلی را که بیشتر می‌پسندند، انتخاب کنند؛ به این شکل، هم دانش‌آموزان احساس راحتی بیشتری در لباس دارند، هم والدین از انتخاب خود رضایت بیشتری دارند و هم مدیران توانسته‌اند قانون را اجرا کنند. در شرایط فعلی، مدیر مدرسه اقدام به انتخاب رنگ و نوع پوشش مدارس می‌کند و البته شاید سلیقه‌ی او با سلیقه‌ی غالب بر جامعه هماهنگ نباشد؛ پس دانش‌آموزان هم هیچ رغبتی به پوشیدن این لباس پیدا نمی‌کنند و از سوی دیگر، والدین رضایت کافی برای خرید لباس مدرسه را ندارند. در چند سال اخیر تهیه‌ی لباس فرم مدرسه به دغدغه‌ای برای خانواده‌ها تبدیل شده است. یکسان و یکدست کردن دانش‌آموزان از نظر پوشش، در کنار داشتن محسنات، معایبی نیز دارد؛ از جمله تهیه و یا تغییر هر ساله‌ی لباس فرم مدارس از نظر اقتصادی مشکلاتی را برای خانواده‌ها ایجاد کرده است؛ از این‌رو استناد پوشش مدارس به مسئله‌ی قومی و بومی هر منطقه می‌تواند راه‌گشای این کلاف سردرگم برای پوشش

دانش‌آموزان باشد. در حیات اجتماعی، افراد معمولاً نقش‌های اجتماعی مختلفی را ایفا می‌کنند و در «ما»های متنوعی عضویت دارند. انسان‌ها به تعداد نقش‌ها و عضویت در «ما»های مختلف حائز هویت جمعی متفاوت هستند که مهم‌ترین آن وحدت و انسجام ملی است (فرجی، ۱۴۰۱: ۷۶). نظام آموزش و پرورش باید شناخت درستی از ویژگی‌ها، مسائل، ابعاد و توانمندی‌های فرهنگ‌های قومی داشته باشد تا بتواند اهداف، ساختار، مواد و محتوای نظام آموزشی را بر این اساس تنظیم کند. بنابراین شناساندن ارزش‌های فرهنگی اقوام از طریق برنامه‌های درسی به دانش‌آموزان زمینه‌ی شناسایی ارزش‌های برتر را نیز برای آنان فراهم می‌آورد (واسیلی، ۱۴۰۳: ۶۴).

قومیت و گروه‌های قومی

هیچ کشوری همچون ایران دارای تنوع فوق‌العاده و چشمگیر در لباس‌های سنتی نبوده و نیست. در فرهنگ ما متأسفانه استفاده از رنگ‌های تیره و سیاه به صورت سنت درآمده است که هیچ ریشه‌ی دینی و علمی ندارد و باید این فرهنگ به سوی استفاده از رنگ‌های روشن و آرامش‌بخش که تأثیرات مثبت روانی برای فرد و مخاطب دارد، سوق داده شود (واسیلی، ۱۴۰۳: ۷۲). رنگ زرد ملایم باعث تقویت حافظه و تمرکز خواهد شد که باید با رنگ‌های همخوان و ملایم دیگر مثل آبی، نارنجی و سبز ادغام و در پوشش معلمان استفاده شود تا دانش‌آموز را به سوی خود جذب کرده و مورد توجه قرار گیرد (قاسمی طالب قشلاقی و متاجی، ۱۳۹۹: ۵). این لباس‌ها می‌بایست علاوه بر سادگی، زیبایی و آراستگی، متناسب با محیط آموزشی نیز باشد. لباس‌های سنتی ایران ویژگی‌های جالبی را دارا هستند. باید گفت لباس‌های بومی راحت هستند یعنی لباس‌های سنتی در عین اینکه از قطعات متعدد تشکیل شده است، برای انجام اعمال روزانه مناسب است. امروزه بخش قابل توجهی از مواد اولیه مورد نیاز و تمامی تخصص‌های لازم برای طراحی، دوخت و انجام رودوزی و تزئینات لباس‌های سنتی در داخل کشور موجود است. استفاده از این نوع لباس و پوشاک، در واقع ایستادگی در برابر مدها و الگوهای بی‌پایه و اساس وارداتی محسوب می‌شود و به نوعی به قطع وابستگی اقتصادی کمک می‌کند. طرح‌های وارداتی هم‌اکنون مورد استقبال جوانان و نوجوانان قرار گرفته است که هیچ نشانه‌ای از طراحی خلاقانه ایرانی در آن‌ها وجود ندارد

(صفی یاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳). از این‌رو، برای اجرای این طرح نیاز به مطالعه‌ی میدانی و بررسی نظرات صاحب‌نظران خواهد بود. همچنین در طراحی لباس فرم دانش‌آموزی باید به خواست و سلیقه دانش‌آموزان و فرهنگ مناطق مختلف کشور توجه کرد. در حقیقت باید لباسی طراحی شود که مورد علاقه‌ی دانش‌آموز باشد و این لباس به او تحمیل نشود. به دلایل مختلف دانش‌آموزان ارتباط معناگرایانه و هویتی با لباس دانش‌آموزی برقرار نکرده‌اند اما باید گفت که نوعی دیگر از لباس فرم در جامعه‌ی ما رواج دارد که با عنوان لباس بومی و محلی شناخته شده است این لباس‌ها با وجود تنوع در رنگ و کیفیت از جایگاه و ارزش والایی در نزد مردم مناطق مختلف برخوردار است. استفاده از لباس متحدالشکل در مدارس، اولین و مهم‌ترین مزیتی که بر لباس پوشیدن با سلیقه شخصی افراد دارد، این است که دانش‌آموزان - از هر طبقه‌ی اجتماعی - با یک فرم یکسان‌سازی شده به مدرسه می‌روند و این امر باعث می‌شود نشانه‌های گسترش مصرف‌گرایی در دانش‌آموزان متمدول راهی به مدرسه باز نکند. علاوه بر برهم زدن این معادله‌ی طبقاتی، پوشش لباس فرم برای دانش‌آموز می‌تواند آموزشی باشد برای تمرین قانون‌پذیری آن‌ها در یک نظام اجتماعی کوچک به نام مدرسه. دانش‌آموز، در جریان قانون‌پذیری‌های کوچک، جامعه‌پذیرتر خواهد شد و می‌تواند خود را با مصوبات غیراجباری جامعه - اما مفید - در آینده سازگارتر کند (Gelisli & Kazzykhankyzy, 2019: 4). از دیگر مواردی که باعث استقبال خانواده‌ها از پوشیدن لباس‌های فرم شده است هزینه‌ی نسبتاً پایینی است که خانواده‌ها در یک سال تحصیلی صرف پوشش می‌کنند. حسن دیگر استفاده از این فرم‌های دانش‌آموزی، شخصیت‌دهی به دانش‌آموزان است. اما مواردی که مخالفان این طرح را مصمم می‌کند، خدشه وارد کردن به استقلال فرد در انتخاب نوع پوشش‌اش، با توجه به تفاوت‌های فردی، است. منتقدان بر این نکته پافشاری می‌کنند که وقتی ارتباط بین پوشش و تغییر در کیفیت یادگیری ثابت نشده است، نباید سلیقه‌ی افراد را محدود به تصمیمات جمعی غیرضروری کرد و غیرمستقیم موجب دل‌سردی و دل‌خوری آن‌ها از محیط آموزشی شد (Parmenter, 1999: 457). معایب و محاسن این یکسان‌سازی پوشش را می‌توان در کنار هم گذاشت و با ارائه‌ی راهکارهایی، این دو را کمی همسوتر کرد. توجه به این نکته لازم و ضروری است که، براساس آیین‌نامه‌ی ابلاغی از سوی وزارت آموزش و پرورش، لباس دانش‌آموزان باید دوخت و رنگ ساده و دارای ظاهری آراسته

و متناسب با محیط آموزشی و نیز فاقد هرگونه تصویر و نوشته‌ی مغایر با شئون اسلامی باشد. در این آیین‌نامه‌ها هیچ اجباری مبنی بر اجباری بودن لباس فرم دانش‌آموزی دیده نمی‌شود، پس این مسئله باید با تفاهم خانواده و مدرسه صورت پذیرد؛ در این راستا بهترین روش قرار دادن نظرات مختلف در یک سبد پیشنهادی متشکل از موارد مدنظر، نماینده‌ی دانش‌آموزان، نمایندگان انجمن اولیا و مربیان مدارس و همچنین مسئولان آموزشی است. دانش‌آموزان به‌عنوان مصرف‌کنندگان این پوشش باید حق انتخاب در رنگ و مدل را داشته باشند و مسئولان نیز، با بیان نکات رهنمودی درباره‌ی روان‌شناسی رنگ و مناسب بودن لباس با فرهنگ بومی و ملی، از آن حمایت کنند. در نهایت، اگر لباس مدرسه با همراهی آن‌ها تهیه شود، کمترین مخالفت‌ها و ایستادگی‌ها را در مقابل آن شاهد هستیم. از مدیران مدارس این توقع می‌رود که در انتخاب فروشگاه و تولیدی‌های طرف قرارداد به خانواده‌ها توجه کنند، نه به سود شراکت ناشی از این همکاری برای مدارس (سریع القلم، ۱۳۸۳: ۱۳). در بعضی مدارس مشاهده می‌شود که قیمت تمام‌شده‌ی تولیدی با قیمت عرضه‌شده به اولیا تفاوتی چشمگیر دارد. این مورد نشان از نگاه بازاری و سودخواهی به این طرح است تا در نهایت مدرسه نیز نفعی از این طرح برایش حاصل و عاید شود. مدیران مدارس باید به این نکته توجه کنند که شاید برای خانواده‌ای تحمیل همین هزینه‌ی اندک نیز سبب مشکلاتی شود. این طرح زمانی بهترین دستاوردش حاصل خواهد شد که در قراردادهای وضع‌شده بین تولیدی‌ها و فروشگاه‌ها، سهمی هم با مشارکت صاحبان کار و مسئولان انجمن اولیا و مربیان برای این خانواده‌ها در نظر گرفته شود. طرح توسعه‌ی لباس‌های بومی و محلی در مدارس نه تنها با روح قوانین و اسناد فرادستی، به‌ویژه سند تحول بنیادین، مخالفتی ندارد که در راستای آن است. در ذیل پنجمین راهکار، مورد سوم سند تحول بنیادین، طراحی و ارائه‌ی الگوی لباس و پوشش مناسب، متنوع، زیبا و آراسته مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی برای مربیان و دانش‌آموزان پسر و دختر در راستای تقویت هویت اسلامی - ایرانی توصیه شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

میرزایی (۱۴۰۳) در نشانه‌شناسی پوشاک با توجه به موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ی قرن نهم نشان می‌دهد که لباس و پوشاک در شعر ابن‌حسام از گستره‌ی معنایی خاصی برخوردار است و شاعر به کارکردهای فردی و اجتماعی پوشش توجه داشته است. نتایج پژوهش کاظمی میرکی و همکاران (۱۴۰۲) حاکی از آن است که استفاده از رنگ‌ها، متناسب با ویژگی‌های هر کدام از آن‌ها، در کتاب‌های درسی، وسایل کمک آموزشی، فضای کلاس، حیاط مدرسه و لباس‌های دانش‌آموزان موجب شده شرایط مناسب برای یادگیری دانش‌آموزان - با فعال کردن هر دو نیمکره‌ی مغز - فراهم شود. قاسمی طالب قشلاقی و متاجی (۱۳۹۹) در پژوهشی به طراحی الگوی اثربخشی سیستم مدیریت کیفیت جامع در طراحی لباس فرم مدارس کشور پرداخته‌اند که با توجه به نتایج به دست آمده، از دیدگاه خبرگان، معیارهای حمایت و رهبری مدیریت عالی TQM، برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت پروژه TQM، مشتری‌گرایی و بهبود مستمر، بالاترین ارزش را دارا هستند. در بین زیرشاخص‌ها نیز، حمایت مدیریت ارشد، اهداف استراتژیک، منش رهبری و کنترل مدیران سازمان، پیش‌بینی مدیریت پروژه، عملکرد مدیریت CRM، استراتژی‌های پیاده‌سازی TQM، به ترتیب، بالاترین اهمیت را کسب کردند. میرطاهری و صالحی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان می‌دهند کیفیت پوشش مناسب و حجاب بین دانش‌آموزان دختر با آسیب و چالش‌های متعدد و متنوعی همراه است که کم‌توجهی به آن می‌تواند سلامت روحی و روانی آن‌ها را با چالش‌های جدی همراه سازد. یافته‌های پژوهش قاسم پورمقدم (۱۳۹۲) نشان‌دهنده‌ی تنوع اقوام و فرهنگ‌ها در بسیاری از کشورها، مانند ایران است. در این میان، مدارس به عنوان محیط‌های آموزشی و فرهنگی، با واقعیت وجودی هویت‌ها، اقوام و فرهنگ‌های متفاوت روبرو هستند و آموزش و پرورش موظف به ایجاد فضای آزاد برای یادگیری، کمک به توسعه‌ی پایدار، دموکراسی، برابری در فرصت‌های آموزشی، صلح و عدالت آموزشی است. صفی یاری و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی روان‌شناسی فرم و رنگ با اهداف آموزش و پرورش در طراحی لباس دانش‌آموزان ابتدایی» انجام دادند که براساس آن، اهدافی که وزارت آموزش و پرورش در طول دوره‌ی ابتدایی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته، در هشت گروه تقسیم‌بندی می‌نماید. به همین دلیل ابتدا اهداف را برای پایه‌های مختلف تفکیک

کرده و سعی شده با استفاده مناسب و اصولی از رنگ و عناصر بصری روند نیل به این اهداف را سرعت ببخشند. یاسری نسب و قاسمی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که پیدایش وجه مشترک زندگی اجتماعی میان جوامع مختلف نه تنها باعث از بین رفتن هویت فرهنگی آن‌ها نمی‌شود بلکه آشنایی و پیوند هرچه بیشتر آن‌ها با یکدیگر بر غنای فرهنگی آنان می‌افزاید. شیری (۱۳۸۵) خرده فرهنگ‌ها را عامل اصلی در ایجاد هویت اقوام و ملل می‌داند و اظهار می‌دارد که هویت اقوام و ملل از فرهنگ و خرده فرهنگ آنان برمی‌خیزد؛ بنابراین هویت فرهنگی اقوام به سادگی از بین نمی‌رود. پژوهش جلیسلی و کا: یخانکیزی (2019) هویت ملی را در نظام آموزشی سریلانکا بررسی کرده و نشان داده که کتب درسی این کشور، به‌ویژه تاریخ، براساس تمایزات قومی و در برخی موارد (برتری قومی) تهیه شده‌اند. بنابر اعتقاد این پژوهشگران، چنین تعلیم و تربیتی که برتری قومی و نژادی را پرورش داده و آن را تشویق کند، موجب تخریب (وحدت ملی) و به تبع آن احساس ضعف هویت ملی می‌گردد.

امروزه، ورود مدل‌های لباس‌های جدید خارجی و عمدتاً غربی موجب شده تا لباس‌های بومی و محلی که معرف فرهنگ غنی و بومی مناطق مختلف بوده از رونق افتاده و کم‌کم رنگ فراموشی به خود گیرد. لباس‌های سنتی زنان کرمانج و ترکمن خراسان شمالی از نمونه لباس‌های اصیل و ایرانی است که طرح و نگار نقش بسته بر آن، چشم‌ها را به میهمانی طبیعت می‌برد و هر نقش نمادی است که پیشینه‌ای دیرینه دارد. وجود قومیت‌های مختلف از جمله کرمانج‌ها، ترک‌ها، تات‌ها، ترکمن‌ها در این استان باعث شده علاوه بر آداب و رسوم مختلف، رنگ‌های متفاوت و زیبای پوشش و صنایع دستی آن‌ها نیز در کنار یکدیگر زیبایی خاصی را بیافریند. مردم این استان در گذشته برای نیاز به پوشش، وسایل و اسباب مورد نیاز را به صورت دستی تولید می‌کردند. اما امروزه این هنر تبدیل به صنعت شده که عمدتاً با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام مراحل تولید به وسیله‌ی ابزار ساده‌ی دستی محصولات ساخته می‌شود که در هر واحد آن ذوق هنری و خلاقیت فکری سازنده به نحوی تجلی یافته و همین عامل وجه تمایز اصلی این گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه‌ای است. صنایع دستی یکی از مظاهر هنری، فرهنگی و تاریخی هنر منطقه محسوب می‌شود و اگر این صنایع فراموش شوند، بی شک فرهنگ، هنر و تاریخ آن ملت نیز فراموش خواهد شد. اگر به هر نقطه از خراسان شمالی بنگریم، شاهد

صنایع دستی متفاوت و زیبایی خواهیم بود از آن جمله می‌توان این صنایع دستی را برشمرد: صنایع دستی شهرستان بجنورد، شامل چارق‌دوزی، سفره‌کردی، ساخت سازه‌های سنتی، زیورآلات سنتی، ابریشم‌بافی، نمدمالی، صحافی سنتی، قالی و قالیچه ترکمن، رودوزی سنتی (بخیه‌دوزی)، جاجیم‌بافی، پلاس‌بافی؛ از بین این رشته‌ها صحافی سنتی، جاجیم‌بافی و پلاس‌بافی جزء رشته‌های منسوخ‌شده هستند. صنایع دستی شهرستان جاجرم نظیر چادرشب، کلاه جاجرمی، پارچه‌بافی، گلیم که پارچه‌بافی و کلاه جاجرمی در حال منسوخ شدن است.

لباس کردی از بخش‌های مختلفی شامل شلیته، گراس، جلیقه، یاشار، سربند، گار، جوراب سفید و چاروق تشکیل شده است. پوشاک مورد نیاز افراد خانواده‌ی ترکمن توسط زنان قبیله و از پشم گوسفند یا ابریشم تهیه می‌گردد. البسه‌ی محلی مردان ترکمن: دون (معروف به قرمز دون)، اچمک و زنان ترکمن: چاوک، کولته، چلیپی، یلک، یالق می‌باشد. صنایع دستی شهرستان فاروج: کیسه‌بافی و گلیم‌بافی است. صنایع دستی شهرستان مانه و سملقان: خراطی، گلیم، سفره‌کردی. هنرمندان این شهرستان در رشته‌هایی مانند معرق، رودوزی سنتی و سفال‌فالی فعالیت دارند. صنایع دستی شهرستان اسفراین: چادرشب‌بافی، چلنگری، قالی و قالیچه و حوله‌بافی. زنان و دختران کرمانج و ترکمن این دیار در درازنای تاریخ پوشش اصیل خود را که گویا هویت آنان است، حفظ کرده‌اند و به عنوان میراثی گران‌سنگ، پشت به پشت به نسل بعدی منتقل کرده‌اند. می‌توان بیان کرد تا کنون پژوهشی درباره‌ی استفاده از عناصر بومی در پوشش دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی صورت نگرفته است؛ لذا در پژوهش حاضر، با توجه به مبانی نظری و پیشینه، سؤالات ذیل مورد ارزیابی قرار گرفتند:

- از آداب و رسوم قومی و محلی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

- از میراث فرهنگی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

- از آموزش و تبلیغ چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

- از نحوه‌ی پوشش مردمی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟
- از رقابت و طراحی مد چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟
- از قوانین و مقررات چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟
- از برنامه‌های تشویقی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

روش پژوهش

در بخش اول تحقیق از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شد. تحقیق کیفی فرایندی است از تحقیق که داده‌ها را از زمینه‌ای که رویدادها در آن رخ می‌دهد، استخراج و تلاش می‌کند این رویدادها را از طریق فرایندی که در آن، جاسازی شده و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در آن را وصف و از ابزاراستنتاج برای ایجاد تبیین‌های ممکن براساس پدیده مشاهده شده، توصیف نماید (خنیفر و زروندی، ۱۳۸۹: ۲۴۸). بدین منظور، در این تحقیق برای پاسخ به سؤالات تحقیق از روش تحلیل مضمون^۱ و شیوه‌ی مصاحبه‌ی نیمه‌ساختارمند استفاده شده است. تحلیل مضمون یکی از روش‌های تحلیل کیفی است که براساس آن متن مصاحبه‌های کیفی کاهش می‌یابد و بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص، و سپس به گونه‌ای بازسازی می‌شود که مفاهیم مهم درون مجموعه‌ای از داده‌ها استخراج شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰). بدین منظور نتایج حاصل از ۲۳ مصاحبه، نشان‌دهنده‌ی هفت مولفه‌ی اصلی است که مؤلفه‌های موجود در عناصر قومی و بومی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی را ارائه می‌داد. جامعه‌ی آماری شامل ۲۳ نفر است که از میان مدیران، معلمان، والدین و متخصصین حوزه‌ی تعلیم و تربیت انتخاب شدند. آمار جمعیت‌شناختی نمونه‌های مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آمار جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

تعداد مصاحبه‌شوندگان	افراد مصاحبه‌شونده
۷	معلم
۵	مدیر
۳	اساتید حوزه تعلیم و تربیت
۸	والدین

این مطالعه در یک دوره‌ی زمانی چهارماهه در پاییز و زمستان ۱۴۰۲ انجام شد. زمان تقریبی برای انجام مصاحبه نیز حدود یک ساعت در نظر گرفته شد. به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده از جریان مصاحبه، نسخه‌برداری^۱ (آماده نمودن اطلاعات کسب شده در مصاحبه برای تحلیل) انجام گردید. در این فرایند یک مصاحبه‌ی شفاهی، تبدیل به یک متن منسجم می‌گردد. تحلیل داده‌ها در این مطالعه با استفاده از روش ادھوک^۲ - رایج‌ترین شکل تحلیل مصاحبه، برای تولید معانی - امکان‌پذیر شد. با استفاده از این روش، ابتدا کدگذاری و طبقه‌بندی واحدهای متنی موجود، به طبقه‌های معنی‌دار و منطقی (تم) و با در نظر گرفتن سه ویژگی فراگیری، طرد متقابل و استقلال انجام شد. برای محاسبه‌ی پایایی مصاحبه‌های انجام شده، از روش پایایی بازآزمایی و روش توافق درون موضوعی استفاده شده است. برای محاسبه‌ی پایایی بازآزمون، تعداد سه مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آن‌ها دو بار در یک فاصله‌ی زمانی ۱۵ روزه به وسیله‌ی پژوهشگر کدگذاری شدند. تعداد کل توافقات بین کدها در این فاصله‌ی زمانی برابر ۱۸۰، تعداد کل توافقات بین کدها در دو زمان برابر ۱۶۵، و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۵۰ است. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق برابر با ۰/۷۸ است. برای محاسبه‌ی پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک همکار محقق درخواست شد تا در این بخش مشارکت نماید. پس از آموزش‌های لازم در خصوص تکنیک‌های کدگذاری، تعداد سه مصاحبه به طور هم‌زمان به وسیله‌ی محقق و همکار کدگذار، کدگذاری مجدد شدند. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق برابر ۰/۸۵ محاسبه گردید. بنابراین

1. transcribing
2. ad.hoc

قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا نمود که میزان پایایی مصاحبه‌ها مناسب است. بعد از تجزیه و تحلیل، هفت تم استخراج شده و براساس موضوع مورد بحث و همچنین استناد به مبانی نظری، مبنای ساخت پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته قرار گرفت. یافته‌های حاصل از تحلیل تم در جدول ۲ ارائه شده است. در بخش دوم پژوهش، جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی معلمان و مدیران مدارس ابتدایی بجنورد به تعداد ۲۶۰ نفر بود که براساس جدول کرجسی و مورگان (1972) تعداد ۱۶۵ نفر به عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات در بخش کمی از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته‌ی ۳۶ سوالی در هفت مقیاس (آداب و رسوم قومی و محلی، میراث فرهنگی، آموزش و تبلیغ، نحوه‌ی پوشش، رقابت و طراحی مد، قوانین و مقررات و برنامه‌های تشویقی) استفاده گردید. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روایی محتوا استفاده شد که پس از تأیید توسط اساتید و متخصصین در این حوزه، برای تعیین پایایی تعداد ۳۰ عدد پرسش‌نامه در بین نمونه‌ی آماری توزیع شد که پس از بالا بودن میزان آلفای کرونباخ بالای ۰/۷، پایایی آن نیز تأیید گردید و سپس در بین جامعه‌ی آماری توزیع شد. پایایی پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۸۶ محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده نرم افزار SPSS²⁴ انجام شد.

جدول ۲. یافته‌های مطالعه‌ی کیفی مستخرج از تحلیل مضمون

تم‌های اصلی
آداب و رسوم قومی و محلی
میراث فرهنگی
آموزش و تبلیغ
نحوه پوشش مردمی
رقابت و طراحی مد
قوانین و مقررات
برنامه‌های تشویقی

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شاخص‌های توصیفی پرداخته شد. توزیع فراوانی براساس جنسیت، ۹۰ نفر مرد (۵۴/۵٪) و ۷۵ نفر زن (۴۵/۵٪)، براساس سن، بیشترین درصد مربوط به افراد با سن ۳۱ الی ۴۰ سال (۶۰/۶ درصد)، براساس تحصیلات، بیشترین درصد مربوط به سطح تحصیلات لیسانس با ۱۰۲ نفر (۶۴/۸ درصد) و فوق‌لیسانس با ۶۰ نفر (۳۶/۴ درصد)، براساس سابقه‌ی کاری، بیشترین درصد مربوط به افراد با سابقه‌ی کاری ۱۱- ۱۵ سال (۳۹/۴٪) بود. متغیرهای تحت بررسی در این پژوهش از نوع فاصله‌ای - رتبه‌ای بودند، و به کمک روش آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (جدول ۱) مقدار سطح معناداری برای متغیرهای مستقل و وابسته همگی بالاتر از ۰/۰۵ به دست آمد. با توجه به بزرگتر بودن p-value فرض H0 (نرمال بودن توزیع) رد نمی‌شود؛ بدین جهت توزیع داده‌های مورد استفاده نرمال است؛ ازاین‌رو از آزمون پارامتریک تی تک متغیر استفاده گردید.

جدول ۳. بررسی توزیع نرمال متغیرهای تحقیق

سطح معناداری	آماره Z کالموگروف اسمیرونف	پارامترهای نرمال b		متغیرهای تحقیق
		انحراف معیار استاندارد	میانگین	
۰/۹۸۱	۰/۴۶۷	۰/۶۸	۳/۱	آداب و رسوم قومی و محلی
۰/۷۰۴	۰/۷۰۴	۰/۷۸	۳/۱۰	میراث فرهنگی
۰/۹۳۰	۰/۵۴۲	۰/۸۹	۳/۱۵	آموزش و تبلیغ
۰/۳۶۷	۰/۹۱۲	۰/۶۹	۲/۹۰	نحوه پوشش مردمی
۰/۵۶۰	۰/۷۹۰	۰/۷۷	۲/۷۹	رقابت و طراحی مد
۰/۵۶۰	۰/۷۹۰	۱/۰۵	۳/۱۸	قوانین و مقررات
۰/۷۵۰	۰/۶۷۷	۱/۲۰	۲/۹۴	برنامه های تشویقی

سوال اول: از آداب و رسوم قومی و محلی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟ این سوال با استفاده از آزمون t تک متغیر مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۲ نشان داده شده است. در این آزمون سوال مطرح شده در مورد میانگین جامعه در سطح خطای ۰/۰۵ مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۴. آزمون معناداری t تک نمونه ای برای سؤال اول

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجات آزادی	سطح معناداری
آداب و رسوم قومی و محلی	۳/۱	۰/۶۸	-۸۲۹/۳۵	۱۶۶	۰/۰۰

براساس جدول فوق، در ارتباط با سؤال اول، مقدار میانگین به دست آمده ۳/۱ و مقدار تی ۸۲۹/۳۵- و sig مقدار ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد که چون مقدار sig از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد و همچنین مقدار میانگین به دست آمده از مقدار ۳ بیشتر است، استفاده از آداب و رسوم قومی و محلی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار است.

سوال دوم. از میراث فرهنگی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره ابتدایی استفاده نمود؟ نتایج در جدول ۳ نشان داده شد.

جدول ۵. آزمون معناداری t تک نمونه ای برای سؤال دوم

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجات آزادی	سطح معناداری
میراث فرهنگی	۳/۱۰	۰/۷۸۲	-۷۲۳/۶۳	۱۶۶	۰/۰۰۰

براساس جدول فوق، مقدار میانگین به دست آمده ۳/۱۰ و مقدار تی ۷۲۳/۶۳ و معناداری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد که چون مقدار sig از ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد و همچنین مقدار میانگین به دست آمده از مقدار ۳ بیشتر است؛ استفاده از میراث فرهنگی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار است.

سوال سوم. از آموزش و تبلیغ چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

این سوال با استفاده از آزمون t تک متغیر مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۴ نشان داده شد.

جدول ۶. آزمون معناداری t تک نمونه ای برای سؤال سوم

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجات آزادی	سطح معناداری
آموزش و تبلیغ	۳/۱۵	۰/۸۹	-۶۳۵/۴۳	۱۶۶	۰/۰۰۰

براساس جدول فوق، مقدار میانگین به دست آمده ۳/۱۵ و مقدار تی ۶۳۵/۴۳ و معناداری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد که چون مقدار sig از ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد و همچنین مقدار میانگین

به دست آمده از مقدار ۳ بیشتر است، استفاده از آموزش و تبلیغ در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار است.

سؤال چهارم: از نحوه‌ی پوشش مردمی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

جدول ۷. آزمون معناداری t تک نمونه ای برای سؤال چهارم

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	t آزمون	درجات آزادی	سطح معناداری
نحوه پوشش مردمی	۲/۹	۰/۶۹	-۸۱۸/۶۳	۱۶۶	۰/۰۰۰

براساس جدول فوق، مقدار میانگین به دست آمده ۲/۹ و مقدار تی ۸۱۸/۶۳- و معناداری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد که چون مقدار sig از ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد و همچنین مقدار میانگین به دست آمده از مقدار ۳ کمتر است، نحوه‌ی پوشش مردمی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار نیست.

سؤال پنجم: از رقابت و طراحی مد چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

جدول ۸. آزمون معناداری t تک نمونه ای برای سؤال پنجم

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجات آزادی	سطح معناداری
رقابت و طراحی مد	۲/۷۹	۰/۷۷	-۷۳۴/۶۲۱	۱۶۶	۰/۰۰۰

براساس جدول فوق، مقدار میانگین به دست آمده ۲/۷۹ و مقدار تی ۷۳۴/۶۲۱- و معناداری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد که چون مقدار sig از ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد و همچنین مقدار میانگین به دست آمده از مقدار ۳ کمتر است، رقابت و طراحی مد در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار نیست.

سوال ششم. از قوانین و مقررات چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

جدول ۹. آزمون معناداری t تک نمونه‌ای برای سؤال ششم

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجات آزادی	سطح معناداری
قوانین و مقررات	۳/۱۸	۱/۰۵۸	-۵۳۴/۴۹۹	۱۶۶	۰/۰۰۰

براساس جدول فوق، مقدار میانگین به دست آمده ۳/۱۸ و مقدار تی ۵۳۴/۴۹۹- و معناداری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد که چون مقدار sig از ۰.۰۵ بزرگتر می‌باشد و همچنین مقدار میانگین به دست آمده از مقدار ۳ بیشتر است، قوانین و مقررات در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار است.

سوال هفتم. از برنامه‌های تشویقی چگونه می‌توان در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی استفاده نمود؟

جدول ۱۰. آزمون معناداری t تک نمونه‌ای برای سؤال هفتم

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجات آزادی	سطح معناداری
برنامه‌های تشویقی	۲/۹۴	۱/۲۰	-۴۷۱/۱۲۴	۱۶۶	۰/۰۰

براساس جدول فوق، مقدار میانگین به دست آمده ۲/۹۴ و مقدار تی ۴۷۱ / ۱۲۴ - و معناداری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد که چون مقدار sig از ۰.۰۵ کوچکتر می‌باشد و همچنین مقدار میانگین به دست آمده از مقدار ۳ کمتر است، برنامه‌های تشویقی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تاثیرگذار نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

این پژوهش به شناسایی عناصر قومی و بومی در تدوین الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی پرداخت. یافته‌ها در سوال اول نشان می‌دهد که استفاده از آداب و رسوم قومی و محلی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار است. آداب و رسوم محلی اقوام مختلف ذیل فرهنگ رنگین‌جامعه‌ی ایران فرصتی جدی جهت بسط و تقویت اندیشه‌های دینی از جمله حجاب و عفاف است. حال آنکه یکسان‌سازی فرهنگی و دستکاری شاخصه‌های هویتی اقوام را در مسیری نابسامان از فرهنگ هویت حرکت داده و به آسیب‌های جدی جامعه نیز منجر می‌شود. تأکید بر لزوم توجه به فرهنگ مناطق مختلف و شاخصه‌های هویتی این اقوام و تلاش جهت تقویت آن‌ها به عنوان بستری مهم و تأثیرگذار هست که در این پژوهش به آن پرداخته شد. تحقق بخشیدن به چنین هویتی موجب می‌شود دانش‌آموزان متناسب و هماهنگ با هنجارهای حاکم بر جامعه تربیت شوند؛ لازمه‌ی این امر پذیرفتن اهداف مورد نظر جامعه از سوی یکایک اعضای آن است و این امر زمانی محقق می‌شود که انسجام اجتماعی در جامعه مشهود باشد. اما آنچه باید در این زمینه متذکر شد، این است که تعلیم و تربیت در تحقق هویت ملی نقش اساسی برعهده دارد و باید تمهیدات لازم را برای فراهم نمودن مؤلفه‌های مربوط به هویت ملی پدید آورد تا فردی را پرورش دهد که در آرمان‌خواهی و حرکت به سوی آن با ملت هم‌سو و همگام باشد و ویژگی‌های مربوط به فرهنگ و هویت مربوط به آنان را دارا باشد. این یافته با نتایج تحقیقات حبیب‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، میر طاهری و صالحی (۱۳۹۴)، رضایی کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)، طالبی (۱۳۸۷)، صفارحیدری و همکاران (۱۳۸۹)، شمشیری (۱۳۸۷)، شیرینی (۱۳۸۵)، کیم (۲۰۰۴)، (Gelisli & Kazykhankyzy, 2019)، (Parmenter, 1999)، (Siriwardena, 2002) هماهنگ و هم‌سو است.

نتایج دومین پرسش نشان می‌دهد که استفاده از میراث فرهنگی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیر گذار است. یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگی جامعه ایران، قومیت‌های فرهنگی هستند که از قضا دارای تنوع و تکثر قابل توجهی بوده و بخش مهمی از مباحث فرهنگی جامعه را به خود اختصاص می‌دهد. بررسی و مطالعه‌ی فرهنگ‌های قومی با هر رویکردی اعم از تعریف، اهمیت، آثار، ابعاد و اجزا بدون مد نظر قرار دادن فرهنگ ملی ابتر خواهد ماند؛ چرا که این فرهنگ‌ها در دل فرهنگ ملی و جزئی از آن به حساب می‌آیند، از طرفی فرهنگ‌های قومی که در دل فرهنگ یک ملت قرار دارند، شیوه‌ی زندگی تبار خاصی است که وجه متمایز زندگی قومی یا تباری از اقوام دیگر شده است. فرهنگ‌های قومی متعدد شیوه‌هایی است که اقوام ایرانی برای زندگی برگزیده‌اند. این یافته با نتایج تحقیقات عسگریان (۱۳۸۵)، (Gelisli & Kazzykhankyzy, 2019)، (Fadjukoff, 2005 & et al., 2005)، (Siriwardena, 2002)، (Parmenter, 1999) هماهنگ و هم‌سو است.

یافته‌ها در سوال سوم نشان می‌دهد استفاده از آموزش و تبلیغ در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار است. برای جلوگیری از هنجارشکنی و رعایت ارزش‌ها نیاز به کنترل اجتماعی است که با این کنترل‌ها جامعه اعضایش را به سازگاری و جلوگیری از هنجارشکنی دعوت می‌کند تا معیارهای مورد نظر در جامعه رعایت شود. در این زمینه نقش آموزش و پرورش که قالب اصلی و خط مشی یک جامعه در این نهاد بسیار مهم رقم می‌خورد و با اذهان مردم سروکار دارد با ارزش است. همچنین نقش رسانه‌ی ملی و مطبوعات که بیشترین مخاطب را دارند و می‌توانند در ایجاد همبستگی برای رعایت ارزش‌ها و هنجارها بسیار مهم که به نام اتحاد ملی می‌باشد مفید واقع شود. این یافته با نتایج تحقیقات عسگریان (۱۳۹۵)، صرافی و علیپور (۱۳۸۸)، (Kim, 2004)، (Lewis, 2003)، (Parmenter, 1999) هماهنگ و هم‌سو است.

یافته‌های سوال چهارم بیان می‌کند نحوه‌ی پوشش مردمی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار نیست. در تبیین این یافته می‌توان گفت لباس‌های سنتی ایران دارای ویژگی‌های جالبی است؛ لباس‌های بومی راحت هستند یعنی اینکه لباس‌های سنتی در عین اینکه از قطعات متعدد تشکیل شده است، برای انجام اعمال روزانه

مناسب است. در حال حاضر، بخش قابل توجهی از مواد اولیه‌ی مورد نیاز و تمامی تخصص‌های لازم برای طراحی، دوخت و انجام رودوزی و تزئینات لباس‌های سنتی در داخل کشور موجود است و استفاده از این نوع لباس و پوشاک، در واقع ایستادگی در برابر مدها و الگوهای بی پایه و اساس وارداتی محسوب می‌شود و به نوعی به قطع وابستگی اقتصادی کمک می‌کند. طرح‌های وارداتی هم‌اکنون مورد استقبال جوانان و نوجوانان قرار گرفته است که هیچ نشانه‌ای از طراحی خلاقانه ایرانی در آن‌ها وجود ندارد؛ از این‌رو برای اجرای این طرح نیاز به مطالعه‌ی میدانی و بررسی نظرات صاحب‌نظران داریم. همچنین در طراحی لباس فرم دانش‌آموزی باید به خواست و سلائق دانش‌آموزان و فرهنگ مناطق مختلف کشور توجه کرد؛ در حقیقت باید لباسی طراحی شود که مورد علاقه‌ی دانش‌آموز باشد و این لباس به او تحمیل نشود. به دلایل مختلف دانش‌آموزان ارتباط معناگرایانه و هویتی با لباس دانش‌آموزی برقرار نکرده‌اند اما باید گفت که نوعی دیگر از لباس فرم در سطح جامعه‌ی ما رواج دارد که با عنوان لباس بومی و محلی شناخته شده است؛ این لباس‌ها با تنوع در رنگ و کیفیت از جایگاه و ارزش والایی در نزد مردم مناطق مختلف برخوردار است. نتایج این یافته با نتایج تحقیقات قاسم پورمقدم (۱۳۹۲)، رضایی کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)، طالبی (۱۳۸۷)، صفار حیدری و همکاران (۱۳۸۹)، (Kim, 2004) هماهنگ و هم‌سو نیست.

نتایج در سوال پنجم نشان می‌دهد که رقابت و طراحی مد در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار نیست. در چند سال اخیر، تغییراتی در پوشش دانش‌آموزان روی داده، به گونه‌ای که تهیه‌ی لباس فرم مدرسه به دغدغه‌ای برای خانواده‌ها تبدیل شده است. یک‌دست کردن دانش‌آموزان از نظر پوشش، علاوه بر داشتن محسنات، معایبی نیز دارد؛ تهیه و یا تغییر هر ساله‌ی لباس فرم مدارس برای برخی خانواده‌ها مشکلات اقتصادی ایجاد کرده است؛ از این‌رو استناد پوشش مدارس به مسئله‌ی قومی و بومی هر منطقه می‌تواند راه‌گشای این کلاف سردرگم برای پوشش دانش‌آموزان باشد.

یافته‌ها در سوال ششم نشان‌دهنده‌ی تأثیرگذار بودن قوانین و مقررات در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی است. تعلیم و تربیت با سیاست اجتماعی، فرهنگ و توسعه‌ی جهانی روبه‌روست و این امر آموزش و پرورش را نیازمند تغییر و

اصلاح می‌کند. همچنین نتایج مطالعات محققین نشان می‌دهد آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم به نوجوانان در موضوع جهانی شدن موفقیتی نداشته است و به نظر دانش‌آموزان این آموزش‌ها نتوانسته نگرش فعال و معقولی را در مورد جهانی شدن برای آن‌ها ایجاد کند؛ حتی در نقشی معکوس و در بستر فرهنگی و اجتماعی موجود به پذیرش جهانی شدن منجر نشده است. از سوی دیگر، صاحب‌نظران معتقدند که به طور کلی مسائل فرهنگی باید از پایه‌ی ابتدایی مد نظر قرار گیرد و بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از کودکی تأکید گردد و اموری که در آینده قرار است هدف اصلی باشد، از پایه روی آن‌ها کار شود. در حقیقت انعکاس عناصر عمومی فرهنگ بایستی در دوره‌های ابتدایی بیشتر باشد و هر چه آموزش ادامه پیدا می‌کند، بایستی جنبه‌ی تخصصی و حرفه‌ای آن بارزتر شود. بنابراین در مرحله‌ی اول، برنامه‌های درسی بایستی بر تربیت عمومی، یعنی پرورش و گسترش عناصر عمومی فرهنگ، در میان فراگیران تأکید نماید. این یافته با نتایج تحقیقات قاسم پورمقدم و همکاران (۱۳۹۲)، رضایی کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)، طالبی (۱۳۸۷)، صفار حیدری و همکاران (۱۳۸۹)، شمشیری (۱۳۸۵)، شیخاوند (۱۳۸۳)، (Gelisli & Kazykhankyzy, 2019)، (Fadjukoff & et al., 2005)، (Kim, 2004) هماهنگ و هم‌سو است. نتایج آزمون سوال هفتم نشان می‌دهد که برنامه‌های تشویقی در تدوین استانداردها و الگوهای لباس و پوشش مناسب دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی تأثیرگذار نیست. این یافته با نتایج پژوهش حبیب‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، میر طاهری و صالحی (۱۳۹۴)، رضایی کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)، طالبی (۱۳۸۷)، صفارحیدری و همکاران (۱۳۸۹)، شمشیری (۱۳۸۷)، شیرینی (۱۳۸۵)، (Gelisli & Kazykhankyzy, 2019)، (Parmenter, 1999)، (Siriwardena, 2002) هماهنگ و هم‌سو نیست.

تربیت عمدی یا آموزش رسمی آغاز حرکت به سوی جامعه‌پذیری است؛ بنابراین اجازدهی ورود به جامعه، همچون لحاظ کردن فرهنگ‌های اقوام در برنامه‌های تربیتی، پذیرش هویت ملی را برای فرد ممکن می‌سازد که با ترکیب فرهنگ‌های قومی، ملت یک موجود چندسلولی می‌شود که پیوند بین سلول‌های آن، یعنی گروه‌های قومی، هویت ملی را در قالب هویت فرهنگی واحد شکل می‌دهد. دستیابی به چنین هویتی نیازمند تقویت ارزش‌های فرهنگ قومی است. بدین سان قوم‌مداری ضعیف و اقوام‌مداری جایگزین آن می‌شود؛ بنابراین تعلیم و تربیت رسمی رسالت دارد

که از طریق کنار گذاردن تبعیضات فرهنگی به کودکان و نوجوانان یک ملت هویت ملی ببخشد. همه‌ی آنان که در ایران به دنیا می‌آیند، شهروند ایرانی شناخته می‌شوند و باید از حقوق برابر با سایر هموطنان خود و با اعضای جامعه‌ی انسانی در سطح بین‌المللی برخوردار باشند و به تدریج که رشد می‌کنند، از حقوق ویژه‌ی کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان و سالخورده‌گان برخوردار باشند. نظام آموزش و پرورش باید شناخت درستی از ویژگی‌ها، مسائل، ابعاد و توانمندی‌های فرهنگ‌های قومی داشته باشد تا بتواند اهداف، ساختار، مواد و محتوای نظام آموزشی را براساس آن تنظیم کند. بنابراین شناساندن ارزش‌های فرهنگی اقوام از طریق برنامه‌های درسی به دانش‌آموزان زمینه‌ی شناسایی ارزش‌های برتر را نیز برای آنان فراهم می‌آورد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای مطرح می‌گردد:

یکی از موارد مهم این است که در کتب درسی دانش‌آموزان و دانشجویان لباس‌های سنتی و اقوام مختلف معرفی و تدریس شوند و از همه مهم‌تر اساتید، معلمان و دانشجویان بتوانند با این لباس‌ها در کلاس‌های درس و محیط‌های آموزشی حاضر شوند. مسئولیت مهم رسانه‌ها این است که دولت و مردم را در پوشش لباس‌های سنتی و محلی یاری دهند. این اقدام کاری فرهنگی است و باید با روش‌های مختلف فرهنگ سازی کرد که البته رسانه‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در ترویج فرهنگ این لباس‌ها داشته باشند. همچنین، آموزش و پرورش با همکاری کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور باید به اقتضائات سنی و جنسیتی و فرهنگ بومی توجه کند. این اختیار به مدیران مدرسه داده شود که برای طرح لباس فرم مدرسه از ابتکار عمل خودشان بهره گیرند؛ اجرای چنین ابتکاراتی زمینه‌ای برای توجه به داشته‌ها، سنت‌ها و آیین‌های ملی و دینی، خصوصا در میان نسل جدید، خواهد بود. تعیین رنگ‌ها و مدل‌های متنوع در پوشش دانش‌آموزان با رعایت موازین و ضوابط شرعی جهت تأمین سلايق مختلف، ابلاغ روش‌های اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن در مورد نوع پوشش دانش‌آموزی متناسب با بازمهندسی نوین، نظارت بر طراحی پوشش‌های تلفیق نوین دانش‌آموزی توسط ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها و تعریف استانداردها و شاخص‌های فرهنگی مناسب جهت تولید لباس فرم دانش‌آموزی با بهره‌گیری از لباس‌های بومی و محلی را از دیگر پیشنهادهای این پژوهش می‌توان بیان کرد. از

جمله محدودیت‌های این پژوهش جامعه‌ی آماری پژوهش و عدم تعمیم نتایج به مناطق جغرافیایی دیگر است.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- حبیب‌زاده، عباس، قربانی، صغری، موسوی‌افضل، سیده عاطفه، مرادی نجف آبادی، زهرا (۱۳۹۴). تاثیر تحصیلات دانشگاهی در دوره کارشناسی بر هویت ملی دانشجویان دختر دانشگاه قم. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۵(۲)، ۲۲۱-۲۴۲.
- خنیفر، حسین، زروندی، نفیسه (۱۳۸۹). پژوهشی کیفی: رهیافتی نو در مطالعات مدیریت. راهبرد، ۱۹(۵۴)، ۲۴۳-۲۵۶.
- دی. اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ (ترجمه‌ی منصور انصاری). تهران: تمدن ایرانی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۹۷). پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی (ترجمه عبدالحسین آذرنگ). تهران: انتشارات آگه.
- رضاییان، علی و تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۶). بررسی تاثیر سیستم فناوری اطلاعات برای ارائه خدمات مطلوب در سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۴۰(۴)، ۱-۱۷.
- رضایی کلانتری، مرضیه، حسن‌زاده، رمضان، موسوی جعفرکلایی، سید محسن (۱۳۹۰). تأثیر مؤلفه های آموزش و پرورش در شکل‌گیری هویت ملی دانش آموزان. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۵(۳)، ۵۱-۶۶.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۴). جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت. علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۰(۳-۴)، ۱۱۳-۱۲۸.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۳). متدولوژی فهم هویت ملی. تهران: تمدن ایرانی.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت ملی. شیراز: نوید.
- شیری، بهزاد (۱۳۸۵). استراتژی فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه اقتصادی. ماهنامه تدبیر، ش ۱۷۲، ۲۵-۴۲.
- صراف‌زاده، اصغر و علیپور، سمانه (۱۳۸۸). بررسی تأثیر به کارگیری اتوماسیون اداری بر بهره‌وری منابع انسانی. مدیریت توسعه و تحول، ۱(۳)، ۱۷-۲۴.

صفرحیدری، حجت، صالحی عمران، ابراهیم، رضایی فریمانی، مهناز (۱۳۸۹). بررسی میزان آشنایی و علاقمندی و دانش آموزان متوسطه نسبت به فرهنگ بومی در استان مازندران. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۶(۲۰)، ۱۹۹-۲۲۳.

صفی یاری، نوشین، داوودی رکن آبادی، ابوالفضل، زارع زاده، فهیمه (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی روانشناسی فرم و رنگ با اهداف آموزش و پرورش در طراحی لباس دانش‌آموزان ابتدائی. *نشریه چیدمان*، ش ۲، ۱۲-۱۹.

طالبی، سکینه (۱۳۹۵). *تحول هویت دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی و راهنمایی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضمون‌ها: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

عسگریان، مصطفی (۱۳۸۵) جایگاه فرهنگ قومی در تربیت شهروند. *نوآوری‌های آموزشی*، ۵(۳)، ۱۶۲-۱۳۳.

قاسم پور مقدم، حسین (۱۳۹۲). چالش‌های آموزش و پرورش چند فرهنگی در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران. *همایش ملی آموزش و پرورش چند فرهنگی*. ارومیه: انجمن مطالعات برنامه‌ریزی درسی.

قاسمی طالب قشلاقی، مریم، متاجی، خضراالله (۱۳۹۹). طراحی الگو اثربخشی سیستم مدیریت کیفیت جامع در طراحی لباس فرم مدارس کشور. *اولین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری*. ساری: موسسه آموزش عالی ادیب.

کاندینسکی، واسیلی (۱۴۰۳). *معنویت در هنر* (ترجمه اعظم نورالله‌خانی). تهران: شباهنگ. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی در دانش‌آموزان. *نوآوری‌های آموزشی*، ۵(۱۷)، ۱۱-۴۴. میرزائی، طاهره (۱۴۰۳). نشانه‌شناسی پوشاک در شعر ابن‌حسام خوسفی با تکیه بر نظریه پی‌یر گیرو. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۸(۳)، ۱۶۱-۱۹۲.

میرطاهری، زهرا، صالحی، کیوان (۱۳۹۴). تحلیل ادراک و تجربه زیسته دانش آموزان دختر در مورد پوشش مناسب در مدارس متوسطه، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی. ترکیه: موسسه مدیران ایده‌پرداز.

میر محمدی، داود (۱۳۸۳). سیر تحول و تکوین هویت ملی در ایران، گفتارهایی درباره هویت ملی. تهران: تمدن ایرانی.

ندافی، مهشید (۱۳۹۵). ارائه‌ی الگوی مطلوب لباس برای مدارس دخترانه ابتدایی و بررسی میزان علاقه‌مندی دانش‌آموزان به رنگ و فرم لباسشان و رابطه‌ی آن با میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی آن‌ها (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

ویلز، پاولین (۱۴۰۱). رنگها و تأثیرات درمانی‌شان (ترجمه‌ی مرجان فرجی). تهران: لیوسا. یاسری نسب، هادی و قاسمی، احمدرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فن آوری اطلاعات بر روی بهره‌وری ساختارها و فرآیندها در بانک کوثر استان خوزستان. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت در قرن ۲۱. تهران: موسسه مدیران ایده‌پرداز.

Fadjukoff, P., Pulkkinen, L., & Kokko, K. (2005). Identity Processes in Adulthood: Diverging Domains. *Identity. An International Journal of Theory and Research*, 5(1), 1–20. Doi:10.1207/s1532706xid0501_1

Gelisli, Y., Kazykhankyzy, L. (2019). Investigation of students' perceptions of national identity. *New Trends and Issues Proceedings on Humanities and Social Sciences*, 6(1), 451-463. DOI:10.18844/prosoc.v6i1.4198

Hansenne, M., Bianchi, J. (2009); Emotional intelligence and personality in major depression: Trait versus state effects. *Psychiatry Res*, 166 (1), 63-68.

Hegel, G.W.F. (1991). *Elements of the Philosophy of Right*. Cambridge: Cambridge University Press.

Kim, H. J. (2004). National Identity in Korean Curriculum. *Canadian Social Studies*, Vol.38 (3): 74-89

Lewis, H. L. (2003). Differences in ego identity among college students across age, ethnicity, and gender. *International Journal of Theory and Research*, 3(2), 159–189. Doi:10.1207/S1532706XID030205

Parmenter, L.(1999). Constructing National Identity in a Changing World: Perspectives in Japanese Education. *British Journal of Sociology of Education*, Vol. 20 (4): 453-463.

Siriwardena, R. (2002) National Identity, Content of Education and Ethnic Perception, Retrieved 2009/5/2.

Ritual Event Tourism and The Social Connections of Rural Migrants with Their Ancestral Homeland: A Case Study of Villages in Neyshabur and Zebarkhan Counties

Zahra Ghorbanalimarzgi¹

Hamdollah Sojasi Qeidari²

Khadijeh Bouzarjomehri³

Received: 3/12/2024

Accepted: 8/3/2025

Introduction

Event tourism is one of the most prevalent forms of tourism, attracting millions of travelers each year who participate in a wide range of events. As a result, many destinations—both national and local—actively seek to host events and festivals to boost tourism. Local events and festivals play a significant role in tourism development, particularly in rural areas, where they can draw large numbers of visitors. In response, many rural communities leverage these events to preserve their customs, traditions, and cultural heritage, ensuring that younger generations remain connected to their ancestral rituals and practices. Among the various types of events, religious and ritual gatherings hold special significance, particularly in rural areas, where cultural and religious traditions are deeply rooted. In addition to attracting general tourists, these events often bring back rural migrants—individuals who have relocated to other regions but return to their hometowns to participate in religious or ritual occasions. Such events provide migrants with an opportunity to reconnect with their community and homeland. The unique characteristics of rural life—including tranquility, independence, and strong community bonds—combined with migrants' desire to reconnect with their ancestral land, family, friends, and neighbors, play a crucial role in encouraging their participation in these events. Organizing social and

1. M.A. in Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. Email: zahraghorbanali76@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-0276-5773>

2. Associate Professor of Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. (Corresponding Author). Email: ssojasi@um.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-9456-7312>

3. Associate Professor of Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. Email: azar1334@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0001-6027-1898>



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

cultural events not only fosters community engagement but also strengthens individuals' sense of place attachment and belonging. In rural areas with strong religious traditions, such gatherings further reinforce shared cultural and social ties. Neyshabur and Zebarkhan counties, known for their rich cultural and religious heritage, serve as major hubs for religious and ritual events, drawing large crowds from surrounding urban areas each year. Many rural migrants residing in cities view these events as an opportunity to maintain their social connections with their roots and ancestral homeland, prompting them to return for these occasions. Given this context, the present study aims to explore the impact of religious and ritual tourism events on the social ties of rural migrants. Specifically, it seeks to answer the following research question:

- To what extent do religious and ritual tourism events influence the social ties of rural migrants with their hometowns?

Method

This study is applied in terms of its objective and follows a descriptive-analytical approach in terms of its nature and methodology. Data were collected using both library research and survey methods. A questionnaire was designed based on social ties indices of migrants and variables derived from the theoretical literature. It was then distributed among rural-rooted tourists in six villages of Neyshabur County: Barzanon, Abdullah Giv, Yingje, Fadisheh, Darbesh, and Dizbad Alya. These villages host religious events such as Tasu'a, Ashura, traditional dramatic performances (Shabihkhani), and flag processions (Alam-gardani), which attract many tourists, including rural migrants, each year. The study's statistical population consisted of rural migrant tourists. Since official statistics were unavailable, a sampling formula for an unknown population was applied. A total of 96 rural-rooted tourists were selected as the sample, with 16 respondents from each village. To ensure the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient was calculated, yielding a value of 0.92, which indicates a high level of reliability. The collected data were analyzed using SPSS software, employing both descriptive statistics (mean, standard deviation, frequency percentage, chi-square) and inferential statistics (normality test, one-sample t-test, analysis of variance, Friedman test, and paired-sample t-test).

Findings and Conclusion

This study examined the effects of religious tourism events on the social ties of rural migrants using 24 indicators. Among them, the "visiting relatives" indicator had the highest average score (3.27), while the "return to the village" indicator had the lowest (1.90). The results indicate that the distribution of these indicators is not uniform across the statistical population, and most social variables are significant and relevant to the entire population. Indicators such as visiting relatives, increased interest in one's birthplace, and the intention to revisit scored above the overall mean (2.53), whereas other indicators fell below this threshold. Overall, the study found that social ties in the villages are moderately strong, and religious ceremonies hold

significant value for migrants. A one-sample t-test was conducted to analyze social ties in the studied villages. While the hypothetical mean was set at 3, the average for all variables was below this value. The significance level of 0.01 confirmed that social ties have a meaningful impact on tourists and migrants, with the "improvement in mental quality of life" indicator having the greatest effect (mean = 2.72). To assess variations in social ties among rural migrants across different villages, a one-way ANOVA test was used. The results showed a significance level below 0.05, indicating that religious tourism events significantly influence migrants' social ties with their birthplace. The study highlights that events such as Tasu'a and Ashura play a crucial role in reinforcing these ties.

Descriptive findings suggest that the primary travel motivations are pilgrimage and visiting relatives, underscoring the cultural and social significance of these events. Statistical analysis further shows that indicators such as visiting relatives, increased interest in the birthplace, participation in village development, and promoting the event to others have the strongest impact on social ties. Conversely, indicators such as returning to the village and investing in rural areas had the least effect. The significance of the chi-square test confirms that these events have a widespread social impact, making their effects generalizable to the broader population. Among the studied villages, Darbesh recorded the highest mean score for social ties, while Yingje had the lowest. The findings reinforce that religious tourism events serve as powerful catalysts for strengthening social bonds. Key indicators, including visiting relatives, a heightened sense of belonging, and community engagement, emerged as the most influential in reinforcing social connections. Beyond their religious significance, these events foster social interaction, strengthen local identity, and encourage migrants' participation in rural development.

Additionally, statistical analysis revealed that some indicators, such as mutual trust and the uniqueness of the event, had a uniform distribution among respondents, suggesting varying perceptions of their importance. This variability may stem from individual and social differences in how these events are experienced. In conclusion, the findings highlight the vital role of religious events in enhancing social capital, fostering interactions, and improving migrants' quality of life. To maximize the benefits of these events, comprehensive planning and strategic efforts should be undertaken to further strengthen their social impact.

Keywords: Event Tourism, Religious Events, Social Ties, Rural Migrants, Neyshabur County, Zebarkhan County.

References

- Abasi, S., Eghbali, N. & Rajabi, A. (2021). Rāhbordhā-ye towsee'ei-ye gardeshgari-ye mazhabi-tarikhi-ye Zanjān [Explaining of the role of good governance in urban resilience: A case study of Amirieh Neighborhood, District 2, Region 11 of Tehran]. *Geographical Studies of Mountainous Regions*, 2(3), 123-140. doi: 10.52547/gsma.2.3.123 [In Persian]
- Ahmadi, S., Sadeghloo, T., & Shayan, H. (2024). Vākāvi-ye ta'sir-e towsee'eh-ye gardeshgari dar bāzsākht-e navāhi-ye rusta'i (Mored-e motāle'eh: Rustāhā-ye shahrestān-e Torqābeh Shandiz) [Analyzing the impact of tourism development on the reconstruction of rural areas: a case study: villages of Torghabeh-Shandiz]. *Journal of Rural Research*, 15(2), 260-281. doi: 10.22059/jrur.2024.366442.1873 [In Persian]
- Akgunduz, Yilmaz. & Coşar, Yeşim. (2018). Motivations of event tourism participants and behavioural intentions. *Tourism and Hospitality Management*, 24(2), 341-357. doi:10.20867/thm.24.2.4
- Alem, S., Vaziri, V., & Rezaei Sharif, A. (2016). Factors Affecting the Promotion of Social Integration of Citizens by Designing Ritual Theater in Urban Environments (Case Study: Ardabil). *Journal of Culture-Communication Studies*, 17(35), 191-215. doi:10.22083/jccs.2016.42578
- Amirian, F., Irani Behbahani, H., & Soltanzadeh, H. (2017). Shenāsa'i-ye molfehā-ye mo'asser dar sheklgiri-ye rüydādhā-ye zendegi bakhsh va cheguneg-ye tablvor-e ānhā dar fazā-ye zisteh [Identification of factors in the formation of life events and the manifestation of their living space]. *Urban Management*, 16(47), 475-492. <https://Sid.Ir/Paper/92361/En> [In Persian]
- Azad, Z. (2012). Barrasi-ye tatbighi-ye jaygah-eh mayadin-eh Tehran dar hefz va ertegha-ye khātere-ye jam'i-ye shahrvandan [A comparative analysis of the role of Tehran's squares in promoting collective memory: case studies of Bahuratna square and Tajrish square]. *Motaleate Shahri*, 1(4), 69-80. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_3666.html [In Persian]
- Badkou, B., & Hosseini, S. (2017). Barrasi-ye ta'sir-e hozur-e gardeshgaran bar mohit-e zist-e shahrestan-e Noor; Az did-e jame'e mizban [The effect of tourism on the environment of Noor: From the host community's perspective]. *Heritage and Tourism Journal*, 2(5), 109-138. Sid. <https://Sid.Ir/Paper/358609/En> [In Persian]
- Bazrafshan, M. (2015). *Darāmadi bar san'at-e gardeshgari* [An introduction to the tourism industry]. Tehran: Mahkameh Publications. [In Persian]
- Borges, A. P., Cunha, C., & Lopes, J. (2021). The main factors that determine the intention to revisit a music festival. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events*, 13(4), 1-22. doi:10.1080/19407963.2020.1817051
- Brunt, P., & Courtney, P. (1999). Host Perceptions of Sociocultural Impacts. *Annals of Tourism Research*, 3(26), 493-515. doi:10.1016/S0160-7383(99)00003-1
- César Ndionea, L., Descrope, A., & Rémym, E. (2018). Migrants going back homeland for holidays: Rituals and practices of Senegalese migrants in France. *Annals of Tourism Research*, 70, 25-38. doi:10.1016/j.annals.2018.02.004

- Cherghand, F., & Feyzabadi, M. (2015). Dar jostojou-ye fazā-ye rouydād dar shahrehā-ye Irani Islami [In search of event spaces in Iranian-Islamic cities]. In *Proceedings of the International Congress on New Horizons in Architecture and Urban Planning*. Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/531542> [In Persian]
- Cohen, E. (1988). Tourism and Aids in Thailand. *Annals of Tourism Research*, 15, 467–486. doi:10.1016/0160-7383(88)90044-8
- Esmailian, S., & Ranjbar, E. (2014). Barrasi-ye tatbighi-ye molfehā-ye mo'asser bar shaklgiri va enteqāl-e khātere-ye jam'i [A comparative study of factors affecting the formation and transmission of collective memory]. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 6(11), 181-194. https://www.armanshahrjournal.com/article_33474.html [In Persian]
- Ezadi, M., Behzadfar, M., & Fakhari, S. (2011). Erteghā-ye ham-peyvandi-ye ejtemā'i miyan-e gardeshgaran va bumiān dar shahrehā-ye sāheli [Enhancing social integration between tourists and locals in coastal cities]. *Conference on Tourism and Sustainable Development*, Hamedan, Iran. <https://civilica.com/doc/126954> [In Persian]
- Fytopoulou, E., Tampakis, S., Galatsidas, S., Karasmanaki, E., & Tsantopoulos, G. (2021). The role of events in local development: An analysis of residents' perspectives and visitor satisfaction. *Journal of Rural Studies*, (82), 54-63. doi:10.1016/j.jrurstud.2021.01.018
- Getz, D. (2008). Event tourism: definition, evolution, and research. *Tourism Manag*, 29 (3), 403–428. doi: 10.1016/j.tourman.2007.07.017
- Gursoy, D., Kim, K., & Uysal, M. (2004). Perceived Impacts of Festivals and Special Events by Organizers: an extension and validation. *Tourism Management*, 25 (2), 171-181. doi:10.1016/S0261-5177(03)00092-X
- Jago, L. K. (1997). Special events and tourism behavior: a conceptualization and an empirical analysis from a values perspective, thesis of Doctor Philosophy, Department of Hospitality, Tourism and Marketing Faculty of business in Victoria University.
- Jalilian, N. (2015). Emkān-sanji-ye towsee'eh-ye gardeshgari-ye rouydād va ta'sir-e an bar ta'dil-e easli-yi boudan-e maqsadhā-ye gardeshgari, motāle'eh-ye moredi: Shahr-e Hamedān [Feasibility of event tourism development and its impact on seasonal adjustment of tourism destinations: A case study of Hamedan] (Unpublished master's thesis). Tourism Management Department, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. [In Persian]
- Khooshebast, F., Jahanian, M., & Javdan, M. (2021). Tahlili bar mo'allefe-hā-ye mo'aser bar edrāk-e sāzanandeh-gān az ruydādhā-ye farhangi-ye gardeshgari nemune-ye Moredi: Ruydād-e bozorgdāsh-t-e Ferdowsi. [An analysis of the factors affecting organizers' perceptions of cultural tourism events: A case study of the Ferdowsi Commemoration event]. *MJSP*, 25 (1), 69-95. <http://hsmosp.modares.ac.ir/article-21-44926-fa.html> [In Persian]

- Krausse, G. H. (1995). Tourism and waterfront renewal: assessing residential perception in Newport, Rhode Island, USA. *Ocean & Coastal Management*, 26 (3), 179-203. doi:10.1016/0964-5691(95)00016-U
- Lee, T. H. (2013). Influence analysis of community resident support for sustainable tourism development. *Tourism Management*, 34, 37-46. doi:10.1016/j.tourman.2012.03.007
- Lennard, L. (1984). *Places urban in life Place*. Godlier: Southampton.
- Lotfi Khachaki, B. (2008). Gardeshgari be masābe-ye yek san'at. [Tourism as an industry]. *Rahbord Journal*, 1(2), 171-206. <https://ensani.ir/file/download/article/20120329142144-5022-17> [In Persian]
- Mahdavi, M. S., & Abasi Esfajir, A. A. (2008). Barrasi-ye rabete-ha-ye bein peyvandhā-ye ejtemā'i-khānevādegi va mizān-e bezehakāri-ye nojavānān. [Examining the relationship between social-family ties and the level of juvenile delinquency]. *Social Research*, 1(1), 11-45. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1194635> [In Persian]
- Mohammadpur, A. and Shahizadeh, R. (2012). Motāle'e-ye mardom-shenākhti-ye aarāsem-e ashūrā dar shahr-e Ardebil [Ashoora ritual in Ardabil: An anthropological analysis]. *Journal of Iranian Social Studies*, 5(3), 126-146. http://www.jss-isa.ir/article_21454.html [In Persian]
- Mousavi Bazargan, J., & Sepehrpoor, F. (2014). Tajrobe-ye gardeshgari va gerayesh be mohājerat (Motāle'e-ye moredī: Gardeshgarān-e Khoruji az Forudgāh-e Beyn-olmelali-ye Emām Khomeini (Rah) [Tourism experience and migration tendency: A study of tourists departing from Imam Khomeini International Airport]. *Proceedings of the First National Conference on Geography, Tourism, Natural Resources, and Sustainable Development*. Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/357479> [In Persian]
- Nicholson, R., & Pearce, D. (2001). Why do people attend events: A comparative analysis of visitor motivations at four South Island events. *Journal of Travel Research*, 39, 449-460. doi:10.1177/004728750103900412
- Nooraie, H. and Sattari, N. (2018). Tahlil-e mizān-e ruydād-madāri-ye manāteq-e 15-gāneh-ye kalānshahr-e esfahān bā takid bar zirsākht-hā-ye ruydād. [Analysis of the event-orientedness of the 15 districts of Isfahan metropolis, with emphasis on event infrastructure]. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 22(4), 45-56. doi: 10.22059/jfaup.2018.246536.671874 [In Persian]
- Noori, H. A., Moradi, N., Moradi, K., & Pasandi, S. (2017). Tahlili bar mizān-e rezāyatmandi-ye gardeshgarān-e gol va giyāh dar zamān-hā-ye oj-e voroud be shahrestān-e Mahallāt. [An analysis on satisfaction level of flower and plant tourists in arriving peak times to Mahallat town]. *Journal of Geography and Planning*, 21(60), 239-261. [In Persian]
- Rahmani, K. (2010). Arzyābi-ye 'amalkard-e amāken-e mazhabi dar tose'e-ye rustā'i (Motāle'e-ye moredī: Rustāhā-ye Ourāmān Takht, Hajij, Najār). [Evaluation of the performance of religious places in rural development: A case study of the villages of Uraman Takht, Hajij, and Najjar (Unpublished master's thesis). Tarbiat Modares University, Iran. [In Persian]

- Rezvani, M., & Shahcheragh, M. (2011). Peyvandhā-ye rustā'i-shahri, shabakahā-ye mohājerat va tose'e-ye rustā'i (Mored-e motāle'e: Nāhiye-ye dahmolā, ostān-e Semnān). [Rural-urban ties, immigration networks and rural development: A case study of Dehmala region, Semnan province]. *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 3(1), 107-130. https://jrd.ut.ac.ir/article_22840.html [In Persian]
- Sadeghloo, T. (2022). Barrasi-ye sath-e edrāk-e gardeshgarān az mokhāterāt-e maqāsed-e rustā'i va 'avāmel-e mo'asser dar an (Motāle'e-ye moredfī: Rustāhā-ye hadaf-e gardeshgari-ye shahrestān-e Gorgān). [Investigating tourists' perception of risks in rural destinations and the factors influencing it: A case study of tourism target villages of Gorgan County]. *Journal of Tourism and Development*, 11(4), 225-242. doi: 10.22034/jtd.2022.301175.2426 [In Persian]
- Sajadpour, S. M. K. (2005). Chārchub-e mafhumi va 'amaliāti dar modiriyat-e mohājerat-e beyn-olmelali, mored-e Irān. [Geography of migration and management of migration: Conceptual frameworks, practical pillars and the case of Iran]. *Geographical Research*, 3(78), 9-30. Sid. <https://Sid.Ir/Paper/29839/En> [In Persian]
- Savinovic, A., Kim, S., & Long, P. (2012). Audience Members' Motivation, Satisfaction, and Intention to Re-visit an Ethnic Minority Cultural Festival. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 29(7), 682-694. doi:10.1080/10548408.2012.720154
- Sharpley, R. J. (2001). *Rural tourism* (R. Moneshi Zadeh, Trans.). Tehran: Moneshi Publications. [In Persian]
- Shateriyan, M., Kiani Salmi, S. & Sheikhzadeh, F. (2018). Barrasi-ye 'avāmel-e asar-gozār bar angize-ye gardeshgarān-e ruydād dar entekhab-e maqāsed-e gardeshgari va asar-e ān bar vafādāri-ye gardeshgarān (Motāle'e-ye moredfī: Jashnvāre-ye Gol va Golāb-e Qamsar va Niyāsar). [Investigating the factors influencing event tourists' motivation in choosing a tourist destination and its effect on tourist loyalty: The case of Qamsar and Niasar rosewater festivals]. *Journal of Tourism and Development*, 7(1), 135-155. https://www.itsairanj.ir/article_63616.html [In Persian]
- Shirdel, E. & Mohammadi, M. (2021). Motāle'e-ye keyfi-ye sheklgiri-ye Ehsās-e ta'alloq-e ejtemā'i va tekrār-e jorm dar madadjuyān-e sābeqe-dār. [A qualitative study of the formation of a sense of social belonging and recidivism of crime by former criminals]. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 10(2), 499-528. doi: 10.22059/jisr.2021.294903.986 [In Persian]
- Shirmohammadi, Y., Jalalian, I., Hashemi Baghi, Z., & Torkashvand, S. (2020). Barrasi-ye ta'sir-e ruydādhā-ye farhangī bar tasvir-e shenākhti va 'atefi-ye maqāsed-e gardeshgari (Mored-e motāle'e: Shahr-e Karaj). [The contribution of cultural event to the formation of the cognitive and effective images of a tourist destination]. *Journal of Tourism Planning and Development*, 8(31), 147-161. doi: 10.22080/jtpd.2020.14641.2888 [In Persian]
- Sojasi Gheidari, H. and Soleymani, Z. (2024). Tahlil-e edrāk va olgu-ye raftāri-ye gardeshgarān-e khāreji dar maqāsed-e rustā'i-ye Irān [Analysis of foreign

- tourists' behavioral patterns and perceptions in rural destinations]. *Spatial Planning*, 14(2), 55-92. doi: 10.22108/sppl.2024.140827.1773 [In Persian]
- Soleymani, Z, Sojasi, H., Shayan, H., Seyfi, S., & Pourtaheri, M. (2023). Shenāsā'i va tahlil-e 'avāmel-e mo'asser bar khalq-e tajrobeyāt-e biyādmāndani-ye gardeshgarān (Maqāsed-e rustā'i-ye ostān-e Khorāsān-e Razavi) [Identification and analysis of factors affecting the creation of memorable tourist experiences: Rural destinations of Razavi Khorasan province]. *Journal of Tourism Planning and Development*, 12(47), 59-89. doi: 10.22080/jtpd.2023.26095.3836 [In Persian]
- Susic, V., & Dordevic, D. (2011). The place and role of events in the tourist development of the Southwest Serbia cluster. *Economics and organization*, 8, 69-81.
- Timothy, D. J., & Olsen, D. H. (Eds.). (2006). *Tourism, religion and spiritual journeys*. London: Routledge.
- Yousefi, A., Mousavi, M., & Hosseini, A. S. (2012). Shabaka-ye ejtemā'i-ye mohājerin-e Afghān dar Mashhad: Mored-e pazhuhesh: mohājerin-e sāken-e shahrak-e golshahr [Social network of Afghan migrants in Mashhad: A case study of migrants residing in Golshahr neighborhood]. *Iranian Social Issues*, 4(1), 239-213. <https://jspi.khu.ac.ir/article-1-288-fa.html> [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

گردشگری رویدادهای آیینی و پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی با زادگاه اجدادی خود (منطقه‌ی مورد مطالعه: روستاهای شهرستان نیشابور و زبرخان)

زهرا قربانعلی مزرگی^۱ حمدالله سجاسی قیداری^۲ خدیجه بوذرجمهری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_216933.html

چکیده

برگزاری رویدادها و جشنواره‌ها، به‌خصوص رویدادهای مذهبی، فرصتی را فراهم می‌آورد تا افراد گردشگر و جامعه‌ی میزبان با فرهنگ و عقاید هم بیشتر آشنا شوند و همچنین می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط مهاجران روستایی با زادگاه خود باشد؛ لذا هدف اصلی در این مطالعه ارزیابی تأثیر گردشگری رویدادهای مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستاها با زادگاه خود است. پژوهش حاضر، از نظر روش، توصیفی - تحلیلی و، از نظر هدف، کاربردی است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه را گردشگران مهاجر روستایی ساکن در شهر تشکیل می‌دهند. تعداد نمونه‌ها در این بخش برابر با ۹۶ نفر از گردشگران با اصالت روستایی در شش روستای انتخابی و هدفمند در

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
zahraghorbanali76@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-0276-5773>

۲. دانشیار جغرافیا، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
ssojasi@um.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-9456-7312>

۳. دانشیار جغرافیا، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
azar1334@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0001-6027-1898>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

شهرستان نیشابور و زبرخان است. یافته‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میانگین متعلق به بعد پیوندهای اجتماعی مهاجران برابر با ۲/۵۳ است. همچنین یافته‌ها تأثیر متوسط و نسبتاً بالای گردشگری رویدادهای مذهبی را در بهبود شاخص‌های پیوند اجتماعی روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد؛ بنابراین توسعه و تقویت گردشگری رویدادها در روستاها می‌تواند یکی از استراتژی‌های مهم برای حفظ اصالت روستایی مهاجران و تقویت انگیزه‌های مهاجرت بازگشتی آنان به روستا باشد.

واژه‌های کلیدی: گردشگری رویداد، رویدادهای مذهبی، پیوندهای اجتماعی، مهاجران روستایی، شهرستان نیشابور، شهرستان زبرخان.

مقدمه

امروزه، اهمیت گردشگری به حدی است که آن را یکی از مهم‌ترین صنایع جهان می‌دانند (بادکو و حسنی، ۱۳۹۶: ۱۱۰)؛ زیرا انسان دائماً به دنبال راه‌هایی برای گذراندن اوقات فراغت و در عین حال کسب تجربه و لذت بردن از محیط اطراف خود است (لطفی خاچکی، ۱۳۸۷: ۱۷۱). با توجه به فراگیر شدن صنعت گردشگری، اشکال مختلفی از آن در جهان شکل گرفته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها گردشگری روستایی می‌باشد (سجاسی قیداری و سلیمانی، ۱۴۰۳: ۵۷). عوامل متعددی در شکل‌گیری گردشگری روستایی موثر هستند که برگزاری رویدادهای مذهبی و آیینی و وجود مکان‌های مذهبی در روستاها یکی از دلایل اصلی آن است؛ لذا هر ساله افراد بسیاری در جهان به روستاها، به دلیل شرکت در انواع رویدادهای و جشنواره‌ها، سفر می‌کنند. در این زمینه، نوعی از گردشگری به نام گردشگری رویدادی وجود دارد که یکی از فراگیرترین بخش‌های گردشگری و سفر در جهان به شمار می‌رود (Nicholson & Pearce, 2001: 286)؛ بذرافشان، ۱۳۹۴: ۱۰۱) و سالانه تعداد زیادی از مردم جهان برای شرکت در این رویدادها سفر می‌کنند. این مسئله سبب علاقه‌مندی بسیاری از مکان‌ها (اعم از ملی و محلی) به برگزاری رویدادها و جشنواره‌ها شده است (Fyttopoulou & et al, 2021; 54). رویدادها و جشنواره‌های محلی می‌توانند سهم بسزایی در گردشگری، از جمله گردشگری روستایی، داشته باشند و بازدیدکنندگان متعددی را به خود جذب کنند (Jago, 1997: 72)؛ از این رو مردم محلی اغلب

تلاش می‌کنند با برگزاری رویدادهایی - مبتنی بر ظرفیت‌های محلی - به حمایت از آداب و رسوم، باورها و میراث فرهنگی جامعه پرداخته و شناخت نسل جوان را از آیین‌ها و میراث‌های محلی افزایش دهند (Savinovic & et al, 2012). برگزاری رویدادهایی با محوریت جذب گردشگر به روستا از جنبه‌های مختلف در بازساخت اقتصاد و اجتماع روستا موثر است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۶۵)؛ زیرا رویدادها نه تنها گردشگران را جذب می‌کنند، بلکه پتانسیل گردشگری مقصد را نیز افزایش می‌دهند.

به رویدادهای آیینی و مذهبی - یکی از بااهمیت‌ترین رویدادها - در جوامع محلی، به‌ویژه در محیط‌های روستایی، به دلیل پایبندی مردم به میراث فرهنگی و مذهبی بیشتر توجه می‌شود. بازدیدکنندگان از این رویدادها، علاوه بر گردشگران عادی، می‌توانند روستائینی باشند که در گذشته به دیگر نواحی مهاجرت کرده‌اند (Getz, 2008) و برای مشاهده‌ی رویدادی آیینی به وطن خود بازگشته‌اند؛ بنابراین، رویدادها برای مهاجران به عنوان فرصتی برای ارتباط با جامعه‌ی محلی و سرزمینشان در نظر گرفته شده است (رضوانی و شاهچراغ، ۱۳۹۰: ۱۰۷، ۱۱۰). در این رابطه، هیریشی معتقد است رویدادها به رابطه‌ی فرد و اجتماع شکل می‌دهد (مهدوی و عباسی اسفجیر، ۱۳۸۷: ۱۳) و سبب حفظ ریشه‌های اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی فرد می‌شود (عالم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۳). علاوه بر این، ویژگی‌های واقعی روستا مانند آرامش، راحتی، استقلال و سنت‌های روستایی (شارپلی، ۱۳۸۰: ۶۴) به همراه انگیزه‌ی مهاجران برای پیوند با سرزمین اجدادی، اعضای خانواده، بستگان، دوستان و همسایگان از عوامل مهم موثر برای شرکت افراد در رویدادهای روستایی است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۳؛ شیردل و محمدی، ۱۴۰۰: ۵۰۴)؛ به این ترتیب، پیش‌بینی و ایجاد رویدادهای اجتماعی - فرهنگی و هم‌زمان ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند مبنایی برای تقویت حس تعلق مکانی و ریشه‌ای باشد (Lennard, 1984؛ نورائی و ستاری، ۱۳۹۶: ۴۶). به دلیل ریشه‌های قوی مذهبی در روستاها، رویدادهای مذهبی مردم را گرد هم آورده و پیوندهای مشترک آن‌ها را تقویت می‌کند (محمدپور و شاهی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۸). از دیدگاه جامعه‌شناختی، ایجاد همبستگی اجتماعی از طریق تقویت روابط درون جامعه یکی از اهداف اصلی سازماندهی رویدادها است (Gursoy & et al, 2004: 173). همچنین بازدید و حضور در مراسم مذهبی گردشگران نه تنها یک انگیزه

اقتصادی، بلکه اجتماعی و فرهنگی است (رنجریان و زاهدی، ۱۳۸۳: ۲۷) و به مردم محلی کمک می‌کند تا با فرهنگ خود و همچنین با فرهنگ گردشگران آشنا شوند (صادقو، ۱۴۰۱، ۲۳۰). روستاهای شهرستان نیشابور و زبرخان، به دلیل برخورداری از ریشه‌های عمیق فرهنگی و مذهبی، یکی از کانون‌های مهم برگزاری مراسم‌ها و رویدادهای آیینی مناسبی است که سالانه جمعیت زیادی را از شهرهای اطراف جذب می‌کند. علاوه بر این، تعدادی از مهاجران روستایی ساکن در شهرها رویدادهای برگزارشده را فرصتی برای حفظ پیوند اجتماعی‌شان با ریشه و سرزمین اجدادی دانسته و به روستای زادگاه خود مراجعه می‌کنند؛ براین اساس پژوهش حاضر، با هدف بررسی تأثیر گردشگری رویدادهای آیینی و مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی، به دنبال پاسخگویی به پرسش ذیل است:

- گردشگری رویدادهای آیینی و مذهبی چه میزان بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی با زادگاهشان تأثیر داشته است؟

پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه‌ی تجربی

در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در ارتباط با گردشگری رویدادها، گردشگری روستایی و گردشگری مذهبی انجام شده و از جهات گوناگون به بررسی رویداد و پیوند آن پرداخته شده است. عالم و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به «عوامل موثر بر ارتقاء پیوند اجتماعی مهاجران شهروندان با طراحی تئاتر آیینی در محیط‌های شهری (مطالعات موردی: اردبیل)» پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که نمایش‌ها و مراسم مذهبی سنتی، مخصوصاً تعزیه، به عنوان عناصر پویای فرهنگ و برخاسته از باورها و اعتقادات مردم نقش مؤثری در تقویت ارتباطات اجتماعی و تعهد انسانی ایجاد می‌کنند. دل‌بستگی بین تفاوت‌های هنجاری مانند باورها وجود دارد. بین پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت اجتماعی و تئاتر آیینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و مؤلفه‌ی دل‌بستگی تأثیر معناداری بر تئاتر آیینی و روابط اجتماعی انسانی دارد. شاطریان و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «عوامل اثرگذار بر انگیزه گردشگران رویداد در انتخاب مقصد گردشگری و اثر آن بر وفاداری گردشگران (مطالعه موردی: جشنواره گل و گلاب قمصر و نیاسر)»

نشان می‌دهند که نتایج مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد انگیزه‌ی خرید گیاهان سنتی سالم و مرغوب تولید شده در این منطقه برای گردشگران با شهرت ملی و بین‌المللی با ۰/۹۸ بیشترین شدت را دارد و پس از آن گلاب در رده‌های بعدی قرار دارد. جشنواره به عنوان یک رویداد فرهنگی، مکان دوم به عنوان انگیزه‌ای برای ورود گردشگران به منطقه تعیین شده است. همچنین وفاداری آن‌ها به انگیزه‌های گردشگران با وزن رگرسیون ۰/۶۵ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ تأیید می‌شود. نتایج مدل SWOT در مطالعه‌ی عباسی و همکاران (۱۴۰۰) تحت عنوان «راهبردهای توسعه گردشگری مذهبی - تاریخی شهر زنجان» نشان از برتری نقاط قوت و فرصت‌ها بر ضعف و تهدیدها دارد و این امر را نشان می‌دهد که استراتژی کلان از نوع استراتژی رقابتی خواهد بود. آگندوز و کوثر (2018)^۱ در پژوهشی با عنوان «انگیزه‌های شرکت‌کنندگان در رویداد گردشگری و مقاصد رفتاری» به این نتیجه رسیدند که عواملی که افراد را برای شرکت در جشنواره ترغیب می‌کند عبارت‌اند از: جاذبه منطقه، جذابیت جشنواره، جذابیت سفر و جذابیت سرگرمی. سزارندویه و همکاران (2018)^۲ نیز در پژوهشی با عنوان «مهاجران برای تعطیلات به وطن خود برمی‌گردند: آداب و رسوم مهاجران سنگالی در فرانسه این پروژه تحقیقاتی لینک‌های بین فراملی‌گرایی، مهاجرت و گردشگری» نشان می‌دهند که رویدادها بخشی از جهانی شدن صنعت گردشگری هستند. هویت و تنوع روش‌های آن را می‌توان با سایر شاخص‌های پویایی مدرن مقایسه کرد. عوامل اجتماعی - فرهنگی و تأثیر فناوری‌های ارتباطی جدید بر روابط با محل مبدأ تا حدودی تأثیر می‌گذارند. در نهایت، این مطالعه به بررسی رابطه‌ی دوسویه‌ی سنتی در گردشگری می‌پردازد که گردشگری را مستقل از بازار گردشگری ارتقا می‌دهد و می‌تواند به عنوان یک بازیگر در فعالیتهای اقتصادی منبع اشتغال‌زایی باشد و پینتو بورخس و همکاران (2020)^۳ در مطالعه‌ای به بررسی «عوامل اصلی که قصد بازدید مجدد از جشنواره موسیقی را دارند» پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که قصد بازدیدکننده برای بازگشت به این رویداد متأثر از ویژگی‌های اجتماعی - جمعیت‌شناختی بازدیدکننده (تجربه قبلی جشنواره)، جاذبه‌ها (فرهنگ محلی و رفتار بازدید از جشنواره) و میزان رضایت بالای بازدیدکننده است. در مجموع، بررسی

1. Akgunduz & Cosar

2. Cesar Ndionea and et all

3. Pinto Borges and et all

تحقیقات پیشین نشان می‌دهد بیشتر مطالعات به گردشگری مبتنی بر رویدادها در حوزه‌ی مطالعات داخلی و خارجی پرداخته است. اما مطالعات اندکی در ارتباط با گردشگری رویدادهای مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستاها انجام شده و این تحقیق منحصر به تحلیل ارتباط گردشگری رویدادهای مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران می‌پردازد.

پیشینه‌ی نظری

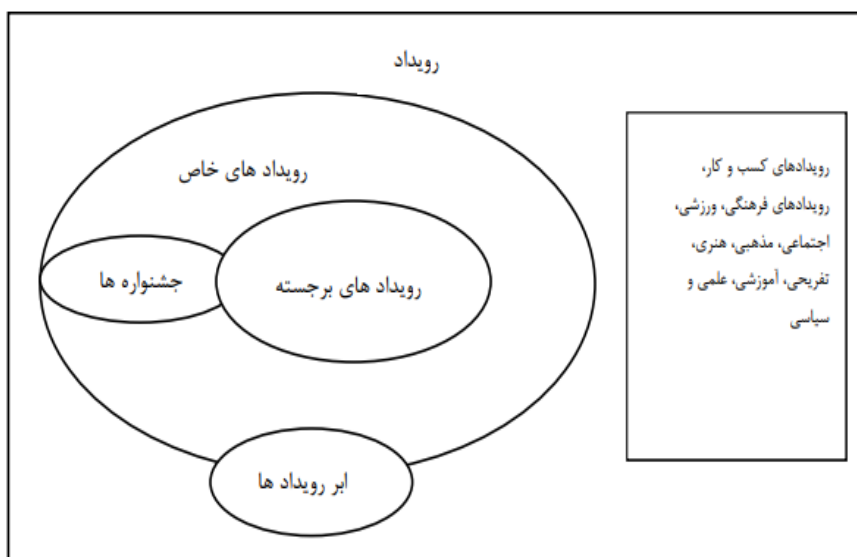
گردشگری مذهبی و رویداد

یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین عوامل و انگیزه‌های انسان برای سفر کردن باورها و احساسات مذهبی او است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶)؛ لذا گردشگری مذهبی، که ریشه در ایمان و تقدیس مکان‌های مذهبی توسط مردم دارد، از آغاز خلقت تا به امروز مسیر طولانی تکامل و توسعه را طی کرده است. این نوع گردشگری به دلیل ویژگی‌های ساختاری و عملکردی خاص آن از فراگیری بالایی در جهان برخوردار است (Brunt & Courtney, 1999: 497). سفر مذهبی قدیمی‌ترین نوع سفرهای غیراقتصادی شناخته می‌شود و سالانه میلیون‌ها نفر برای اهداف مذهبی به اماکن مقدس باستانی و امروزی در نقاط مختلف جهان سفر می‌کنند که اکثریت آن‌ها مسیحی، مسلمان و هندو هستند (Timothy & Olsen, 2006). دامنه‌ی گردشگران مذهبی از زائرانی که تنها به دلایل مذهبی از یک مکان دیدن می‌کنند تا گردشگران غیرمذهبی که بدون توجه به پیشینه‌ی مذهبی یک مکان و با هدف مشاهده‌ی تاریخ و معماری آن مکان سفر می‌کنند، را دربرمی‌گیرد (Cohen, 2001). در میان پیروان مذاهب مختلف، رویدادهای مرتبط با مذهب در میان مسلمانان از اهمیت بالایی برخوردار است و از پایدارترین بخش‌های گردشگری است که نقش بسزایی در جذب گردشگر دارد.

جشنواره‌ها و رویدادهای مذهبی از دیرباز ابزار مهمی برای ارائه‌ی فرهنگ در قالب نمایش‌های عمومی، جشنواره‌های دسته‌جمعی و مراسم مدنی بوده‌اند. طبق نظر تورنر^۱ (1982)، مردم از هر فرهنگ باید زمان و مکان خاصی را به خلاقیت و جشن جمعی اختصاص دهند (جلیلیان: ۱۳۹۴:

۱۸). یاگو و شاول (1998) بر این باورند که رویداد مذهبی، رویداد خاصی است که دارای زمان مشخصی است و فرصتی را برای شرکت‌کنندگان فراهم می‌کند تا در تعاملات اجتماعی خارج از زندگی روزمره شرکت کنند. فعالیت‌ها از طریق جذابیت خود باعث ارتقای گردشگری می‌شوند و گاهی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، گردشگران را به شرکت در فعالیت و تماشای آن و همچنین مشارکت و تعامل دعوت می‌کنند. براساس اصول سازماندهی مقصد، برای تبدیل شدن به یک مقصد گردشگری، برنامه‌ی گردشگری باید گردشگرانی غیر از ساکنان محلی را جذب کند. جذابیت ویژه‌ی رویدادهای گردشگری به دلیل محدودیت زمان برگزاری و سادگی طبیعت تا حدودی با سایر جاذبه‌های گردشگری متفاوت است. این پدیده می‌تواند در هر فرهنگ و جامعه‌ای رخ دهد. شاپان ذکر است که میزان علاقه و حمایت مردم محلی تا حد زیادی به پوشش رسانه‌ای بستگی دارد (Susic & Dordevic, 2011)؛ بنابراین، می‌توان رویداد را براساس اندازه و مقیاس تقسیم کرد (شکل ۱).

شکل ۱. رویدادها براساس اندازه و مقیاس



(جلیلیان: ۱۳۹۴: ۳۲).

سالانه میلیون‌ها نفر برای تعطیلات، تجارت یا مقاصد دیگر به مکان‌هایی غیر از محل زندگی خود سفر می‌کنند. در عین حال، از منظر بازاریابی، یکی از مشکلات مهم این است که چگونه می‌توان افراد بیشتری را به یک مقصد خاص جذب کرد و چه عواملی در واکنش‌های رفتاری که منجر به بازگشت نهایی آن‌ها می‌شود، موثر است. از جمله عوامل مهم در بازاریابی موثر و کارآمد یک مقصد گردشگری، تصویر ذهنی از گردشگر و مقصد گردشگری است که افراد را برای انتخاب آن مقصد و بازگشت ترغیب می‌کند. در عین حال، ویژگی‌های منابع گردشگری مقاصدی هستند که افراد را به سمت فعالیت‌های گردشگری سوق می‌دهند؛ این منابع شامل منابع طبیعی و فرهنگی، رویدادها و منابع فعالیت‌های گردشگری است که به منابع خدماتی تبدیل می‌شوند (شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۸-۱۵۰). هیگینز دسبیو (2018) اهمیت رویدادها را در تحقیقات بررسی کرد و به این نتیجه رسید که رویدادها در حال حاضر کانون توجه مقاصد گردشگری هستند. یافته‌های وی نشان می‌دهد که فعالیت‌های گردشگری سرمایه‌ای برای توسعه‌ی گردشگری هستند (شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۱). تصویر یک مقصد می‌تواند مهم‌تر از واقعیت واقعی آن باشد. انتخاب یک مقصد گردشگری توسط یک گردشگر نتیجه‌ی عوامل مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها تصویر گردشگر در ذهن او است. نظریه‌های مختلفی در ارتباط با گردشگری رویداد مطرح شده که در جدول ۲ به طور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۲. نظریه‌های مرتبط با گردشگری رویداد

<p>اوایل قرن بیستم توسط جامعه شناسی به نام هالباکس^۱ برای اولین بار مطرح شد. مطابق نظریه‌ی خاطره جمعی عضویت فرد در گروه، زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که فرد این توانایی را داشته باشد تا رویدادها را به خاطر بسپارد یا فراموش کند و بدون وجود این زمینه عمل به خاطر آوردن امکان‌پذیر نیست. خاطره جمعی، خاطره‌ی مشترک افراد از وقایع و رویدادهای تجربه شده، میان گروه‌ها و جوامع است که رویداد و خاطره جمعی رابطه‌ی متقابلی با هم دارند و شکل‌گیری خاطره، مستلزم حدوث یک واقعه یا کسب یک تجربه است؛ بالعکس، برای خلق فضای رویداد باید فضا خاطره‌انگیز باشد.</p>	<p>نظریه‌ی خاطره جمعی</p>
<p>انیشتین در ۱۹۰۵م نظریه‌ی نسبیت را مطرح کرد که رابطه‌ی بین فضا و زمان را توضیح می‌دهد. می‌توان به رویدادهایی اشاره کرد که در مکان‌هایی ثابت و در مدت زمانی طولانی، به صورت الگویی پیوسته و مداوم، تکرار می‌شوند و به تدریج و در طول زمان، جزئی از هویت آن فضا می‌شوند.</p>	<p>نظریه‌ی نسبیت خاص</p>
<p>در ۱۹۸۴م ادوان فریمن^۲ آن را مطرح کرد. رویدادها تنها به‌عنوان یک نتیجه از تعامل ذی‌نفعان کلیدی با سازمان‌های مدیریت رخ می‌دهند و به رسمیت شناخته می‌شوند. ذی‌نفعان رویداد شامل عرضه‌کنندگان، بازدیدکنندگان و جامعه‌ی محلی است.</p>	<p>نظریه‌ی ذی‌نفعان</p>
<p>هیریشی معتقد است چهار عامل (مشارکت، تعهد، دلبستگی و باور) در میزان پیوند فرد با جامعه و کاهش جرم موثر است که هرکدام از این عناصر همبستگی بالایی با بقیه دارد، طوری که تضعیف یک عنصر موجب تضعیف شدن بقیه عناصر خواهد شد.</p>	<p>رویکرد پیوند اجتماعی^۳</p>

(اسمعیلیان و رنجبر، ۱۳۹۰: ۱۸۴؛ آزاد، ۱۳۹۲: ۳؛ امیریان، ۱۳۹۶: ۴۷۷؛ خوشه‌بست و همکاران، ۱۴۰۰: ۷؛ عالم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۸؛ چرغند و فیض‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۱).

گردشگری و پیوندهای اجتماعی

یکی از راه‌های حفظ نظم اجتماعی و بهبود یکپارچگی اجتماعی ایجاد جامعه‌ی منسجم است که با تشویق و تقویت «هم‌گرایی» و ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید که مهم‌ترین راه رسیدن به کل‌نگری است می‌تواند از انفجارها و فروپاشی بافت اجتماعی جلوگیری کند و نظریه‌پردازانی چون هیریشی با توجه به رویکرد روابط اجتماعی که در جدول آمده است معتقدند چهار عامل (مشارکت، تعهد، دلبستگی و اعتماد) در سطح تماس افراد و جامعه و کاهش جرم موثر است. هر یک از این عناصر با عناصر دیگر همبستگی بالایی دارند؛ بنابراین تضعیف یک عنصر باعث تضعیف عناصر دیگر می‌شود (عالم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۸). در این حوزه گردشگری می‌تواند راه‌حلی برای روابط اجتماعی ساکنین و گردشگران باشد و در نتیجه اثرات اقتصادی و اجتماعی زیادی بر

1. Halbwachs
2. Edward Freeman
3. Social bond

جامعه ایجاد کند. در نظریه‌هایی، مانند نظریه‌ی دورکیم، در مورد ساکنان و گردشگران، سبک جدیدی از درک روابط پیچیده و پویا بین ساکنان یک مکان نشان داده شده است. براساس این نظریه، میزان اعتماد عمومی، رفتار مشترک و تعامل ساکنان با گردشگران، تا حد زیادی، نشان‌دهنده‌ی ارتباط عاطفی آن‌ها با گردشگرانی است که از جامعه‌ی خود بازدید می‌کنند. به گفته‌ی هامارستروم^۱، پیوند عاطفی یک تجربه، پیوند مؤثر با شخص دیگر است که با نزدیکی عاطفی و سطح ارتباط قابل توجه مشخص می‌شود. می‌توان گفت این ایده به عنوان یک احساس قربات توصیف می‌شود که باعث ایجاد ارتباط و علاقه‌ی گروهی به یکدیگر می‌شود؛ احساس «ما با هم هستیم» در مقابل احساس «من با شما هستیم». به عقیده‌ی استفن ویرینگ و بتی ویرینگ^۲، این رابطه مبتنی بر دو مقوله‌ی «خود» در مقابل «دیگری» است. این تعارض نه تنها در گردشگرانی که ساکنان را «دیگری» می‌بینند، بلکه توسط ساکنانی که گردشگران را «دیگری» می‌دانند، تجربه می‌شود (Woosnam & et al, 2009: 245؛ سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲، ۶۳).

ساکنان و گردشگران در هر مقصد گردشگری باید ارتباط نزدیکی با هم داشته باشند. بسیاری از اوقات ساکنان به مکانی مانند گردشگران جذب می‌شوند و این به دلیل همان تصویر ذهنی از مکان است. در برخی موارد، ساکنان و گردشگران به دلیل امکانات و خدمات مشترکی مانند خرید مغازه و فروشگاه، استفاده از منابع طبیعی و شرکت در مهمانی‌ها و جشنواره‌ها به هم مرتبط هستند و این موارد مشارکت ساکنین و گردشگران را مشخص می‌کند. دورکیم نظریه‌ی انسجام عاطفی^۳ را به عنوان چارچوبی نظری برای سنجش رابطه‌ی بین ساکنین و گردشگران بیان کرد. نظریه‌ی دلبستگی عاطفی حاصل مطالعات جامعه‌شناختی امیل دورکیم است. او در کتاب نخستین اشکال زندگی دینی ادعا می‌کند که بدوی‌ترین ادیان دارای دو ویژگی اساسی اعتقادی و رفتاری هستند که باعث ایجاد روابط بین اعضا می‌شود. تعامل بین افراد در مذهب سومین ویژگی اساسی است (که در کار دورکیم ذکر نشده است) و بعداً توسط کولینز^۴ پیشنهاد شد که

-
1. Hammarstrom
 2. Stephen Wearing and Betty Wearing
 3. Emotional Solidarity
 4. Collins

در احساس ارتباط نیز نقش دارد. تصویر زیر نموداری از مدل تئوری دلبستگی عاطفی را نشان می‌دهد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸).

شکل ۲. مدل نظری انسجام عاطفی دورکیم



(منبع: ایزدی و همکاران: ۱۳۹۰: ۸).

متغیرهایی که معمولاً توسط محققان برای ارزیابی رابطه‌ی بین ساکنان محلی و گردشگران ذکر می‌شود: وضعیت اجتماعی - اقتصادی، وابستگی اقتصادی به گردشگری، فاصله از مناطق گردشگری، نوع تعامل با گردشگران و موقعیت گردشگری در ارتباط با تمام فعالیت‌های اقتصادی جامعه. مطالعه‌ی رفتار و ادراک جمعیت سه سطح از تأثیرات مرتبط با گردشگری را شناسایی می‌کند:

- نوع تعامل بین بازدیدکننده و میزبان؛

- اهمیت اقتصادی گردشگری برای مردم؛

- تعداد گردشگران و ساکنان قابل تحمل.

شواهد نشان می‌دهد نوع تعامل ساکنان و گردشگران می‌تواند میزان تحمل مردم را نسبت به گردشگران تعیین کند. تعداد دفعات حضور، مدت و شدت تعامل عوامل مهمی در تعیین رابطه‌ی بین دو گروه است. تلاش‌های زیادی برای ارزیابی رفتار ساکنان بر اساس وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنها صورت گرفته است. نتایج نشان داد که در مجموع تفاوت‌های نسبتاً کمی بین انواع

ساکنان وجود دارد، اما آنچه این تضادها را تعیین می‌کند، فاصله‌ی فضایی از مراکز گردشگری و وابستگی اقتصادی به گردشگری است (Krausse, 1995: 183-184). یکی از پرکاربردترین چارچوب‌ها نظریه‌ی مبادله‌ی اقتصادی است. موضوع اصلی نظریه‌ی مبادله اقتصادی این است که رابطه‌ی بین ساکنان و گردشگران تنها براساس مبادلات مالی است (Woosnam & et al, 2009: 246). در بیشتر موارد، تبادل تجاری فرصتی رایج برای افزایش درک متقابل بین میزبان و مهمان است. موضوع مهم در تحقیقات گردشگری، با تمرکز بر تغییرات اجتماعی در جوامع میزبان، ورود گردشگران است. ورود گردشگران به جامعه‌ی میزبان و تغییرات ناشی از آن، از یک سو منافع اقتصادی به همراه دارد و از سوی دیگر، تعارضات اجتماعی موجود می‌تواند تشدید شود. بنابراین برای افزایش منافع اقتصادی و کاهش تعارضات لازم است مردم محلی به‌طور مستقیم در حوزه‌ی گردشگری مشارکت داشته باشند. به گفته‌ی آرامبری^۱ آنچه ساکنان و گردشگران را به هم پیوند می‌دهد تبادل مالی است. اگر جامعه‌ای از نظر اقتصادی بیشتر به گردشگری وابسته باشد یا اگر مردم آستانه‌ی تحمل بیشتری نسبت به گردشگران داشته باشند، حمایت بیشتری از توسعه‌ی گردشگری خواهند داشت که درنهایت به این معناست که مکان‌های گردشگری تغییر کمتری می‌کنند. افرادی که سود مالی بیشتری دارند، بیشتر به توسعه‌ی گردشگری کمک می‌کنند. در مناطق گردشگری باید به دنبال مدل‌هایی بود که ارتباط بین ساکنین و گردشگران را نشان دهد. سهم این مدل‌ها درک سطح آستانه‌ی بین پذیرش و عدم پذیرش گردشگری براساس رفتار جامعه است. داکسی^۲ فهرستی از گلابه‌های ساکنانی که توسعه‌ی مستمر صنعت گردشگری را تجربه کردند تهیه کرد و حضور گردشگری با رضایت ساکنان آغاز شد و سپس به سمت بی تفاوتی، و نارضایتی پیش رفت و با خصومت خاتمه یافت. برخی از نویسندگان شاخص و سطح تنفر نسبت به گردشگری را اندازه‌گیری کردند و پنج سطح را شناسایی کردند:

سطح شادی و خوشبختی: در این سطح، مردم محلی بسیار باهوش هستند، با شادی و گرمی از گردشگران استقبال می‌کنند و از رضایت متقابل برخوردارند.

1. Aramberri
2. Doxey

سطح بی تفاوتی: در این صورت گردشگری به هدف کسب منافع و تعامل و ارتباط بین افراد تبدیل می‌شود.

سطح تحریک: زمانی که اشباع اتفاق می‌افتد یا زمانی که شهروندان دیگر قادر به مشارکت در گردشگری نیستند.

سطح تعارض: خشم و نفرت زمانی آشکار می‌شود که گردشگری علت همه‌ی بیماری‌های اجتماعی باشد: این موارد شامل افزایش مالیات، عدم احترام به اموال و فساد جوانان است. مرحله‌ی آخر: در حالی که برخی از مردم در مورد بهشتی که از دست داده‌اند صحبت می‌کنند، برخی دیگر روشی از زندگی را می‌آموزند که دیگر در سیستم زندگی شبیه به آن نخواهد بود (یزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸).

گردشگری و مهاجرت

امروزه، تمامی جوامع بشری به نوعی با مشکل مهاجرت، به ویژه مهاجرت جوانان از روستا به شهر، مواجه هستند (سجادپور، ۱۳۸۴: ۶۴). پدیده‌ی مهاجرت جنبه‌های مثبت و منفی زیادی دارد. از جنبه‌ی مثبت، می‌تواند به حل مشکلات اقتصادی در سطح فردی و جمعی، افزایش تبادلات فرهنگی، پیوند جوامع انسانی با یکدیگر و افزایش فرصت‌های اجتماعی متنوع کمک کند. با این حال، در سال‌های پایانی قرن بیستم، فرار مغزها، کمبود مهارت و کمبود فرصت‌های شغلی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران در ارتباط با تحقیق و توسعه در داخل دولت، دانشگاه‌ها و صنعت بود (موسوی بازرگان و سپارپور، ۱۳۹۳: ۲) و این مهاجرت‌ها باعث می‌شود روستاییان مهاجر به‌طور مداوم از زادگاه خود دورتر شوند. در این راستا، می‌توان بستری ایجاد کرد تا پیوندهای اجتماعی بین مهاجران روستا و مناطق محل سکونتشان تا حدودی حفظ شود. بنابراین گردشگری رویدادهای مذهبی می‌تواند راه‌حلی در این راستا باشد (نوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۹). گردشگری رویداد فرصت‌هایی را برای تعامل اجتماعی و احیای سنت‌های محلی فراهم می‌کند و به بهبود کیفیت زندگی مردم محلی و تصویر مقصد کمک می‌نماید. گردشگری فرصت‌های تفریحی را برای جامعه‌ی محلی ایجاد می‌کند (Gursoy & et al, 2004: 173). همچنین روابط مهاجران با والدین، مذهب و اعتقادات مذهبی، کار، حیوانات خانگی، مکان‌ها،

نمادها و جامعه‌ی محلی به عنوان جاذبه‌های مربوط به ریشه‌های فردی است (Lee, 2003). بنابراین براساس تحقیقات انجام شده گردشگری به ایجاد غرور و هویت فرهنگی، همبستگی، تبادل افکار و آگاهی از فرهنگ منطقه و ارتقای کیفیت زندگی و تصویر جامعه کمک می‌کند. راثو^۱ (2001) معتقد است جشنواره‌ها جنبه‌ی اجتماعی مثبتی فراتر از صرف سرگرمی و درآمدزایی دارند؛ زیرا این رویدادها به خانواده‌ها زمان و فضا می‌دهد تا تعهد خود را به جامعه نشان دهند. با شرکت در یک جشن یا رویداد خاص، خانواده در واقع تمایل خود را برای عضویت فعال در جامعه نشان می‌دهد (صاحب‌سرا، ۱۳۹۶: ۳۴). بنابراین گردشگری رویدادهای آیینی یکی از مهم‌ترین بسترها برای جذب گردشگر، به‌ویژه گردشگرانی با ماهیت ریشه‌ای در جوامع محلی است. در چنین بستری رویدادهای مذهبی راهی برای حفظ پیوند مهاجران با ریشه‌های خود در سرزمین‌های اصلی هستند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش انجام کار، توصیفی - تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. شاخص‌های مرتبط با پیوند اجتماعی مهاجران استخراج گردید و پرسش‌نامه‌ای برای گردشگران با ریشه‌ی روستایی در روستاهای مورد مطالعه در قالب طیف لیکرت طراحی گردید (جدول ۳).

جدول ۳. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق

شاخص	متغیر
بهبود وضعیت ذهنی کیفیت زندگی	تقویت روحیه اجتماعی/ شادی و نشاط اجتماعی/ وجود اعتماد متقابل بین افراد/ ایجاد احساسات (آرامش، لذت...)/ ایجاد حس نوستالژیک در افراد
تعلق مکانی	افزایش علاقه به زادگاه/ افزایش تعلق خاطر به ارزش‌ها/ احساس تعلق به اجتماع و محیط/ بازدید اقوام و بستگان در روستا/ بازگشت به روستا/ پیوند و همبستگی با ساکنین/ قصد بازدید مجدد/ افزایش هویت بومی/ آشنایی با فرهنگ بومی به ویژه برای جوانان
رفاهی	رضایت و خشنودی از زندگی در روستا/ رضایت از رویداد/ رضایت از خدمات ارائه شده (کمک از سوی داوطلبان، امکانات و ...)/ رضایت از ویژگی‌های منطقه (محیط طبیعی، محصولات سنتی محلی - غذاهای محلی و...)/ پرکردن اوقات و فراغت
رونق گردشگری	معرفی روستا و رویداد به دیگران/ منحصر به فرد بودن رویداد/ مشارکت گردشگران در توسعه روستا/ انگیزه سرمایه‌گذاری توسط گردشگران (ساختن ویلا، خرید خانه، خرید زمین و ...)/ مالکیت مهاجران در نقاط روستایی

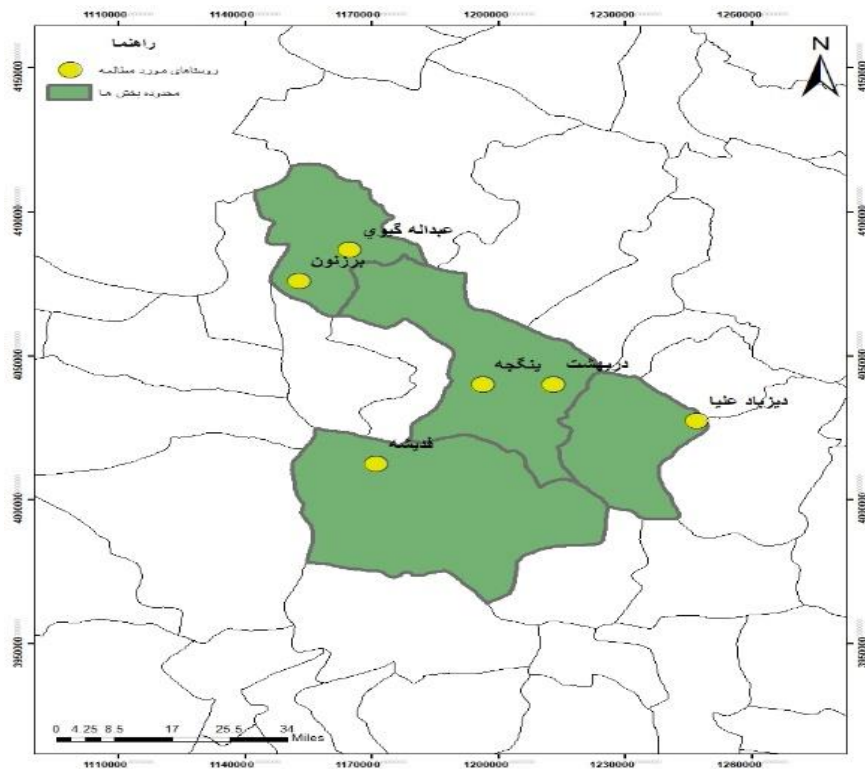
(Gursoy & et all, 2004؛ محمدپور و شاهی زاده، ۱۳۹۰؛ رضوانی و شاهچراغ، ۱۳۹۰؛ شیردل و

محمدی، ۱۴۰۰؛ Fytopoulou & et all, 2021).

برای عملیاتی‌سازی مطالعه، براساس شاخص‌ها و متغیرهای استخراج شده از ادبیات نظری، اقدام به طراحی پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته گردید. پس از انجام نمونه‌گیری و توزیع نمونه‌ها در بین روستاها، با حضور میدانی محقق در زمان‌های برگزاری رویدادهای مذهبی و آیینی در روستاها، پرسش‌نامه‌ها از بین گردشگران با ریشه‌ی روستایی تکمیل گردید.

براساس مطالعه‌ی اولیه و مشورت با کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی استان، شش مورد از روستاهای شهرستان نیشابور به عنوان منطقه‌ی مورد مطالعه انتخاب گردید (شکل ۳). در این مناطق رویدادهای خاص مذهبی از جمله مراسم تاسوعا و عاشورا، نوحصار، شبیه‌خوانی و علم‌گردانی همراه با رسم جالب حلیم‌پزان برگزار می‌شود و همه‌ساله پذیرای گردشگران بسیاری، از جمله گردشگران مهاجر روستایی است.

شکل ۳. موقعیت روستاهای مورد مطالعه



(ترسیم نگارندگان براساس نقشه‌ی پایه‌ی استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۹).

جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل گردشگران مهاجر روستایی ساکن در شهرها است. به دلیل نبود آمار رسمی و ثبت شده در رابطه با این افراد، برای بررسی پیوند اجتماعی گردشگران با اصالت روستایی، از فرمول نمونه‌گیری برای جامعه‌ی نامعلوم استفاده شد؛ زیرا هم تعداد افراد غیربومی شرکت‌کننده در رویدادها مشخص نیست و هم تعداد افراد شرکت‌کننده در رویدادها که دارای ریشه‌ی روستایی هستند نامشخص است. در نمونه‌گیری برای جوامع نامعلوم باید میزان خطای را بین ۰/۱ و ۰/۰۱ قرار داد که میزان خطا در این پژوهش ۰/۱ تعیین گردید و تعداد نمونه‌ها در این بخش برابر با ۹۶ نفر از گردشگران با ریشه‌ی روستایی محاسبه شد. با توجه به نتایج به دست آمده از فرمول کوکران درباره‌ی گردشگران مهاجرت کرده از روستا به شهر، که برای بازدید رویداد مذهبی به زادگاه خود مراجعه کرده‌اند، پرسش‌نامه‌ی ساختاریافته تکمیل

گردید که در این رابطه توزیع نمونه‌های گردشگران برای هر روستا به صورت برابر لحاظ شد (جدول ۴).

جدول ۴. روستاهای نمونه و تعداد نمونه‌های مورد مطالعه

شهرستان	دهستان	آبادی	تعداد خانوار	تعداد نمونه در گروه گردشگران
نیشابور	برزنون	برزنون	۹۱۲	۱۶
نیشابور	سرولایت	عبدالله گیو	۱۴۰	۱۶
نیشابور	سرولایت	ینگجه	۱۶۹	۱۶
نیشابور	غزالی	فدیشه	۴۲۷	۱۶
نیشابور	فضل	دریبهشت	۶۴	۱۶
زبرخان	زبرخان	دیزباد علیا	۳۱۰	۱۶
مجموع			۲۰۲۲	۹۶

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

جمع‌آوری اطلاعات میدانی از طریق پرسش‌نامه به روش طیف لیکرت انجام شد. برای پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدیهی است هر اندازه شاخص آلفای کرونباخ به یک نزدیک‌تر باشد، همبستگی درونی بین سوالات بیشتر و در نتیجه پرسش‌ها همگن‌تر خواهند بود. در نهایت، با توجه به نتایج به دست آمده از پیوند اجتماعی مهاجران (۰/۹۲) پرسش‌نامه از پایایی قابل‌قبولی برخوردار است. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار Spss آمار توصیفی (میانگین، انحراف‌معیار، درصد فراوانی، کای اسکوئر (x²) و آمار استنباطی، نرمال بودن، تی تک نمونه‌ای، آنالیز واریانس، فریدمن، تی دو نمونه) به دست آمد.

یافته‌ها

آمارهای توصیفی در این پژوهش شامل سن (کمترین آن، زیر ۲۰ سال ۳/۱٪، بیشترین آن، ۲۱ تا ۳۰ سال، ۲۹/۲٪، جنسیت (مرد ۵۷/۳٪، زن ۴۲/۷٪)، وضعیت تأهل (مجرد ۱۴/۶٪، متأهل ۸۵/۴٪) تحصیلات (بیشترین آن، فوق‌دیپلم/لیسانس ۳۸/۵٪ و کمترین آن، راهنمایی ۶/۳٪

(٪)، اشتغال (بیشترین آن، خانه‌دار ۴۰/۶ ٪، کمترین آن مشاغل صنعتی ۰/۱٪)، انگیزه‌ی سفر (بیشترین آن، زیارت و ملاقات با اقوام ۰/۵۰٪، کمترین آن، زیارت ۰/۱٪)، شهرستان محل سکونت (بیشترین آن، مشهد ۴۰/۶ ٪ و سایرین مسافران بیرون از شهر مشهد)، شرکت در مراسم (بیشترین آن در مراسم تاسوعا و عاشورا ۴۶/۹ ٪ و سایرین در مراسم ها و یا رویدادهای دیگر در طول سال شرکت می‌کنند)، نوع مسافرت (بیشترین به صورت خانوادگی با ۷۹/۲٪ و کمترین آن بصورت فردی ۷/۵٪)، مدت اقامت (بیشترین آن، یک روز ۰/۵۱٪ و کمترین آن، چهار روزه با ۴/۲٪)، محل اقامت (بیشترین آن، خانه‌ی اقوام ۶۹/۸٪ و کمترین آن اقامتگاه بومگردی ۵/۳٪) است. همچنین آمارهای گرایش به مرکز (میانگین، میانه و انحراف معیار) بعد پیوند اجتماعی گردشگران مطابق جدول ۵ می‌باشد.

جدول ۵. آمارهای گرایش به مرکز در متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار
پیوند های اجتماعی مهاجران	۲/۵۳	۲/۵۵	۰/۶۳

در جدول ۶ اثرات برگزاری رویدادهای گردشگری مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی با ۲۴ گویه نشان داده شده است. در بین این شاخص‌ها، بیشترین میانگین مربوط به شاخص بازدید اقوام و بستگان در روستا با میانگین ۳/۲۷ و کمترین میانگین مربوط به شاخص بازگشت به روستا با میانگین ۱/۹۰ می‌باشد. با اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۰۵ درصد در جامعه‌ی آماری همه این توزیع‌ها یکنواخت نخواهد بود. می‌توان گفت متغیر اجتماعی در تمام شاخص‌ها معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. اما در شاخص‌های افزایش هویت بومی، وجود اعتماد متقابل بین افراد و منحصر به فرد بودن رویداد افراد، توزیع داده‌ها یکنواخت بوده و تفاوتی از نظر پاسخگویان وجود ندارد. شاخص‌های بازدید اقوام و بستگان در روستا، افزایش علاقه به زادگاه، قصد بازدید مجدد، معرفی روستا و رویداد به دیگران، مشارکت گردشگران در توسعه، افزایش هویت بومی، افزایش تعلق خاطر به ارزش‌ها، پیوند و همبستگی با ساکنین، احساس تعلق به اجتماع و محیط، تقویت روحیه‌ی اجتماعی، پویایی اجتماعی، منحصر به فرد بودن رویداد و ایجاد احساسات از میانگین کل پیوندهای اجتماعی گردشگران (۲/۵۳) بالاتر هستند و بقیه

موارد پایین تر از میانگین کل هستند و با بررسی تمام شاخص‌های پیوندهای اجتماعی گردشگران در منطقه‌ی مورد مطالعه وضعیت پاسخگویان از لحاظ تأثیرات پیوند اجتماعی در روستاها دارای وضعیت متوسط رو به بالایی در بیشتر شاخص‌ها می‌باشد و گویای این است که آیین‌های مذهبی مانند تاسوعا و عاشورا برای گردشگران مهاجر ارزش دارد.

جدول ۶. درصد فراوانی، میانگین و معناداری کای اسکوتر (x2)

شاخص‌های پیوندهای اجتماعی مهاجران

معناداری کای اسکوتر (x2)	میانگین	درصد فراوانی					شاخص‌ها
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۰/۰۰۸	۲/۱۰	۰	۲/۱	۱۱/۵	۳/۱	۱۲/۵	انگیزه سرمایه‌گذاری توسط گردشگران (ساختن ویلا، و ...)
۰/۰۰۰	۳/۲۷	۸/۳	۳۰/۲	۲۵/۰	۱۷/۷	۳/۱	بازدید اقوام و بستگان در روستا
۰/۰۰۰	۳/۰۲	۳/۱	۲۵/۰	۲۵/۰	۱۰/۴	۹/۴	افزایش علاقه به زادگاه
۰/۰۵۳	۲/۸۰	۵/۲	۲۱/۹	۱۵/۶	۱۵/۶	۱۵/۶	قصد بازدید مجدد
۰/۰۰۰	۲/۶۸	۱۰/۴	۷/۳	۳۳/۳	۲۲/۹	۱۶/۷	معرفی روستا و رویداد به دیگران
۰/۰۰۰	۲/۶۵	۱/۰	۱/۰	۱۳/۵	۵/۲	۳/۱	مشارکت گردشگران در توسعه روستا
۰/۰۰۲	۱/۹۰	۰	۵/۲	۵/۲	۵/۲	۱۸/۵	بازگشت به روستا
۰/۰۰۰	۲/۳۰	۲/۱	۹/۴	۱۴/۶	۵/۲	۲۲/۹	آشنایی با فرهنگ بومی، به‌ویژه برای جوانان
۰/۱۳۸	۲/۵۶	۰	۱۸/۸	۳۲/۳	۲۴/۰	۱۷/۷	افزایش هویت بومی
۰/۰۰۰	۲/۷۶	۳/۱	۲۱/۹	۲۸/۱	۹/۴	۱۸/۸	افزایش تعلق خاطر به ارزش‌ها
۰/۰۰۰	۲/۲۱	۳/۱	۱۷/۷	۶/۳	۱۴/۶	۳۴/۴	ایجاد حس نوستالوژیک در افراد
۰/۰۰۰	۳/۱۵	۹/۴	۳۳/۳	۲۴/۰	۱۲/۵	۱۲/۵	پیوند و همبستگی با ساکنین
۰/۰۰۵	۲/۷۳	۵/۲	۱۷/۷	۲۷/۱	۲۱/۹	۱۴/۶	احساس تعلق به اجتماع و محیط

۰/۰۰۰	۲/۳۲	۳/۱	۱۴/۶	۱۲/۵	۲۰/۸	۲۶/۰	پرکردن اوقات و فراغت
۰/۰۱۶	۲/۹۰	۷/۳	۱۷/۷	۲۶/۰	۱۶/۷	۱۱/۵	تقویت روحیه‌ی اجتماعی
۰/۰۲۱	۲/۷۵	۶/۳	۱۶/۷	۲۶/۰	۱۷/۷	۱۵/۶	پویایی اجتماعی
۰/۳۴۶	۲/۳۸	۰	۱۴/۶	۲۶/۰	۲۴/۰	۲۱/۹	وجود اعتماد متقابل بین افراد
۰/۰۰۰	۲/۴۰	۱/۰	۲۱/۹	۱۳/۵	۱۵/۶	۲۸/۱	رضایت و خشنودی از زندگی در روستا
۰/۳۰۲	۳/۱۸	۱۵/۶	۲۴/۰	۱۸/۸	۱۲/۵	۱۳/۵	منحصر به فرد بودن رویداد
۰/۰۵۸	۲/۵۱	۱/۰	۱۱/۵	۸/۳	۹/۴	۱۲/۵	مالکیت مهاجران در نقاط روستایی
۰/۰۷۸	۲/۸۰	۸/۳	۲۵/۰	۱۹/۸	۲۲/۹	۱۸/۸	ایجاد احساسات (آرامش، لذت،...)
۰/۰۰۱	۲/۴۸	۲/۱	۲۱/۹	۱۴/۶	۱۷/۷	۲۵/۰	رضایت از رویداد
۰/۰۰۰	۲/۲۴	۱/۰	۷/۳	۲۶/۰	۲۹/۲	۲۲/۹	رضایت از خدمات ارائه شده (کمک از سوی داوطلبان، امکانات و ..)
۰/۰۴۸	۲/۲۶	۰	۸/۳	۲۲/۹	۲۴/۰	۱۹/۸	رضایت از ویژگی های منطقه (محیط طبیعی، محصولات سنتی محلی - غذاهای محلی و..)

با توجه به میانگین‌گیری از متغیر پیوند اجتماعی مهاجران، در ادامه‌ی مراحل، میانگین به تفکیک روستاها بررسی شد؛ لذا در جدول ۷ بیشترین میانگین متعلق به روستای دربهبشت با میانگین ۳/۳۶ و کمترین میانگین نیز متعلق به روستای ینگجه با میانگین ۲/۲۷ است.

جدول ۷. میانگین متغیر پیوند اجتماعی مهاجران در برگزاری

رویدادهای گردشگری مذهبی به تفکیک روستا

روستا	برزنون	دربهشت	دیزباعدلیا	عبداله گیو	فدیشه	ینگجه
پیوند اجتماعی مهاجران	۲/۵۶	۳/۳۶	۲/۵۰	۲/۳۶	۳/۲۲	۲/۲۷

با توجه به اینکه توزیع تمام شاخص‌ها در بعد پیوند اجتماعی مهاجران براساس ضرایب چولگی و کشیدگی نرمال می‌باشد، می‌توان از آزمون‌های آماری پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۸. نحوه‌ی توزیع داده‌ها براساس شاخص‌های پیوندهای اجتماعی مهاجران

نتیجه آزمون	کشیدگی		چولگی		متغیرها
	خطا	ضریب	خطا	ضریب	
تأیید نرمال بودن	۰/۴۹۳	۰/۸۷۱-	۰/۲۴۹	۰/۰۴۲	بهبود وضعیت ذهنی کیفیت زندگی
تأیید نرمال بودن	۰/۴۸۸	۰/۴۴۳-	۰/۲۴۶	۰/۴۵۳-	تعلق مکانی
تأیید نرمال بودن	۰/۴۹۵	۰/۷۶۳-	۰/۲۵۰	۰/۳۵۶	رفاهی
تأیید نرمال بودن	۰/۵۰۳	۰/۲۹۱	۰/۲۵۴	۰/۰۹۶-	رونق گردشگری

برای مقایسه میانگین رتبه‌ی شاخص‌های پیوندهای اجتماعی مهاجران از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین کلیه‌ی شاخص‌های پیوندهای اجتماعی مهاجران با سطح معنی‌داری ۰/۰۱ رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. بیشترین مقدار میانگین رتبه در بین شاخص‌های پیوندهای اجتماعی مهاجران متعلق به شاخص منحصر به فرد بودن رخداد با مقدار میانگین رتبه‌ی ۱۴/۰۳ می‌باشد و کمترین مقدار میانگین رتبه متعلق به شاخص پیوند و همبستگی با ساکنین با میانگین رتبه‌ی ۱۰/۳۸ است.

جدول ۹. رتبه‌بندی شاخص‌های پیوندهای اجتماعی مهاجران

سطح معنی‌داری	میانگین رتبه	شاخص‌ها
۰/۰۰۰	۱۲/۵۲	تقویت روحیه اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۴/۰۳	شادی و نشاط اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۳/۰۰	وجود اعتماد متقابل بین افراد
۰/۰۰۰	۱۳/۰۰	ایجاد احساسات متنوع (آرامش، لذت...)
۰/۰۰۰	۱۲/۹۷	ایجاد حس نوستالژیک (خاطره انگیز) در افراد
۰/۰۰۰	۱۲/۵۲	افزایش علاقه به زادگاه
۰/۰۰۰	۱۴/۰۳	افزایش تعلق خاطر به ارزش‌ها
۰/۰۰۰	۱۰/۸۹	احساس تعلق به اجتماع و محیط
۰/۰۰۰	۱۲/۱۱	بازدید اقوام و بستگان در روستا
۰/۰۰۰	۱۱/۶۵	بازگشت به روستا
۰/۰۰۰	۱۰/۳۸	پیوند و همبستگی با ساکنین
۰/۰۰۰	۱۰/۷۷	قصد بازدید مجدد
۰/۰۰۰	۱۱/۵۳	افزایش هویت بومی
۰/۰۰۰	۱۲/۶۸	آشنایی با فرهنگ بومی، به ویژه برای جوانان
۰/۰۰۰	۱۲/۵۲	رضایتمندی و خشنودی از زندگی در روستا
۰/۰۰۰	۱۲/۹۹	رضایت از رویداد
۰/۰۰۰	۱۲/۸۴	اقناع از خدمات ارائه شده (کمک از سوی داوطلبان، امکانات و...)
۰/۰۰۰	۱۲/۲۶	رضایت از ویژگی‌های منطقه (محیط طبیعی، محصولات سنتی محلی - غذاهای محلی و...)
۰/۰۰۰	۱۱/۷۷	پُر کردن اوقات و فراغت
۰/۰۰۰	۱۲/۵۲	معرفی روستا و رویداد به دیگران
۰/۰۰۰	۱۴/۰۳	منحصر به فرد بودن رخداد
۰/۰۰۰	۱۳/۰۰	مشارکت گردشگران در توسعه روستا
۰/۰۰۰	۱۳/۰۰	انگیزه سرمایه‌گذاری توسط گردشگران (ساختن ویلا، خرید خانه، خرید زمین و...)
۰/۰۰۰	۱۲/۹۷	مالکیت مهاجران در نقاط روستایی

برای بررسی و مقایسه‌ی میانگین پیوندهای اجتماعی مهاجران در بین روستاهای مورد مطالعه از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. مقدار میانگین مفروض در این آزمون برای متغیرهای تحقیق عدد ۳ در نظر گرفته شد. براساس میانگین به دست آمده مقدار میانگین در کلیه متغیرها کمتر از عدد ۳ می‌باشد. از طرفی مقدار سطح معنی‌داری در بین پیوندهای اجتماعی مهاجران

۰/۰۱ است که نشان از تأثیر متغیرهای پیوندهای اجتماعی مهاجران بر گردشگران و مهاجران دارد. از طرفی متغیر بهبود وضعیت ذهنی کیفیت زندگی با میانگین ۲/۷۲ بیشترین تأثیر را بر مهاجران و گردشگران داشته است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به پیوندهای اجتماعی مهاجران

متغیرها	میانگین	مقدار t	مقدار df	سطح معناداری	خطای استاندارد میانگین	حد بالا	حد پایین
بهبود وضعیت ذهنی کیفیت زندگی	۲/۷۲	-۲/۴۵	۹۳/۰۰	۰/۰۲	-۰/۲۸	-۰/۵۱	-۰/۰۵
تعلق مکانی	۲/۶۸	-۴/۲۰	۹۳/۰۰	۰/۰۰	-۰/۳۲	-۰/۴۷	-۰/۱۷
رفاهی	۲/۲۳	-۸/۸۸	۹۳/۰۰	۰/۰۰	-۰/۷۷	-۰/۹۴	-۰/۶۰
رونق گردشگری	۲/۷۰	-۳/۳۷	۹۳/۰۰	۰/۰۰	-۰/۳۰	-۰/۴۸	-۰/۱۲

برای بررسی تفاوت میانگین پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی به تفکیک روستاهای مورد مطالعه با توجه به نرمال بودن ابعاد تحقیق و بیشتر از دو گروه بودن روستاهای مورد مطالعه از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده می‌شود؛ لذا بر طبق نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول ۱۱، سطح معناداری آزمون در این متغیر کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است. بنابراین گردشگری رویدادهای مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی با روستای زادگاه آن‌ها موثر می‌باشد.

جدول ۱۱. مقایسه میانگین پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	روستاهای مورد مطالعه	
					بین گروهی	درون گروهی
۰.۰۳	۲.۵۶	۱.۰۱	۵	۵.۰۶	بین گروهی	پیوندهای اجتماعی مهاجران
		۰.۴۰	۹۰	۳۵.۶۲	درون گروهی	
			۹۵	۴۰.۶۸	کل	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به بررسی تأثیر رویدادهای مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران در روستاهای مورد مطالعه پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد برگزاری رویدادهای گردشگری مذهبی، به‌ویژه آیین‌هایی مانند تاسوعا و عاشورا، تأثیر قابل‌توجهی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی داشته است. یافته‌های توصیفی نیز بیشترین انگیزه‌ی سفر را مربوط به زیارت و ملاقات با اقوام نشان می‌دهد که از اهمیت بعد اجتماعی و فرهنگی این رویدادها حکایت دارد. همچنین نتایج تحلیل‌های آماری بیانگر آن است که شاخص‌هایی همچون بازدید از اقوام و بستگان، افزایش علاقه به زادگاه، مشارکت در توسعه‌ی روستا و معرفی رویداد به دیگران، تأثیر بیشتری در تقویت پیوندهای اجتماعی داشته‌اند. در مقابل، شاخص‌هایی مانند بازگشت به روستا و انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی کمترین تأثیر را نشان داده‌اند. با توجه به معناداری آزمون کای‌اسکوئر، می‌توان نتیجه گرفت که اثرات اجتماعی این رویدادها در سطح بالایی قرار دارند و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارند. همچنین، میانگین پیوند اجتماعی مهاجران در روستاهای مختلف نشان می‌دهد که روستای دربهشت بالاترین میانگین را دارا بوده و روستای ینگجه کمترین میانگین را داشته است. آزمون‌های آماری نیز نرمال بودن توزیع داده‌ها را تأیید کرده و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک را فراهم کرده است. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد میان شاخص‌های مختلف پیوند اجتماعی، "منحصر به فرد بودن رخدادهای بالاترین رتبه را داشته و "پیوند و همبستگی با ساکنین" کمترین رتبه را کسب کرده است. در نهایت، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان‌دهنده‌ی معنادار بودن تأثیر گردشگری مذهبی بر پیوندهای اجتماعی مهاجران در روستاهای مورد مطالعه است. این نتایج حاکی از آن است که رویدادهای مذهبی، علاوه بر ابعاد دینی و فرهنگی، می‌توانند نقش مهمی در انسجام اجتماعی و پایداری روابط میان مهاجران و جوامع روستایی ایفا کنند؛ براین اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه‌ی گردشگری از این فرصت برای توسعه‌ی پایدار جوامع محلی و تقویت پیوندهای اجتماعی بهره‌گیرند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برگزاری رویدادهای گردشگری مذهبی تأثیر معناداری بر پیوندهای اجتماعی مهاجران روستایی دارد. تحلیل داده‌های آماری بیانگر این امر است که

شاخص‌هایی مانند بازدید از اقوام و بستگان، افزایش علاقه به زادگاه، احساس تعلق به اجتماع و محیط، و تقویت روحیه‌ی اجتماعی بیشترین تأثیر را بر پیوندهای اجتماعی داشته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد چنین رویدادهایی، علاوه بر کارکردهای مذهبی، بستری مناسب برای تقویت ارتباطات اجتماعی، افزایش حس هویت بومی و مشارکت گردشگران در توسعه‌ی روستاها فراهم می‌کنند. تحلیل‌های آماری نیز بیانگر آن است که برخی از شاخص‌های مورد بررسی همچون اعتماد متقابل بین افراد و منحصر به فرد بودن رویداد، توزیع یکنواختی در بین پاسخگویان داشته‌اند و درک یکسانی از اهمیت آن‌ها وجود نداشته است. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تأثیر متغیرهای فردی و اجتماعی بر ادراک افراد از این شاخص‌ها باشد. با این حال، میانگین کل پیوندهای اجتماعی نشان‌دهنده‌ی تأثیر مثبت این رویدادها بر گردشگران مهاجر است. همچنین نتایج آزمون‌های مقایسه‌ای نظیر آزمون تی تک‌نمونه‌ای و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان روستاهای مختلف از نظر تأثیر این رویدادها بر پیوندهای اجتماعی وجود دارد. این امر می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، سطح توسعه‌ی روستاها و میزان مشارکت اجتماعی مهاجران باشد. در مجموع، نتایج پژوهش بر نقش مهم رویدادهای مذهبی در تقویت سرمایه‌ی اجتماعی، افزایش تعاملات اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی مهاجران تأکید دارد و پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزی جامع‌تری برای بهره‌برداری بهینه از این رویدادها انجام شود.

از دید جامعه‌شناسی، ایجاد همبستگی اجتماعی از طریق تقویت روابط درون جامعه از مهم‌ترین هدف‌های برگزاری رویدادهاست. همچنین بازدید و حضور در آیین‌های دینی توسط گردشگران، نه تنها محرک اقتصادی، بلکه اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود و کمک می‌کند تا مردم محلی، هم با فرهنگ خودشان و نیز فرهنگ و زبان گردشگران بیشتر آشنا شوند و منجر به پیوند گردشگر و مردم محلی شود و این تمایل به بازدید مجدد از رویداد را در بین گردشگران فراهم می‌کند. رویدادها، در سطح محلی، نیز موجب افزایش سرزندگی، رضایت و مشارکت در میان شهروندان می‌شوند. برگزاری رویدادهای مذهبی و ملی و ورزشی و غیره می‌تواند انگیزه‌ی گردشگری و سفر را برای مهاجرین روستایی ایجاد نماید و عامل پیوند و انسجام را تقویت بخشد؛

لذا یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش عالم و همکاران (۱۳۹۵) و سزارندویه و همکاران^۱، (2018) تطابق و هم‌سویی دارد؛ براساس یافته‌ها، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- توسعه‌ی زیرساخت‌های گردشگری روستایی: افزایش امکانات اقامتی، حمل‌ونقل و خدمات رفاهی برای جذب بیشتر گردشگران مذهبی و بهبود تجربه آنان توصیه می‌شود.
- برنامه‌ریزی مشارکتی: برگزاری جلسات مشورتی با ساکنین محلی و مهاجران برای مشارکت فعال در برنامه‌ریزی و مدیریت این رویدادها به افزایش حس تعلق اجتماعی کمک می‌کند.
- تقویت برنامه‌های فرهنگی و آموزشی: اجرای برنامه‌های آموزشی در زمینه حفظ هویت فرهنگی، تقویت پیوندهای اجتماعی و ترویج ارزش‌های اجتماعی و دینی در این رویدادها پیشنهاد می‌شود.
- ایجاد بسترهای حمایتی برای مهاجران: طراحی برنامه‌هایی برای افزایش سرمایه‌گذاری مهاجران در روستاها، از جمله ارائه‌ی تسهیلات اقتصادی برای ایجاد مشاغل پایدار و پروژه‌های اجتماعی.
- گسترش تبلیغات هدفمند: استفاده از ظرفیت رسانه‌های محلی و دیجیتال برای معرفی رویدادها و جذابیت‌های روستایی با هدف افزایش میزان مشارکت گردشگران و مهاجران.

در مجموع، توسعه و تقویت گردشگری رویدادها در روستاها می‌تواند یکی از استراتژی‌های مهم برای حفظ ریشه‌ی روستایی مهاجران و تقویت انگیزه‌های مهاجرت بازگشتی آنان به روستا باشد.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- احمدی، سودابه، صادقلو، طاهره، و شایان، حمید (۱۴۰۳). واکاوی تأثیر توسعه گردشگری در بازساخت نواحی روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان طرقله شاندریز). پژوهش‌های روستائی، ۱۵(۲)، ۲۶۰-۲۸۱.
- اسمعیلیان، سحر، و رنجبر، احسان (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطره جمعی. مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۶(۱۱)، ۱۸۱-۱۹۴.
- امیریان، فاطمه، ایرانی بهبهانی، هما و سلطان زاده، حسین (۱۳۹۶). شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آن‌ها در فضای زیسته. مدیریت شهری، ۱۶(۴۷)، ۴۷۵-۴۹۹.
- ایزدی، مریم، بهزادفر، مصطفی، و فخاری، ساره (۱۳۹۰). ارتقای هم‌پیوندی اجتماعی میان گردشگران و بومیان در شهرهای ساحلی. همایش گردشگری و توسعه پایدار. همدان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- آزاد، زهرا (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه میدین تهران در حفظ و ارتقای خاطره جمعی شهروندان. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، ۱(۴)، ۱-۱۲.
- بادکوب، بهروز، و حسنی، سمیه (۱۳۹۶). بررسی تأثیر حضور گردشگران بر محیط زیست شهرستان نور؛ از دید جامعه‌میزبان. میراث و گردشگری، ۲(۵)، ۱۰۹-۱۳۸.
- بذرافشان، مرتضی (۱۳۹۴). درآمدی بر صنعت گردشگری. تهران: مه‌کامه.
- جلیلیان، نگار (۱۳۹۴). امکان‌سنجی توسعه گردشگری رویداد و تأثیر آن بر تعدیل فصلی بودن مقصدهای گردشگری مطالعه موردی: شهر همدان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت جهانگردی). دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- چرغند، فرزانه، فیض‌آبادی، محمود (۱۳۹۴). در جستجوی فضای رویداد در شهرهای ایرانی اسلامی. کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- خوشه بست، فرزانه، جهانیان، منوچهر، و جاودان، مجتبی (۱۳۹۹). تحلیلی بر مؤلفه های مؤثر بر ادراک سازمان دهندگان از رویدادهای فرهنگی گردشگری نمونه موردی: رویداد بزرگداشت فردوسی. برنامه ریزی و آمایش فضا، ۲۵ (۱)، ۶۵-۹۵.
- رحمانی، خلیل (۱۳۸۹). ارزیابی عملکرد اماکن مذهبی در توسعه روستایی مطالعه موردی: روستاهای اورامان تخت، هجیج، نجار (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران، ایران.
- رضوانی، محمدرضا، و شاهچراغ، سیده محبوبه (۱۳۹۰). پیوندهای روستایی - شهری، شبکه های مهاجرت و توسعه روستایی (مورد مطالعه: ناحیه دهملا، استان سمنان). توسعه محلی (روستایی - شهری)، ۳ (۱)، ۱۰۷-۱۳۰.
- سجادپور، محمد کاظم (۱۳۸۴). چارچوب مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی مورد ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳ (۷۸)، ۹-۳۰.
- سجاسی قیداری، حمدالله، و سلیمانی، زهرا (۱۴۰۳). تحلیل ادراک و الگوی رفتاری گردشگران خارجی در مقاصد روستایی ایران. برنامه ریزی فضایی، ۱۴ (۲)، ۵۵-۹۲.
- سلیمانی، زهرا، سجاسی قیداری، حمدالله، شایان، حمید، سیفی، سیامک، و پورطاهری، مهدی (۱۴۰۲). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر خلق تجربیات بیادماندنی گردشگران (مقاصد روستایی استان خراسان رضوی). برنامه ریزی و توسعه گردشگری، ۱۲ (۱۷)، ۵۹-۸۹.
- شارپلی، ریچارد جولیا (۱۳۸۰). گردشگری روستایی (ترجمه رحمت الله منشی زاده). تهران: منشی.
- شاطریان، محسن، کیانی سلمی، صدیقه، و شیخ زاده، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی عوامل اثرگذار برانگیزه گردشگران رویداد درانتخاب مقصد گردشگری و اثر آن بر وفاداری گردشگران (مطالعه موردی: جشنواره گل و گلاب قمصر و نیاسر). فصلنامه علمی-پژوهشی گردشگری و توسعه، ۷ (۱)، ۱۳۵-۱۵۵.
- شیردل، الهام، و محمدی، مریم (۱۴۰۰). مطالعه کیفی شکل گیری احساس تعلق اجتماعی و تکرار جرم در مددجویان سابقه دار. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۰۰ (۲)، ۵۲۸-۴۹۹.

شیرمحمدی، یزدان، جلالیان، اسحاق، هاشمی باغی، زینب، و ترکاشوند، سعید (۱۳۹۸). بررسی تأثیر رویدادهای فرهنگی بر تصویر شناختی و عاطفی مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر کرج). برنامه ریزی و توسعه گردشگری، ۸ (۴)، ۱۴۷-۱۶۱.

صادقلو، طاهره (۱۴۰۱). بررسی سطح ادراک گردشگران از مخاطرات مقاصد روستایی و عوامل مؤثر در آن (مطالعه موردی: روستاهای هدف گردشگری شهرستان گرگان). گردشگری و توسعه، ۱۱ (۴)، ۲۲۵-۲۴۲.

عالم، سارا، وزیر، وحید، و رضایی شریف، علی (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر ارتقاء پیوند اجتماعی شهروندان با طراحی تئاترآیینی در محیطهای شهری (مطالعه موردی: اردبیل). نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۷ (۳۵)، ۱۹۱-۲۱۵.

عباسی، سعید، اقبالی، ناصر، و رجبی، آزیتا (۱۴۰۰). راهبردهای توسعه ای گردشگری مذهبی - تاریخی زنجان. فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۲ (۳)، ۱۲۳-۱۴۰.

لطفی خاچکی، بهنام (۱۳۸۷). گردشگری به مثابه یک صنعت. نشریه راهبرد، ۱۱ (۲)، ۱۷۱-۲۰۶. محمدپور، احمد، و شاهی زاده، رامین (۱۳۹۰). مطالعه مردم شناختی مراسم عاشورا در شهر اردبیل. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵ (۳)، ۱۲۶-۱۴۶.

موسوی بازرگان، جلال، و سپهرپور، فاطمه (۱۳۹۳). تجربه گردشگری و گرایش به مهاجرت مورد مطالعه: گردشگران خروجی از فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره). اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار. تهران: انجمن گردشگری ایران؛ موسسه ایرانیان؛ پژوهشکده گردشگری.

مهدوی، محمد صادق، و عباسی اسفجیر، علی اصغر (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی - خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان. پژوهش اجتماعی، ۱ (۱)، ۱۱-۴۵.

نورائی، همایون، و ستاری، نیکو (۱۳۹۶). تحلیل میزان رویدادمرداری مناطق ۱۵ گانه کلانشهر اصفهان با تاکید بر زیرساخت های رویداد. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۲ (۴)، ۴۵-۵۶.

نوری، هدایت الله، مرادی هوسین، نصرت، مرادی، کبریا، و پسندی، شیرکو (۱۳۹۶). تحلیلی بر میزان رضایت مندی گردشگران گل و گیاه در زمان های اوج ورود به شهرستان محلات.

نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۱(۶۰)، ۲۳۹-۲۶۱.

یوسفی، علی، موسوی، مهدی، و حسینی، آمنه سادات (۱۳۹۱). شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد مورد پژوهش: مهاجران ساکن شهرک گلشهر. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۱)، ۲۱۳-

۲۳۹.

Akgunduz, Yilmaz. & Coşar, Yeşim. (2018). Motivations of event tourism participants and behavioural intentions. *Tourism and Hospitality Management*, 24(2), 341-357. Doi: 10.20867/thm.24.2.4

Borges, A. P., Cunha, C., & Lopes, J. (2021). The main factors that determine the intention to revisit a music festival. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events*, 13(4), 1-22. doi: 10.1080/19407963.2020.1817051

Brunt, P., & Courtney, P. (1999). Host Perceptions of Sociocultural Impacts. *Annals of Tourism Research*, 3(26), 493-515. doi:10.1016/S0160-7383(99)00003-1

César Ndionea, L., Descrope, A., & Rémym, E. (2018). Migrants going back homeland for holidays: Rituals and practices of Senegalese migrants in France. *Annals of Tourism Research*, 70, 25-38. doi:10.1016/j.annals.2018.02.004

Cohen, E. (1988). Tourism and Aids in Thailand. *Annals of Tourism Research*, 15, 467-486. doi:10.1016/0160-7383(88)90044-8

Fytopoulou, E., Tampakis, S., Galatsidas, S., Karasmanaki, E., & Tsantopoulos, G. (2021). The role of events in local development: An analysis of residents' perspectives and visitor satisfaction. *Journal of Rural Studies*, (82), 54-63. doi: 10.1016/j.jrurstud.2021.01.018

Getz, D. (2008). Event tourism: definition, evolution, and research. *Tourism Manag*, 29 (3), 403-428. doi: 10.1016/j.tourman.2007.07.017

Gursoy, D., Kim, K., & Uysal, M. (2004). Perceived Impacts of Festivals and Special Events by Organizers: an extension and validation. *Tourism Management*, 25 (2), 171-181. doi: 10.1016/S0261-5177(03)00092-X

Jago, L. K. (1997). Special events and tourism behavior: a conceptualization and an empirical analysis from a values perspective, thesis of Doctor

Philosophy, Department of Hospitality, Tourism and Marketing Faculty of business in Victoria University.

- Krause, G. H. (1995). Tourism and waterfront renewal: assessing residential perception in Newport, Rhode Island, USA. *Ocean & Coastal Management*, 26 (3), 179-203. Doi:10.1016/0964-5691(95)00016-U
- Lee, T. H. (2013). Influence analysis of community resident support for sustainable tourism development. *Tourism Management*, 34, 37-46. doi:10.1016/j.tourman.2012.03.007
- Lennard, L. (1984). *places urban in life Place*. Godlier: Southampton.
- Nicholson, R., & Pearce, D. (2001). why do people attend events: A comparative analysis of visitor motivations at four South Island events. *Journal of Travel Research*, 39, 449-460. doi:10.1177/004728750103900412
- Savinovic, A., Kim, S., & Long, P. (2012). Audience Members' Motivation, Satisfaction, and Intention to Re-visit an Ethnic Minority Cultural Festival. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 29(7), 682-694. doi:10.1080/10548408.2012.720154
- Susic, V., & Dordevic, D. (2011). The place and role of events in the tourist development of the Southwest Serbia cluster. *Economics and organization*, 8, 69-81. <https://www.semanticscholar.org>
- Timothy, D. J., & Olsen, D. H. (Eds.). (2006). *Tourism, religion and spiritual journeys*. Routledge.

Table and Content

Presenting a Model for Organizational Performance Management in Iran’s Public Sector with an Electronic Governance Approach/ Ali Behdani, Zahra Rajaei, Nour-Mohammad Yaghoubi, Monireh Salehnia **9**

A Chronological Investigation of Prehistoric Pottery in the Qosheh Tut Region in Northeastern Iran/ Mahboubeh Rahmatzadeh, Maryam Zohouriyani, Meisam Nikzad, Hossein Koohestani, Bahram Anani **53**

Identifying and Analyzing Strategies for Enhancing Work-Family Balance Among Employees in Public Organizations in Birjand/ Mehdi Rashidi, Amirreza Rahimi, Fareshte Asadzadeh **87**

Presenting The Seeker’s Guide to the Rulings of Religion: Replies to Inquiries by Abu Taleb Qayeni/ Hamidreza Royaei, Maryam Hoseinaei **129**

Analysis and Feasibility Study of Ethnic and Indigenous Elements in Designing Appropriate Clothing Patterns for Primary School Students/ Shahrbanoo Dehroyeh, Maryam Hafezian, Zahra Hasani **149**

Ritual Event Tourism and The Social Connections of Rural Migrants with Their Ancestral Homeland: A Case Study of Villages in Neyshabur and Zebarkhan Counties/ Zahra Ghorbanalimarzgi, Hamdollah Sojasi Qeidari, Khadijeh Bouzarjomehri **187**



Referees of this Issue (In Alphabetical Order)

Fariba Afkari, Assistant Professor and Head of the Manuscripts Department, Iranian Studies Foundation

Morteza Ataei, Assistant Professor, University of Mazandaran

Maryam Aziminejad, Lecturer, University of Birjand

Mojgan Kheirollahi Aznavaleh, Assistant Professor, University of Birjand

Soleiman Heydari, Associate Professor, University of Shiraz

Fatemeh Nasiri, Assistant Professor, University of Mazandaran

Tahereh Sadeghlou, Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Zahra Shirzoor Aliabadi, Assistant Professor, University of Birjand

Zahra Alizadeh Birjandi, Associate Professor, University of Birjand

Hadi Pourshafei, Associate Professor, University of Birjand

Ebrahim Taghavi, Assistant Professor, Farhangian University of Birjand

Alireza Tashakorian Jahromi, Assistant Professor, University of Birjand

In The Name Of God

Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 73

ISBN 1735-8256

Fall 2024, 1st Number, 19th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Editor-in-Charge: Farkhunde, Ali

Editor-in-Chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive Manager: Ramezani, Mahmoud

Executive Manager: Zerang, Mahin

Editorial Board

1. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 2. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 3. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 4. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
 5. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 6. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 7. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 8. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 9. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 10. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
 11. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
-

Editor: Poursoltani, Somayeh

Translator and English Editor: Ameri, Saeed

Technical Affairs: Dastgerdi, Faezeh

Lithography & Press: New Media Magnifying Glass institute

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: General Office of Culture and Guidance, Shahid Mahallati Avenue, Birjand, South Khorasan Province

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: Farhangekhorasan@gmail.com

http://Farhangekhorasan.ir

This journal expresses the views presented in its published articles. Authors are solely responsible for the content of their writings, and translators are responsible for the accuracy of their translations. Materials submitted for publication will not be returned if deemed unsuitable. The journal reserves the right to edit or delete portions of submitted materials.

